

۴۸۲

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۳ تا ۱۹ مهر ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۴۸

سایه جنگ تحمیلی

جمهوری اسلامی ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۴۸ (۴۸۲)
جمعه ۱۳ تا ۱۹ مهر ۱۴۰۳
۴ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۲

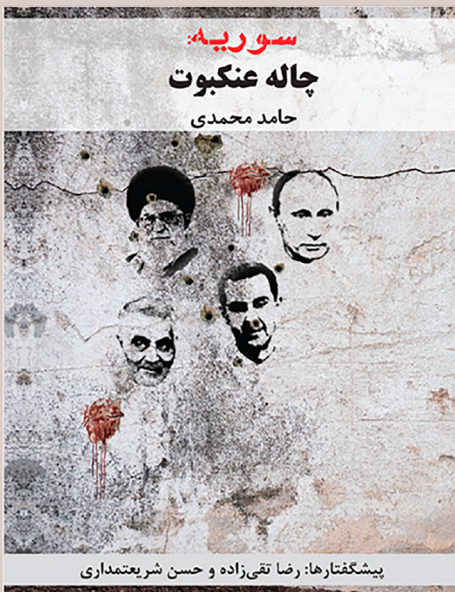


آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

بیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیهان

* فهرست مطالب *

سر مقاله - فرصت آخر برای همه؟! / الاهی بقراط ۴

تیر هفته - سایه جنگ تحمیلی جمهوری اسلامی بر ایران... / ۴-۵

سخنان شاهزاده رضا پهلوی در سومین «کنفرانس ایران» درباره «پروژه...» / ۶-۷

پرنسس نورد در گفتگو با «بنیاد خانواده رادرمن» (بخش ۱) ... / ۸-۹

شاهزاده رضا پهلوی: امروز زمان اتحاد بیشتر میان همه اقشار ملت برای پایان دادن به... / ۹

سومین «کنفرانس ایران» به میزبانی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» در... / ۱۰-۱۱

تعزیه آتمی... / خبراندیش (احمد/حرار) ۱۱

جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۵) - / مهناز افخمی ۱۲-۱۳

پیام بنیامین نتانیا هو به مردم ایران: نگذارید ملامها امیدهای شمارا نابود کنند... / ۱۴

حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل؛ خاورمیانه در آستانه یک جنگ؟! / ۱۵

شاهزاده رضا پهلوی: مردم ایران آماده تغییرند و تغییر در ایران به معنای یک... / ۱۶-۱۷

قطع سر اختاپوس وحشت: زمانی برای راهی از چنگال رژیم اسلامی... / بهرام فرخی ۱۸-۱۹

ایران و اسرائیل دوستانی بادشمن مشترک به نام رژیم جمهوری اسلامی... / امیرمقدم ۱۹

داریوش همایون؛ شهریوند مسئول و کشتگر... / احسن منصور ۲۰-۲۱

صدور کیفیخواست در امریکا علیه سه عضو سپاه پاسداران... / ۲۱

چه کسی مخفیگاه نصرالله را لو داد؟ منابع لبنانی: جاسوس ایرانی «سید حسن» را... / ۲۲

سه کشته در حملات زنجیره ای به مرزبان ها و ماموران نیروی انتظامی در... / ۲۳

عباس نیلوفر و شان فرمانده ارشد «سپاه قدس» در لبنان کشته شد... / ۲۳

توس آیت الله هاز دام اسر ایل؛ اسرائیل کاتر: رژیم ایران مثل تخم مرغ از... / ۲۴-۲۵

نتانیا هو: مردم ایران می خواهند از سر جمهوری اسلامی خلاص شوند، باید... / ۲۵

استفاده سپاه از «سپر انسانی» و سقوط موشک ها در مناطق مسکونی... / ۲۶-۲۷

وزیر خارجه اسر ایل: آنتونیو گوترش ننگی در تاریخ سازمان ملل است... / ۲۷

امانوئل ماکرون: فرانسه ظرفیت های نظامی خود را برای مقابله با تهدیدات... / ۲۸

آکسیوس: پاسخ اسر ایل به حمله جمهوری اسلامی با هدف فرار دادن تأسیسات... / ۲۸-۲۹

وزیر دفاع برتانیا: نیروهای مادر سرتکونی موشک هایی که به اسر ایل بر تاب شد... / ۲۹

خامنه ای پشت حزب الله را خالی کرد؟! / ۳۰-۳۱

مذاکرات بالاوروف در نیویورک به امید احیای برجام با «فرمول عراقچی»! / ۳۱

پس از شکار حسن نصرالله در بیروت؛ اسر ایل هواپیمای باری جمهوری اسلامی را... / ۳۲

پدر شوهر زینب سلیمانی و جانشین احتمالی حسن نصرالله کیست؟! / ۳۲-۳۳

چند کشته در حمله هوایی به پایگاه های «سپاه قدس» در عراق و سوریه... / ۳۳

بلا تکیلفی: «پناهجوی ایرانی پشت درهای بسته برای ورود به امریکا...» / ۳۴-۳۵

هشدار وزیر خارجه آلمان به عباس عراقچی در مورد ارسال تسلیحات از ایران به... / ۳۵

خط قرمز جدید: حمایت از گروه های تروریستی! حالا خامنه ای به سمت قتلگاه... / ۳۶

مار کور و ویوسنا تور جمهوریخواه: حذف حزب الله خدمت به بشریت است... / ۳۷

تنش در بازارهای داخلی در پی جنگ افزوری جمهوری اسلامی... / ۳۸

درخواست هواداران دولت برای رفع فیلتر روی هوا رفت... / ۳۹

پیام ظریف به ترامپ: «ما کسی را برای ترور شما نفرستاده ایم!»... / ۴۰

هشدار امنیتی امریکا به اسر ایل: جمهوری اسلامی آماده حمله موشکی علیه... / ۴۰-۴۱

حمله هوایی به یک ساختمان و ماشین نزدیک سفارت جمهوری اسلامی در دمشق... / ۴۱

رویترز: «حسن نصرالله در دسترس نیست!» کفن پوشان در تهران برای سلامت... / ۴۲

توس جمهوری اسلامی از سر نوشت خود: ضربات اسر ایل «اعتماد به نفس» را... / ۴۳

مزایده اموال «کوروش کمپانی» به ارزش ۲۰ میلیارد تومان... / ۴۴

تعلیلی برخی از بخش های بیمارستان های دولتی در پی کمبود پرستار... / ۴۵

نا ترازی عمیق انرژی در ایران: آغاز قطع گاز از نخستین روزهای پاییز... / ۴۶

سفره هایی که با گرانی فزاینده مواد خوراکی کوچک می شوند... / ۴۷

اصابت موشک سپاه به پایگاه هوایی «نوا تیم»... / احمد محمدی ۴۸-۴۹

مجید دیوانی عضو «سپاه قدس» در حمله هوایی اسر ایل به دمشق کشته شد... / ۴۹

پاییز آمد اما قطع برق بخش خانگی در همه ایران ادامه دارد... / ۵۰-۵۱

طرح ناکام احیای دریاچه ارومیه؛ بودجه کلانی که مشخص نیست کجا و چگونه... / ۵۱-۵۲

ادامه تراژدی معدنچو؛ از سنسوری که فقط برای بازرسان روشن می شد تا... / ۵۲-۵۳

یک رویداد هولناک: دختر تند رست ۱۷ ساله در میان معلولان ذهنی... / ۵۴

تداوم حاشیه های آثار فروری غیر قانونی در موزه ها... / ۵۵

مستاجر آن چگونه از تهران فراری شدند؟! / ۵۶

سیاست های ناکارآمد حکومت چگونه جوانان را از بازار کار فراری می دهد؟! / ۵۷

«چقدر آزادی در سر نوشت و انتخاب ما مهم است...»... / کایون حلاجان ۵۸-۵۹

رنگ های سنتی و چهره های سنت شکن... / ۵۹

دانی جان ناپلئون در لندن... / ۵۹

کنفرانس «نقش محوری زنان در آینده ایران» در بارسلون برگزار شد... / ۵۹

نمایش لباس های محلی افغانستان در لندن... / ۶۰

پیری معکوس ممکن است؟! / ۶۰

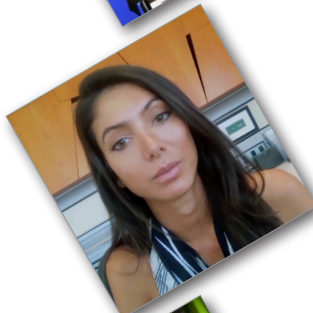
بدن پلاستیکی ما... / ۶۰

افزایش تقاضای باز نشستی پیش از موعد و تشدید بحران در تأمین اجتماعی... / ۶۰-۶۱

خبرهای کوتاه... / ۶۲-۶۳

پشت جلد - عکس هفته / زنان حامی جمهوری اسلامی و پاسدارانش... / ۶۴

بازنشر
بازنشر



فرصت آخر برای همه؟

این روزها کمتر دولتی است که چشم به رویدادهای خاورمیانه ندوخته باشد و کمتر ایرانی است که نداند آن نبرد نهایی که سرانجام می‌بایست روی دهد، نه اینکه بیش از پیش نزدیک می‌شود بلکه کشورشان در میانه‌ی آن قرار گرفته است. اما همانگونه که دولت‌ها مشغول حساب و کتاب و سنجیدن منافع خود در پیشبرد این نبرد و بررسی نتایج احتمالی آن به سود کشورهای خود هستند، ایرانیان شرایط ویژه‌ای دارند که دیگران با آن درگیر نیستند. در حالی که آن دولت‌ها برای حفاظت از امنیت ملت و منافع ملی خود



پایشان به این رویارویی کشیده شده اما ایرانیان گرفتار حکومت و دولتی هستند که نه تنها آنها را نمایندگی نمی‌کند بلکه تمامی خصوصیات یک قدرت اشغالگر را دارد.

با شکل گرفتن اعتراضات اجتماعی در ایران که می‌توان گفت جنبش ۸۸ برای نخستین بار هم داخل و هم خارج را متوجه برآمدن ظرفیت و نسل‌های جدیدی کرد که حقوق آنها با منافع رژیم حاکم بر ایران تناقض دارد، مسیر هر دو در جهت عکس ادامه داشته بطوری که خیزش ملی ۴۰۱ به یک انفجار اجتماعی کم‌نظیر تبدیل شد. با اینهمه جمهوری اسلامی همواره توانست با سرکوب و وحشیانه شعله‌های این جنبش‌ها، از جمله انقلاب ملی مهسا را خاموش کند بدون آنکه بتواند آتش آن را از بین ببرد.

جامعه به ویژه در سال ۹۶ تکلیف خود را با کلیت نظام تعیین کرده و مواضع خود را در سیاست داخلی با شعارهایی درباره همزیستی و آزادی و امنیت و رفاه و در سیاست خارجی با «نه غزه نه لبنان» و لگد نکردن پرچم آمریکا و اسرائیل و همچنین «پرچم فلسطین رو...» اعلام کرد. با اینهمه توان آن هیچگاه برای مقابله با رژیم اشغالگر کافی نبوده است. این را نیز مردم با هشیاری تشخیص داده بودند که در سال ۸۸ اوپاما رئیس جمهور وقت آمریکا را خطاب قرار داده و از او خواستند که مشخص کند با جمهوری اسلامی است یا با ملت ایران. با چه زبان روشن دیگری می‌شد اعلام کرد که این رژیم ایرانیان را نمایندگی نمی‌کند و کشورهای غربی می‌بایست تصمیم بگیرند که «با اونا» هستند یا «با ما»! این پیام داهیانه اما از سوی دموکراسی‌هایی که اکنون مورد تهدید جدی توسط اسلامگرایان و نیابتی‌های رژیم قرار گرفته‌اند، ناشنیده ماند.

اکنون به نظر می‌رسد سیاست غرب پس از آنکه مداخلات آنها با رژیم و عدم حمایت همه‌جانبه از مردم ایران به یک جنگ منجر می‌شود، تغییر کرده است! جنگی که عین تحریم‌ها، مسبب آن کسی جز جمهوری اسلامی نیست.

با تضعیف و یا حتی نابودی نیابتی‌های این رژیم تا زمانی که غرب نیز مانند برخی نیروهای سیاسی ایران و همچنین قشر موسوم به «خاکستری»، که هرچه گذشت کوچکتر شد، جایگاه خود را مشخص نکند، نه ایران و نه اسرائیل و نه منطقه و غرب روی آرامش نخواهند دید: استمرار مداخلات با یک جمهوری اسلامی ضعیف و یا تغییر شکل داده، یا سهم بودن در ایران آینده که به دموکراسی و صلح و همزیستی و حقوق بین‌الملل پایبند است؟

سایه جنگ تحمیلی
جمهوری اسلامی بر ایران

● اگر جنگ در غزه انتقاد بخش‌هایی از نیروهای سیاسی و مردم اسرائیل را به دنبال داشت، در رابطه با حمله به جمهوری اسلامی ایران در جامعه سیاسی و مدنی آن کشور توافق وجود دارد.

فقرات «محور مقاومت» است. برخلاف دیگر سازمان‌هایی که در این ائتلاف نظامی- تروریستی حضور دارند و پس از تشکیل زیر چتر جمهوری اسلامی برای دریافت کمک‌های مالی و تسلیحاتی قرار گرفتند، تصمیم تشکیل حزب‌الله در دفتر علی‌اکبر محتشمی‌پور سفیر وقت جمهوری اسلامی در سوریه گرفته شد. حزب‌الله از بدو تولد بازوی نظامی جمهوری اسلامی در جنوب لبنان در مرز با اسرائیل بود و هدف عمده از تشکیل آن انجام عملیات نظامی علیه اسرائیل است.

این اولین بار نیست که اسرائیل برای مقابله با شرارت‌های نظامی حزب‌الله جنگی گسترده با این گروه را آغاز می‌کند و قدم به خاک لبنان می‌گذارد. در سال ۱۹۸۲ میلادی نیز جنگ دیگری بین ارتش اسرائیل و نیروهای حزب‌الله آغاز شد که ۳۳ روز به طول انجامید و ارتش اسرائیل در جنوب لبنان تا سال ۲۰۰۰ باقی ماند. در آن سال‌ها حسن نصرالله، که در سال ۱۹۹۲ میلادی پس از ترور عباس الموسوی توسط اسرائیل به دبیرکلی این گروه انتخاب شد، گفته بود که اگر می‌دانست اسرائیل چنین واکنشی از خود نشان خواهد داد، این جنگ را آغاز نمی‌کرد. شاید به همین دلیل نیز حزب‌الله پس از حمله ۷ اکتبر سال گذشته میلادی واکنشی محدود نسبت به جنگ در غزه و در حمایت از حماس از خود نشان داد.

بحران داخلی در حزب‌الله

بحران در حزب‌الله نیز تازگی ندارد. مدت‌هاست ←

در این روزها بیش از چند هفته گذشته درباره احتمال آغاز جنگی فراگیر در خاورمیانه صحبت می‌شود. پرتاب ۱۸۰ موشک بالستیک از سوی جمهوری اسلامی به خاک اسرائیل، اگرچه بسیاری قبل از رسیدن به مقصد منهدم شدند، دلیل عمده این نگرانی است. البته تا زمان نگارش این گزارش هنوز اسرائیل با وجود تهدیدهای مقامات سیاسی و نظامی این کشور، از خود واکنشی نشان نداده است، ولی بعید نیست که در ساعات آینده حمله گسترده‌ای از جانب این کشور انجام پذیرد.

اگر جنگ در غزه انتقاد بخش‌هایی از نیروهای سیاسی و مردم اسرائیل را به دنبال داشت، در رابطه با حمله به جمهوری اسلامی ایران در جامعه سیاسی و مدنی آن کشور توافق وجود دارد. اگر حمله حماس در ۷ اکتبر سال گذشته میلادی نقطه سیاهی در تاریخ نیروهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل بود، قتل رهبران سیاسی و نظامی حزب‌الله شکستی فاحش برای جمهوری اسلامی است که با موشک‌پرانی جبران نمی‌شود.

تضعیف حزب‌الله و بحران در «محور مقاومت»

کشته شدن حسن نصرالله، که از سال ۲۰۰۶ به صورت مخفی زندگی می‌کرد، در حمله اسرائیل به یکی از دفاتر اصلی حزب‌الله در جنوب شهر بیروت، نه تنها ضربه محکمی علیه این گروه سیاسی- نظامی بود، بلکه می‌توان آنرا ضربه‌ای تأثیرگذار بر کل «محور مقاومت» و سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه به حساب آورد. حزب‌الله لبنان همراه با نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستون

بزنند. پیام اخیر بنیامین نتانیاهو خطاب به مردم ایران را می‌توان در همین رابطه ارزیابی کرد. طرح اسرائیل برای مقابله با حزب‌الله و غیرفعال ساختن بازوی نظامی این گروه، در هفته‌های گذشته تهیه نشده است. سال‌ها پیش، احتمالاً پس از خروج از جنوب لبنان

تردید داشت. البته خود مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم نیز به نوعی این انتقادات را پذیرفته است. آو پس از کشته شدن حسن نصرالله گفت «رهبران آمریکا و اروپا وعده داده بودند که در صورت عدم پاسخگویی به ترور شهید هنیه، آتس‌بس در غزه برگزار شود، ولی معلوم شد که

→ که در داخل این گروه، بخشی معتقدند که باید از یک گروه کاملاً نیابتی در خدمت جمهوری اسلامی تبدیل به حزبی بشوند که سیاست‌هایش را نه بر مبنای دستوراتی که از تهران دریافت می‌کند، بلکه بر مبنای اولویت‌های لبنان تعیین کند. این نظریه به ویژه پس از آخرین انتخابات



دروغ می‌گفتند.»

در سال ۲۰۰۰ میلادی، نیروهای امنیتی و نظامی اسرائیل به آماده کردن این طرح پرداختند و در هفته‌های گذشته تنها با بازنگری در آن تصمیم به اجراش گرفتند. طرح مقابله نظامی با جمهوری اسلامی نیز از سال ۲۰۱۹ میلادی آماده است. این طرح را در آن سال نفتالی بنت، که وزیر آموزش دولت وقت بود تهیه کرده است. نفتالی بنت که در سال ۲۰۲۱ به مدت یکسال ریاست دولت اسرائیل را نیز بر عهده داشت، همان زمان هم خواهان اجرای این طرح بود که البته با مخالفت نیروهای امنیتی و نظامی اسرائیل و همچنین آمریکا مواجه شد. این طرح که به نام «اختاپوس» شهرت دارد چندین گزینه برای حمله گسترده به جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد: حمله به تاسیسات نظامی (مانند حمله ۳۱ فروردین به سامانه دفاع هوایی ضد موشکی در حومه اصفهان)، حمله به زیرساخت‌های اقتصادی چون تاسیسات نفتی در عسلویه یا پایانه نفتی جزیره خارک، حمله به تاسیسات هسته‌ای مانند حملاتی که مراکز هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱ و سوریه در سال ۲۰۰۷ میلادی را ویران کردند.

در هر حال، جمهوری اسلامی در صورت حمله احتمالی اسرائیل و هرکدام از این گزینه‌ها مسئولیت جنگی را خواهد داشت که می‌تواند به زیرساخت‌های ایران خسارات فراوان وارد آورد و تلفات جانی برجای بگذارد. البته اگر بنیامین نتانیاهو از نیروهای امنیتی و نظامی کشورش بخواهد که رهبران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی را از میان بردارند، احتمالاً داستان دیگری رقم خواهد خورد که پایان آن می‌تواند متفاوت باشد.

موشک‌های جمهوری اسلامی و طرح «اختاپوس» اسرائیل
دستور علی خامنه‌ای برای موشک‌پرانی به سمت اسرائیل، پاسخی به این انتقادات و تلاش برای جلوگیری از گسترش بحران در «محور مقاومت» و «اعاده حیثیت» جمهوری اسلامی است که خطر ریزش در نیروهای نیابتی‌اش را نیز حس کرده است. جمهوری اسلامی، «محور مقاومت» و تلاش برای دستیابی به «پب اتمی» را ابزاری برای بازدارندگی از هر تلاش خارجی جهت تغییر نظام و بقای خود می‌داند و حاضر نیست تا زمانی که ضمانت‌های کافی برای بقای خود دریافت نکند، از این ابزار صرف نظر کند. در همین راستا نیز سخت‌نگران حمله نظامی گسترده اسرائیل است. این نگرانی‌ها را می‌توان به عوامل داخلی و خارجی تقسیم کرد. درگیری مستقیم با اسرائیل نه تنها به خاطر تفاوت فاحش قدرت نظامی برای جمهوری اسلامی خطرناک است، بلکه می‌تواند بلافاصله به تشکیل جبهه‌ای از کشور اروپائی و آمریکا در حمایت از اسرائیل بیانجامد. حمله موشکی اخیر جمهوری اسلامی به اسرائیل از سوی تمامی کشورهای غربی محکوم شده است. تشکیل این جبهه همزمان به گسترش تحریم‌ها بر علیه جمهوری اسلامی خواهد انجامید و ضربه مهلکی بر اقتصاد نیمه‌جان ایران وارد خواهد ساخت. تشدید بحران اقتصادی همزمان با درگیر ساختن کشور در یک جنگ جدید می‌تواند موقعیت مناسبی برای بازگشت معتزترین به خیابان‌ها باشد. اعتراض‌هایی که با توجه به درگیری‌های نظامی با یک کشور خارجی می‌توانند پایان رژیم را رقم

در لبنان در این سازمان هوادارانی پیدا کرده است. حضور در پارلمان و دولت، به گفته کسانی که خواهان فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی هستند، مسئولیت‌هایی را بر عهده حزب‌الله می‌گذارد که با تابعیت کامل از دستورات تهران نخواهد توانست به آنها عمل کند و در نتیجه انزوا در سطح جامعه لبنان را به دنبال خواهد داشت. پس از آغاز جنگ در غزه و به ویژه پس از ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس در تهران، حسن نصرالله از سوی بخش دیگری نیز تحت فشار قرار گرفت که جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند که به «جبهه مقاومت» پشت کرده است. یکی از رهبران این جناح پس از ترور اولین فرماندهان حزب‌الله به رسانه‌های لبنانی گفت «در حالی که ما شهدایمان را به خاک می‌سپاریم، رئیس‌جمهور ایران در نیویورک به دنبال مذاکره با دولت‌های غربی است.»

این مواضع در تهران هم تکرار شده‌اند. ابوالفضل ظهیر وند دیپلمات سابق جمهوری اسلامی و عضو کنونی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز چند روز قبل از حمله موشکی اخیر به اسرائیل گفته بود «اگر سعید جلیلی رئیس‌جمهور شده بود اسرائیل جرأت نمی‌کرد رهبر حزب‌الله را بکشد.» امیرحسین ثابتی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در همین رابطه مسعود پزشکیان را متهم کرد «فریب آمریکا را خورده است.» علی مطهری رئیس سابق مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است که «تعلل در پاسخ به ترور اسماعیل هنیه در تهران به اسرائیل جرئت داد حسن نصرالله را نیز ترور کند.» حسن خمینی نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی، نزدیک به اصلاح‌طلبان، هم ۲۴ ساعت قبل از حمله موشکی گفته بود «نباید در پاسخ

سخنان شاهزاده رضا پهلوی در سومین «کنفرانس ایران» درباره «پروژه شکوفایی ایران» و ۱۰۰ روز نخست پس از جمهوری اسلامی



HIH Reza Pahlavi
CROWN PRINCE

شاهزاده رضا پهلوی در سومین «کنفرانس ایران» به میزبانی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) / واشنگتن دی سی / پنجشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴

در واشنگتن دی سی نخست تحت تأثیر لابی‌های شرور جمهوری اسلامی و دوم از سوی گروه‌های حاشیه‌ای مطرح می‌شد. در عرض تنها چند سال، این دو گروه سودجو و برخوردار از حمایت مالی جمهوری اسلامی با چالشی از سوی یک گروه با امکاناتی به مراتب کمتر یعنی «نوفدی» روبرو شدند.

اکنون، سرانجام صدای واقعی و صادقانه‌ای برای ایرانیان در واشنگتن وجود دارد. باید به دستاوردهای آن افتخار کنید اما هنوز کارهای زیادی مانده که باید به سرانجام برسد.

چالش امروز ما در مبارزه برای آزادی ایران نه تنها سیاسی بلکه اقتصادی نیز هست. این مبارزه نه تنها برای رهایی مردم از سرکوب سیاسی، بلکه شامل رهایی از زنجیرهای فقر نیز می‌شود.

به همین دلیل خوشحالم که در رابطه با «پروژه شکوفایی ایران» و برنامه و مسیر بازسازی اقتصادی کشورمان صحبت می‌کنم.

نزدیک به نیم قرن پیش، خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی، صراحتاً استراتژی اقتصادی ایران را با بیان اینکه «اقتصاد مال خر است» مشخص کرد.

این جهل و تکبر او، فراتر از توحش و تحرش، زندگی میلیون‌ها ایرانی را ویران کرد و جهان را از یک شریک تجاری ارزشمند و بازاری نویدبخش و یک اعتباردهنده قابل اعتماد محروم ساخت.

امروز باید ایران کره جنوبی خاورمیانه می‌بود اما در عوض تبدیل به کره شمالی منطقه شده است. آمار تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۷ سرانه درآمد ملی ایران بیش از دو برابر سرانه درآمد در کره جنوبی بود. امروز اما سرانه درآمد کره جنوبی هفت برابر ایران است و به شکل ناگواری، تولید ناخالص ←

تأمین مالی ترور، مرگ و نابودی در منطقه، می‌توانیم از آن برای مردم کشور خود و بازسازی کشورمان و ایجاد تنوع اقتصادی بلند مدت بهره ببریم.»

● سقوط جمهوری اسلامی پایان کار نیست بلکه آغاز رنسانس ایران خواهد بود. این همان چیزی است که من به همراه کارشناسان و رهبران تجاری وقتی که دوره انتقالی فرا برسد برای آن برنامه‌ریزی کرده‌ام و برای تحقق آن تلاش می‌کنم.»

شاهزاده رضا پهلوی در سومین کنفرانس سالانه «ایران» که به میزبانی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن در حال برگزاری است به عنوان «سخنران اصلی» شرکت کرد.

سومین «کنفرانس ایران» در روزهای جمعه و شنبه، ۲۶ و ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴، برابر با پنجم و ششم مهرماه ۱۴۰۳ در واشنگتن دی سی برگزار می‌شود. در این کنفرانس کارشناسان و تحلیلگران و فعالان مدنی و سیاسی و اقتصادی از طیف‌های متفاوت سیاسی در پنل‌های مختلف حضور پیدا کرده و درباره ایران و سیاست ایران به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در بعد از ظهر جمعه ۲۶ سپتامبر ایراد شد که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید: خانم‌ها و آقایان، عصر بخیر. دکتر رزم‌زن، دکتر گنجی، اعضای هیئت مدیره «نوفدی» از اینکه مرا دعوت کردید سپاسگزارم.

بسیار خوشحالم که بار دیگر در کنار شما هستم و برای نخستین بار در کنفرانس «ایران» سخنرانی می‌کنم.

در ابتدا می‌خواهم از «نوفدی» به دلیل پیشرفت‌های چشمگیری که در چند سال گذشته داشته قدر دانی کنم. تا همین پنج سال پیش گفتگوهای مربوط به «ایران»

● «چالش امروز ما در مبارزه برای آزادی ایران نه تنها سیاسی بلکه اقتصادی نیز است. این مبارزه نه تنها در پی رهایی مردم از سرکوب سیاسی، بلکه رهایی از زنجیرهای فقر نیز می‌باشد.»

● «نزدیک به نیم قرن پیش، خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، صراحتاً استراتژی اقتصادی ایران را با بیان اینکه «اقتصاد مال خر است» مشخص کرد. البته که نباید از منابع نفت و گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی را چشم‌پوشی کنیم. اما بجای استفاده از آن برای تأمین مالی ترور، مرگ و نابودی در منطقه، می‌توانیم از آن برای مردم کشور خود و بازسازی کشورمان و ایجاد تنوع اقتصادی بلند مدت بهره ببریم.»

● «من برخلاف خمینی به شما وعده آب و برق و اتوبوس مجانی نمی‌دهم. آنچه من وعده آن را به شما می‌دهم، چشم‌اندازی است که بر اساس مشاوره‌های مداوم با اقتصاددانان برجسته و رهبران موفق تجاری شکل گرفته است.»

● «من بسیار خوشحالم که اینجا هستم تا از مرحله اول «پروژه شکوفایی ایران» رونمایی کنم. این تیم از اقتصاددانان و کارشناسان حوزه‌های مختلف بیشتر از حرف و فلسفه‌بافی صرف درباره مشکلات اقتصاد ایران، راه‌حل‌های قابل اجرا و مشخص ارائه می‌دهند.»

● «می‌توانیم با استفاده از ارتباطات اساتید برجسته ایرانی در غرب با بسیاری از دیگر دانشمندان و محققان برجسته دانشگاه‌های خود را از مراکز برای شستشوی مغزی جوانان و تفکیک جنسیتی زنان، به مرکز پیشرو تحقیقات جهان تبدیل کنیم.»

● «نبايد از منابع نفت و گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی را چشم‌پوشی کنیم. اما بجای استفاده از آن برای

از کرامت انسانی و شئون اولیه‌ای که ضرورت کارشان است، محروم مانده و درآمد آنها متناسب با تلاش‌ها و در خور آنان نیست.

اصلاحاتی که در «پروژه شکوفایی ایران» (IPP) بطور برجسته به تصویر کشیده شده است، از چنین جنایاتی در حق کارگران ایرانی جلوگیری خواهد کرد. تنها رفاه مردم نیست که ضرورت و لزوم چنین بازسازی اقتصادی را برجسته می‌کند بلکه امنیت شهروندان و ثبات منطقه را نیز در بر می‌گیرد.

در طول زمان بارها و بارها ثابت شده که دولت‌هایی که قادر به فراهم ساختن فرصت‌ها و چهارچوب‌های کاری برای رشد و شکوفایی شهروندان خود نیستند، نمی‌توانند به دموکراسی پایدار دست پیدا کرده و امنیت خود را پایدار نگه دارند. برنامه ارائه شده توسط «پروژه شکوفایی ایران» (IPP) و مسیری که برای بازسازی اقتصادی طراحی کرده‌ایم می‌تواند دموکراسی را که به دنبال آن هستیم برای ما تضمین کند.

دوستان عزیز، این فرصتی است که هم مردم ایران و هم مردم جهان می‌توانند از آن برخوردار شوند. اما برای این کار ابتدا جمهوری اسلامی باید برود زیرا در دو دهه گذشته ایران شاهد هیچگونه رشد اقتصادی چشمگیری نبوده است. این امر قابل قبول نیست و به همین دلیل است که برنامه و نقشه‌ی راه برای ما حیاتی است.

همانگونه که هفته گذشته در سخنان خود در اجلاس شورای اسرائیلی-آمریکایی بیان کردم ما به دنبال مشارکت و همکاری با جهان هستیم و این همکاری تنها محدود به عرصه سیاست نیست. زمانی که ایران دوباره فرصت را به دست آورد، بار دیگر به دنبال مشارکت در سرمایه‌گذاری، تجارت و بازرگانی خواهد بود. این مسیری است که پیش روی ما قرار دارد. این همان مسیری است که به واسطه آن می‌توانیم کشور خود را بازسازی کرده و با جهان ارتباط برقرار کنیم نه به واسطه یاوه‌گویی‌های نخ‌فاشده‌ای که مهره‌های خامنه‌ای مانند آقای پزشک‌پس با اعزاز به نیویورک در این هفته تحویل دادند.

ایران نه تنها آماده تغییرات بنیادین است بلکه ایرانیان جان خود را به خطر می‌اندازند تا این تغییرات را تحقق بخشند. زمان آن فرا خواهد رسید و آن هنگام فرصتی تاریخی و حتی مسئولیت بزرگتری برای ایرانیان مهاجر (دیاسپورا) به همراه خواهد داشت.

در پایان می‌خواهم خطاب به آنها و شمایی که امروز در اینجا گرد آمده‌اید به نکته‌ای اشاره کنم. پس از جنگ جهانی دوم و ویرانی اروپا توسط نیروهای متحدین، ایالات متحده آمریکا «طرح مارشال» را برای بازسازی این قاره ارائه کرد.

ایران نیز بعد از ویرانی‌هایی که جمهوری اسلامی به بار آورده به یک «طرح مارشال» نیاز خواهد داشت.

سقوط جمهوری اسلامی پایان کار نیست بلکه آغاز رنسانس ایران خواهد بود. این همان چیزی است که من به همراه کارشناسان و رهبران تجاری وقتی که دوره انتقالی فرا برسد برای آن برنامه‌ریزی کرده‌ام و برای تحقق آن تلاش می‌کنم.

ایران چه برای ایرانیان داخل کشور، چه برای ایرانیان خارج کشور و چه برای سرمایه‌گذاران خارجی بعد از نزدیک به پنج دهه آماده تجارت خواهد بود. این پروژه فقط برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست؛ این پروژه برای ساختن ایران است.

به زودی ما خواهیم توانست کشور بزرگمان را بازسازی کنیم.

از شما سپاسگزارم

هستم تا از مرحله اول «پروژه شکوفایی ایران» روغایی کنم. این تیم از اقتصاددانان و کارشناسان حوزه‌های مختلف بیشتر از حرف و فلسفه‌بافی صرف درباره مشکلات اقتصاد ایران، راه‌حل‌های قابل اجرا و مشخص ارائه می‌دهند.

همانگونه که در صحبت‌های سخنرانان شنیدیم، در مرحله نخست پروژه که به تازگی تکمیل شده است، آنها برنامه‌های ضروری تثبیت مالی و اجتماعی در ۱۰۰ روز نخست بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی را تدوین کرده‌اند.

به زودی آنها تدوین دومین مرحله از این پروژه را با تمرکز بر دوره انتقال و تثبیت سیاسی و قانونی آغاز خواهند کرد. مرحله سوم بر بازسازی بلندمدت اقتصادی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری متمرکز خواهد بود.

بر اساس آنچه «پروژه شکوفایی ایران» (IPP) در مراحل بعدی کار خود مستند خواهد کرد، ایران احتمالاً آخرین بازار نوظهور مهم در جهان باشد؛ با برخورداری از ۸۵ میلیون نفر جمعیت جوان، تحصیلکرده و بااستعداد، این کشور در جستجوی سرمایه‌گذاری و سرشار از فرصت‌های فراوان است.

امروز در سرتاسر جهان و تمامی عرصه‌ها، ایرانیان در حال مدیریت برخی از بزرگترین شرکت‌های پیشرو و موفق هستند و این افراد استثنا نیستند. ایرانیان مهاجر همواره در میان بالاترین سطوح تحصیلی و پردرآمدترین گروه‌ها قرار دارند. این توانایی طبیعی همراه با انگیزه و اشتیاق نسل جوان امروزی ایرانیان داخل کشور که از بسیاری از فرصت‌ها محروم بوده‌اند، می‌تواند ما را به یکی از پیشرفته‌ترین کشور استارت‌آپی تبدیل کند.

می‌توانیم با استفاده از ارتباطات اساتید برجسته ایرانی در غرب با بسیاری از دیگر دانشمندان و محققان برجسته، دانشگاه‌های خود را از محلی برای شستشوی مغزی جوانان و تفکیک جنسیتی زنان، به مراکز پیشرو تحقیقات جهان تبدیل کنیم.

کشور پهناور ما از سواحل دریای کاسپین تا دشت‌های دیلم، از ارتفاعات پر برف سهند و سلوان در آذربایجان تا کوه‌های سراسر سبز زاگرس در کردستان، از دشت‌های بلوچستان تا رودخانه اروند در خوزستان، از صحرای خراسان و کرمان تا روستاها و شهرهای ساحلی خلیج فارس ایران می‌تواند به قطب گردشگری جهان و منطقه تبدیل شود.

البته که نباید از منابع نفت و گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی چشم‌پوشی کنیم. اما بجای استفاده از آن برای تأمین مالی ترور و مرگ و نابودی در منطقه، می‌توانیم از آن برای مردم کشور خود و بازسازی کشورمان و ایجاد تنوع اقتصادی بلندمدت بهره ببریم.

ارزشمندترین منبع بکر ایران، نفت نیست بلکه استعداد و انگیزه مردم آن است و همه مردم باید بتوانند رشد کنند. بازسازی اقتصادی از اهمیت فوق‌العاده زیادی برای مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته کشورمان از کردستان تا سیستان و بلوچستان و خوزستان و لرستان و کرمانشاه برخوردار است.

این استان‌ها و ایرانیانی که این مناطق را خانه خود می‌دانند، ۴۵ سال است که از فرصت‌های ابتدایی اقتصادی محروم مانده‌اند. در ایران آزاد این شرایط نباید ادامه پیدا کند. ثروت ملی و فرصت‌های ما باید در خدمت تمام مردم ایران باشد.

علاوه بر آن، فجایعی همچون انفجار اخیر معدن طبس که منجر به کشته شدن دست‌کم ۵۰ تن از کارگران این معدن شد، در ایران بسیار بیش از حد معمول رخ می‌دهد. کارگران هر روز جان خود را به خطر می‌اندازند اما همچنان

داخلی واقعی سرانه ایران هرگز به میزان پیش از انقلاب نرسیده است. در پیامد سیاست‌های فرقه‌ای که معتقد به تعلق اقتصاد به چهارپایان بوده‌اند، ایران از انقلاب دیجیتال و انقلاب اینترنتی و عصر جهانی شدن جا مانده و اکنون در حال از دست دادن فرصت‌های دوران هوش مصنوعی هستیم.

علاوه بر فرصت‌های از دست رفته نوین، ایران مزایای طبیعی خود را نیز از دست داده و جایگاه پیشرو در حوزه انرژی را از دست داده است. از زمانی که تأمین‌کننده مهم انرژی در ۵۰ سال پیش بودیم، رسیده‌ایم به امروز که ایران تنها یک بازیگر حاشیه‌ای است. اقلیت فاسدی بهره‌مند شده‌اند و اکثریت مردم در فقر زندگی می‌کنند. اما هنوز جای امیدواریست. در حقیقت چیزی بیش از امیدواری.

من برخلاف خمینی به شما وعده آب و برق و اتوبوس مجانی نمی‌دهم. آنچه من وعده آن را به شما می‌دهم، چشم‌اندازی است که بر اساس مشاوره‌های مداوم با اقتصاددانان برجسته و رهبران موفق تجاری شکل گرفته است. دانش و تخصص آنهاست که به من کمک کرده تا اصولی را که پایه‌گذار اقتصاد ما در ایران سکولار و دموکراتیک باشد، ترسیم کنم:

نخست، در یک سیاست‌گذاری اقتصادی باید به شهروندان اعتماد کرد تا تصمیماتی مبتنی بر منافع خود بگیرند.

دوم، دولت باید فرصت‌های برابر برای شکوفایی تمامی شهروندان فراهم سازد.

سوم، سیاست‌ها باید با تقویت مسئولیت فردی و نوآوری افراد را توانمند سازند.

چهارم، اقتصاد پویا با احترام به مالکیت خصوصی و حفاظت از آن در برابر مداخله [دولت] وابسته است.

پنجم، ساز و کار بازار باید تا حد ممکن راهنمای توافق‌های اقتصادی میان شهروندان باشد.

ششم، دولت باید با اطمینان از امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد محیط کسب و کار مناسب، موانع را از سر راه کارآفرینان داخلی بردارد و شرایط مطلوب برای آنها را فراهم کند.

هفتم، کنترل تورم نیازمند انضباط مالی و نیز برقراری یک بانک مرکزی مستقل است.

هشتم، موانع مشارکت زنان در بازار کار باید برداشته شود.

نهم، تولید و بهره‌وری باید موتور محرک رشد اقتصادی باشد که با ارتقاء سرمایه انسانی و برخورداری از تکنولوژی و فناوری ممکن می‌شود.

دهم و در نهایت، ایران باید به اقتصاد جهانی بازگردد و شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم سازد.

هم‌اکنون پروتکل، مجامع و سازمان‌های بین‌المللی وجود دارند که می‌توانند چارچوب لازم برای ورود سریع و موثر ایران به بازار جهانی را فراهم کنند، از جمله گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، مشارکت بین‌المللی بودجه (IBP)، سازمان جهانی کار، آژانس چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری (MIGA)، و همچنین موسسه داوری استکهلم (SCC).

برای بازسازی اقتصادی و بازگرداندن ایران به چرخه شکوفایی و احیای آن، ایران نیازی به اختراع دوباره‌ی چرخ ندارد بلکه می‌توانیم با استناد به اصول اقتصادی که به دیگر کشورها و منطقه کمک کرده به احیای اقتصادی دست پیدا کنیم.

برای دستیابی به این هدف، هم مردم کشورمان و هم ضرورت‌های اجرایی، نیازمند یک نقشه راه برای بهبود شرایط اقتصادی و بازسازی ملی کشور هستند.

به همین دلیل است که من بسیار خوشحالم که اینجا

پرنسس نور در گفتگو با «بنیاد خانواده رادمن»: (بخش ۱)

حق مردم ایران است که خودشان انتخاب کنند چه کسی بر کشورشان حکومت کند

- او یک فرد بسیار خاص است. به گمانم پیامی که او برای من در دوران نوجوانی ام داشته این بوده که اطمینان حاصل کند که من فرهنگ ایران را به درستی یاد گرفته‌ام و آنچه مردمان ایران در حقیقت هستند، مهمان‌نوازی، هوش، هنر و آموزش آنان و حقیقت مردمان را در زمانی که آنجا بوده و هنوز هم در جریان است، غنا و گرمای این فرهنگ را به درستی درک کرده‌ام. فراتر اینکه یاد گرفتم که با تمام موجودات زنده از درخت بگیر تا حیوانات با مهربانی و احترام برخورد کنم و هرگز به مادیات اهمیت ندهم. فکر می‌کنم این ویژگی ناشی از خروج او از ایران با همان لباس‌های جین و آلبوم عکس‌هایش بوده و او را به سمتی سوق داده که هرگز درباره آنچه از آن برخوردار بوده صحبت نمی‌کند. او در زمان حال زندگی می‌کند و قدردان خانواده خود و عشق و علاقه به مردمانی است که هنوز هم از داخل ایران با او در ارتباط هستند و به او عشق می‌ورزند. وقتی به او نگاه می‌کنم، آنچه از او یاد می‌گیرم وقار و صبوری او در مواجهه با از دست دادن غیرقابل تحمل کشورش است؛ و بعد از آن، از دست دادن همسر و بعدها خودکشی دو تن از فرزندانش. من فکر می‌کنم جایگاه خانواده من خدمت به هموطنانشان است که فراتر از رنج شخصی است که یک فرد می‌تواند در زمان‌هایی

با جزئیات درباره برداشت‌های نادرست موجود در آمریکا در مورد اتفاقاتی که در آن زمان رخ داده بود، و نقش آمریکا در انقلاب و عذرخواهی برخی مقامات دولت کارتر به دلیل پشت کردن به شاهنشاه آنهم وقتی که بیش از هر زمان دیگری به آنها احتیاج داشته است برایم توضیح داد. فکر می‌کنم که آن گفتگو که طی آن درباره اقداماتی که او برای کشور ایران و مردم خود، در آن دوران، برای خانواده‌ها، برای محیط زیست، برای بهبود اوضاع اقتصادی، و برای دورغای کشوری انجام داد که تنها به نفت و سوخت‌های فسیلی متکی نباشد بلکه به حفاظت از آنها به عنوان منابعی ارزشمند بپردازد که مردم را از روستاها به شهرها آورده و دسترسی آنها به آموزش را توسعه بخشیده، افراد را به خارج کشور اعزام کرده تا به منابع و دانش کشورهای دیگر دسترسی پیدا کنند و آن را به کشور انتقال دهند. واقعا تلاش بسیاری داشت که ایران را در تمدن جهانی ادغام کند و پلی بین ایران و جهان بزند. به نظر من اگر او این روزها را می‌دید، اینکه ایران به روزی گرفتار شده که در مغایرت کامل با چشم‌انداز و برنامه‌هایی است که او در ذهن خود داشت، مأیوس می‌شد. خب، حکومتی است که دلت نمی‌خواهد پاسپورت آن را داشته باشی؛ حکومتی که

● «برای مردمانی که هیچ آشنایی با ایران ندارند، بسیار مهم است که بدانند از این حکومت باید تنها به عنوان اشغالگر نام برد. آنها نه غایبند مردم ایران بلکه غایبند بنیادگرایی اسلامی هستند که خواهان صدور و تحمیل و تکثیر آن در داخل و خارج هستند.»

● «من می‌خواهم به آمریکایی‌ها بگویم که اگر گمان می‌کنید که دست رژیم ایران به شما نخواهد رسید، اشتباه می‌کنید و بهتر است دوباره فکر کنید؛ اگر اوضاع به همین شکل ادامه پیدا کند و هیچ حمایتی از مردم ایران برای دستیابی به آزادی که از آنها گرفته شده صورت نگیرد، آنگاه این تنها مشکل مردم ایران نخواهد بود و روزی در خانه شما را نیز خواهد زد.»

«بنیاد خانواده رادمن» به عنوان یک نهاد خصوصی در سال ۲۰۰۲ در شهر بوستون ایالت ماساچوست ایالات متحده تاسیس شد. فعالیت این بنیاد که عمدتاً در آمریکا و اسرائیل جریان دارد در حوزه‌های بشردوستانه مانند پشتیبانی از افراد دارای معلولیت و تقویت حضور آنها در جامعه و همچنین تحکیم روابط اسرائیل و آمریکا و جامعه یهودیان ایالات متحده است. جی رادمن ریاست این بنیاد و همسرش شیرا مدیریت اجرایی آن را بر عهده دارند.

جی رادمن به تازگی در کانال یوتیوب این بنیاد به گفتگو با پرنسس نور پهلوی فرزند ارشد شاهزاده رضا پهلوی پرداخت که سه‌شنبه ۱۰ مهرماه (یکم اکتبر ۲۰۲۴) پخش شد. «بنیاد رادمن» در همین ارتباط نوشته است که پرنسس نور پهلوی با الهام از میراث پدر بزرگ خود به همراه مادر بزرگش، شهبانو فرح، از همان دوران کودکی با مسئولیت‌ها و وظایف مدنی آشنا شد و تصمیم گرفت از موقعیت ویژه‌ای که دارد استفاده کند تا صدایی جهت تغییرات مترقی برای مردم ایران باشد.

پرنسس نور در این گفتگو از مسیر متمایز خود برای تداوم میراث خانواده‌اش با حمایت از استقرار یک ایران دموکراتیک صحبت می‌کند. وی همچنین از مبارزات و مقاومت زنان ایران و پشتیبانی خود از برابری جنسیتی و ضرورت دسترسی بهتر زنان به مراقبت‌های بهداشتی سخن می‌گوید. متن فارسی این گفتگو را که توسط کیهان لندن ترجمه شده در ادامه می‌خوانید.

● پدر شما به عنوان ولیعهد نهاد و حامی دموکراسی برای ایران و ایرانیانی است که در داخل و خارج کشور زندگی می‌کنند. در طول زندگی از کودکی چه چیزهایی درباره پدر بزرگتان، شاهنشاه، شنیدید و یاد گرفتید؟

- من بیش از آنکه درباره کارهایی که انجام داد شنیده باشم، درباره اینکه او چه شخصیتی بوده شنیده‌ام. به من گفته می‌شد که فردی بود که آرام و ملایم صحبت می‌کرد، همسرش را بسیار دوست داشت، سگ‌هایش را دوست داشت، فرزندانش رو دوست داشت، معده حساسی داشت، کم‌توقع بود، از درون رنج می‌کشید و نسبت به افکار و احساسات مردم‌اش حساس بود. چیزهای زیادی شنیدم. یک معلم در دوران دبیرستان داشتم که از مقامات دولت کارتر بود و روزی را به خاطر دارم که در کلاس حرفی را شنیده بودم که وقتی به خانه برگشتم و از مادر بزرگم سوال کردم، او که خیلی سریع واکنش نشان نمی‌دهد و من هرگز ندیده‌ام که در یک گفتگو بهم بریزد و خشمگین شود، همه چیز را



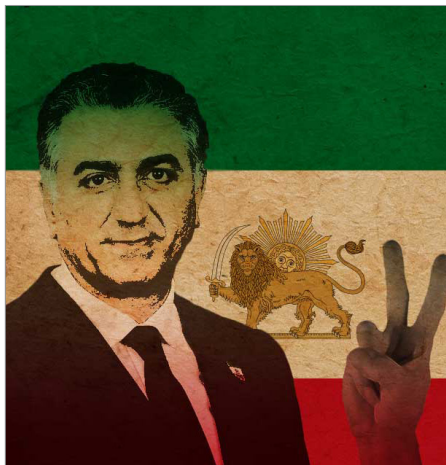
پرنسس نور در گفتگو با «بنیاد خانواده رادمن» / ۱ اکتبر ۲۰۲۴

با آن مواجه شود و نیز هدفی بزرگتر که برای آن می‌جنگند. به نظرم مادر ایران بودن او را از سختی‌هایی که در زندگی شخصی‌اش با آنها روبرو شده عبور داده و من او را درک می‌کنم. مایه افتخار است که در این موقعیتی که قرار داریم به دیگران کمک کنیم و موجب تغییر شویم. و این چیز است که او برای رسیدن به آن تلاش کرده است.

● شخصیت زیبایی به نظر می‌رسد. می‌خواهم درباره رژیم حاکم بر ایران صحبت کنم. برداشت شما از آنها چیست؟ و به نظرتان هدف‌شان چیست؟ من انقلاب را به خاطر می‌آورم و می‌دانم که ایران کشور نسبتاً مدرنی بود و چشم‌انداز مدرنی داشت و مردمانی که شاد بودند. ولی امروز شاهد رژیم جمهوری اسلامی هستیم که نه تنها سرکوبگر است بلکه در کار گسترش تروریسم نیز بوده و مشکلاتی را در منطقه و جهان به وجود آورده. من

از آن می‌ترسی؛ حکومتی که مردم خود را با گلوله می‌گشود؛ دسترسی به اینترنت را قطع کرده و مانع از هر آنچیزی می‌شود که در راستای ایدئولوژی سختگیرانه‌ی آن نیست. پدر بزرگ من می‌خواست که صدای اقلیت‌ها شنیده شود، نسبت به یهودیان و سایر مذاهب بسیار روادار بود و با آغوش باز از تمام کسانی که در دولت، در پیشبرد موسسات آموزشی و کسب و کارها حرفی برای گفتن داشتند استقبال می‌کرد. و به عقیده من اگر قوانینی را که امروز اجرا می‌شوند و زندگی مردم را در داخل ایران برای زنان، برای اقلیت‌های مذهبی و جنسیتی می‌دید یکبار دیگر می‌مرد.

● می‌خواهم راجع به مادر بزرگتان شهبانو فرح پهلوی سوال کنم. از تاثیری که او بر شما به لحاظ مُد و یا همچنین حمایت از مردم ایران داشته. اینهمه در دوران نوجوانی چه پیامی به شما می‌داد؟



شاهزاده رضا پهلوی: امروز زمان اتحاد بیشتر میان همه اقشار ملت برای پایان دادن به این کابوس ۴۵ ساله است

ملت بزرگ ایران،

خامنه‌ای و رژیم‌اش با چهار دهه حمایت از گروه‌های تروریستی و دامن زدن به جنگ‌های نیابتی در منطقه، ایران عزیزمان را به آستانه جنگی مستقیم کشانده‌اند. حمله موشکی امشب رژیم جمهوری اسلامی به اسرائیل، به صراحت اعلام جنگ علیه آن کشور و در حقیقت، اعلام جنگ علیه ملت ایران بود.

سال‌هاست به کسانی که همچنان به امید اصلاح و تغییر رفتار این رژیم هستند و هربار فریب بازی «اصلاح‌طلب» و «میانه‌رو» را می‌خورند، هشدار داده‌ام: در این رژیم، اصلاح‌طلبی و میانه‌روی معنایی ندارد. بحران‌سازی و جنگ‌افروزی، در ذات و بنیان آن است. ماهیت این رژیم ضد منافع ملی ایران و مخالف صلح، ثبات، و امنیت بین‌المللی است. می‌دانم که بیشتر رهبران جهان و منطقه میان رژیم ضدایرانی جمهوری اسلامی و مردم صلح‌دوست ایران تفاوت قائل‌اند. این جنگ، جنگ مردم ایران نیست؛ این جنگ

خامنه‌ای است. مسئولیت کامل این جنون بر عهده رژیم جمهوری اسلامی و شخص خامنه‌ای است، و آنها نیز باید پاسخگوی پیامدهای آن باشند.

به آن بخش از نیروهای نظامی که دل در گرو ایران دارند می‌گویم: این، جنگی ملی-میهنی نیست. قربانی جاه‌طلبی‌های آخرالزمانی خامنه‌ای و وابستگان فاسد او نشوید. به رژیم پشت کنید و در کنار مردم ایران بایستید.

در این لحظات حساس که خطر جنگ بر سرزمین عزیزمان سایه افکنده است، بیش از هر زمان دیگری نگران شما هم‌میهنانم در سراسر آن خاک پاک هستم. امروز زمان اتحاد بیشتر میان همه اقشار ملت برای پایان دادن به این کابوس ۴۵ ساله است. ایران آزاد و آباد، حق مسلم شما مردم شریف و نجیب است. با همبستگی و اراده ملی، می‌توانیم ایران را از چنگال این رژیم اهریمنی رهایی بخشیم و آن را به شکوه واقعی‌اش بازگردانیم.

پاینده ایران، رضا پهلوی

توسط مأموران رژیم جمع‌آوری و کشته می‌شوند. هرکسی که در مغایرت و مخالفت با رژیم سخنی بگوید در معرض سرکوب وحشیانه قرار می‌گیرد و زندان اوین در حال حاضر پر از افراد روشنفکر، شجاع و آگاه است. آنها از حق دفاع حداقلی برخوردار نبوده و حتی وکلای زندانیان سیاسی و خانواده‌هایی که پیگیر اوضاع عزیزان خود هستند نیز زندانی می‌شوند و رژیم این اقدامات را در مصونیت کامل انجام می‌دهد و از آنجا که غرب در موضع ضعف در برابر جمهوری اسلامی قرار داشته و به آنها باج می‌دهد، آنها با گستاخی بیشتری به اقدامات خود ادامه می‌دهند.

● **وضعیت وحشتناکی است. درباره وضعیت زندانیان در زمان پدر بزرگتان بگویید.**

-به سختی می‌توان گفت که آزادی وجود نداشت. مادربزرگ من نخستین زن نایب‌السلطنه بوده که به او امکان جانشینی پادشاه را تا هنگام رسیدن ولیعهد به سن قانونی می‌داد که در زمان خود بسیار پیشرو بود. قانون حمایت از خانواده‌ای که هنوز برخی از کشورهای غربی فاقد آن هستند در آن زمان در ایران به تصویب رسید و اجرا می‌شد که شامل مراقبت‌های بارداری، پیشگیری از بارداری و سرپرستی کودکان می‌شد. پدر بزرگم چند همسری را ممنوع کرد و حق طلاق به زنان داد و حق حضانت فرزندان را تا زمانی که به سن ازدواج برسند به مادران نیز داد. حجاب اجباری توسط پدر پدربزرگم لغو شد و او بود که به زنان حق پوشش اختیاری داد و بسیاری از آزادی‌های دیگری را که در اینجا از آنها برخورداریم به مردم داد اما جمهوری اسلامی تک به تک آنها را با انقلاب ۱۹۷۹ از آنها گرفت. (دنباله دارد)

روبرو هستند. ضروریات روزانه از قبیل نان و تخم مرغ برای بسیاری از ایرانیان تبدیل به کالای لوکس شده که ناشی از تورم غیرقابل کنترل است و پول ملی ارزش خودش را از دست داده؛ زیرساخت‌های انرژی و سیستم آبرسانی که زمان تأسیس آنها به دوران پدر بزرگم و پدرش برمی‌گردد، بسیار از کارافتاده و قدیمی شده که منجر به قطع مکرر برق و کمبود آب می‌شود که درباره آنها در صفحه اینستاگرام نوشته‌ام. اغلب ویدئوهایی از مردم دریافت می‌کنم به دلیل قطع برق در گرما و وسط روز که به باید کسب و کار خود ادامه بدهند. چیزی که پدر بزرگم خیلی به آن اهمیت می‌داد و رژیمی که پدر بزرگم را از کشور بیرون راند کوچکترین اهمیتی به آن نمی‌دهد، محیط زیست است. ایرانیان اغلب به شوخی می‌گویند که این رژیم کم‌کم پول اکسیژن را هم از آنها خواهد گرفت و اکنون بعد از دهه‌ها غفلت از آلودگی شدید، بسیاری از شهرها هوایی به شدت آلوده و سمی دارند. دیدن مشکلاتی که بر دوش مردم ایران است و فراتر از آن سوء مدیریت منابع مالی برای من بسیار دردناک است. وضعیت اجتماعی بسیار وخیم است. آمار اعدام در ایران بسیار بالاست و به دنبال اعتراضات سال ۲۰۲۲ پس از قتل مهسا امینی این آمار بیشتر شده.

در جمهوری اسلامی اقلیت‌های مذهبی و قومی بیشتر سرکوب می‌شوند و بالاترین نرخ اعدام کودکان در جهان را دارد. در صورتی که از دین اسلام برگردید هم با مجازات زندان و یا حتی مرگ روبرو می‌شوید. دسترسی به منابع آموزشی ناکافی است، زن و مرد نمی‌توانند خارج از چارچوب ازدواج در محیط عمومی با همدیگر باشند، و یا حتی علاقه به سگ نیز آنها را خشمگین کرده و سگ‌ها

→ **پستی را که به اشتراک گذاشته بودید دیدم که در آن اشاره شده که مردم ایران را برابر با جمهوری اسلامی ندانیم. در اینباره بیشتر صحبت می‌کنید؟**

-ابتدا می‌خواهم بدانید که برای مردمانی که هیچ آشنایی با ایران ندارند، بسیار مهم است که بدانند از این حکومت باید تنها به عنوان اشغالگر نام برد. آنها نه نماینده مردم ایران بلکه نماینده بنیادگرایی اسلامی هستند که خواهان صدور و تحمیل و تکثیر آن در داخل و خارج هستند و همانگونه که از ویدئوهای منتشر شده از ملایان در داخل ایران می‌بینید دائم در حال موعظه هستند. آنها معتقدند که ارزش‌های غربی ما دشمنی است که آنها را تهدید می‌کند. مذاکره کشورهای غربی با آنها، به آنها به عنوان نمایندگان مردم ایران مشروعیت می‌بخشد و این مشروعیت سیلی محکمی است بر صورت کسانی که در راه مبارزه با آنان هر روز زندگی خود را به خطر می‌اندازند. از طرفی سوء تفاهم شدیدی در اینجا وجود دارد مبنی بر اینکه این حکومت در نتیجه انتخابات آزاد تأسیس شده. این به ظاهر انتخابات تحت کنترل شدید آخوند‌های رادیکال اسلامگرا و رهبر جمهوری اسلامی برگزار می‌شود که از سال ۱۹۷۹ به واسطه پروپاگاندا و سرکوب خونین مردم از قدرت مطلق برخوردار شده است. انتخابات در ایران هرگز آزاد و دموکراتیک نبوده. تنها افراد منتخب رژیم که بتوانند منافع طبقه حاکم را تضمین کنند می‌توانند در این انتخابات پیروز شوند و کنترل و افسار آنها در دست رهبر جمهوری اسلامی است.

اولویت‌های رژیم حاکم بر ایران نه رفاه مردم بلکه حفظ ایدئولوژی و قدرت سیاسی است. تمام شواهد و قرائن به خوبی اثبات می‌کنند که جیب‌هایشان را برای حمایت از تروریسم پر می‌کنند در حالی که مردمان خودشان در فقر بسر می‌برند. آنها دشمن هرگونه فرد آزادخواهی بوده و بنابراین زمانی که می‌بینیم یک تعدادی رفتار آنها را توجیه کرده و یا اقدامات آنان را به منابع دیگری نسبت می‌دهند از آنها می‌خواهم بیشتر تحقیق کنند و به سخنانی‌هایی گوش بدهند که طی آن مردمان را علیه غرب شورانده و همه ویرانی‌هایی را ببینند که به واسطه نیروهای نیابتی بر سر ما آورده‌اند.

آنها سر اختاپوس هستند و سازمان‌هایی همچون حماس بازوهای آنانند و من می‌خواهم به آمریکایی‌ها بگویم که اگر گمان می‌کنید که دست رژیم ایران به شما نخواهد رسید، اشتباه می‌کنید و بهتر است دوباره فکر کنید؛ اگر اوضاع به همین شکل ادامه پیدا کند و هیچ حمایتی از مردم ایران برای دستیابی به آزادی که از آنها گرفته شده صورت نگیرد، آنگاه این تنها مشکل مردم ایران نخواهد بود و روزی در خانه شما را نیز خواهد زد زیرا آنها آمریکا را «شیطان» خطاب کرده و از هیچ کاری علیه شما فروگذار نخواهند کرد. این اقدامات از اسرائیل شروع شده و به زودی در اینجا نیز شاهد آن خواهیم بود. چیزی که همین الان هم در محیط‌های دانشگاهی و در دستکاری در انتخابات آغاز شده و با نزدیک شدن جمهوری اسلامی به سلاح اتمی آنها گستاخ‌تر هم می‌شوند.

● **درباره زندگی مردم ایران تحت جمهوری اسلامی صحبت کنیم. ویدئوهای بسیاری از تظاهرات دیده‌ام. شاهد عشق مردم به یکدیگر در زمان اعتراضات بودیم که بدون حجاب در خیابان راه می‌رفتند و همدیگر را در آغوش گرفته و به همدیگر هدیه می‌دادند و به یکدیگر لبخند می‌زدند. ویدئویی را خودتان منتشر کردید که در آن یک مرد مغازه‌دار می‌رقصید و رقص او در تمام ایران ویرال شد. کمی از مردم ایران و سبک زندگی آنها بگویید.**

-از آنجا که آنها در حکومتی زندگی می‌کنند که شیفته قدرت و توسعه بنیادگرایی اسلامی است تا توسعه کشور و مردمان خودش، با مشکلات اقتصادی سنگین و سرکوب‌های اجتماعی

سومین «کنفرانس ایران» به میزبانی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» در واشنگتن برگزار شد



● شاهزاده رضا پهلوی که به عنوان «سخنران اصلی» در این نشست حضور داشت، در روز نخست از «پروژه شکوفایی ایران» رونمایی و توضیحاتی درباره آن ارائه کرد.

● در این کنفرانس کارشناسان و تحلیلگران و فعالان مدنی و سیاسی و اقتصادی از طیف‌های متفاوت سیاسی در پل‌های مختلف حضور پیدا کرده و درباره ایران و سیاست ایران به بحث و تبادل نظر پرداختند.

● الهه توکلیان از آسیب‌دیدگان چشمی اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و افسون نجفی خواهر حدیث نجفی از جانب‌اختگان این اعتراضات نیز از جمله سخنرانان این کنفرانس دو روزه بودند.

سومین «کنفرانس ایران» در روزهای جمعه و شنبه، ۲۶ و ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴، برابر با پنجم و ششم مهرماه ۱۴۰۳ به میزبانی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن دی سی برگزار شد.

در این کنفرانس کارشناسان و تحلیلگران و فعالان مدنی و سیاسی و اقتصادی از طیف‌های متفاوت سیاسی در پل‌های مختلف حضور پیدا کرده و درباره ایران و سیاست ایران به بحث و تبادل نظر پرداختند. شاهزاده رضا پهلوی به عنوان «سخنران اصلی» این نشست سخنانی ایراد کرد. الهه توکلیان از آسیب‌دیدگان چشمی اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و افسون نجفی خواهر حدیث نجفی از جانب‌اختگان این اعتراضات نیز از جمله سخنرانان این کنفرانس دو روزه بودند.

سرکوب اقلیت‌های دینی از سوی جمهوری اسلامی، نقش جمهوری اسلامی در نظم جهانی، همکاری‌های گسترده و نزدیکی با کشورهایی چون روسیه و چین، و همچنین فعالیت‌های منطقه‌ای و تنش‌آفرینی جمهوری اسلامی از جمله محورهای بودند که در این کنفرانس دو روزه مورد بررسی قرار گرفتند.

در روز پنجشنبه و در روز نخست این نشست، طرح «پروژه شکوفایی ایران» به عنوان یک طرح اقتصادی رونمایی شد که شامل مراحل مختلفی برای دوران گذار و به صورت کوتاه‌مدت و همچنین طرح‌ها و برنامه‌هایی برای توسعه و رشد پایدار اقتصادی در درازمدت است.

شاهزاده رضا پهلوی که به عنوان «سخنران اصلی» در این نشست حضور داشت و در روز نخست به ایراد سخنرانی پرداخت، توضیحاتی درباره «پروژه شکوفایی ایران» ارائه کرد.

وی با بیان اینکه «چالش امروز ما در مبارزه برای آزادی ایران نه تنها سیاسی بلکه اقتصادی نیز هست. این مبارزه نه تنها برای رهایی مردم از سرکوب سیاسی، بلکه شامل رهایی از زنجیرهای فقر نیز می‌شود» از «پروژه شکوفایی ایران» رونمایی کرد.

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه گفت: «نزدیک به نیم قرن پیش، خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی، صراحتاً استراتژی اقتصادی ایران را با بیان اینکه «اقتصاد مال خیر است» مشخص کرد. این جهل و تکبر او، فراتر از توحش و تحجرش، زندگی میلیون‌ها ایرانی را ویران کرد و جهان را از یک شریک تجاری ارزشمند و بازاری نویدبخش و یک اعتباردهنده قابل اعتماد محروم ساخت.»

او با اشاره به «پروژه شکوفایی ایران» گفت: «من برخلاف خمینی به شما وعده آب و برق و اتوبوس مجانی نمی‌دهم.

۴۵ سال است با فرقه‌ای روبرو هستیم که با تمدن دشمن است. با تاریخ ایران دشمن است. با کشورهای دموکراتیک دشمن است. با جهان مدرن دشمن است. آنها از ایران زندانی بزرگ ساخته‌اند و اگر قوانین این زندان را رعایت نکنند مساوی با شورش در زندان تلقی می‌شود که بدترین عواقب را دارد. برای مثال به چشم من شلیک شد چون دستم را مشت کردم و فریاد زدم «آزادی». چشم راست من یکی از صدها چشمی است که جمهوری اسلامی عامدانه به آنها شلیک کرد چون آنها نیز فریاد زدند «آزادی». صدها نفر دیگر را جمهوری اسلامی کشت و هزاران نفر دیگر تا امروز پشت میله‌های زندان هستند چون فریاد زدند «آزادی». جمهوری اسلامی همه تلاشش را انجام می‌دهد تا ما را شبیه خود کند. از همان کودکی در مدرسه‌ها. کودکان را نسبت به آزادی و دموکراسی بدبین می‌کند و اعتقادات مسموم خود را در ذهن بچه‌ها می‌کارند و تاریخ ایران و جهان را به دروغ به کودکان تحمیل می‌کنند. هزاران جوان هر سال از ایران خارج می‌شوند تا آینده خود را نجات دهند، زیرا جمهوری اسلامی قادر نیست آینده روشنی برای جوانان بسازد.»

پنل نخست این نشست با موضوع «ایمان زیر آتش: نبرد برای آزادی مذهبی در ایران» و با حضور ناتان سیلز استاد دانشگاه و هماهنگ‌کننده پیشین امور مبارزه با تروریسم آمریکا، جانی مور کمیسر کمیسیون آزادی مذهبی بین‌المللی ایالات متحده و رئیس کنگره رهبران مسیحی، و جانانان سایه تحلیلگر پژوهشی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و با اجرای نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن برگزار گشت.

در این پنل به آزادی‌های مذهبی و اینکه چگونه جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه گذشته اقلیت‌های مذهبی در ایران را سرکوب کرده پرداخته شد.

پنل دوم با موضوع «بازوهای تهران: جنگ‌های جمهوری اسلامی در خاورمیانه» و با حضور دیوید شنکر رئیس پیشین دفتر امور خاور نزدیک در وزارت امور خارجه ایالات متحده، رابرت گرین وی مدیر دفاع ملی بنیاد هریتیج، و

آنچه من وعده آن را به شما می‌دهم، چشم‌اندازی است که بر اساس مشاوره‌های مداوم با اقتصاددانان برجسته و رهبران موفق تجاری شکل گرفته است.»

او در بخش دیگری از سخنانش با ارائه آمارهایی مقایسه‌ای گفت: «امروز باید ایران کره جنوبی خاورمیانه می‌بود اما در عوض تبدیل به کره شمالی منطقه شده است. آمار تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۷ سرانه درآمد ملی ایران بیش از دو برابر سرانه درآمد در کره جنوبی بود. امروز اما سرانه درآمد کره جنوبی هفت برابر ایران است و به شکل ناگواری، تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه ایران هرگز به میزان پیش از انقلاب نرسیده است. در پیامد سیاست‌های فرقه‌ای که معتقد به تعلق اقتصاد به چهارپایان بوده‌اند، ایران از انقلاب دیجیتال و انقلاب اینترنتی و عصر جهانی شدن جا مانده و اکنون در حال از دست دادن فرصت‌های دوران هوش مصنوعی هستیم.»

شروین پیشه‌ور کارآفرین ایرانی-آمریکایی طی سخنانی با اشاره به سرمایه انسانی در ایران، از دانشگاه «شریف» (آریامهر) مثال زد که در یک مقطع زمانی در دهه گذشته از ۳۵ دانشجوی دانشگاه استنفورد ایالات متحده ۲۸ نفر از دانشگاه «شریف» آمده بودند. او افزود «بنابراین ذهن‌های خلاق زیادی در ایران وجود دارد؛ آنها تحصیل کرده و آماده برای ساختن ایران هستند اما در عمل در زندان بسر می‌برند. در نتیجه هنگامی که آزادی وجود داشته باشد، برخی از مواردی که به آن فکر کرده‌ام و از سلیکون ولی یاد گرفته‌ام اینست که دره سلیکون دیگر یک مکان فیزیکی نیست بلکه یک ایده فراگیر شده و من بسیاری از ایرانیان داخل کشور را می‌شناسم که در آرزوی کارآفرینی هستند و با من از طریق ایمیل و تماس در ارتباط‌اند. همه آنها منتظر فرصت‌هایی برای راهنمایی و اقدام و سرمایه‌گذاری ... هستند.»

الهه توکلیان آسیب‌دیده چشمی اعتراضات جنبش ملی سال ۱۴۰۱ نیز از جمله سخنرانان روز نخست این نشست بود. الهه توکلیان در بخشی از سخنان خود گفت: مردم ایران

→ مایکل پریجت، افسر سابق اطلاعاتی آمریکا و تحلیلگر امور تروریسم و خاورمیانه اندیشکده هادسون و با اجرای الینا شیرازی برگزار شد.

پنل سوم با موضوع «محور جدید شرارت: روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران» و با حضور گابریل نوروینها مشاور ویژه پیشین گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا، کری فیلیپتی مشاور ارشد گروه ویژه حوادث هاوانا در کابینه دونالد ترامپ، و دانیل پلکتا معاون تحقیقات سیاست دفاعی و خارجی موسسه آمریکن اینترپرایز برگزار گشت.

پنل چهارم نیز با موضوع «۴۵ سال ترور: جنگ جمهوری اسلامی علیه آمریکا» و با حضور الیوت آبرامز عضو ارشد مطالعات خاورمیانه در شورای روابط خارجی آمریکا، برایان کاتولیس کارشناس ارشد موسسه خاورمیانه، مورگان اورتگاس سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا برگزار شد.

مورگان اورتگاس سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا در بخشی از سخنرانی خود در این کنفرانس با حمایت از خروج دونالد ترامپ از برجام به هزینه کردن درآمد ایران برای ترور از سوی جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «شاید ما باید به دوستانمان پاداش دهیم و دشمنانمان را مجازات کنیم. و شاید دادن میلیاردها دلار به دشمنانمان از طریق لغو تحریمها بدون هیچ شرطی اشتباه باشد. آنها [جمهوری اسلامی] از این پول برای بهداشت عمومی، مدارس، زیرساختها و جادهها استفاده نمیکنند اما اینکه قرار باشد از این پول برای ادامه حمایت از کسانی که ما و دوستانمان را میکشند استفاده کنند، چیز خوبی نیست.»

الیوت آبرامز نماینده ویژه گروه اقدام ایران در وزارت امور خارجه دولت ترامپ و عضو ارشد مطالعات خاورمیانه در شورای روابط خارجی آمریکا درباره حضور جواد ظریف در آمریکا و اینکه امثال او از فروشگاههای نیویورک خرید می کنند و با بستههای بزرگ به ایران باز میگردند که محتملا دور زدن تحریمها به شمار میآید و در عین حال در داخل کشور فریاد «مرگ بر آمریکا» سر می دهند توضیحاتی داد و تأکید کرد که اتحاد جماهیر شوروی، چین و رژیم ایران همیشه دو یا سه نفر را داشته و دارن که به خوبی می توانند با افکار عمومی در آمریکا بازی کنند. اینها همانهایی هستند که رفتارهای شروانه حکومتشان را توجیه می کنند و ظریف یکی از آنها است.

او همچنین گفت اشتباه از ما است اگر دلچکی همچون ظریف را که کار او دروغ گفتن به آمریکاییهاست جدی بگیریم؛ در حقیقت این شغل اوست زیرا به وضوح مشخص است که همان اندازه که من صاحب قدرت و نفوذ هستم، او نیز از قدرت و نفوذ در رژیم ایران و سپاه پاسداران برخوردار است.

پنل پنجم روز نخست این نشست با موضوع «راه صلح: از ابراهیم تا کوروش» با حضور لن خودرکوفسکی مشاور ارشد وزارت خارجه آمریکا در دولت دونالد ترامپ، ویکتوریا کوتس معاون پیشین مشاور امنیت ملی ایالات متحده و سعید قاسمی نژاد مشاور ارشد بنیاد دفاع از دموکراسیها برگزار شد. پنل ششم و آخرین پنل روز نخست نیز با موضوع «از اعتراض تا انقلاب: زنان، زندگی، آزادی دو سال بعد» با حضور پارمیدا بارز نویسنده، مرجان کیپور موسس و مدیر اتحاد برای حقوق همه اقلیتها و غزاله شارمهد فعال سیاسی برگزار گشت.

افسون نجفی خواهر حدیث نجفی از جانبختگان اعتراضات جنبش ملی سال ۱۴۰۱ از سخنرانان روز دوم این نشست بود. افسون نجفی با اشاره به اینکه حدیث بدون هیچ سلاحی و تنها با حضور در میدان مبارزه به مقابله با ستم و سرکوب رفت گفت که این نشان از اراده و روح بلند

تعزیه اتمی

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۹۸) فروردین ۱۳۸۵

تعزیه، که این اواخر آن را تئاتر مذهبی نام دادهاند، مانند دسته سینهزن و زنجیرزن از ابداعات «تشیع صفوی» است. اولی را از تئاتر و دومی را از مراسم عزاداری مسیحیان اروپا (Procession) اقتباس کردهاند.

تعزیه را ابتدا «تعبیه و تشبیه» می گفتند و برخی علما به حرمت آن فتوی دادهاند. پس از آن که به ضرب شمشیر صفویه آئین تشیع در قلمرو ایران به مذهب رسمی و اصلی تبدیل شد، سلاطین صفوی جهت تبلیغ و ترویج آن، ذاکرین را برای ذکر مصیبت به این سوی و آن سوی می فرستادند ولی دم گرم آنها در آهن سرد مستمعان اثر نمی کرد و مردم که تازه از مذهب تسنن به مذهب تشیع گرویده بودند اشکی از چشمانشان فرو نمی چکید بل، از شنیدن سخنان ذاکرین خندهشان می گرفت.

از همین رو، با اقتباس از تئاترهای تراژیک ممالک فرنگ، تعزیه یا شبیه خوانی را اختراع کردند که طبعاً بیش از روضه خوانی رقت و تأثر برمی انگیزت.

تئاتر مذهبی مثل تئاتر معمولی، علاوه بر نقش آفرینان یک کارگردان داشت که به وی «معین البکاء» می گفتند. یعنی کسی که مردمان را یاری می دهد در گریستن.

معین البکاء، درست مثل کارگردانان سینما و تئاتر به هر سو چشم می انداخت و استعدادها را برای ایفای نقش در تعزیه کشف می کرد. طبیعی است که شمر و یزید می بایستی قیافه ظاهرشان هم مانند صدای درشت و رعب انگیزشان با نقشی که بر عهده می گرفتند همخوانی داشته باشد، هکذا امام و اهل بیت که اندام متناسب و صدای دلپذیرشان لازمه جلب احساس عاطفی مرد و زن تماشاگر بود.

نقش آفرینان، پس از آن که تعلیم می گرفتند و تمرین می کردند وارد صحنه می شدند و به اجرای نقش می پرداختند. مهارتشان در اجرای نقشها چنان بود که هر بیننده سنگدلی را بر مظلومیت حسینیان به گریه می انداخت و از شقاوت

او دارد. حدیث همچون بسیاری از جوانان سرزمین معتقد بود که برای رسیدن به آینده ای روشن و عدالت باید هزینه داد و برای حق آزادی باید ایستادگی کرد. نام حدیث نجفی تنها یک نام نیست بلکه نمایانگر تمام جوانان و مردمانی است که برای آرمانهای خود، برای آینده ای بهتر، حاضرند از جان و مال خود بگذرند.

این خواهر دادخواه در بخش دیگری از سخنان خود خواستار حمایت جامعه جهانی از اعتراضات ایرانیان شد: «امروز من به عنوان خواهر یکی از قربانیان حکومت دیکتاتوری اینجا هستم تا به عنوان دادخواهی که تا آخرین نفس می جنگم تا آزادی را به دست بیاوریم از جامعه جهانی خواستار اعمال فشارهای دیپلماتیک [علیه جمهوری اسلامی] باشم. به عنوان نماینده خانواده های دادخواه خواستار فشارهایی از طرف دیپلماسی و سیاسی بر حکومت جمهوری اسلامی هستم تا مانع خشونت و قتل و سرکوب شوند. ما خانواده های دادخواه و همه قربانیان خواستار اعمال تحریم های مشخص علیه مقامات حکومتی و نیروهای ذخیر بر سرکوب و نقض حقوق بشر هستیم. همانطور که جمهوری اسلامی بعد از قربانی کردن، ما خانواده ها را در هر چیزی محدود می کند؛ جلوگیری از مراسم و مناسبت های عزیزانمان، کنترل و تهدید، جلوگیری از آزادی بیان، زندانی کردن، عدم وجود امنیت جانی و حتی



یزیدیان به خشم می آورد. بعد از آن که تعزیه تمام می شد و تعزیه خوانها بساطشان را جمع می کردند و می رفتند، اگر کسی به قهوه خانه نزدیک سر می کشید شمر و یزید و امام حسین و حضرت عباس را می دید که برادرانه دور هم نشسته اند و می گویند و می خندند. امام مظلوم برای شمر ملعون چپق چاق می کند. خولی اصبعی قلیان به دست قاسم داماد می دهد و حرمه و ابن زیاد و حضرت علی اکبر و حضرت زینب (زینب بی نقاب) به آس بازی مشغولند.

در «نمایش هسته ای» داستان به همین قرار است. فرنگیها، از روس و انگلیس و اروپا و آمریکا، سرگیجه گرفته اند در برابر حریفانی که چنددوزه بازی می کنند و چندزبانه حرف می زنند. یکی ملایم است دیگری خشن. یکی مسالمت جویانه حرف می زند، دیگری مخاصمت آمیز. یکی راه نشان می دهد، دیگری راه می بندد. یکی شمری می خواند، دیگری نوحه گری می کند.

مانده اند متحیر که کدام را باید باور داشت. تفسیرشان کم و بیش این است که این چندگونه حرف زدن و چند گونه بازی کردن ناشی از چند دستگی در داخل رژیم است. این تفسیر، با معیارهای شناخته شده در مغرب زمین البته تفسیری است عقلانی اما اگر مثل این بنده نگارنده و همسنلان ایرانی من پای تعزیه نشسته و بازیگران تعزیه را در این سو و آن سوی صحنه دیده بودند نظرشان تفاوت می کرد.

تعزیه خوانهایی که به حکومت رسیده اند در عرصه سیاست هم نقشها را تقسیم کرده اند. یکی در نقش شمر بازی می کند دیگری در نقش امام. در پشت صحنه، معین البکاء عهده دار تقسیم نقشهاست و گذاشتن الفاظ بر زبان بازیگران: تو در شور بخوان، تو در ماهور. تو رجز خوانی کن، تو مظلوم نمایی.

مالی، مسدود کردن حسابهای بانکی ما، توقیف اموال شخصی خانواده ها، و پرونده سازی برای به زانو درآوردن آنها، افسون نجفی همچنین به نمایندگی از خانواده های دادخواه، از سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری خواستار تحقیقات مستقل درباره سرکوبها و کشتارها انجام دهند و نتایج آنها را عمومی کنند.

در پنل نخست روز دوم که با موضوع «تیک تاک مپ ساعتی: جاه طلبی های هسته ای خامنه ای» برگزار شد مایکل سینگ مدیر ارشد سابق امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی، بهنام طالبو همکار ارشد بنیاد دفاع از دموکراسیها، و متیو کرونیگ مشاور ویژه وزیر دفاع پیشین آمریکا سخنرانی کردند. پنل دوم در دومین روز نشست نیز با عنوان «حداکثر فشار، حداکثر حمایت: رویکردی دو حزبی به سیاست ایران» و با حضور ری تکیه عضو ارشد شورای روابط خارجی، جیسون برادسکی مدیر سیاست اتحاد علیه ایران هسته ای، پاتریشیا کرم مشاور ارشد سیاست ایران «خانه آزادی» برگزار شد.

آخرین پنل این نشست دو روزه نیز با موضوع «ایران آزاد: همسویی با ارزشها و منافع آمریکا» با سخنرانی مایکل روبین نویسنده و عضو ارشد موسسه آمریکن اینترپرایز، الی کوهنیم عضو ارشد انجمن زنان مستقل، ولید فارس، نوید محبی عضو هیئت مدیره «نوفدی» برگزار شد.

قانون اجازه می‌داد که هرگاه شوهری زنش را با مرد بیگانه در وضع مشکوک دید، آنها را بکشد

می‌خواستیم قانون را عوض کنیم اما این نگرانی وجود داشت که تغییر قانون به ترویج فحشاء تعبیر شود
برادری خواهرش را به دلیل آنکه با مرد بیگانه در تاکسی دیده شده بود، کشت و مجازات نشد!

باز نشر

تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۸۲ - شماره ۹۹۰ - ۹۷۶



جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۵)

خاطرات مهنز افخمی
ناشر: بنیاد مطالعات ایران

«جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» عنوان خاطرات مهنز افخمی است؛ چهارمین دبیرکل سازمان زنان و اولین وزیرمشاور در امور زنان که در دولت هویدا و دولت آموزگار عضویت داشت. مهنز افخمی «امیرابراهیمی» پس از آنکه تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در آمریکا به پایان رساند در ۲۶ سالگی به ایران بازگشت و در دانشگاه ملی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۷ او به سازمان زنان پیوست و در سال ۱۳۵۰ دبیرکل سازمان شد. درین بخش از خاطرات مهنز افخمی، او از چگونگی انتخاب شدن به دبیرکلی و مسائلی که در این مقام با آنها روبرو بود سخن می‌گوید. یادآور می‌شویم که خاطرات مهنز افخمی براساس مصاحبه وی با خانم فرشته نورانی تدوین شده و از سوی بنیاد مطالعات ایران انتشار یافته است.

به من گفتند ایشان فرمودند که از نظر ایشان خوب است مطرح شود و بحث شود. کمک اعلیحضرت در این سطح بود که می‌گفتند خوب است مطرح شود. در نتیجه من بایستی با وزیر دادگستری صحبت می‌کردم که اعلیحضرت گفته‌اند: خوب است این مسأله مطرح شود، و چون پس از موافقت شاه با طرح مسأله، مسؤولیت سیاسی دیگر به آن شدت با وزیر دادگستری نبود، ایشان بازتر به مسأله نگاه می‌کرد. یعنی وزیر دادگستری پس از داشتن نظر شاه دیگر کمتر به جنبه‌های سیاسی توجه می‌کرد، و البته او هم شوخیهایی می‌کرد و بعد جنبه‌های منفی‌اش را مطرح می‌کرد.

● وزیر دادگستری صادق احمدی بود؟

— در این زمان آقای کیانپور وزیر دادگستری بود. او متأسفانه بعد از انقلاب کشته شد. مسأله به این نحو مطرح شد، که این مطلب را به‌عنوان ماده واحده اصلاحی به مجلس بردن صلاح نیست و سر و صدا و شلوغی عجیب و غریبی ایجاد می‌کند که بالمالاً به‌ضرر این قانون تمام می‌شود و بهتر است در قالب تجدید نظر کلی در قانون جزا مطرح شود. گفته شد که در آن صورت شانس بیشتری دارد که بدون جنجال بگذرد، که خوب، این طور هم شد و در قالب قانون جزا گذارده شد. ولی برخورد به آخر انقلاب که مثل بسیاری دیگر از قوانین پیشرو مملکتی نفی و کنار گذارده شد.

● درصورت تصویب، به چه صورتی در می‌آمد؟

— این ماده حذف می‌شد و اصولاً چنین ماده‌ای به این صورت در قانون وجود نمی‌داشت.

● مرد به‌خاطر دفاع از شرافتش، زن را می‌توانست بکشد؟

— ماده 179 می‌گوید: «هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در يك فراش (= بستر) و یا در حالی که به منزله وجود در يك فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح و ضرب یکی از اینها یا هر دو شود، معاف از مجازات است.»

● حالا می‌خواهد دخترش باشد یا زنش، یا خواهرش؟

— البته در قانون زوجه مطرح بود، ولی چون دادگاهها اصولاً همان طرز فکری را که منجر به نوشتن این قانون شده بود، داشتند و قضات تصمیم گیرنده بودند، بنابراین فکر می‌شد که ممکن است در قانون جزا معنای کلی زن تحت‌الحمايه از طرف قضات در نظر گرفته شود که شامل دختری یا خواهر نیز می‌شد. موردی به‌خاطر دارم که برادری خواهرش را کشته بود چون او را در يك تاکسی با مردی دیده بود و این استدلال که با مردی تنها در تاکسی بودن به‌معنای بودن در يك فراش ←

همگانی». تصور می‌کنم اولین نوشته‌ای است در زمینه آنچه بعدها به نام «honor killing» در نهضت جهانی زنان مورد بحث واقع شد. البته در این زمینه حساسیت در دستگاههای مملکتی زیاد بود و وحشت از این که اگر این قانون، مثل لایحه گذرنامه، عوض شود انگار ما زنان را تشویق می‌کنیم به روابط غیر مشروع و یا چیزی شبیه آن. در نتیجه احتیاج داشتیم که ندائی داشته باشیم از اعلیحضرت که نظر ایشان



چیست و چه موضعی دارند. من با شهبانو صحبت کردم و خواهش کردم از ایشان که آن را شخصاً مطرح کنند. وزیر دادگستری هم می‌توانست این کار را بکند، ولی به‌هرحال بهتر بود زنی که خودش راجع به این مسائل دید بازی داشت، آن را مطرح می‌کرد. ایشان به من تلفن کردند که اعلیحضرت پرسیده‌اند آیا در فرانسه هم چنین قانونی هست، و جواب من را فوراً بدهید. معلوم بود که ایشان می‌خواستند قبل از آنکه مسأله کهنه شود، آن را باز با اعلیحضرت مطرح کنند. من تلفن زدم به خانم فرانسواز ژیرو که آن زمان وزیر زنان در دولت فرانسه بود. خانم ژیرو اطلاع داد که این قانون در فرانسه عوض شده و متن جدید را توسط سفیر فرانسه با تلکس فرستاد که فوراً به ملکه دادم که دوباره به اعلیحضرت نشان دادند و

● آیا شاه شخصاً به پیشرفت حقوق زن علاقمند بود؟

— به نظر من خیلی زیاد. البته ایشان هم مثل هر مرد مسلمان ایرانی تعصبات و تفکرات سنتی در زمینه نقش پدر و نقش مرد در خانواده داشتند. ولی آنچه به پیشرفت کارها کمک می‌کرد، این بود که هر زمان مطلبی از نظرشان می‌گذشت، موضعی که ایشان می‌گرفتند در بسیاری موارد موضعی بود که به ما کمک می‌کرد، و بیشتر موارد آن در ارتباط با مسائل اقتصادی و آموزشی بود و مرتبط می‌شد به رابطه بین مقام زن و توسعه جامعه. مثلاً ما دائماً در کنگره‌ها و در کنفرانسها مطرح می‌کردیم که شما نمی‌توانید يك جمعیت با سواد داشته باشید (که این موضوع مورد علاقه خاص شاه بود) اگر پنجاه درصد جمعیت که زنان هستند بیسواد باشند. شما نمی‌توانید کارگر متخصص داشته باشید به تعدادی که دیگر احتیاج به وارد کردن کارگر خارجی، با همه مسائل جنبی آن، نداشته باشید اگر از نیروی انسانی زنان استفاده نشود. یا برنامه تنظیم خانواده نمی‌تواند موفق باشد مگر آنکه زنان با سواد و آماده مشارکت باشند. بزرگ کردن اطفال به طرزى که در خور ایران پیشرفته باشند، مربوط به زنان می‌شود، و همین طور الی آخر.

● این حرفها را چه کسانی به شاه می‌گفتند؟

— ما از هر کسی که نزدیک به شاه بود، کمک می‌گرفتیم برای اینکه پیام ما مطرح شود، ولی چندان احتیاجی به راه خصوصی نبود. ما مداوماً در حال صحبت و کنفرانس و مصاحبه رادیویی و تلویزیونی بودیم و ایشان همه را دنبال می‌کرد. یعنی ایشان همه جراید را مطالعه می‌کرد. رادیو را گوش می‌کرد. اخبار تلویزیون را مرتب تماشا می‌کرد و بیش از هر کس دیگر نسبت به وسایل ارتباط جمعی توجه و حساسیت داشت. ما پیشنهاد می‌فرستادیم به دولت. در نتیجه از همان راههایی که برای تماس با بقیه ایرانها داشتیم، یعنی وسایل ارتباط جمعی، با ایشان هم داشتیم. شاید هم بیشتر، چون ایشان بیش از دیگران اخبار را دنبال می‌کرد. البته در هر موردی که امکان داشت و احتیاج بود سفارش خاصی شود، از شهبانو یا والا حضرت اشرف کمک می‌گرفتیم. مثلاً ماده 179 قانون جزا که مربوط به قتل زن توسط شوهر در شرایط شبه زنا بود که شوهر مجازات نمی‌شد، ما می‌خواستیم این قانون عوض شود. در سری کارهای تحقیقاتی سازمان جروه‌ای تهیه کردیم که توسط دکتر رضا مظلومان استاد دانشگاه تهران نوشته شده بود به‌نام «زن کشی در لوای قانون: ماده 179 قانون کیفر

زنان، انتخاب کنیم. از اعلیحضرت دعوت کردیم در جلسه ما شرکت و صحبت کنند. معمولاً گروههایی که شاه را دعوت می‌کردند، مسائل مورد علاقه خود را برای شجاع‌الدین شفا که نطقهای شاه را می‌نوشت می‌فرستادند و او به سلیقه ایشان مطالب را در متن می‌گنجاند. ما هم همین کار را کردیم. از ما خواستند برنامه را بفرستیم. پیام بعدی این بود که من بهتر است صحبت نکنم. زمان مشکلی بود. ناآرامیها گسترش پیدا کرده بود. عوامل مذهبی بیش از آنچه ما می‌دانستیم مخالفت می‌کردند و ناراضیاتی‌شان را علناً اظهار می‌کردند. جلسه ما بزرگ و شلوغ ولی منظم بود. نمایندگان گروههای مختلف از اطراف مملکت آمده بودند. کسانی که در تهیه طرح و در بحثهای راجع به آن در جلسات انجمنها سهم قابل توجهی داشتند، دعوت شده بودند که از سراسر مملکت برای شرکت در این جلسه به تهران بیایند.

البته کنگره، يك کنگره تشریفاتی و بیشتر برای آگاه‌سازی بود. برای اینکه با حضور ده‌هزار نفر آدم، جز کار تشریفاتی، کار دیگر نمی‌شد کرد. ولی، خوب، احساس و امکان مشارکت می‌داد به افرادی که زحمت کشیده بودند و در مراحل مختلف این طرح حضور داشتند. از آن نظر مفید بود و البته برای ما مهم، چون مخاطب ما هم دولت بود، هم وسایل ارتباط جمعی، و هم مردم. در نتیجه حضور مردمی‌ای که همه آنها را تحت تأثیر قرار بدهد به ما کمک می‌کرد که در مرحله بعد این طرح را به نیروی تمام مذاکرات و بحثهایی که طی ماهها کرده بودیم، و این پشتیبانی، در این گردهمایی وسیع، به هیأت وزیران برریم.

اعلیحضرت بعد از صحبتهای والا حضرت و نمایندگان گروهها سخنرانی کردند. ایشان اول شمه‌ای از گذشته ایران

خارجی وارد کنیم. پس شرایط هم مناسب بود. یعنی اگر وضع اقتصادی بد بود، پول کم بود، وضع مالی بد بود، کار نبود، ما نمی‌توانستیم تا این حد پیش برویم...

در جلسه‌ای که با تمام استاندارها داشتیم نظر این بود که راجع به مشارکت کامل زنان در کلیه سطوح در مملکت بحث کنیم. از طرح اقدامات ملی برای شکل دادن به خواسته‌هایمان استفاده کردیم. خیلی بحث جالبی بود برای اینکه برای اولین بار بود که ما هم با امکانات نسبتاً وسیعی که وجود داشت و هم با مشکلاتی که در بوروکراسی اداری پیش می‌آمد که ممکن بود بازدارنده باشد، آشنا می‌شدیم.

کنگره بزرگ زنان

● شما تمام استاندارها را در تهران جمع کردید و با آنها صحبت کردید. چطور؟ خود شما به آنها نوشتید؟

بله، ما نوشتیم، و بعد وزارت کشور ترتیبش را داد. یعنی با همکاری با وزارت کشور بود که آنها بتوانند بیایند. چون استاندارها نمی‌شد همه در يك زمان ترك محل کنند بدون اینکه این واقعه با وزارت کشور هماهنگ بشود. این گردهمایی، البته، يك روز کامل بود و بیش از يك روز نبود. در مرحله بعدی طرح را در کنفرانس بزرگی که در حدود ده هزار نفر از اطراف آمده بودند، مطرح کردیم.

● ده هزار نفر از زنان؟

– زنان، و بعضی مردان هم آمدند.

● کی‌ها بودند؟

– نماینده‌های انجمنها بودند. نماینده‌های گروههای غیر دولتی بودند. از معلمین بودند. از دانشگاهیان بودند. شعبه ما در محل پیشنهاد می‌کرد که چه کسانی دعوت بشوند.

است، باعث شد که جانی آزاد شود، در صورتی که اصل قانون فقط زوجه را مطرح می‌کرد. البته چیزی مشابه این موضوع در همه قوانین دنیا بوده و در برخی کشورها هنوز هست که اگر قتلی صورت گیرد، در وضعی که شرایط روانی و حالت شبه جنون باشد، مجازات گاهی فقط چند هفته زندان است به همین دلیل سازمانهای زنان به مبارزه برای تغییر این قوانین برخاسته‌اند.

چگونه دست آوردها به دست آمدند

● شما راجع به همه این دستاوردها صحبت می‌کنید. این دستاوردها حقیقتاً مهم هستند، نه فقط برای آنچه که در ایران اتفاق افتاد. تصور من این است که در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر این کارها هنوز تازه بود، نو بود، در ایران شد، اگرچه ایران يك کشور در حال توسعه بود. شاید در کشورهای توسعه یافته هنوز در بعضی از آنها، این اتفاقات نیفتاده بود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که اینها را شما چگونه به دست آوردید؟ اگرچه راجع به تك‌تك‌شان صحبت کردید، سؤال در ذهن همه این است: آیا شاه دستور داد، و بنابراین اتفاق افتاد به‌خاطر اینکه شاه دستور داد؟ آیا دولت مطرح کرد؟ آیا سازمان زنان همراه با زنان دیگر فعال بودند؟ آیا ترکیبی از همه اینها باعث این دستاوردها شد؟

– اولاً در مورد شاه تصور نمی‌کنم که ایشان فرصت یا فراغت مداخله در اینکه مهد کودک یا برنامه‌هایی از این قبیل چگونه اجرا می‌شد را داشتند. این است که در این زمینه ایشان هیچ نوع مداخله خاصی نکردند. البته ما همیشه علاقمند بودیم که اگر می‌توانستیم توجه اعلیحضرت را جلب کنیم، ولی مسائل ما برای ایشان مسائل عمده‌ای نبود. مسائلی بود که به‌طور جنبی و در قالب پیشرفت و توسعه مملکت بطور کلی مطرح می‌شد. برای دولت هم مسأله زن به‌عنوان مسأله زن معنای خاصی نداشت. چون همکاران من در دولت، با اینکه همه افراد تحصیلکرده و وارد و علاقمند و متعهدی بودند، ولی تعهدشان در مرحله اول به وزارتخانه خودشان و کار خودشان بود. مسأله زن بطور کلی تصور نمی‌کنم، نه فقط در ایران بلکه در بقیه دنیا هم، تا امروز مسأله اصلی عضو کابینه باشد. ولی آنچه که مهم بود برای ما و برای ایران، این بود که ما موفق شدیم در اینکه به يك دولتی که تعهد داشت به پیشرفت و به توسعه و مدرنیزم، ثابت کنیم که پیشرفت و توسعه و مدرنیزم بطور لاینفکی مربوط می‌شود به نقش زن. یعنی اگر آموزش عام مطرح است، نصف جمعیت، زن است. اگر کارمند آموزش دیده و صاحب حرفه مطرح است، زنان می‌توانند این نقش را بازی کنند. اگر سطح آگاهی بایستی در جامعه بالا برود، فرهنگ بایستی بالا برود، زنان عامل منتقل کردن فرهنگ به نسل آتی‌اند. اگر بچه‌ها بایستی بهداشت صحیح در خانواده داشته باشند، نظافت را رعایت کنند، و افرادی باشند که در جامعه نقش خودشان را درست بازی کنند، و انضباط جامعه را رعایت کنند، مادر است که نقش بزرگی دارد. در نتیجه این مسائل که به هم مربوط می‌شد، پیشبرد وضع زنان در قالب هر کدام از برنامه‌های دولتی مسأله‌ای می‌شد که همه درش برنده بودند، و کسی نمی‌بخت که آن یکی برود. یعنی اجباری نبود که مردان بایزند که زنان برنند. در نتیجه وضع جوری بود که هر دو طرف می‌توانستند با هم کار کنند و برنده باشند. برای همین بود که ما توانستیم تا این حد پیش برویم. در همان حال، زمان هم زمان خاصی بود. یعنی مملکت وضع مالیش خیلی خوب بود، وضع اقتصادی‌اش خوب بود، از افغانستان و از جاهای دیگر، که از نظر فرهنگی، از نظر اشکالات مربوط به کارگر مهاجر، مسأله ایجاد می‌کرد. آسانتر بود زنان وارد بازار کار بشوند و آموزش ببینند تا اینکه کارگر



مهناز افخمی در مراسم استقبال از شاه و شهبانو در کنگره بزرگ زنان ایران

و تاریخ معاصر و اینکه ایران کجا بود و به کجا رسیده بود، گفت و بعد ضمن صحبت از آزادیهایی که اخیراً در جراید و وسایل ارتباط جمعی به‌دست آمده و از ابراز وجود سیاسی جوانان، از «اتحاد سرخ و سیاه» صحبت کرد و گفت ما سیاست حداکثر آزادی را همینطور ادامه می‌دهیم برای اینکه ارکان مملکت طوری قوی است که این اتحاد نامقدس نمی‌تواند به آن خللی وارد کند. نطق اعلیحضرت با ذکر اینکه «این قافله متوقف شدنی نیست» و نقل شعر «مه فشانند نور و سگ عوعو کند»، تمام شد. بعد که من اعلیحضرت و علیاحضرت را تا دم هلیکوپتر بدرقه می‌کردم. ایشان به من گفت: «مثل اینکه ما آنچه را که شما می‌خواستید بگویید با شدت و حرارت بیشتری گفتیم!» (دنباله دارد)

آنها می‌گفتند که چه کسانی در این امر شرکت داشته باشند. ممکن بود يك رئیس اداره بود که می‌توانست کمک کند. ممکن بود دانشگاهی بود. ممکن بود رئیس سازمان غیر دولتی بود. و البته شبکه خودمان. خلاصه يك کنگره بزرگ تشکیل دادیم که بیشتر حالت تجهیزاتی داشت.

● این در چه سالی است؟

– این در سال 77 یعنی 1356.

● از آغاز کار تا این زمان که صحبتش را می‌کنید، نزدیک يك سال طول کشید؟

– بیش از يك سال طول کشید. وقتی قرار شد ما کنگره بزرگ طرح اقدامات ملی را تشکیل دهیم، تصمیم گرفتیم که زمان آن را روز 8 اسفند، یعنی سالروز حق رأی برای

پیام بنیامین نتانیاهو به مردم ایران:

نگذارید ملاها امیدهای شما را نابود کنند، اسرائیل کنار شما ایستاده است



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل

واقعاً به شما اهمیت می‌داد، از هدر دادن میلیاردها دلار برای جنگ‌های بی‌ثمر در سراسر خاورمیانه دست می‌کشید و شروع به بهبود زندگی شما می‌کرد. تصور کنید اگر تمام پول‌هایی که رژیم برای سلاح‌های هسته‌ای و جنگ‌های خارجی هدر داده، در آموزش فرزندان شما، بهبود خدمات درمانی شما، و ساخت زیرساخت‌های کشور شما، مثل آب و فاضلاب و سایر نیازهای شما سرمایه‌گذاری می‌شد. چه می‌شد فقط تصور کنید.

اما شما یک چیز ساده را می‌دانید: ستمگران حاکم بر ایران به آینده شما اهمیتی نمی‌دهند، اما شما به آن اهمیت می‌دهید. زمانی که ایران سرانجام آزاد شود، و آن روز خیلی زودتر از آنچه مردم فکر می‌کنند فرا خواهد رسید، همه چیز متفاوت خواهد شد. دو ملت باستانی ما، مردم یهود و مردم ایران، بالاخره در صلح خواهند بود. دو کشور ما، اسرائیل و ایران، در صلح خواهند بود. وقتی آن روز برسد، شبکه‌ی تروری که رژیم در پنج قاره ساخته است، ورشکست و نابود خواهد شد. ایران بار دیگر شکوفا خواهد شد، چون سرمایه‌گذاری جهانی، گردشگری گسترده و نوآوری‌های درخشان فناوری بر اساس استعدادهای عظیمی که در ایران وجود دارد. آیا این بهتر از فقر بی‌پایان، سرکوب و جنگ نیست؟

از قم تا اصفهان، از شیراز تا تبریز، ده‌ها میلیون انسان خوب و شریف با هزاران سال تاریخ پشت سر و آینده‌ای درخشان پیش رو وجود دارند. نگذارید گروه کوچکی از مَلاهای افراطی امیدها و آرزوهای شما را نابود کنند. شما لایق چیزی بهتر هستید. فرزندان شما لایق چیزی بهتر هستند. جهان شایسته چیزی بهتر است. من می‌دانم که شما از متجاوزان و قاتلان حماس و حزب‌الله حمایت نمی‌کنید، اما رهبران رژیم حاکم بر ایران این کار را می‌کنند. شما لایق بیشتر هستید. مردم ایران باید بدانند که اسرائیل در کنار شماست. باشد که با هم آینده‌ای مملو از شکوفایی و صلح را تجربه کنیم.

وی تأکید کرد که این رژیم «اگر واقعاً به شما اهمیت می‌داد، از هدر دادن میلیاردها دلار برای جنگ‌های بی‌ثمر در سراسر خاورمیانه دست می‌کشید و شروع به بهبود زندگی شما می‌کرد.»

نخست وزیر اسرائیل تأکید کرد، «وقتی ایران سرانجام آزاد شد و آن لحظه خیلی زودتر از آنچه مردم فکر می‌کنند فرا خواهد رسید همه چیز متفاوت خواهد بود.»

نتانیاهو در بخش دیگری از این پیام گفت: «از قم تا اصفهان، از شیراز تا تبریز، ده‌ها میلیون انسان خوب و شریف با هزاران سال تاریخ پشت سر و آینده‌ای درخشان پیش رو وجود دارند. نگذارید گروه کوچکی از مَلاهای افراطی امیدها و آرزوهای شما را نابود کنند. شما لایق چیزی بهتر هستید. فرزندان شما لایق چیزی بهتر هستند. جهان شایسته چیزی بهتر است.»

متن کامل پیام بنیامین نتانیاهو به این شرح است: من درباره رهبران ایران زیاد صحبت کرده‌ام. اما در این لحظه حساس، می‌خواهم مستقیماً با شما، مردم ایران صحبت کنم، بدون هیچ فیلتر و واسطه‌ای.

شما هر روز شاهد سلطه رژیمی بر خود هستید که شما را تحت فشار قرار می‌دهد و سخنرانی‌های آنتی‌سین درباره دفاع از لبنان و غزه می‌کند. اما هر روز، این رژیم، منطقه ما را بیشتر به سمت تاریکی و جنگ سوق می‌دهد.

هر روز دست‌نشانده‌های آنها از میان برداشته می‌شوند. مانند محمد ضیف و حسن نصرالله. هیچ جایی در خاورمیانه نیست که اسرائیل به آن دسترسی نداشته باشد. هیچ مکانی وجود ندارد که ما برای محافظت از مردم و کشورمان به آنجا نرویم.

با هر لحظه که می‌گذرد، این رژیم، شما مردم نجیب ایران را به لبه پرتگاه نزدیک‌تر می‌کند. اکثریت عظیم ایرانیان می‌دانند که این رژیم هیچ اهمیتی به آنها نمی‌دهد. اگر

بنیامین نتانیاهو در این پیام ویدیویی که نهم مهرماه ۱۴۰۳ منتشر شد با اشاره به پشتیبانی مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی از تروریسم، عنوان کرد، «هر لحظه که می‌گذرد، این حکومت شما مردم نجیب ایران را به پرتگاه نزدیک‌تر می‌کند.»

«ستمگران حاکم بر ایران به آینده شما اهمیتی نمی‌دهند، اما شما به آن اهمیت می‌دهید. زمانی که ایران سرانجام آزاد شود، و آن روز خیلی زودتر از آنچه مردم فکر می‌کنند فرا خواهد رسید، همه چیز متفاوت خواهد شد. دو ملت باستانی ما، مردم یهود و مردم ایران، بالاخره در صلح خواهند بود. دو کشور ما، اسرائیل و ایران، در صلح خواهند بود.»

«نگذارید گروه کوچکی از مَلاهای افراطی امیدها و آرزوهای شما را نابود کنند. شما لایق چیزی بهتر هستید. فرزندان شما لایق چیزی بهتر هستند. جهان شایسته چیزی بهتر است. من می‌دانم که شما از متجاوزان و قاتلان حماس و حزب‌الله حمایت نمی‌کنید، اما رهبران رژیم حاکم بر ایران این کار را می‌کنند.»

«شما لایق بیشتر هستید. مردم ایران باید بدانند که اسرائیل در کنار شماست. باشد که با هم آینده‌ای مملو از شکوفایی و صلح را تجربه کنیم.»

دو روز پس از کشته شدن حسن نصرالله در مقر اصلی حزب‌الله در حومه بیروت، نخست وزیر اسرائیل در پیامی ویدیویی خطاب به مردم ایران گفت، «ستمگران حاکم بر ایران به آینده شما اهمیتی نمی‌دهند.»

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو در این پیام ویدیویی که نهم مهرماه ۱۴۰۳ برابر با ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴ منتشر شد، با اشاره به پشتیبانی مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی از تروریسم، عنوان کرد، «هر لحظه که می‌گذرد، این حکومت شما مردم نجیب ایران را به پرتگاه نزدیک‌تر می‌کند.»

حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل خاورمیانه در آستانه یک جنگ؟!



در ایران مردم نگران و مضطرب از وقوع یک جنگ احتمالی‌اند. همزمان اما طرفداران نظام در چند شهر به جشن و پایکوبی پرداختند و از موشک‌پرانی سپاه به اسرائیل ذوق‌زده شدند. در شهرهای مختلف مردم از نگرانی یک جنگ احتمالی برای اینکه باک ماشین‌شان خالی نماند به پمپ‌بنزین‌ها هجوم بردند.

اکانت فارسی‌زبان ارتش اسرائیل در «ایکس» با اشاره به هجوم مردم به پمپ بنزین‌ها نوشت «تاوان سنگین جلب رضایت محور شرارت و ارضای موجودات ارزشی را مردم ایران می‌پردازند.»

حساب کاربری خامنه‌ای در شبکه ایکس، در متنی که به زبان عبری منتشر شده، نوشت: به یاری خداوند ضربات جبهه مقاومت بر پیکر فرسوده و پوسیده اسرائیل شدیدتر و دردناک‌تر خواهد شد. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم نیز در «ایکس» نوشت «تانیاهو بداند این تنها گوشه‌ای از توان ماست.» وی همچنین نوشته است: «تانیاهو بداند، ایران جنگ طلب نیست اما در برابر هر تهدیدی قاطعانه می‌ایستد.» جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در واکنش به این حملات گفت، «در حال حاضر زود است که در مورد شیوه پاسخ به حمله جمهوری اسلامی صحبت شود.» وی با تأکید بر اینکه حمله جمهوری اسلامی «عواقب شدیدی» خواهد داشت افزود آمریکا در این زمینه با اسرائیل مذاکره و هماهنگی خواهد داشت.

مشخص نیست واکنش اسرائیل به این حملات چه خواهد بود اما سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی پرواز تمام هواپیماهای مسافربری را تعلیق کرد.

در خاورمیانه انجام خواهد شد.» او افزود: «ایران امشب اقدامی جدی انجام داد و خاورمیانه را به سوی تشدید درگیری‌ها سوق می‌دهد. ما در زمان و مکانی که خود انتخاب می‌کنیم، طبق دستورالعمل مقامات سیاسی اقدام خواهیم کرد.» او اضافه کرد: «رویداد امشب پیامدهایی خواهد داشت.»

برخی منابع از وقوع یک تیراندازی به سمت مردم در تل‌آویو خبر دادند. هنوز جزئیات زیادی از این اتفاق در دست نیست اما گفته شد که دست‌کم یک نفر کشته شده است.

شماری از تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که اقدام اسرائیل احتمالاً هدف قرار دادن پایانه نفتی خارک در خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین بندر صادراتی نفت خام ایران خواهد بود. این احتمال پس از آن تقویت شد که لیندسی گراهام سناتور آمریکایی در واکنش به حملات موشکی جمهوری اسلامی، در شبکه «ایکس» نوشت: «این لحظه انتخاب جهان آزاد در مود ایران است. آیت‌الله و رژیم ایران نازی‌های مذهبی هستند که می‌خواهند کشور اسرائیل را نابود کنند. این حرف آنهاست نه من. آنها می‌خواهند برای اسلام ناب [محمدی] به ایالات متحده حمله کنند؛ باز هم حرف آنهاست، نه حرف من.»

وی تأکید کرد، «این حمله موشکی به اسرائیل باید نقطه عطف باشد و من از دولت بایدن فوری می‌خواهم که واکنشی قاطع در هماهنگی با اسرائیل نشان داده و از پالایشگاه‌های نفت ایران شروع کند. باید ضربه محکمی به پالایشگاه‌های نفت زده شود زیرا منبع رژیم برای انجام اقدامات تروریستی آن است.»

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تلافی کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله لبنان سه‌شنبه شب دهم مهرماه ۱۴۰۳، ده‌ها فروند موشک بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب کرد.

● پرتاب این موشک‌ها در شرایطی صورت گرفت که آسمان ایران «کلیر» نشده و هواپیماهای مسافربری در حال پرواز از همان مناطقی بودند که موشک‌ها عبور می‌کردند. ● منابع اسرائیلی می‌گویند اغلب موشک‌ها رهگیری و منهدم شدند اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در عملیات «وعده صادق ۲» در شرایطی که منطقه با پیشرفته‌ترین و پرجمع‌ترین سامانه‌های پدافندی محافظت می‌شد، ۹۰ درصد شلیک‌ها با موفقیت به اهداف اصابت کرده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تلافی کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله لبنان سه‌شنبه شب دهم مهرماه ۱۴۰۳، ده‌ها فروند موشک بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب کرد.

پرتاب این موشک‌ها در شرایطی صورت گرفت که آسمان ایران «کلیر» نشده و هواپیماهای مسافربری در حال پرواز از همان مناطقی بودند که موشک‌ها عبور می‌کردند.

ارتش اسرائیل اعلام کرد، اغلب این موشک‌ها توسط پدافند هوایی اردن و اسرائیل در آسمان رهگیری و سرنگون شدند اما بر اساس ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده چند فروند از آنها به مناطقی از اسرائیل اصابت کرد و خسارتی به بار آورد و شماری زخمی شدند. گزارش شد یکی از این موشک‌ها به یک مدرسه اصابت کرده اما در این ساعات تعطیل بوده و دانش‌آموزان در آن حضور نداشتند. تعدادی از موشک‌ها نیز در خاک اردن روی سقف خانه‌ها سقوط کردند.

در مقابل اما سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در عملیات «وعده صادق ۲» در شرایطی که منطقه با پیشرفته‌ترین و پرجمع‌ترین سامانه‌های پدافندی محافظت می‌شد ۹۰ درصد شلیک‌ها با موفقیت به اهداف اصابت کرده و «رژیم صهیونیستی از تسلط اطلاعاتی و عملیاتی جمهوری اسلامی به وحشت افتاده است!»

ساعاتی پس از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، رویترز به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی خبر داد که علی خامنه‌ای، همچنان در یک محل امن مخفی شده است.

این خبرگزاری پیش از این به نقل از «دو منبع منطقه‌ای مرتبط با تهران» اعلام کرده بود پس از کشته شدن حسن نصرالله، علی خامنه‌ای به مکانی امن با تدابیر شدید امنیتی منتقل شده است.

آمیخای چیکلی وزیر دیاسپورا و مقابله با یهودستیزی اسرائیل در واکنش به موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل در «ایکس» به فارسی نوشت: «اشتباه بزرگ!»

دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل در واکنش به این حملات گفت که نیروی هوایی اسرائیل «بطور کامل در حال فعالیت است و امشب نیز همچنان حملات قدرتمندی

شاهزاده رضا پهلوی: مردم ایران آماده‌ی تغییرند و تغییر در ایران به معنای یک دولت شکست‌خورده‌ی دیگر نخواهد بود



امیلی شریدر خبرنگار «آی‌آل‌تی‌وی» و شاهزاده رضا پهلوی / اکتبر ۲۰۲۴

آی‌آل‌تی‌وی خوش آمدید؛ جایی که ما رهبران فکری، ذینفعان و دیگر کارشناسان از خاورمیانه و فراتر از آن را معرفی می‌کنیم.

والاحضرت، حضور شما ولیعهد ایران شاهزاده رضا پهلوی برای ما افتخار بزرگی است. از اینکه امروز به ما پیوستید بسیار سپاسگزارم.

می‌خواهم گفتگو را با این سؤال آغاز کنم: بسیاری از مردم در مورد جنگ غزه صحبت می‌کنند اما دستور کار جمهوری اسلامی بدون شک فراتر از اسرائیل و نیروهای تروریستی نیابتی این رژیم است. آیا فکر می‌کنید غرب ماهیت جمهوری اسلامی را به درستی درک کرده است؟ و اگر نه، چگونه می‌توانیم در زمینه آموزش و آگاهی آنها کمک کنیم؟

شاهزاده رضا پهلوی: خوب، برای درک ماهیت این رژیم مهم‌ترین عامل بررسی رفتار آن و ثبات رفتاری‌اش از زمان تشکیل است. دی ان ای این رژیم کاملاً با خواسته‌ها و آرزوهای مردم ایران در تضاد است؛ مردمی که نباید فراموش کنیم اولین گروگان‌های این رژیم بوده‌اند. این رژیم همیشه تلاش کرده ایران را به عنوان سکویی برای تبلیغ و صدور ایدئولوژی خود به دیگر نقاط جهان مورد استفاده قرار دهد. درواقع شاخه نظامی آن یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأموریتی ویژه دارد که ←

امینی و انقلاب در چهار گوشه ایران نگاه می‌کنید، می‌بینید که این مسئله به عنوان یک مسئله ملی مطرح شده است... احساس هویت ملی وجود دارد. پرچمی هست که یک ملت را نمایندگی می‌کند و این خط قرمز ما به عنوان ملی‌گراست.»

● «چگونه ممکن است در منطقه‌ای ثبات و صلح داشته باشید که یکی از عناصر آن رژیم تروریستی است که دائماً در حال تحریک و درگیری است؟ یک ایران متفاوت با شرکای مناسب نه تنها می‌تواند شرایط مناسبی را برای صلح فراهم کند، بلکه فرصت‌های زیادی برای توسعه اقتصادی و تعامل نیز ایجاد خواهد کرد... این رویکردی است که بسیاری از حامیان، از عربستان سعودی و مصر گرفته تا اسرائیل، سوریه و همه کشورهای که در حال حاضر با وضعیت موجود گیر افتاده‌اند، خواهند داشت.»

امیلی شریدر روزنامه‌نگار و فعال مدنی اسرائیلی چهارشنبه ۱۱ مهرماه گفتگویی را که با شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با مسائل روز داشت، با زیرنویس فارسی در رسانه‌های اجتماعی خود منتشر کرد. این مصاحبه در تلویزیون «آی‌آل‌تی‌وی» انجام شد.

متن کامل گفتگو را در زیر می‌خوانید.
امیلی شریدر: به برنامه «ویپوینت» [نقطه نظر] در

● امیلی شریدر روزنامه‌نگار و فعال مدنی اسرائیلی روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه گفتگویی را که با شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با مسائل روز داشت، با زیرنویس فارسی در رسانه‌های اجتماعی خود منتشر کرد. این مصاحبه در تلویزیون «آی‌آل‌تی‌وی» انجام شد.

● «باقی ماندن در وضعیت موجود و امیدوار بودن به تغییر رفتار رژیم از طریق معجزه، ائتلاف وقت است. با نزدیک شدن بحران به خط قرمز تهدید هسته‌ای، اگر فرصت تغییر را قبل از اینکه به اقدامات شدیدتر روی آوریم نادیده بگیریم، این یک اشتباه تاریخی جنایت‌آمیز خواهد بود.»

● «مهم‌ترین نکته این است که برخلاف آنچه در افغانستان یا عراق دیده‌ایم، درک کنیم که تغییر در ایران به معنای یک دولت شکست‌خورده‌ی دیگر نخواهد بود. مردم ایران آماده‌ی این تغییر هستند و توانایی خود را نشان داده‌اند؛ به شرطی که به آنها فرصت داده شود.»

● «ایران از دیرباز یک ملت چند قومی بوده است؛ خیلی قبل از اینکه آمریکا به مونه‌ای از آن تبدیل شود. برای قرن‌ها ما اقوام مختلف و ادیان گوناگونی داشتیم که در زیر یک سقف، در کنار هم و در صلح زندگی می‌کردند. این همان دولت-ملت ایران بود که برای قرن‌ها وجود داشته و تا امروز ادامه دارد. به‌خصوص وقتی به موضوع مهسا

➔ به صدور این ایدئولوژی در سراسر جهان کمک کند. البته جنگ‌های نیابتی یکی از روش‌هایی است که این رژیم با استفاده از آن تمرکز را از خود دور کرده و درگیری‌های منطقه‌ای را تحریک می‌کند. این رژیم همواره برای باقی ماندن در قدرت بی‌ثباتی ایجاد کرده است؛ سرکوب در داخل و ایجاد درگیری در خارج؛ اگر به ۴۰ سال گذشته نگاه کنید، بزرگترین انتقاد من از تحلیل‌ها و سیاست‌های دولت‌های غربی در قبال این رژیم، این است که این سیاست‌ها بر فرض نادرستی مبتنی بر تغییر رفتار رژیم بوده است. اگر به تمام سیاست‌های اعمال‌شده نگاه کنید، چه دیپلماسی و چه استفاده از قدرت، از رویکرد «چماق و هویج» (سیاست تشویق و تنبیه) استفاده شده که همگی بر پایه تغییر رفتار بوده‌اند. در حالی که ما همیشه معتقد بودیم که تنها راه حل، پایان دادن به این رژیم است و نباید انتظار تغییر رفتار از آن داشت.

با گذشت زمان به نظر می‌رسد که این درک روشن‌تر شده است. اما آیا تنها فهمیدن کافی است؟ به نظر من باید قدم‌های بعدی برداشته شود و نمی‌توانید انتظار داشته باشید که این رژیم شیطانی خود به خود از بین برود. شما باید به آن پایان دهید. من همیشه گفته‌ام که این مبارزه‌ای است توسط ایرانیان و برای ایرانیان. اما آنها شایسته‌ی حمایت هستند چرا که در تمام این سال‌ها هیچ حمایتی دریافت نکرده‌اند. راه‌هایی برای دستیابی به این هدف وجود دارد؛ نه از طریق مداخله نظامی یا حملات خارجی، بلکه با تقویت و هموار کردن شرایط برای ایرانیان تا بتوانند این رژیم را شکست دهند.

اما چرا این موضوع به نفع جهان آزاد نیز هست؟ ما از آنها نمی‌خواهیم برای ما گریه کنند یا دلسوزی کنند. حداقل به ارزش‌های آزادی و دموکراسی خود پایبند بمانید و از حق تعیین سرنوشت ایرانیان که تنها خواسته‌ی آنهاست، دفاع کنید. اما باید به آنها کمک کنید همانطور که به بسیاری از مخالفان در کشورهای دیگر کمک کردیم تا نظام‌های دیکتاتوری یا تمامیت‌خواه خود را شکست دهند. این رویکرد با این همخوانی دارد که اگر معتقدید ایرانیان شایسته‌ی همان آزادی‌هایی هستند که شما به عنوان غربی در کشورهای خود دارید، نباید به معامله‌ای با این رژیم که آنها را سرکوب، شکنجه، اعدام و نابود می‌کند، این ارزش‌ها را زیر پا بگذارید. بلکه باید [به مردم ایران] بگویید: ما با شما همبستگی داریم و به شما کمک خواهیم کرد تا پیروز شوید.

فکر می‌کنم این تغییر نگرش اساسی باید اتفاق بیفتد زیرا باقی ماندن در وضعیت موجود و امیدوار بودن به تغییر رفتار رژیم از طریق معجزه، ائتلاف وقت است. با نزدیک شدن بحران به خط قرمز تهدید هسته‌ای، اگر فرصت تغییر را قبل از اینکه به اقدامات شدیدتر روی آوریم نادیده بگیریم، این یک اشتباه تاریخی جنایت‌آمیز خواهد بود.

● شما بارها درباره فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران صحبت کرده‌اید؛ همانطور که در سوال قبلی هم اشاره کردید. کنجکاو بدانم این ایده در عمل و در قالب سیاست به چه شکل خواهد بود؟ غرب چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد تا سیاست‌هایی اتخاذ کند که هم از مردم ایران حمایت کند و هم به تغییر رژیم کمک کند؟

-مهم‌ترین نکته با توجه به نتیجه‌ی مورد نظر، این است که برخلاف آنچه در افغانستان یا عراق دیده‌ایم، درک کنیم که تغییر در ایران به معنای یک دولت شکست‌خورده‌ی دیگر نخواهد بود. مردم ایران آمادگی این تغییر هستند و

توانایی خود را نشان داده‌اند؛ به شرطی که به آنها فرصت داده شود. این اساس استدلال ماست که ایرانیان برای تغییر آماده‌اند. اگر بتوانیم سناریویی ایجاد کنیم که عناصر درون رژیم که دیگر به آن باور ندارند و می‌خواهند بخشی از راه حل باشند، جدا شوند، این بهترین راه برای تضمین یک انتقال نرم خواهد بود بدون اینکه پس از سقوط رژیم با هرج و مرج و بی‌نظمی مواجه شویم. این یک فروپاشی کنترل‌شده با یک برنامه واقعی برای انتقال قدرت و ایجاد یک دولت موقت است که بخشی از کمپین من است و چیزی است که سعی دارم توضیح دهم. هدف این است که به نقطه‌ای برسیم که ایرانیان بتوانند بالاخره بگویند: «حالا این به ما بستگی دارد که برای خود تصمیم بگیریم.» ما نه تنها مکانیزم و فرآیند آزادی و دموکراسی را داریم، بلکه یک نقشه راه برای بهبود نیز داریم که به کشور این فرصت را می‌دهد تا سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند، به مسائل اشتغال و ایجاد شغل بپردازد؛ همه چیزهایی که از نظر اقتصادی برای مردم عادی در خیابان‌ها ملموس و منطقی باشد. چون بقیه مسائل فقط حرف‌های کلی است. سوال این است که چگونه می‌توان آن را به چیزی تبدیل کرد که نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای کسانی که از این تغییر بهره خواهند برد، مفید باشد. این یک سناریوی برد-برد است که بسیار منطقی‌تر از آن است که امیدوار باشیم این رژیم با این مافیای فاسد در رأس آن و ادامه جنگ‌های نیابتی، بتواند راه حل بهتری نسبت به چهل سال گذشته ارائه دهد. این تغییر پارادایم باید اتفاق بیفتد.

● در اسرائیل، چند نفر در داخل این کشور به جدایی‌طلبی به عنوان راهی برای تضعیف رژیم اشاره کرده‌اند. اما این دیدگاه واقعیت ندارد. در واقع این اقدام به نوعی رژیم را تقویت می‌کند. این یک توطئه است که خود رژیم سال‌هاست آن را مطرح کرده تا مخالفان را سرکوب و تضعیف کند و بگوید که مردم می‌خواهند ایران را تقسیم کنند. اما چرا جدایی‌طلبی اشتباه است؟ و چرا این در واقع راهی برای تقویت رژیم به شمار می‌آید؟

-اول و مهم‌تر از همه این کار به رژیم بهانه‌ای می‌دهد تا به نام حفاظت از سرزمین، سرکوب بیشتری انجام دهد. ایرانیان بطور ذاتی به گذشته و تاریخ خود افتخار می‌کنند. ایران از دیرباز یک ملت چند قومی بوده است؛ خیلی قبل از اینکه آمریکا به نمونه‌ای از آن تبدیل شود. برای قرن‌ها ما اقوام مختلف و ادیان گوناگونی داشتیم که در زیر یک سقف، در کنار هم و در صلح زندگی می‌کردند. این همان دولت-ملت ایران بود که برای قرن‌ها وجود داشته و تا امروز ادامه دارد. به خصوص وقتی به موضوع مهسا امینی و انقلاب در چهار گوشه ایران نگاه می‌کنید، می‌بینید که این مسئله به عنوان یک مسئله ملی مطرح شده است. این فقط یک مسئله گزندی یا آذربایجانی و غیره نبود. حال جدایی‌طلبانی وجود دارند که معتقدند تعداد آنها بسیار اندک است. اینها بحث‌های حاشیه‌ای هستند اما متأسفانه بیش از حد به آنها تریبون داده می‌شود و این خطرناک است. دلیل این موضوع را هم برای شما توضیح می‌دهم: وقت ایرانیان احساس کنند که برخی دولت‌ها یا نیروهای خارجی در حال تشویق این نوع جدایی‌طلبی هستند، دچار تردید خواهند شد. ایرانیان به سرزمین خود افتخار می‌کنند و این سرزمین [برایشان] مقدس است. به همین دلیل است که احساس هویت ملی وجود دارد. پرچمی هست که یک ملت را نمایندگی می‌کند و این خط قرمز ما به عنوان ملی‌گراهاست. ما معتقدیم که نیازی به رسیدن به این نقطه نیست. نمی‌گوییم که گروه‌های قومی تحت این رژیم رنج نکشیده‌اند؛

اما کدام ایرانی در ایران وجود دارد که از این رژیم رنج برده باشد؟ شما به خاطر قومیت خود رنج کشیده‌اید، من به خاطر ایمان شما رنج کشیده‌ام، شما به خاطر گرایش جنسی خود رنج کشیده‌اید، شما فقط به خاطر اینکه یک زن هستید و به عنوان شهروند درجه دو رفتار می‌شوید رنج کشیده‌اید. این کار این رژیم است. این ایران نیست. این چیزی نیست که در قلب هر ایرانی وجود داشته باشد. کسی که به دیگری احترام می‌گذارد و اهمیتی نمی‌دهد که شما مسلمان، یهودی، زرتشتی یا بی‌دین هستید؛ آنها اهمیتی نمی‌دهند که شما چپ‌گرا یا راست‌گرا هستید؛ مادامی که قوانین دموکراسی، احترام و تحمل متقابل را رعایت کنید؛ این بخشی از فرهنگ ماست که تا حدی توسط این رژیم نابود شده است.

بنابراین من فکر می‌کنم که تضمین برابری و پایان دادن به هر نوع تبعیض تنها بر پایه فرمولی است که ما به آن اعتقاد داریم: یک نظام سکولار دموکراتیک که جایگزین این دیکتاتوری مذهبی خودکامه شود.

● در کنفرانس شورای اسرائیلی-آمریکایی خواستار صلح و همکاری بین دولت اسرائیل و ایران آزاد آینده شدید؛ حتا از پیمان کوروش به عنوان دنباله‌ی پیمان ابراهیم یاد کردید. رابطه آینده اسرائیل و ایران در یک ایران آزاد چگونه خواهد بود؟

-من بر این باورم که این رابطه می‌تواند یک شراکت استراتژیک واقعی باشد که به نفع نه تنها این دو کشور، بلکه کل منطقه خواهد بود. باید به چالش‌هایی که با آنها روبرو هستیم، نگاه کنیم. نه تنها در منطقه بلکه در سراسر جهان. مسائلی مانند تغییرات اقلیمی، مشکلات اقتصادی و کمبود آب که یکی از مسائل مهم در ایران است. واقعا یکی از دلایل سفر من به اسرائیل این بود که با کارشناسان اسرائیلی که در مدیریت آب از بهترین‌های جهان هستند، صحبت کنم و چالش‌ها و توصیه‌های آنها را برای مقابله با این مسائل از هر جنبه‌ای بفهمم. علاوه بر این، مسائل متعددی مانند فناوری، صنعت و نوآوری وجود دارد که شما از آنها بهره‌مند هستید. به نظر من، کل منطقه از این همکاری سود خواهد برد. اما پیش از هر چیز ثبات، مهم‌ترین عامل است. اگرچه خاورمیانه همواره با این چالش‌ها و درگیری‌ها روبرو بوده است. نشان دادن اینکه این دو کشور کلیدی در منطقه می‌توانند با هم همکاری کنند، اهمیت زیادی دارد. این همان روحیه‌ای است که وقتی پدرم به رئیس جمهور سادات کمک زیادی کرد، زمانی که او رابطه‌ای با گدلا مایر برقرار کرد و به توافق صلح مصر و اسرائیل منجر شد، این نشان می‌دهد که در شرایط مناسب می‌توان به صلح دست یافت. و دوباره با همین روحیه چگونه ممکن است در منطقه‌ای ثبات و صلح داشته باشید که یکی از عناصر آن رژیم تروریستی است که دائما در حال تحریک و درگیری است؟

بنابراین یک ایران متفاوت با شرکای مناسب نه تنها می‌تواند شرایط مناسبی را برای صلح فراهم کند، که چیز نیست که همه می‌خواهند، بلکه فرصت‌های زیادی برای توسعه اقتصادی و تعامل نیز ایجاد خواهد کرد. این برای همه خوب و سودمند است. من فکر می‌کنم این رویکردی است که بسیاری از حامیان، از عربستان سعودی و مصر گرفته تا اسرائیل، سوریه و همه کشورهای دیگری که در حال حاضر با وضعیت موجود گیر افتاده‌اند، خواهند داشت.

● کاملا درست است. والا حضرت رضا پهلوی بسیار سپاسگزاریم که با ما بودید.

قطع سر اختاپوس وحشت؛ زمانی برای رهایی از چنگال رژیم اسلامی

کشورهای منطقه همچون لبنان، سوریه، یمن و غزه، به دنبال ایجاد ائتلافی منطقه‌ای علیه اسرائیل بوده است. اما اکنون، همان "بازوهای" اختاپوس که روزی تهدیدی بزرگ به شمار می‌رفتند، یکی پس از دیگری قطع شده‌اند. در لبنان، پس از کشته شدن حسن نصرالله رهبر حزب‌الله، قدرت این گروه شبه‌نظامی به شدت کاهش یافته است. در یمن و غزه نیز رژیم جمهوری اسلامی با شکست‌های مداوم مواجه شده و توانایی آن در حمایت از نیروهای نیابتی خود به شدت تضعیف شده است.

تانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بارها اعلام کرده است که برای امنیت اسرائیل باید "سر اختاپوس" را در تهران قطع کرد. رژیم بزهکار اسلامی سال‌هاست که با استفاده از نیروی نظامی، موشک‌های دوربرد و حمایت از گروه‌های نیابتی و عملیات تروریستی، تهدیدی جدی برای اسرائیل و منطقه بوده است. اما اکنون، به نظر می‌رسد که زمان حمله مستقیم به این جرثومه فساد فرا رسیده است.

اگر ارتش اسرائیل (IDF) بخواهد پیام امیدبخش تانیاهو به مردم ایران را دنبال کند، هدف حملات تلفیقی اسرائیل (سایبری، خرابکاری در داخل، حملات هوایی و موشکی) باید بر روی مراکز سرکوب جمهوری اسلامی متمرکز باشد؛ پادگان‌ها و مراکز سپاه و بسیج در شهرهای اصلی همچون تهران، مشهد و اصفهان باید به دقت هدف حملات آینده

برگردانند و به آغوش مردم ببینند.

بهرام فرخی - جهان بار دیگر شاهد شتاب گرفتن بحران‌ها در خاورمیانه است. میلیون‌ها نفر در ایران و سرتاسر جهان دیشب تا پاسی از شب شاهد حملات موشکی رژیم اسلامی به شهرها و نقاط حساس اسرائیل بودند. حمله دیشب رژیم اسلامی به اسرائیل، این منطقه را به آستانه رویارویی نظامی تمام‌عیار کشانده است. اینبار اما پیامدها از حد درگیری‌های معمول فراتر رفته و به مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده برای آینده ایران و منطقه نزدیک می‌شود.

رژیم اسلامی که سال‌ها با اتکا به سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی و تهدیدهای خارجی به بقای خود ادامه داده، اکنون در مواجهه با شرایط بی‌سابقه‌ای قرار گرفته است. رژیمی که روزی با فریادهای "مرگ بر اسرائیل" به دنبال سلطه در منطقه بود، اکنون با تهدیدات داخلی و خارجی روبروست. حمله دیشب به اسرائیل نه تنها نقطه ضعف جمهوری اسلامی را آشکار کرد، بلکه جهان را به این واقعیت روشن رهنمون ساخت: این رژیم به بن‌بستی تاریخی رسیده است و باید از دست آن خلاصی یابد.

در شب تاریک و پر از هراس، موشک‌های ایرانی بر آسمان اسرائیل شعله‌ور شدند. از مجموع ۱۸۰ موشک شلیک شده، تنها چند عدد از آنها به خاک اسرائیل به زمین اصابت کرد. این حمله که به نظر می‌رسد تلاش دیگری برای نمایش قدرت

یکی از احتمالات قوی، حمله نظامی گسترده اسرائیل به مراکز حیاتی ایران از جمله پایگاه‌های نظامی و هسته‌ای است. این حملات می‌تواند بطور مستقیم اقتصاد کشور را فلج کرده و درآمدهای نفتی رژیم را قطع کند. با تشدید این حملات و مشارکت مردم ایران در خیابان‌ها برای اشغال مراکز حیاتی رژیم، احتمال سقوط رژیم بیش از پیش قوت می‌گیرد.

دومین سناریو این است که رژیم جمهوری اسلامی در برابر فشارهای بین‌المللی سر تسلیم فرود آورده و از برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود دست بردارد. این سناریو هرچند ممکن است به حفظ موقت رژیم منجر شود، اما قطعاً نفوذ و قدرت آن در منطقه را به شدت کاهش خواهد داد و موجب تلاشی رژیم از داخل خواهد شد.

سومین گزینه، ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی است. در این حالت، رژیم فشار بر مردم را افزایش خواهد داد و از ابزارهای سرکوبگرانه برای کنترل اوضاع استفاده خواهد کرد. اما این گزینه، خطر انفجار عمومی مردم و شورش‌های گسترده را به دنبال دارد که حیات رژیم را مستأصل خواهد کرد.

چهارمین و شاید محتمل‌ترین سناریو، وقوع کودتای نظامی است. در شرایطی که اعتماد به رهبران جمهوری



بهرام فرخی



بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای پهپادی و موشکی سپاه پاسداران / آبان ۱۴۰۲

قرار گیرند. این اقدام، نه تنها می‌تواند پایه‌های قدرت نظامی و رعب و وحشت جمهوری اسلامی را تضعیف و از پای در آورد، بلکه با برانگیختن شجاعت مردم، موج جدیدی از اعتراضات مردمی را علیه رژیم به راه خواهد انداخت.

سناریوهای پیش روی رژیم اسلامی

رژیم اسلامی اکنون در موقعیت پیچیده‌ای قرار دارد. آینده این رژیم به انتخاب‌های محدود و دشوار ←

و در عین حال استیصال رژیم در مقابل انتقادات رو به افزایش هواداران خود بوده است، تنها به کشته شدن یک فلسطینی و خسارت‌های محدود ختم شد.

سؤال بزرگ این است که هدف اصلی از این نمایش قدرت چه بود؟ آیا جمهوری اسلامی گمان می‌کرد که با این حملات، می‌تواند اسرائیل را به زانو درآورد؟ یا اینکه این اقدام تنها نشان از ضعف و ناتوانی رژیمی دارد که با بحران‌های داخلی و خارجی دست به گریبان است؟ در طول سال‌ها، رژیم ایران با دخالت‌های خود در

اسلامی به شدت کاهش یافته، احتمال کودتای نظامی و کنار زدن سردمداران فعلی از قدرت بسیار بالاست. این اقدام می‌تواند راه را برای تحولات جدید در ایران باز کند.

شاهزاده رضا پهلوی، که در طول سال‌ها به عنوان نمادی از مقاومت در برابر جمهوری اسلامی شناخته شده، پس از حمله موشکی اخیر، پیام روشنی به مردم و نیروهای مسلح ایران ارسال کرد. وی از مردم خواست تا شجاعت به خرج داده و به خیابان‌ها بازگردند و از نیروهای مسلح خواست تا سلاح‌های خود را به سوی دیکتاتور خامنه‌ای

ایران و اسرائیل دوستانی با دشمن مشترک به نام رژیم جمهوری اسلامی



تظاهرات همبستگی ایرانیان و اسرائیلی‌ها در اروپا

دو ملت است. به عنوان مثال در دهه هفتاد وقتی یک هوایمیای مسافربری با ۱۷۴ سرنشین در مسیر کیش روبرو شد، سوخت هوایمیای تمام و در آستانه سقوط قرار می‌گیرد. هیچکدام از کشورهای مسلمان و عرب و به اصطلاح دوست و برادر جمهوری اسلامی اجازه فرود اضطراری به خلیان ندادند، اما اسرائیل کمک و پذیرایی کرد! تنها کشوری که تمام‌قد از قیام آزادیخواهانه مردم ایران علیه ملاحا حمایت کرده اسرائیل است. مقامات اسرائیل درست برعکس حاکمان مسلمان کشورهای عرب منطقه به تمامیت ارضی ایران چشم ندارد. آنها هرگز با مواضع دولت‌های عربی در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی هم‌صدا نبوده‌اند. آنها دست به تحریف نام «خلیج فارس» در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان زنده‌اند، کاری که حزب‌الله کرد.

مردم ایران حق دارند اسرائیلی‌ها را شریک غم و شادی خودشان بدانند. بعد از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» ایرانیان بودند که با پرچم‌های شیروخورشید با وجود تهدیدات امنیتی در شهرهای مختلف جهان در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا در کنار شهروندان اسرائیل راهپیمایی کردند. جوانان ایرانی بودند که در استادیوم‌ها بارها به بسیجی‌هایی که پرچم فلسطین را بالا بردند واکنش نشان دادند.

اکثریت مردم ایران خواهان احیای روابط حسنه دوران پهلوی با اسرائیل هستند. دورانی که خط لوله نفتی ایلات-اشکلون فعال بود و در بخش کشاورزی، تکنولوژی پزشکی بالاترین سطح همکاری‌ها جریان داشت.

ما مردم ایران و اسرائیل دشمن مشترکی داریم به نام رژیم جمهوری اسلامی اما بهترین دوستان یکدیگر در دنیا هستیم. *امیر مقدم روزنامه‌نگار، مدیر روابط عمومی و رابط پارلمانی معاونت اجرایی ریاست جمهوری دولت یازدهم و از مسئولین ستاد موسوی در سال ۸۸ است و سال‌هاست خارج از ایران زندگی می‌کند.

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بار دیگر با موشک‌های خود اسرائیل را هدف قرار داد. به همان اندازه که مردم اسرائیل از سقوط این موشک‌ها نگران بودند، مسافران هوایمیای بر فراز ایران و ساکنان شهرهایی که موشک‌ها از آسمان آنجا عبور می‌کرد نیز نگران بودند.

● ما مردم ایران از زمان کوروش کبیر با اسرائیل محکم‌ترین و تاریخی‌ترین پیوند را داشته‌ایم. ما به اسرائیل و اهالی سرزمینی نزدیکتر هستیم که بسیاری از مقامات سیاسی، فرماندهان و سربازان نظامی و فعالان اقتصادی آن ایرانی هستند و بخشی از وجود خود را در ایران جا گذاشته‌اند.

● تاریخ روابط ایران و اسرائیل پر از نمونه‌هایی از دوستی دو ملت است. به عنوان مثال در دهه هفتاد وقتی یک هوایمیای مسافربری با ۱۷۴ سرنشین در مسیر کیش روبرو شد، سوخت هوایمیای تمام و در آستانه سقوط قرار می‌گیرد. هیچکدام از کشورهای مسلمان و عرب و به اصطلاح دوست و برادر جمهوری اسلامی اجازه فرود اضطراری به خلیان ندادند، اما اسرائیل کمک و پذیرایی کرد! تنها کشوری که تمام‌قد از قیام آزادیخواهانه مردم ایران علیه ملاحا حمایت کرده اسرائیل است.

● مردم ایران حق دارند اسرائیلی‌ها را شریک غم و شادی خودشان بدانند. بعد از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» ایرانیان بودند که با پرچم‌های شیروخورشید با وجود تهدیدات امنیتی در شهرهای مختلف جهان در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا در کنار شهروندان اسرائیل راهپیمایی کردند. جوانان ایرانی بودند که در استادیوم‌ها بارها به بسیجی‌هایی که پرچم فلسطین را بالا بردند واکنش نشان دادند.

امیر مقدم- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بار دیگر با موشک‌های خود اسرائیل را هدف قرار داد. به همان اندازه که مردم اسرائیل از سقوط این موشک‌ها نگران بودند، مسافران هوایمیای بر فراز ایران و ساکنان شهرهایی که موشک‌ها از آسمان آنجا عبور می‌کرد نیز نگران بودند.

ما مردم ایران از زمان کوروش کبیر با اسرائیل محکم‌ترین و تاریخی‌ترین پیوند را داشته‌ایم. ما به اسرائیل و اهالی سرزمینی نزدیکتر هستیم که بسیاری از مقامات سیاسی، فرماندهان و سربازان نظامی و فعالان اقتصادی آن ایرانی هستند و بخشی از وجود خود را در ایران جا گذاشته‌اند. آنها به ایرانی بودن و به پرچم شیروخورشید ایران می‌بالند، نام کوروش و اسامی فارسی بر میدادین و خیابان‌هایش می‌درخشید، بسیاری از شهروندان دل در گرو ایران دارند و خود را با افتخار ایرانی می‌دانند.

بسیاری از ایرانیان یهودی و اسرائیلی‌های ایرانی‌تبار در سختی‌ها کمک‌رسان ایرانیان بودند و در مقابل اما متحدان جمهوری اسلامی و گروه‌هایی مثل حماس و حزب‌الله که سال‌ها از سرمایه‌ی غارت شده مردم ایران تأمین شدند در کنار مردم ایران نبودند. طرفداران حماس عاشق صدام حسین دیکتاتور عراق بودند و بر در و دیوار غزه و کرانه باختری عکس او را چسبانده‌اند. آنها از ایرانیان و مردم ایران حتی به دلیل شیعه بودنشان متنفرند! یادمان نرفته نیروهای حزب‌الله در صف اول سرکوب مردم بودند.

تاریخ روابط ایران و اسرائیل پر از نمونه‌هایی از دوستی

بستگی دارد. در شرایط کنونی، سناریوهای پیش روی سردمداران رژیم به‌خصوص رهبر آن چندان امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد.

۱/ حمله نظامی اسرائیل و سقوط رژیم: یکی از احتمالات قوی، حمله نظامی گسترده اسرائیل به مراکز حیاتی ایران از جمله پایگاه‌های نظامی و هسته‌ای است. این حملات می‌تواند بطور مستقیم اقتصاد کشور را فلج کرده و درآمدهای نفتی رژیم را قطع کند. با تشدید این حملات و مشارکت مردم ایران در خیابان‌ها برای اشغال مراکز حیاتی رژیم، احتمال سقوط رژیم بیش از پیش قوت می‌گیرد.

۲/ تسلیم به فشارهای بین‌المللی: دومین سناریو این است که رژیم جمهوری اسلامی در برابر فشارهای بین‌المللی سر تسلیم فرود آورده و از برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود دست بردارد. این سناریو هرچند ممکن است به حفظ موقت رژیم منجر شود، اما قطعاً نفوذ و قدرت آن در منطقه را به شدت کاهش خواهد داد و موجب تلاشی رژیم از داخل خواهد شد.

۳/ تشدید سرکوب داخلی و انفجار مردم: سومین گزینه، ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی است. در این حالت، رژیم فشار بر مردم را افزایش خواهد داد و از ابزارهای سرکوبگرانه برای کنترل اوضاع استفاده خواهد کرد. اما این گزینه، خطر انفجار عمومی مردم و شورش‌های گسترده را به دنبال دارد که حیات رژیم را مستأصل خواهد کرد.

۴/ کودتای نظامی و حذف دیکتاتور: چهارمین و شاید محتمل‌ترین سناریو، وقوع کودتای نظامی است. در شرایطی که اعتماد به رهبران جمهوری اسلامی به شدت کاهش یافته، احتمال کودتای نظامی و کنار زدن سردمداران فعلی از قدرت بسیار بالاست. این اقدام می‌تواند راه را برای تحولات جدید در ایران باز کند.

پیام امید: زمانی برای رهایی

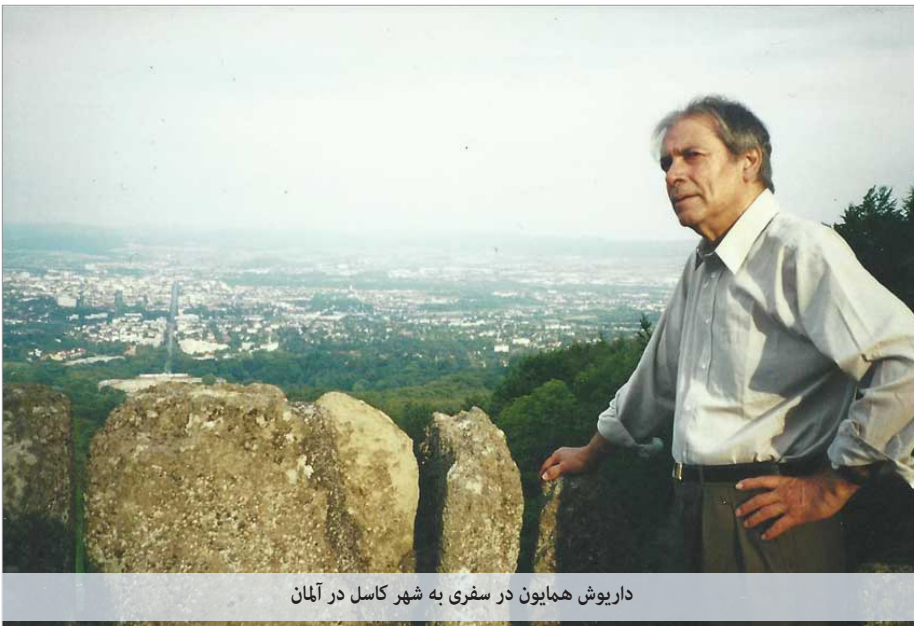
در این میان، مردم ایران نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت آینده کشور ایفا خواهند کرد. شاهزاده رضا پهلوی، که در طول سال‌ها به عنوان نمادی از مقاومت در برابر جمهوری اسلامی شناخته شده، پس از حمله موشکی اخیر، پیام روشنی به مردم و نیروهای مسلح ایران ارسال کرد. وی از مردم خواست تا شجاعت به خرج داده و به خیابان‌ها بازگردند و از نیروهای مسلح خواست تا سلاح‌های خود را به سوی دیکتاتور خامنه‌ای برگردانند و به آغوش مردم بپیوندند.

این پیام، بازتابی از امید به رهایی از چنگال رژیم است که سال‌هاست بر پایه‌های سست خشونت و سرکوب بنا شده است. ایران، سرزمین شجاعان و آزادگان، اکنون بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و همبستگی نیاز دارد. لحظه تعیین‌کننده نزدیک است؛ آیا مردم ایران خواهند توانست با اتحاد خود، سرنوشت خود را در دست بگیرند و رژیم را که سال‌هاست بر آنها ستم کرده، به زانو درآورند؟

و در خاتمه: حوادث اخیر، جهان را به سوی یک پیچ تاریخی هدایت می‌کند. رژیم اسلامی که روزی با فریادهای تهدیدآمیز خود جهان را به چالش می‌کشید، اکنون در برابر موجی از بحران‌های داخلی و خارجی گرفتار آمده است. نتایج و ارتش اسرائیل، در کنار مردم ایران، اکنون فرصت آن را دارند که سر اختاپوس را برای همیشه قطع کنند و ایران را از چنگال رژیم آزاد کنند که سال‌هاست بر این سرزمین سایه افکنده است.

* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

داریوش همایون؛ شهروند مسئول و کنشگر



داریوش همایون در سفری به شهر کاسل در آلمان

● عنصر ثابت شخصیت داریوش همایون، عشق به ایران و دوست داشتن مردمان این سرزمین است. او می‌گفت «ایران، تنها چیزی است که داریم» و ایران را بر هر هویتی برتر می‌دانست. از جوانی با خود پیمان بسته بود که بر سر تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران سر به هیچ سودائی نسیپارد. بر آن بود که ایران از «یک هسته سخت» برخوردار است که مایه پایداری آنست و با اینکه در معرض وزش‌های دمامد توفان‌های سیاسی و هجوم‌های اقوام و ایلات بیابانگرد از عرب و مغول و تاتار و مطامع استعماری روس و انگلیس واقع بوده باز هویت خود را حفظ کرده است.

● می‌گفت ایران در گره‌گاه سه جهان عقب‌افتاده و گرفتار واقع است: جهان سوم، جهان خاور میانه و جهان اسلام ولی به هیچکدام از آنها تعلق ندارد و باید خود را بر این جغرافیای عقب‌مانده سیاسی تحمیل کند. باور داشت که در دنیای بهم پیوسته امروزی می‌توان و باید بر جبری که از دل تاریخ‌مان تحمیل می‌شود غلبه کرد و با عزم راسخ به قافله جوامع امروزی پیوست. لازمه این حرکت، آگاهی و اراده جمعی است و یک دولت ملی مدرن می‌تواند نقشی کارساز ایفا کند. از این رو حکومت مشروطه مدرن را مناسب‌ترین نوع کشورداری برای ایران می‌دانست و در راه تاسیس آن می‌کوشید.

حسن منصور - برای ورود به اصل سخن به طرح چند مفهوم نیاز داریم: هانا آرنت در اثر ماندگار خود، که من آن را به «بستر رویش انسان مدرن» [۱] ترجمه می‌کنم، در فصل‌های سوم، چهارم و پنجم به ترتیب از سه کار کرد حیاتی [۲] سخن می‌گوید که عبارتند از کار [۳]، آفرینش اثر ماندگار [۴]، و کنش اجتماعی-سیاسی [۵].

مراد از «کار»، کردارهایی است هدفمند، روشمند و دامنه‌دار که در راستای تولید کالا یا خدمتی که در تأمین معیشت به کار می‌آید و از آنجا که برآورنده بخشی از نیازهای جامعه است ظرفیت وارد شدن به شبکه تقسیم کار اجتماعی را داراست و فرد را با بدنه کار اجتماعی در پیوندی ارگانیک قرار می‌دهد؛ «نظریه کار»، نزد اندیشمندی چون کارل مارکس و آلفرد مارشال به «متابولیسم میان انسان و طبیعت» تعبیر شده که انسان در فرآیند آن به مثابه عضو فعالی از طبیعت، به مدد ابزار، دانش و مهارت، داده‌های طبیعت را گوارش کرده و آنها را به تناسب نیازهای خود به صورت‌های مورد طلب و تمای خود در می‌آورد.

مراد از «آفرینش اثر»، آندسته از کردارهای هدفمند و روشمند و دامنه‌دار آدمی است که به آفریدن «کالاهای بلندمدت» می‌انجامد-مانند خوراک و پوشاک- و کالاهای کوتاه‌مدت- که در فرآیند بازتولید نیروی کار نقش مستقیم ندارند بلکه نقش خود را از رهگذر ساختن ابزار، ماشین‌آلات، ساختارهای علمی- فنی و آثار ادبی- هنری بر روی انسان ایفا می‌کنند و بدینسان در پدید آوردن ساختارها و ساز و کارهای مدنیت ایفای نقش می‌کنند و بر تاریخ بشر مَهر می‌زنند. مظاهر آنها را در بناها، خیابان‌ها، فرودگاه‌ها و اسکله‌ها و ناوگان‌های حمل و نقل، شبکه راه‌های زمینی، دریائی، هوائی، شهرها، متروپل‌ها، خطوط ارتباطی، شبکه‌های فضای مجازی، آثار پرشمار نگهداری شده در موزه‌ها و کتابخانه‌ها و گالری‌ها می‌بینیم. این آثار، پایندگی (دوام) جامعه را ممکن می‌سازند.

و مراد از «کنش»، کوشش‌هایی است که انسان در

آفرینشگرانه او در تبعید می‌آغازد. بی‌تردید زندگینامه او باید همه این عرصه‌ها را در بر گیرد اما مجال تنگ این نوشته بضاعت آن ندارد و لاجرم با اشاره به نکاتی از کنشگری وی در تبعید، خواننده علاقمند را به کتابشناسی و مقاله‌شناسی داریوش همایون، و مقاله‌ها و مصاحبه‌های وی با بنیاد داریوش همایون حواله می‌دهد [۷].

داریوش همایون مرد اندیشه، همت و عمل است. تکاپوی او در آموختن و نو شدن مثال‌زدنی است؛ تغییر او با اراده و تلاش عجیب است. بستر تاریخی زندگی او پر حادثه است. او از یک میهن‌پرست افراطی حزب «سومکا» تا بنیانگذاری «سازمان مشروطه‌خواهان ایران» و سپس «حزب مشروطه ایران (لیبرال-دموکرات)» راهی بس دراز پیمود اما گام به گام این راه طولانی را با تأمل و تفکر و آموختن انجام داد. من در کنار دکتر شاهین فاطمی شاهد این گذار دشوار او در این مسیر پر پیچ و خم بودم. بی‌تردید ژرفای دانش دکتر فاطمی و شیوه برخورد مهربانانه او در این سیر دشوار کارساز بود. اما خود همایون ذهنی بسیار کنج‌کاو و شایق آموختن داشت و فراوان می‌خواند و از ناندانسته روگردان نبود. بی‌گمان نو آوری‌ها و انکشاف‌های پیاپی وی، هم در دریافت مفاهیم و هم در عرصه نوآوری‌های زبانی، او را در میان اندیشمندان سیاسی ایران در مقامی شامخ می‌نشانند.

در این فرآیند تغییر ژرف، عنصر ثابت شخصیت او عشق به ایران و دوست داشتن مردمان این سرزمین است. او می‌گفت «ایران، تنها چیزی است که داریم» و ایران را بر هر هویتی برتر می‌دانست. از جوانی با خود پیمان بسته بود که بر سر تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران سر به هیچ سودائی نسیپارد. بر آن بود که ایران از «یک هسته سخت» برخوردار است که مایه پایداری آنست و با اینکه در معرض وزش‌های دمامد توفان‌های سیاسی و هجوم‌های اقوام و ایلات بیابانگرد از عرب و مغول و تاتار و مطامع استعماری روس و انگلیس واقع بوده باز هویت خود را حفظ کرده است.

می‌گفت ایران در گره‌گاه سه جهان عقب‌افتاده و گرفتار واقع است: جهان سوم، جهان خاور میانه و جهان

عرصه آزادی و در راستای بهسازی شرایط زندگی اجتماعی و اعتلای کرامت انسانی انجام می‌دهد و این کردار در بیان و عمل انسان کنشگر [۶] ظهور می‌کند و از این رو میزان و درجه اعتلای آن به درجه آزادی و آزادگی انسان بستگی دارد. استبداد به اندازه استیلاي خود، جلوی بیان آزاد و عمل اصلاحی را می‌گیرد و کنشگری را محدود و هزینه بروز آن را بالا می‌برد؛ انسان برده و رعیت شده، به میزانی که از آزادی به دور است از کنشگری نیز فاصله دارد. کنش‌ها در شبکه‌های تاریخی بهم می‌پیوندند و فضای ظهور کردارهای بعدی را تعیین می‌بخشند و از این رو هر کنشی در سیر تاریخ اثر می‌گذارد.

بدیهی است که میان این سه گونه کردار، پیوندهای ارگانیک و جود دارد چنانکه کار که در راستای تأمین معیشت انجام می‌گیرد در عین حال می‌تواند اثرهای بلندمدت بیافریند؛ و یا برخی کالاهای بلندمدت همچون تسلیحات که برای تأمین «کالای عمومی امنیت» تولید می‌شوند می‌توانند مایه تخریب و ناامنی شوند؛ و یا کنش اجتماعی نظر به سوبه تاریخی خود به همان اندازه که می‌تواند به اعتلای امنیت و آزادی انسان یاری رساند ممکن است مانند جنبش‌های فاشیسم، نازیسم و کمونیسم راه به بردگی انسان نیز بگشاید.

رد پای داریوش همایون (۵ مهر ۱۳۰۷ تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹ ژنو) را می‌توان در هر سه عرصه نامبرده جستجو کرد: در عنفوان جوانی، در حزب دست راستی «سومکا» (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) که توسط داوود منشی‌زاده عضو سابق حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان هیتلری تأسیس شده بود به عضویت در آمد و در فعالیت‌های ماجراجویانه آن حزب شرکت کرد؛ بعدها در موسسه انتشاراتی «فرانکلین» به کار پرداخته و سپس به تأسیس و سردبیری روزنامه «آیندگان» برخاسته و سابقه‌ای درخشان بجا گذاشته است؛ و آخرین سمت‌اش وزارت کوتاه او در کابینه جمشید آموزگار بود. وقتی از چنگال جمهوری اسلامی جان سالم به‌در برد سر از تبعید در آورد که فصل دیگری در دفتر زندگی او گشود و از آن پس تلاش



صدور کیفرخواست در آمریکا علیه سه عضو سپاه پاسداران؛ محاكمه يك ایرانی تبار به اتهام همکاری با نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی

از انتخابات هستیم.»

آنها همچنین تلاش کردند این باور را در میان مقامات کمپین ترامپ ایجاد کنند که با منابعی معتبر و قابل اعتماد سر و کار دارند و سپس آنها را وادار کردند تا روی لینک‌هایی کلیک کنند که به هکرها اجازه می‌داد ایمیل‌ها و سایر اسناد داخلی این کمپین را سرقت کنند. این سه نفر اطلاعات سرقت شده را برای کمپین بایدن ارسال می‌کردند.

وزارت دادگستری ایالات متحده همچنین در بیانیه‌ای جداگانه اعلام کرد ابوذرحمتی پیمانکار سابق اداره هوانوردی فدرال، با حضور در دادگاهی در واشنگتن رسماً به «اقدام و تلاش به اقدام برای کار به عنوان عامل حکومت ایران در خاک آمریکا بدون اطلاع دادن به دادستانی کل» متهم شده است.

وی از دسامبر ۲۰۱۷ تا ژوئن ۲۰۲۴ با مقام‌های جمهوری اسلامی و عوامل اطلاعاتی حکومت در ارتباط بوده است. بر اساس بیانیه وزارت دادگستری، رحمتی از طریق کار به عنوان پیمانکار اداره هوانوردی، به «اطلاعات حساس غیرعمومی» دست یافت و مطالب غیرعمومی درباره صنعت انرژی خورشیدی در آمریکا را در اختیار حکومت ایران قرار داد.

تحقیقات نشان داد رحمتی برای استخدام در این شغل در مورد سابقه خود دروغ گفته و به خدمت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اشاره نکرده است.

وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه خود تأکید کرده است که از تمامی ابزارها برای شناسایی و محاکمه «عوامل ناشناس ایران یا هر دولت خارجی دیگری که بخواهند به شرکت‌ها یا سازمان‌های دولتی آمریکا نفوذ کنند» استفاده خواهد کرد. دولت آمریکا تلاش‌های برای مقابله با تهدیدات چند بُعدی جمهوری اسلامی و بطور مشخص سپاه پاسداران را افزایش داده است. در همین ارتباط وزارت خارجه این کشور تا ۲۰ میلیون دلار برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری یا محکومیت «شهرام پورصفی» عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شود، پاداش تعیین کرده است.

دو سال پیش وزارت دادگستری آمریکا او را به توطئه برای ترور جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا از طریق دادن ۳۰۰ هزار دلار به یک مزدور برای کشتن وی متهم کرده است.

● وزارت دادگستری ایالات متحده روز جمعه ۲۷ سپتامبر (ششم مهرماه) اعلام کرد علیه سه فرد ایرانی به اتهام «حمله سایبری» در رابطه با مقامات فعلی و پیشین دولت آمریکا، راه‌اندازی کارزارهای سیاسی، سرقت اطلاعات و تلاش برای ایجاد بی‌اعتمادی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کیفرخواست صادر کرده است.

● در این کیفرخواست آمده مسعود جلیلی، سیدعلی آقامیری و یاسر بلاغی سه عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اقدام به تلاش برای مختل کردن کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری کرده‌اند.

● وزارت دادگستری ایالات متحده همچنین در بیانیه‌ای جداگانه اعلام کرد ابوذرحمتی پیمانکار سابق اداره هوانوردی فدرال با حضور در دادگاهی در واشنگتن رسماً به «اقدام و تلاش به اقدام برای کار به عنوان عامل حکومت ایران در خاک آمریکا بدون اطلاع دادن به دادستانی کل» متهم شده است.

● بر اساس بیانیه وزارت دادگستری، رحمتی از طریق کار به عنوان پیمانکار اداره هوانوردی به «اطلاعات حساس غیرعمومی» دست یافت و مطالب غیرعمومی درباره صنعت انرژی خورشیدی در آمریکا را در اختیار حکومت ایران قرار داد.

وزارت دادگستری ایالات متحده روز جمعه ۲۷ سپتامبر (ششم مهرماه) اعلام کرد علیه سه فرد ایرانی به اتهام «حمله سایبری» در رابطه با مقامات فعلی و پیشین دولت آمریکا، راه‌اندازی کارزارهای سیاسی، سرقت اطلاعات و تلاش برای ایجاد بی‌اعتمادی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کیفرخواست صادر کرده است.

در این کیفرخواست آمده مسعود جلیلی، سیدعلی آقامیری و یاسر بلاغی سه عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اقدام به تلاش برای مختل کردن کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری کرده‌اند.

مریک گارلند دادستان کل آمریکا در یک نشست خبری گفت که این سه نفر در تلاش بودند تا کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ را تضعیف کنند. او همچنین گفت: «ما شاهد فعالیت سایبری تهاجمی فزاینده‌ی [رژیم] ایران در این دوره

→ اسلام ولی به هیچکدام از آنها تعلق ندارد و باید خود را بر این جغرافیای عقب‌مانده سیاسی تحمیل کند. باور داشت که در دنیای بهم پیوسته امروزی می‌تواند و باید بر جبری که از دل تاریخ‌مان تحمیل می‌شود غلبه کرد و با عزم راسخ به قافله جوامع امروزی پیوست. لازمه این حرکت، آگاهی و اراده جمعی است و یک دولت ملی مدرن می‌تواند نقشی کارساز ایفا کند. از این رو حکومت مشروطه مدرن را مناسب‌ترین نوع کشورداری برای ایران می‌دانست و در راه تاسیس آن می‌کوشید. او باور داشت که در مشروطه مدرن، با تمرکززدایی و پذیرفتن حقوق مدنی و فرهنگی اقوام و مذاهب در چارچوب اسناد سازمان ملل متحد و میثاق‌های پیوست آن و برقراری دموکراسی لیبرال و تضمین حقوق شهروندی، ظرفیت‌های ملت برای خروج از پسماندگی و رفتن به سوی دنیای مدرن مجال بروز پیدا می‌کند و همین، مصداق دقیق حق تعیین سرنوشت است. می‌گفت دلیل برجائی پیوندها و اراده شکست‌ناپذیر نگهداری این ملت، هسته سخت درون ایران است که نگاهی به حوادث سه هزاره گذشته نیازی به اثبات دوباره آن نمی‌گذارد. تا این هسته سخت پابرجاست ما از مخاطرات وجودی مانند هجوم بنیان‌کن بیابانگردان عرب و ایلغار بیابانگردان آسیای مرکزی و یا امپریالیسم بریتانیا و روس در امان می‌مانیم. در سخن از جدائی‌طلبانی که از «حق تعیین سرنوشت ملت‌های ایران» دم می‌زنند می‌گفت «آنها که در انتظار فرصت نشسته‌اند بهتر است به درس‌های تاریخ بنگرند» تا دریابند که توان این هسته سخت چیست.

او انقلاب اسلامی را نابهنگام‌ترین حادثه تاریخ می‌دانست و می‌گفت «سیاست اسلامی، مانند حکومت اسلامی یک عنصر غیر ایرانی دارد که می‌تواند ضد ایرانی هم باشد. یا باید در جهان امروز و با سطح جهان امروز زندگی کنیم و یا اسلامی باشیم». به باور او حکومت اسلامی توان همزیستی با دنیای مدرن را فاقد است و «در رأس آن، آمریکا آن شمع است که این حشره تاب نزدیک شدنش را ندارد». می‌گفت «محافلی در جمهوری اسلامی سود پاکیزه در ادامه کمک به تروریسم بین‌المللی دارند». وی با تحریکات مدام جمهوری اسلامی، خطر حمله نظامی به ایران را جدی ارزیابی می‌کرد و بر آن بود که «جنگ در میان گزیدارهای ما نیست» و مسئله ما جلویگری از جنگ است و اینکه باید صلح را در خدمت دموکراسی در آوریم.

اثر زنده و پویای همایون، «حزب مشروطه ایران (لیبرال-دموکرات)» است که با هدف رهایی ایران از چنبره عقب‌ماندگی کنونی و شکوفا ساختن ظرفیت‌های کلان سرزمین و مردمان پرتنوع آن، تأسیس شده با این نیت که همه نیروهای را که دلمشغولی ایران دارند به همگامی برای رهایی کشور هم‌آوا گرداند و برای پیروزی، به توان مردمان ایران و به ویژه نسل‌های جوان کشور تکیه کند.

[۱] Hannah Arendt; Condition de l'homme modern, 1983

[۲] Vita activa : op cit, pp 315-398

[۳] Labour/ Le travail : op cit, PP 123-176

[۴] Works/ Loevre : op cit, pp 187-222

[۵] Action/ Action: op cit, pp 231-310

[۶] Parole et Act

[۷] کتابنامه داریوش همایون در گفتگو با داریوش همایون؛

لیبرال دموکراسی و حزب مشروطه ایران؛ صفحات ۱۸۱-۲۰۰۱
نشر ۱۳۹۹، و انتشارات بنیاد داریوش همایون به همت بنیانگذاران آن بانو فرخنده مدرس و آقای کشرگر از جمله «در جستجوی پاسخ»، گفتگو با داریوش همایون، فرخنده مدرس، نشر بنیاد داریوش همایون، ۱۳۸۹

چه کسی مخفیگاه نصرالله را لو داد؟ منابع لبنانی: جاسوس ایرانی «سید حسن» را فروخت!

پس از تأیید خبر مرگ حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان، خبرگزاری رویترز (شنبه هفتم مهرماه) به نقل از دو مقام منطقه‌ای ادعا کرد، «علی خامنه‌ای با تدابیر امنیتی شدید به مکان امنی منتقل شده است.»

نفوذ سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل در بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به شدت حکومت را نگران کرده است.

در همین ارتباط ساعاتی پیش از آنکه خبر مرگ نصرالله رسماً تأیید شود محمدجواد لاریجانی دبیرپیشین ستاد حقوق بشر قوه قضائیه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه زنده تلویزیونی گفت، جریان بمباران «ناشی از نفوذ بود» و این نفوذ از جمله مواردی است که وقتی می‌بینیم رهبر

با استفاده از مپ‌های سنگرشکن حسن نصرالله کشته شد. در این گزارش آمده، بزرگترین شگفتی در ترور نصرالله در نقش جاسوس ایرانی نهفته است؛ چراکه این جاسوس توانسته به حلقه داخلی حزب الله نفوذ کند و اطلاعات دقیقی از تحرکات نصرالله که روز جمعه (ششم مهرماه) در بیروت برای شرکت در مراسم تشییع جنازه محمد سرور یکی از فرماندهان حزب الله حضور داشت، ارائه دهد.

روزنامه لوپاریزین همچنین می‌نویسد نصرالله در روز ترور همراه با عباس نیلفروشان جانشین فرمانده «سپاه قدس» در لبنان در یک اتومبیل بودند و در لحظه ترور در طبقه‌ای در عمق ۳۰ متر زیرزمین حضور داشتند. گمان می‌رود که نفوذ جاسوس ایرانی به اسرائیلی‌ها کمک

● روزنامه فرانسوی «لوپاریزین» به نقل از منابع لبنانی گزارش داد که یک «جاسوس ایرانی» مخفیگاه حسن نصرالله را به اسرائیل لو داده است.

● مقام‌های ارشد حزب الله و جمعی از چهره‌های سیاسی و دینی عرب نیز در ارتباط با نقش «عوامل ایرانی» در لو رفتن مکان نصرالله صحبت کردند. محمدعلی الحسینی دبیرکل شورای اسلامی عربی در لبنان، در مصاحبه با «العربییه» می‌گوید: «یک روز قبل از کشته شدن حسن نصرالله به او هشدار داده بود که وصیتنامه خود را بنویسد» زیرا «ایران او را فروخت».

● ساعاتی پیش از آنکه خبر مرگ نصرالله رسماً تأیید شود محمدجواد لاریجانی دبیرپیشین ستاد حقوق بشر قوه



پوستر حسن نصرالله در ویرانه‌های بیروت

جمهوری اسلامی بر آن تأکید می‌کند، «بی حساب نیست.» مقام‌های ارشد حزب الله و جمعی از چهره‌های سیاسی و دینی عرب نیز در ارتباط با نقش «عوامل ایرانی» در لو رفتن مکان نصرالله صحبت کردند. محمدعلی الحسینی دبیرکل شورای اسلامی عربی در لبنان، در مصاحبه با «العربییه» می‌گوید: «یک روز قبل از کشته شدن حسن نصرالله به او هشدار داده بود که وصیتنامه خود را بنویسد» زیرا «ایران او را فروخت».

در بیانیه‌ای که شنبه هفتم مهرماه حزب الله برای تأیید نهایی مرگ نصرالله صادر کرد تأکید شده که نصرالله در «یورش خائنانه» کشته شد که حکایت از نفوذ درون حزب الله در شناسایی موقعیت رهبر این گروه دارد.

به نظر می‌رسد بعد از ترور اسماعیل هنیه در تهران و حسن نصرالله در بیروت بی‌اعتمادی دست‌کم بخشی از گروه‌های نیابتی نسبت به عوامل جمهوری اسلامی بیشتر شده است چرا که آنها ترور رهبران را از چشم عوامل ایرانی می‌بینند که در عمل بطور نیابتی کشته نیز می‌شوند.



مخفیگاه نصرالله با ۸۰ مپ «هایفی‌هاید MK84» هدف قرار گرفت، هر مپ قادر است به عمق بین ۵۰ تا ۷۰ متر زیرزمین نفوذ کند/عکس: رویترز

کرد تا زمان دقیق حضور نصرالله در مجتمع مسکونی واقع در محله «حریک» را مشخص کند.

جنگنده‌های «اف ۳۵» نیروی هوایی اسرائیل مجهز به مپ‌های سنگرشکن در آسمان لبنان در کمین بودند تا نصرالله وارد مقر فرماندهی شود.

همچنین روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از سه مقام بلندپایه ادعا کرد که اسرائیل از ماه‌ها قبل می‌دانست که حسن نصرالله کجاست، اما تصمیم به کشتن او در همین هفته اخیر گرفته شد چون «بیم آن می‌رفت که نصرالله دوباره ناپدید شود.»

بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر اسرائیل دستور حمله به مخفیگاه نصرالله را روز جمعه پس از سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک صادر کرد. محل اختفای نصرالله با چند مپ سنگرشکن هدف قرار گرفت.

گفته می‌شود که محل اختفای رهبر حزب الله یک پناهگاه زیرزمین در یک محله‌ی بسیار شلوغ بیروت بود که زیر چهار ساختمان چند طبقه ساخته شده بود. درواقع این مکان، محل برگزاری جلسه‌ی فرماندهان حزب الله بود.

قضائیه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه زنده تلویزیونی گفت، جریان بمباران «ناشی از نفوذ بود» و این نفوذ از جمله مواردی است که وقتی می‌بینیم رهبر جمهوری اسلامی بر آن تأکید می‌کند، «بی حساب نیست.»

● در بیانیه‌ای که شنبه هفتم مهرماه حزب الله برای تأیید نهایی مرگ نصرالله صادر کرد تأکید شده بود که نصرالله در «یورش خائنانه» کشته شد که حکایت از نفوذ درون حزب الله در شناسایی موقعیت رهبر این گروه دارد.

لبنانی‌ها بعد از کشته شدن رهبر حزب الله به جمهوری اسلامی و «عوامل ایرانی» شک کرده‌اند. روزنامه فرانسوی «لوپاریزین» شنبه ۲۸ سپتامبر (هفتم اکتبر) به نقل از منابع امنیتی لبنان گزارش داد، «جاسوس ایرانی توانست به حلقه داخلی حزب الله نفوذ کند و اطلاعات دقیقی از رفت و آمدهای حسن نصرالله در بیروت را به اسرائیل لو داد.»

طبق این گزارش، بر اساس اطلاعاتی که «جاسوس ایرانی» به اسرائیل داد، حمله‌هواپی به مقر حزب الله در منطقه شیعه‌نشین ضاحیه در حومه بیروت انجام شد که طی آن

سه کشته در حملات زنجیره‌ای به مرزبان‌ها و مأموران نیروی انتظامی در استان سیستان و بلوچستان



مرزبانی هیرمند

● منابع داخلی گزارش دادند در حمله مسلحانه افراد ناشناس به نیروهای مرزبانی در پاسگاه مرزی «ماککی» هیرمند که بامداد دوشنبه نهم مهرماه روی داد، یک مرزبان به نام امیرمحمد امیری کشته شد.

● همزمان نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان اعلام کرد استوار رامین ولایتی از کارکنان یگان تکاوری شهرستان خاش، نیز توسط «اشرار مسلح» ترور شده است.

● همچنین مأموران گروهان مرزی «مورتان» در هنگ مرزی «جکیگور» در حین حمل جیره غذایی در حوالی روستای پشامک از توابع شهرستان راسک بودند که مورد حمله قرار گرفتند که یک سرباز وظیفه به نام مهدی بلوچی کشته شد.

دست‌کم سه نفر از نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان در چند حمله مسلحانه جداگانه کشته شدند. این حملات خونین در هفته‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است.

منابع داخلی گزارش دادند در حمله مسلحانه افراد ناشناس به نیروهای مرزبانی در پاسگاه مرزی «ماککی» هیرمند که بامداد دوشنبه نهم مهرماه روی داد، یک مرزبان به نام امیرمحمد امیری کشته شد.

همچنین نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان اعلام کرد استوار رامین ولایتی از کارکنان یگان تکاوری شهرستان خاش نیز توسط «اشرار مسلح» ترور شده است.

رضا شجاعی فرمانده مرزبانی سیستان و بلوچستان گفته «افراد مسلح ناشناس» در آن سوی مرز به وی شلیک کردند.

این مقام نظامی همچنین گفت، مأموران گروهان مرزی «مورتان» در هنگ مرزی «جکیگور» در حین حمل جیره غذایی در حوالی روستای پشامک از توابع شهرستان راسک بودند که مورد حمله «گروهک تروریستی» قرار گرفتند. در این حمله، سرباز وظیفه مهدی بلوچی کشته شده است.

پیش از این سروان ابوالقاسم پیری معاون آماد (تدارکات نظامی) و پشتیبانی فرماندهی انتظامی شهرستان سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان ششم مهرماه ۱۴۰۳ توسط افراد مسلح کشته شد. دوم شهریورماه ۱۴۰۳ نیز سرگرد حسین پیری رئیس اداره آگاهی شهرستان خاش در یک حمله مسلحانه ترور شده بود.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد دلیل افزایش حملات مرگبار به نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی بیان می‌شود اما بسیاری می‌گویند کشتن سربازان وظیفه که در دوران خدمت وظیفه اجباری هستند هیچ توجیهی ندارد.

در این میان، همزمان با هشتم مهرماه که دومین سالگرد «جمعه خونین» زاهدان بود، فضای استان سیستان و بلوچستان به شدت امنیتی شده است. در هشتم مهرماه ۱۴۰۱ همزمان با جنبش ملی مهسا که در سراسر کشور جریان داشت، نیروهای حکومتی پس از نماز جمعه اهل سنت به مردمی که از مسجد خارج می‌شدند حمله کرده و آنها را به رگبار بستند. اعتراضات در زاهدان از چند روز پیشتر به دلیل تجاوز فرمانده پیشین انتظامی چابهار به یک دختر ۱۵ ساله آغاز و با اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ پیوند خورده بود. بر اساس گزارش منابع حقوق بشری در «جمعه خونین زاهدان» دست‌کم صد شهروند معترض و غیرمسلح با شلیک مأموران جمهوری اسلامی جان باختند.

عباس نیلفروشان فرمانده ارشد «سپاه قدس» در لبنان کشته شد



عباس نیلفروشان از فرماندهان ارشد «سپاه قدس»

● جمهوری اسلامی در دمشق، نیلفروشان مسئول فرماندهی سپاه در محور لبنان شد. نیروی هوایی ارتش اسرائیل از ظهر جمعه ششم مهرماه حملات گسترده‌ای را علیه پایگاه‌های اصلی حزب‌الله در بیروت و سایر نقاط لبنان آغاز کرد. حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله لبنان و شمار زیادی از فرماندهان ارشد این گروه در این حملات کشته شدند. پاسدار نیلفروشان در دورانی که فرماندهی عملیات سپاه را بر عهده داشت، در عملیات‌های مختلف نظامی و امنیتی، از جمله سرکوب اعتراضات در داخل ایران و درگیری‌های نظامی در خارج کشور، به ویژه در سوریه، دخالت و نظارت داشت.

او نیز مانند دیگر مقامات رژیم از دشمنان سرسخت پهلوی‌ها بود و به عنوان مثال در بهمن ۱۴۰۱ در یک سخنرانی با دروغ‌های آشکار مدعی شده بود، «دستاوردهای انقلاب اسلامی با دوره پهلوی قابل مقایسه نیست و کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف از جمله زیرساخت‌ها، جاده و ریل‌گذاری و پزشکی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته! استکبار جهانی می‌خواهد پهلوی را تطهیر کند و برخی جاهلان رضاشاه را منجی می‌دانند.»

● کانال تلگرامی «صابرین نیوز» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدن سردار پاسدار عباس نیلفروشان فرمانده «سپاه قدس» شاخه لبنان را تأیید کرد.

● پاسدار نیلفروشان در دورانی که فرماندهی عملیات سپاه را بر عهده داشت در عملیات‌های مختلف نظامی و امنیتی، از جمله سرکوب اعتراضات در داخل ایران و درگیری‌های نظامی در خارج کشور، به ویژه در سوریه، دخالت و نظارت داشت.

کانال تلگرامی «صابرین نیوز» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدن سردار پاسدار عباس نیلفروشان فرمانده «سپاه قدس» شاخه لبنان را تأیید کرد.

بر اساس گزارش منابع عربی/وی در جریان بمباران مقر و مخفیگاه رهبران حزب‌الله لبنان روز جمعه ششم مهرماه کشته شد. اما تأیید نهایی مرگ او با یک روز تأخیر صورت گرفت. اعلام شده است که نیلفروشان در بیروت مستقر بود.

وی در سال ۱۳۹۸ به عنوان معاون عملیات نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شده بود.

برخی منابع خبری مدعی شدند که پس از ترور محمدرضا زاهدی در جریان حمله اسرائیل به ساختمان مجاور کنسولگری

ترس آیت‌الله‌ها از دام اسرائیل؛ یسرائیل کاتز: رژیم ایران مثل تخم مرغ از بیرون سفت و از درون شل و وارفته است



رژه بسیج و سپاه در خیابان‌های تهران در حمایت از آرمان‌های فلسطین

(JCPA) منتشر شد می‌نویسد، دستور حکومت ایران به حسن نصرالله رهبر حزب‌الله همچنان روشن است: به استراتژی جنگ فرسایشی علیه اسرائیل پایبند باشید و «اتحاد حلقه آتش» را بدون انحراف از این رویکرد حفظ کنید. در این مقاله آمده، از همان آغاز درگیری، آشکار بود که ایران به دنبال اجتناب از رویارویی تمام عیار میان حزب‌الله و اسرائیل است. در عوض، استراتژی تهران کشاندن اسرائیل به یک جنگ فرسایشی از طریق نیروهای نیابتی در سراسر خاورمیانه، برای تضعیف اسرائیل از نظر اقتصادی و نظامی در بلند مدت است. به این ترتیب، ایران دخالت مستقیم خود را به حداقل می‌رساند و در عین حال که از طریق متحدانش با اسرائیل می‌جنگد، فاصله خود را حفظ می‌کند. نویسنده تأکید می‌کند، تهران تا زمانیکه آخرین مبارز فلسطینی یا شیعه نفّس بکشد، با اسرائیل درگیر خواهد شد و رهبری جمهوری اسلامی - «سر اختاپوس» - دست نخورده باقی می‌ماند، حتی اگر برخی از شاخک‌هایش نابود شود. مسعود پزشکیان، روز ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، عنوان کرد «ایران در دام جنگ نخواهد افتاد». وی تأکید کرد: «ما بیش از هرکسی می‌دانیم که اگر جنگی در مقیاس وسیع در خاورمیانه رخ دهد به نفع هیچکس نخواهد بود.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان سفر به نیویورک همین مسئله را تکرار کرد و گفت، اسرائیل «سعی می‌کند منطقه را به وضعیت خطرناکی پیش ببرد و این واقعاً برای کل جامعه بین‌الملل، یک خطر بزرگی است که تنش در منطقه امکان افزایش به سایر مناطق را هم دارد». وی با اشاره به ترور اسماعیل هنیه در خاک ایران گفت، اسرائیل ما را به درگیری بزرگتری تحریک می‌کند. وی به ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در خاک ایران به عنوان تلاشی برای تحریک ما به درگیری بزرگتر اشاره کرد.

یونی بن منامخ در ادامه این مقاله عنوان می‌کند، در چنین فضایی خاطره جنگ ایران و عراق در ذهن ایرانیان ←

کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه در یک موضع مشترک هشدار می‌دهند بعد از حزب‌الله نوبت جمهوری اسلامی است اما به نظر می‌رسد مقام‌های اسرائیل نیز تمایلی به جنگ ندارند اما آنچه آنها به عنوان گزینه آلترناتیو روی آن مانور می‌دهند هم برای حکومت ایران دستکمی از جنگ ندارد. آنها آگاه‌اند اقتصاد ایران بحران زده است: تابستان برق نیست، زمستان گاز!



یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل ۲۶ سپتامبر (پنجم مهرماه) در «ایکس» نوشت: «رژیم ایران مانند تخم مرغ است. از بیرون سفت ولی داخلش سست و وارفته است. اکثریت مردم مخالف رژیم هستند و اقتصاد در شرایط سختی قرار دارد.» وی تأکید کرد: «تحریم‌های جهانی و آسیب به مراکز انرژی و اقتصاد به شدت به رژیم آیت‌الله‌ها لطمه خواهند زد.»

یونی بن منامخ، کارشناس سیاسی اسرائیلی در مقاله‌ای که ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴ در سایت «مرکز امور عمومی اورشلیم»

علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی، هشدار داده «فرضیه درگیری ما با اسرائیل روبه‌روز به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود.» محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز گفته بود، «اسرائیل قصد کشاندن ایران به جنگ را دارد.»

درگیری میان شرکای منطقه‌ای جمهوری اسلامی با اسرائیل احتمال کشیده شدن درگیری‌ها به داخل ایران را افزایش داده اما به نظر می‌رسد مقام‌های اسرائیل نیز تمایلی به جنگ ندارند اما آنچه آنها به عنوان گزینه آلترناتیو روی آن مانور می‌دهند هم برای حکومت ایران دستکمی از جنگ ندارد. آنها آگاه‌اند اقتصاد ایران بحران زده است: تابستان برق نیست، زمستان گاز!

یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل ۲۶ سپتامبر (پنجم مهرماه) در «ایکس» نوشت: «رژیم ایران مانند تخم مرغ است. از بیرون سفت ولی داخلش سست و وارفته است. اکثریت مردم مخالف رژیم هستند و اقتصاد در شرایط سختی قرار دارد.»

یونی بن منامخ، کارشناس سیاسی اسرائیلی در مقاله‌ای که ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴ در سایت «مرکز امور عمومی اورشلیم» (JCPA) منتشر شد می‌نویسد، تهران تا زمانیکه آخرین مبارز فلسطینی یا شیعه نفّس بکشد، با اسرائیل درگیر خواهد بود و رهبری جمهوری اسلامی - «سر اختاپوس» - دست نخورده باقی می‌ماند، حتی اگر برخی از شاخک‌هایش نابود شود.

در این مقاله آمده «جمهوری اسلامی از درگیری مستقیم با اسرائیل اجتناب می‌کند و حزب‌الله را به عنوان خط مقدم در برابر حملات احتمالی اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران قرار داده است.»

«پس از حمله اخیر اسرائیل به بندر حدیده یمن توسط جنگنده‌های اسرائیل، حکومت ایران متوجه شد که زیرساخت‌های نفتی این کشور در برابر حملات هوایی اسرائیل آسیب پذیر است که می‌تواند خسارات قابل توجهی به بار آورد.»

جمهوری اسلامی از گیر افتادن در تله‌ای که اسرائیل برای تهران و حزب‌الله گذاشته می‌ترسد. آنها می‌گویند، اسرائیل به دنبال «تحریک» و کشاندن ایران به یک جنگ است. وضعیتی که به اسرائیل مشروعیت بین‌المللی می‌دهد تا ضربه‌ای قاطع و ویرانگر به جمهوری اسلامی وارد کند.

علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی، در اظهاراتی که چهارم مهرماه ۱۴۰۳ منتشر شد هشدار داد که «فرضیه درگیری ما با اسرائیل روبه‌روز به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود.» او با اشاره به «عملیات پیجری» و «حملات هوایی» اسرائیل به لبنان عنوان کرد، «اسرائیل می‌خواهد ایران با غرب وارد جنگ شود.»

در همین ارتباط محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز گفته بود، «اسرائیل به پشتیبانی دولت‌های متخاصم قصد جنگ‌افروزی در منطقه و کشاندن ایران به جنگ را دارد؛ ولی ایران در تله جنگی نخواهد افتاد.»

درگیری میان شرکای منطقه‌ای جمهوری اسلامی با اسرائیل احتمال کشیده شدن درگیری‌ها به داخل ایران را افزایش داده است. شماری از طرفداران نظام و ادمین‌های



بنیامین نتانیاهو، مجمع عمومی سازمان ملل متحد / نیویورک، سپتامبر ۲۰۲۴

نتانیاهو در سازمان ملل متحد: مردم ایران می خواهند از شرّ جمهوری اسلامی خلاص شوند، باید به آنها کمک کرد

شبکه‌های تروریستی را تأمین مالی می‌کند» و موشک‌های بالستیک برای کلاهک‌های هسته‌ای می‌سازد تا تمام جهان را تهدید کند. او با در دست گرفتن دو نقشه (تصویر) متفاوت، روابط اسرائیل با شرکای عرب خود و اتصال آسیا، اروپا و اقیانوس هند با دریای مدیترانه را «نعمت» توصیف کرد و در مقابل «هلال کمان» تروریسم» ایجاد شده توسط [حکومت] ایران را «نفرین» خواند و گفت در این هلال از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه «تحت نفوذ حکومت ایران» آسیب‌های فراوان به تجارت جهانی و جان انسان‌ها رسیده است. وی در بخش دیگری از این سخنرانی تأکید کرد که اسرائیل ناگزیر شده در «شش جبهه» که همه آنها را حکومت ایران سازماندهی کرده است، بجنگد و با حملات گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی مقابله کند. نتانیاهو در ادامه با اشاره حمله مستقیم و بی‌سابقه موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به اسرائیل در اواخر فروردین ماه ۱۴۰۳ با شلیک بیش از ۳۰۰ فرزند پهپاد و موشک‌های کروز و بالستیک به «دیکتاتورهای حاکم بر ایران» پیام داد: «اگر شما به ما حمله کنید، به شما حمله می‌کنیم. در ایران هیچ جایی وجود ندارد که بازوان بلند اسرائیل به آن دسترسی نداشته باشد.» او در ادامه تأکید کرد: «من پیام دیگری دارم: ما پیروز می‌شویم.»

نتانیاهو در بخش دیگری از این سخنان به مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «ملت‌های جهان باید از مردم شجاع ایران حمایت کنند که می‌خواهند از شرّ این رژیم راحت شوند. مماشات با [حکومت] ایران باید متوقف شود. کشورها باید برای ممانعت از دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی به ما ملحق شوند.»

پیش از آغاز سخنرانی نتانیاهو، نمایندگان جمهوری اسلامی سالن مجمع عمومی سازمان ملل را ترک کردند. نخست‌وزیر اسرائیل در طول سخنرانی خود بارها مورد تشویق حضار قرار گرفت. او در بخش دیگری از سخنرانی خود با بیان این که دشمنان اسرائیل «تنها به دنبال نابود کردن ما نیستند» گفت که آنها می‌خواهند «همدن مشترک ما را از بین ببرند و همه ما را به دوران سیاه استبداد و وحشت بازگردانند.»

بخشی از سخنرانی وی به نبرد با حزب‌الله در شمال اسرائیل مربوط بود. او با اشاره به فشارها برای آتش‌بس موقت گفت: «تا وقتی که شهروندان اسرائیلی نتوانند سالم به خانه‌های خود بازگردند، آرام نخواهیم گرفت.»

او تأکید کرد، «تا زمانی که حزب‌الله راه جنگ را انتخاب کند، اسرائیل چاره‌ای ندارد و اسرائیل حق دارد این تهدید را برطرف کند و شهروندان ما را سالم به خانه‌هایشان بازگرداند.»

● بنیامین نتانیاهو جمعه ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ (ششم مهرماه) طی سخنانی در هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت، برای «دیکتاتورهای حاکم بر ایران» یک پیام دارم: «اگر به ما صدمه بزنید، ما شما را خواهیم زد، در ایران هیچ جایی نیست که دست بلند اسرائیل به آنجا نرسد.»

● نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داد اگر تجاوزگری جمهوری اسلامی مهار نشود همه کشورهای خاورمیانه و بسیاری از کشورهای جهان را به خطر می‌اندازد، چرا که حکومت ایران تلاش می‌کند افراط‌گرایی خود را بسیار فراتر از خاورمیانه گسترش دهد و به همین دلیل است که در «پنج قاره جهان شبکه‌های تروریستی را تأمین مالی می‌کند» و موشک‌های بالستیک برای کلاهک‌های هسته‌ای می‌سازد تا تمام جهان را تهدید کند.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، روز جمعه ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ (ششم مهرماه) طی سخنانی در هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد خطاب به رهبران جمهوری اسلامی گفت، «اگر به ما صدمه بزنید، ما شما را خواهیم زد.» او همچنین هشدار داد: «در ایران هیچ جایی نیست که دست بلند اسرائیل به آنجا نرسد.»

نتانیاهو در ابتدای سخنان خود گفت: «امسال قصد نداشتم به اینجا بیایم. کشورم در حال جنگ است و برای موجودیت خود می‌جنگد. اما پس از شنیدن دروغ‌ها و تهمت‌های بسیاری از سخنرانان حاضر در این جایگاه علیه کشورم، تصمیم گرفتم به اینجا بیایم و حوادث را درست شرح دهم.»

نتانیاهو گفت «اسرائیل آرزوی صلح دارد. اسرائیل قبلاً صلح کرده است و دوباره هم صلح خواهد کرد. با این حال، ما با دشمنانی بیرحم روبرو هستیم که به دنبال نابودی ما هستند، ما باید از خودمان در مقابل این قاتلان بیرحم دفاع کنیم.»

وی در توضیح سخنان خود گفت: «توافق عادی‌سازی بین عربستان سعودی و اسرائیل از همیشه نزدیک‌تر به نظر می‌رسد. اما یک دفعه تراژدی هفتم اکتبر اتفاق افتاد. هزاران تروریست حماس تحت حمایت [حکومت] ایران از نوار غزه با ماشین و موتورسیکلت به اسرائیل هجوم آوردند و مرتکب جنایات غیرقابل‌تصوری شدند.»

نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داد اگر تجاوزگری جمهوری اسلامی مهار نشود همه کشورهای خاورمیانه و بسیاری از کشورهای جهان را به خطر می‌اندازد، چرا که حکومت ایران تلاش می‌کند افراط‌گرایی خود را بسیار فراتر از خاورمیانه گسترش دهد و به همین دلیل است که در «پنج قاره جهان

تداعی شد. این جگم هولناک از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون قربانی گرفت که اکثریت آنها ایرانی بودند.

ایران در آن زمان جنگ فرسایشی با عراق صدام حسین داشت که به دنبال الحاق استان نفت‌خیز خوزستان بود. در نهایت، هیچ تغییر سرزمینی رخ نداد، هرچند ایران بهای سنگینی پرداخت اما به صدام یاد داد که در جنگ‌های آینده محتاط باشد.

اکنون، ایران از نیت اسرائیل برای کشاندن حزب‌الله به یک رویارویی نظامی همه جانبه، با هدف جلب حمایت بین‌المللی برای از بین بردن زرادخانه گسترده حزب‌الله، که طی سالیان متمادی توسط ایران تأمین شده، می‌ترسد. حکومت ایران همچنین نگران است که شاید اسرائیل بعد از حزب‌الله، تمرکز خود را به تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های نفتی ایران معطوف کند و در این روند اقتصاد ایران را فلج کند.

جمهوری اسلامی معتقد است که اگر دونالد ترامپ پیروز انتخابات آمریکا شود، احتمالاً از طرح اسرائیل حمایت خواهد کرد. برای مقابله با این، تهران هر کاری که ممکن است انجام می‌دهد تا شانس کاملاً هریس برای انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور را تقویت کند.

پزشکیان اولویت برنامه‌های خود را بهبود وضعیت اقتصادی قرار داده اما جنگ با اسرائیل می‌تواند به شدت به اقتصاد شکننده ایران آسیب برساند.

پس از حمله اخیر اسرائیل به بندر حدیده یمن توسط جنگنده‌های اسرائیل، حکومت ایران متوجه شد که زیرساخت‌های نفتی این کشور در برابر حملات هوایی اسرائیل آسیب‌پذیر است که می‌تواند خسارات قابل‌توجهی به بار آورد. بنابراین، پیام تهران به نصرالله این است که مسیر خود را ادامه دهد، یعنی همان جنگ فرسایشی، حتی اگر به معنای ادامه حملات اسرائیل باشد. حسن نصرالله به حمایت نظامی جمهوری اسلامی متکی است، حتی اگر اسرائیل بتواند توانایی‌های موشکی و پهپادی حزب‌الله را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد. از زمان پایان جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶، جمهوری اسلامی سرمایه‌گذاری هنگفتی برای تقویت نظامی حزب‌الله انجام داده است و آن را به عنوان «خط مقدم» در برابر حملات احتمالی اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران قرار داده است. اگرچه نصرالله ممکن است نظرات مستقلاً داشته باشد و گاهی اوقات با تهران مخالف است، اما در نهایت باید با منافع استراتژیک ایران همسو شود. منابع لبنانی گزارش دادند که اسماعیل قآنی، فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چند ماه پیش به مخفیگاه نصرالله در محله الضحیه بیروت رفته است. در طول جنگ سال ۲۰۰۶ حزب‌الله و اسرائیل، قاسم سلیمانی و عماد مغنیه، فرمانده تروریست‌ها، ۳۳ روز را در سنگر نصرالله گذراندند و از بمب‌های اسرائیل فرار کردند.

در جریان سفر قآنی به لبنان، او دستورات علی‌خامنه‌ای را ابلاغ کرد و تأکید کرد که نصرالله نباید بدون گرفتن تأیید از استراتژی فرسایش منحرف شود.

در پایان این مقاله آمده، در تهران فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معتقدند که اسرائیل هرگز برای جنگ طولانی برنامه‌ریزی نکرده است. اسرائیل از زمان تاسیس خود بر درگیری‌های کوتاه و قاطع برای انتقال نبردها به قلمرو دشمن و تضمین پیروزی‌های سریع متکی بوده است.

اکنون، پس از بیش از یک سال درگیری با چندین جبهه، حکومت ایران بر این باور است که اسرائیل از نظر اقتصادی، نظامی و اخلاقی در حال ضعیف شدن است و جایگاه سیاسی بین‌المللی اسرائیل رو به افول است.

استفاده سپاه از «سپر انسانی» و سقوط موشک‌ها در مناطق مسکونی؛ اورشلیم پست: نگذارید حمله به اسرائیل برای رژیم ایران عادی شود



بقیای موشک سپاه که در مجاوز منازل مسکونی فرود آمد / اکتبر ۲۰۲۴

موشک‌ها و افزایش حجم پرتاب‌ها تهدید جدی برای امنیت اسرائیل و منطقه به شمار می‌رود و این نکته که در واقع توسط خود جمهوری اسلامی به دنیا اعلام می‌شود، از چشم کشورهای منطقه و غرب دور نمی‌ماند.

در این میان، هیجان غیرقابل وصف فرماندهان در «اتاق جنگ» سپاه پاسداران و ذوق‌زدگی حسین سلامی از پرتاب موشک‌ها آشکار می‌کند که آنها از نگاه خودشان بیشتر از آنچه تصور می‌کردند، موفق بوده‌اند! در حالی که این ادعا بر اساس شواهد زیر سؤال است.

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ادعا کرد مگر مصاد هدف قرار گرفته اما تلویزیون اسرائیل نشان داد موشک با خطای ۵۰۰ متر به زمین‌های کنار ساختمان سرویس امنیتی اسرائیل اصابت کرده است. با اینهمه به نظر می‌رسد عملیات «وعده صادق ۲» جمهوری اسلامی و طرفدارانش را راضی کرده است.

حسین سلامی صبح روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه برای عیادت از اعضای حزب‌الله که پس از انفجار زنجیره‌ای بیسیم‌ها و پیجرها زخمی شده بودند و برای مداوا به ایران منتقل شدند، به بیمارستان رفت. رسانه‌های داخلی تصاویر مربوط به مصدومانی را منتشر کرده‌اند که اغلب چشم‌ها و دستانشان را که از بین رفته پوشانده‌اند.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل می‌گوید حمله جمهوری اسلامی «ناکام» بود و همزمان تهدید کرد که رژیم ایران تاوان آن را پس خواهند داد. آنچه تهدیدات موشکی جمهوری اسلامی را خطرناک‌تر می‌کند سقوط آنها روی خانه‌ها و مناطق مسکونی و استفاده از سپر انسانی با «کلیر» نکردن حریم هوایی ایران است.

پرتاب بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ فروند موشک بالستیک از ایران به اسرائیل به تلافی کشته شدن حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان مأموریتی بود که سه‌شنبه شب ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با عنوان عملیات «وعده صادق ۲» انجام داد.

ادعا شد این عملیات موفق بود، اما برآوردها نشان می‌دهد اغلب موشک‌ها سقوط کرده یا در مناطق مسکونی به زمین اصابت کرده‌اند.

سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای ادعا کرد ۹۰ درصد موشک‌ها به اهداف اصابت کرد با اینهمه اما براساس ویدیوهایی که شهروندان از ایران، عراق، اردن و اسرائیل در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته‌اند، موارد سقوط موشک‌ها، یا اصابت آنها به مناطق غیرنظامی زیاد است. همچنین گفته شد در این حملات هفت نفر کشته شدند. وزارت خارجه اسرائیل اما در اکانت فارسی خود نوشت که «فقط یک نفر کشته شد: یک کارگر فلسطینی در شهر اریحا در کرانه باختری».

اگرچه ادعای سپاه پاسداران مبنی بر اصابت ۹۰ درصد موشک‌ها به اهداف اغراق شده به نظر می‌رسد اما بر اساس گزارش وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) عملیات موشکی اخیر جمهوری اسلامی دو برابر گسترده‌تر از عملیات قبلی بود که اواخر فروردین ۱۴۰۳ تحت عنوان «وعده صادق» انجام شد. ویدیوهای زیادی منتشر شده که نشان می‌دهند تعداد زیادی از موشک‌ها در مناطق مسکونی به زمین اصابت کرده‌اند. هرچند تعداد تلفات انسانی در دومین حمله موشکی سپاه به اسرائیل زیاد نبود اما بالا رفتن دقت

از سوی جمهوری اسلامی ادعا شده که این عملیات موفق بود، اما برآوردها نشان می‌دهد اغلب موشک‌ها سقوط کرده یا در مناطق مسکونی به زمین اصابت کرده‌اند.

سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای ادعا کرد ۹۰ درصد موشک‌ها به اهداف اصابت کرد. اما بر اساس ویدیوهایی که شهروندان از ایران، عراق، اردن و اسرائیل در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند، موارد سقوط موشک‌ها، یا اصابت آنها به مناطق غیرنظامی زیاد بوده است. گفته شد در این حملات هفت نفر کشته شدند. وزارت خارجه اسرائیل اما در اکانت فارسی خود نوشت که فقط یک کارگر فلسطینی در کرانه باختری کشته شد.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل می‌گوید حمله جمهوری اسلامی «ناکام» بود و همزمان تهدید کرده که رژیم ایران تاوان آن را پس خواهد داد. آنچه تهدیدات موشکی جمهوری اسلامی را خطرناک‌تر می‌کند سقوط آنها روی خانه‌ها و مناطق مسکونی و استفاده از سپر انسانی با «کلیر» نکردن حریم هوایی ایران است.

ست فرانتزمن نویسنده و تحلیلگر روزنامه «اورشلیم پست» در مقاله‌ای می‌نویسد، حمله گسترده موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل که برای دومین بار انجام شد، بخشی از تلاش رژیم تهران برای تبدیل کردن این نوع حملات به «حالت عادی جدید» است که وضعیت اسرائیل را هر بار وارد بحران می‌کند زیرا مردم باید برای رفتن به پناهگاه‌ها آماده شوند و زندگی‌شان مختل می‌شود.

در این مقاله آمده «رژیم ایران تصور می‌کند که می‌تواند میلیون‌ها اسرائیلی را به پناهگاه‌ها بفرستد ولی زندگی در تهران به روال عادی خود ادامه داشته باشد».

وزیر خارجه اسرائیل:

آنتونیو گوتش ننگی در تاریخ سازمان ملل است



یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل

کردم.»
او در مورد این تصمیم توضیح داد، «کسی که نمی‌تواند حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی به اسرائیل را، همانطور که تقریباً همه کشورهای جهان انجام داده‌اند، با صراحت محکوم کند، لیاقت این را ندارد که پا به خاک اسرائیل بگذارد.»

کاتز در «ایکس» نوشت که گوتش «دبیرکلی است که هنوز قتل عام و جنایات جنسی جنایتکاران حماس در هفتم اکتبر را محکوم نکرده و هیچ تلاشی برای اعلام این گروه به عنوان یک سازمان تروریستی انجام نداده است.»

وی همچنین افزود: از این دبیرکل که از تروریست‌ها، متجاوزان و جنایتکاران حماس و حزب‌الله و حوثی و اکنون از جمهوری اسلامی ایران به عنوان مادر تروریسم جهانی حمایت می‌کند، به عنوان ننگ در تاریخ سازمان ملل یاد خواهد شد.»

وزیر خارجه اسرائیل در پایان تأکید کرد «اسرائیل با یا بدون آنتونیو گوتش به دفاع از شهروندان خود و حفظ کرامت ملی خویش ادامه خواهد داد.»

اختلاف مقامات اسرائیل با سازمان ملل پس از آن تشدید شده که نهادهای امنیتی اسرائیل افشا کردند شمار زیادی از اعضای سازمان تروریستی حماس کارمند «اونروا» (سازمان امدادسانی و کارایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک) بوده‌اند.

یکی از آنها فتح الشریف، رهبر حماس در لبنان بود که سازمان ملل متحد نیز تأیید کرد که او کارمند این نهاد بوده است.

فتح الشریف ابوالامین یک هفته پیش از این در حمله هوایی جنگنده‌های اسرائیل به خانه‌اش در اردوگاه البص در نزدیکی شهر صور در جنوب لبنان کشته شد.

● یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل روز چهارشنبه دوم اکتبر برابر با ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳، با اشاره به حملات موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل، با انتقاد شدید از عملکرد دبیرکل سازمان ملل گفت: «امروز من آنتونیو گوتش دبیرکل سازمان ملل را شخصیتی نامطلوب معرفی و ورود او به کشور را ممنوع کردم.»

● او در مورد این تصمیم توضیح داد، «کسی که نمی‌تواند حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی به اسرائیل را، همانطور که تقریباً همه کشورهای جهان انجام داده‌اند، با صراحت محکوم کند، لیاقت این را ندارد که پا به خاک اسرائیل بگذارد.»

● کاتز در «ایکس» نوشت که گوتش «دبیرکلی است که هنوز قتل عام و جنایات جنسی جنایتکاران حماس در هفتم اکتبر را محکوم نکرده و هیچ تلاشی برای اعلام این گروه به عنوان یک سازمان تروریستی انجام نداده است.»

● اختلاف مقامات اسرائیل با سازمان ملل پس از آن تشدید شده که نهادهای امنیتی اسرائیل افشا کردند شمار زیادی از اعضای سازمان تروریستی حماس کارمند «اونروا» (سازمان امدادسانی و کارایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک) بوده‌اند. یکی از آنها فتح الشریف که هفته گذشته کشته شد، رهبر حماس در لبنان بود که سازمان ملل متحد نیز تأیید کرد که او کارمند این نهاد بوده است.

یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل روز چهارشنبه دوم اکتبر ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳، با اشاره به حملات موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل، با انتقاد شدید از عملکرد دبیرکل سازمان ملل گفت: «امروز من آنتونیو گوتش دبیرکل سازمان ملل را شخصیتی نامطلوب معرفی و ورود او را به کشور ممنوع

اسرائیل باید پاسخ دهد

ست فرانتزمن نویسنده و تحلیلگر روزنامه «اورشلیم پست» در مقاله‌ای می‌نویسد، حمله گسترده موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل که برای دومین بار انجام شد، بخشی از تلاش رژیم تهران برای تبدیل کردن این نوع حملات به «حالت عادی جدید» است که وضعیت اسرائیل را هر بار وارد بحران کرده زیرا مردم باید برای رفتن به پناهگاه‌ها آماده شوند و زندگی‌شان مختل می‌شود.

نویسنده تأکید کرده، «ما بیش از حد به این وضعیت عادت کرده‌ایم که صدها موشک جمهوری اسلامی می‌توانند در آسمان اسرائیل پرواز کنند. از آنجا که اسرائیل دفاع هوایی دارد، این نوع حملات بی‌سابقه که معمولاً آغاز یک جنگ بزرگ است، قابل قبول به تصویر کشیده می‌شود. رسانه‌های خارجی این موشک‌پرانی‌ها را به عنوان تلاش ایران برای «تلافی» یا «حتی امتیاز» یا «بازدارندگی» اسرائیل جلوه می‌دهند این تلاشی نادرست برای کم اهمیت جلوه دادن تهدید حکومت ایران است.»

فرانتزمن با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی با تکیه بر موشک‌ها «نشان داده است که می‌تواند مناطق خاصی از اسرائیل را با آنها هدف قرار دهد که این یک تهدید بزرگ برای منطقه است.» او تأکید می‌کند این تهدید «نمی‌تواند بی‌پاسخ بماند. این بدان معناست که [رژیم] ایران برای مدت طولانی امتیازی را در اختیار گرفته است که انتظار دارد مماشات شود و هیچ پاسخی داده نشود. رژیم ایران تصور می‌کند که می‌تواند میلیون‌ها اسرائیلی را به پناهگاه‌ها بفرستد ولی زندگی در تهران به روال عادی خود ادامه داشته باشد.»

نویسنده در ادامه تأکید کرده «[رژیم] ایران سال‌هاست که این کار را می‌کند، حکومت در سال ۲۰۱۹ با استفاده از پهپاد و موشک به تأسیسات نفتی عربستان سعودی حمله کرد؛ در چند سال گذشته چند مرتبه به اقلیم کردستان عراق حمله کرده است؛ در ماه ژانویه نیز موشک‌های بالستیک به سوریه و پاکستان شلیک کرد. همچنین در سال ۲۰۲۰ با استفاده از موشک‌های بالستیک به نیروهای آمریکایی در پایگاه عین‌الاسد در عراق حمله کرد. به این الگو توجه کنید.»

فرانتزمن با این توضیحات می‌نویسد، «جمهوری اسلامی می‌زند و می‌رود در حالی که هیچکس به ایران موشک بالستیک شلیک نمی‌کند. ایرانی‌ها مجبور نیستند به پناهگاه‌ها فرار کنند. رهبران رژیم ایران مجبور نیستند به یک پناهگاه بروند. مقامات رژیم افتخار می‌کنند هر کاری که می‌خواهند می‌توانند انجام می‌دهند. به کشتی‌ها در خلیج فارس حمله کرده‌اند و مشوق نسل‌کشی حماس در هفت اکتبر بودند و حزب‌الله را مسلح کرده‌اند و یمن، سوریه، عراق و لبنان را با تسلیحات برای شبه‌نظامیان نیابتی پر کرده‌اند، این رژیم برای منطقه و جهان یک تهدید است.»
این تحلیلگر در پایان تأکید کرده، «حمله به اسرائیل قابل قبول نیست؛ در حالی که خانواده‌ام پناه گرفته بودند، حمله را از بالکن خانه می‌دیدم. وقتی فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل گفت که یک تهدید امنیتی وجود دارد، مجبور شدم به خانه بروم. این تهدید باعث شد که کل کشور به پناهگاه‌ها بروند... از بالکن می‌توانستم موشک‌های بالستیک را ببینم که بر فراز اورشلیم پرواز می‌کنند. به نظر می‌رسید که بسیاری به سمت جنوب پرتاب رفته‌اند. برخی رهگیری شدند. آژیرهای خطر در سراسر اورشلیم به صدا درآمد؛ آژیرهای ترسناکی که همه ما را نگران می‌کند... این وضعیت غیرقابل قبول است.»

امانوئل ماکرون: فرانسه ظرفیت‌های نظامی خود را برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی به کار انداخته است

ظرفیت‌های نظامی خود در خاورمیانه را برای مقابله با تهدید ایران به حرکت درآورده است.»

رئیس جمهوری فرانسه پس از جلسه شورای عالی دفاعی اعلام نمود که از «حزب‌الله خواسته است تا به فعالیت‌های تروریستی خود علیه اسرائیل و شهروندانش پایان دهد.»

او همچنین از مقامات اسرائیلی خواسته «در اسرع وقت» به عملیات نظامی خود در لبنان خاتمه دهند.

ماکرون همچنین اعلام کرد که فرانسه «به زودی کنفرانسی برای حمایت از مردم لبنان و نهادهای این کشور برگزار خواهد کرد» و جان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه نیز «دوباره راهی خاورمیانه خواهد شد.»

در بیانیه کاخ الیزه که نسخه فارسی آن در وبسایت سفارت فرانسه در تهران منتشر شده آمده است «فرانسه حمله به اسرائیل را که با پرتاب موشک‌های بالستیک از ایران صورت گرفت محکوم می‌کند و پایبندی کامل خود را نسبت به امنیت اسرائیل تکرار می‌نماید. فرانسه از طریق امکانات نظامی خود در خاورمیانه برای مقابله با تهدید ایران مشارکت داشته است.»

در این بیانیه تأکید شده در حمله تروریستی که در «یافا»

آکسیوس: پاسخ اسرائیل به حمله جمهوری اسلامی با هدف قرار دادن تأسیسات نفتی و اماکن استراتژیک در داخل ایران



مقامات امنیتی اسرائیل در حال رصد لاشه موشک پرتاب شده از ایران / اکتبر ۱۴۰۳



امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه / عکس: رویترز

● مقامات اسرائیلی به آکسیوس گفته‌اند که اسرائیل طی چند روز آینده حمله موشکی جمهوری اسلامی را پاسخ خواهد داد که احتمالاً شامل هدف قرار دادن تأسیسات نفتی در داخل ایران و اهداف استراتژیک باشد که یک «انتقام مهم» به شمار می‌رود.

● پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه دوم اکتبر (۱۱ مهرماه) با اعلام این خبر نوشت، اسرائیل و جمهوری اسلامی هرگز تا این اندازه به گشودن یک جبهه جدید و بسیار خطرناک‌تر، در جنگی که خاورمیانه را فرا گرفته است، نزدیک نبوده‌اند.

● بسیاری از مقامات اسرائیلی در مورد حمله به تأسیسات نفتی ایران به عنوان یک هدف احتمالی اشاره می‌کنند، اما برخی می‌گویند «ترورهای هدفمند» و «از بین بردن سیستم‌های دفاع هوایی» جمهوری اسلامی نیز می‌تواند گزینه‌های مناسبی باشد.

مقامات اسرائیلی به آکسیوس گفته‌اند که اسرائیل طی چند روز آینده حمله موشکی جمهوری اسلامی را پاسخ خواهد داد که احتمالاً شامل هدف قرار دادن تأسیسات نفتی در داخل ایران و اهداف استراتژیک باشد که

انجام شد نیز هفت نفر کشته و ۱۰ نفر زخمی شده‌اند. فرانسه تأکید کرد، «ما به شدیدترین وجه این حمله را محکوم می‌کنیم و به خانواده قربانیان تسلیت می‌گوییم. غیرنظامیان باید همواره تحت حفاظت باشند.»

همزمان اولاف شولتز صدراعظم آلمان نیز از جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان خواست حملات خود به اسرائیل را فوری متوقف کنند. او هشدار داد که ایران با این اقدامات کل منطقه را با خطر به آتش کشیدن روبرو کرده است. شولتز همچنین تأکید کرد که آلمان به همراه شرکای خود به تلاش برای میانجیگری و دستیابی به آتش‌بس ادامه خواهد داد. همچنین یک روز پس از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، دولت آلمان از شهروندان خود خواسته فوری ایران را ترک کنند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرنگاران گفته، «با کشته شدن حسن نصرالله، مقاومت تمام نمی‌شود بلکه تقویت شده و حمایت جمهوری اسلامی از آن ادامه خواهد یافت.» وی همچنین عنوان کرد، به کشورهای ثالث هم اطلاع داده شده که در موشک‌پرانی‌های حکومت ایران دخالت نکنند!

● در واکنش به حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل، دولت فرانسه روز چهارشنبه دوم اکتبر (۱۱ مهرماه) اعلام کرد که توانایی نظامی خود را در خاورمیانه برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی به کار انداخته است. همزمان آلمان نیز هشدار داد که ایران با اقداماتش منطقه را در خطر به آتش کشیده شدن قرار داده است.

● همزمان اولاف شولتز صدراعظم آلمان نیز از جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان خواست حملات خود به اسرائیل را فوری متوقف کنند.

● یک روز پس از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، دولت آلمان از شهروندان خود خواسته فوری ایران را ترک کنند.

در واکنش به حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل، دولت فرانسه روز چهارشنبه دوم اکتبر (۱۱ مهرماه) اعلام کرد که توانایی نظامی خود را در خاورمیانه برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی را به کار انداخته است. همزمان آلمان نیز هشدار داد که رژیم ایران با اقداماتش منطقه را به آتش کشیده است.

به گزارش رویترز، کاخ‌الیزه در بیانیه‌ای اعلام کرد، «فرانسه

تلاش‌ها برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه نقش داشتند، من می‌خواهم از همه پرسنل بریتانیایی که در عملیات شرکت داشتند به خاطر شجاعت و حرفه‌ای بودنشان تشکر کنم.»

کی‌یر استارمر نخست وزیر بریتانیا در باره حملات موشکی سپاه به اسرائیل هشدار داد و گفت: «من عمیقاً نگرانم که منطقه در آستانه یک جنگ قرار گرفته و به شدت نگران خطر وقوع یک اشتباه محاسباتی هستم.»

وی با محکوم کردن حملات جمهوری اسلامی، تأکید کرد: «ما در کنار اسرائیل ایستاده‌ایم و حق این کشور برای دفاع از خود در برابر تجاوزات را به رسمیت می‌شناسیم.»

استارمر در یک نشست خبری، تلاش‌های حکومت ایران برای «آسیب رساندن به شهروندان بی‌گناه اسرائیل» و «نزدیک کردن منطقه به لبه پرتگاه» را به شدت محکوم کرد. وی تأکید کرد که ایران باید حملات خود را، همراه با نیروهای نیابتی‌اش مانند حزب‌الله متوقف کند و افزود: «ما از خواسته مشروع اسرائیل برای تأمین امنیت مردم خود حمایت می‌کنیم.»

نخست‌وزیر بریتانیا همچنین گفت که با نخست‌وزیر

وزیر دفاع بریتانیا: نیروهای ما در سرنگونی موشک‌هایی که به اسرائیل پرتاب شد مشارکت داشتند



جان هیلی وزیر دفاع بریتانیا

اسرائیل، پادشاه اردن، رئیس‌جمهور فرانسه و نخست‌وزیر آلمان دیدار و درباره اوضاع منطقه گفتگو کرده است. به گزارش «اسکای نیوز»، استارمر در این دیدارها تأکید کرده که می‌بایست تلاش کرد تا راه حل سیاسی برای درگیری‌های لبنان و غزه پیدا شود. او هشدار داد که منطقه در آستانه بحران است و خطر سوء تفاهم و اشتباه محاسباتی بسیار بالاست.

استارمر در یک نشست خبری دیگر بار دیگر از شهروندان بریتانیا خواست تا لبنان را ترک کنند. وی گفت: «اوضاع در لبنان بطور فزاینده‌ای وخیم شده است. من می‌خواهم بار دیگر به اتباع بریتانیایی که هنوز در لبنان هستند توصیه کنم فوراً این کشور را ترک کنند. ما یک پرواز چارتر برای خروج افراد ترتیب داده‌ایم و تمام تلاش خود را می‌کنیم تا مردم را از آنجا خارج کنیم؛ وضعیت بسیار بحرانی است.»

گفته می‌شود نیروهای مسلح اسرائیل برای پاسخ به حملات موشکی جمهوری اسلامی آماده می‌شوند و احتمالاً اهدافی داخل خاک ایران را هدف قرار خواهند داد.

در این میان محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید کرده «در صورت خطای صهیونیست‌ها زیرساخت‌هایشان را هدف قرار می‌دهیم.»

● وزیر دفاع بریتانیا می‌گوید نیروهای مسلح این کشور در عملیات رهگیری و سرنگونی موشک‌های شلیک شده توسط جمهوری اسلامی به سمت اسرائیل مشارکت داشته‌اند.

● جان هیلی در بیانیه‌ای که سه‌شنبه شب اول اکتبر (۱۰ مهرماه) صادر شد، توضیح داد که «نیروهای انگلیسی در تلاش‌ها برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه نقش داشتند، من می‌خواهم از همه پرسنل بریتانیایی که در عملیات شرکت داشتند به خاطر شجاعت و حرفه‌ای بودنشان تشکر کنم.»

● کی‌یر استارمر نخست وزیر بریتانیا درباره حملات موشکی سپاه به اسرائیل هشدار داد و گفت: «من عمیقاً نگرانم که منطقه در آستانه یک جنگ قرار گرفته و به شدت نگران خطر وقوع یک اشتباه محاسباتی هستم.»

وزیر دفاع بریتانیا می‌گوید نیروهای مسلح این کشور در عملیات رهگیری و سرنگونی موشک‌های شلیک شده توسط جمهوری اسلامی به سمت اسرائیل مشارکت داشته‌اند.

جان هیلی در بیانیه‌ای که سه‌شنبه شب اول اکتبر (۱۰ مهرماه) صادر شد، توضیح داد که «نیروهای انگلیسی در

یک «انتقام مهم» به شمار می‌رود.

پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه دوم اکتبر (۱۱ مهرماه) با اعلام این خبر نوشت، اسرائیل و جمهوری اسلامی هرگز تا این اندازه به گشودن یک جبهه جدید و بسیار خطرناک‌تر، در جنگی که خاورمیانه را فرا گرفته است، نزدیک نبوده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی تهدید کرده‌اند که اگر اسرائیل حمله کند آنها شدیدتر پاسخ خواهند داد. مقامات اسرائیل نیز گفته‌اند اگر این اتفاق بیفتد، همه گزینه‌ها روی میز خواهد بود از جمله حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران.

یک مقام اسرائیلی می‌گوید: «با یک علامت سؤال بزرگ در مورد نحوه پاسخ ایرانی‌ها به یک حمله روبرو هستیم، اما این احتمال را در نظر می‌گیریم که آنها دست به هر کاری بزنند، که یک بازی کاملاً متفاوت خواهد شد.»

بسیاری از مقامات اسرائیلی در مورد حمله به تأسیسات نفتی ایران به عنوان یک هدف احتمالی اشاره می‌کنند، اما برخی می‌گویند «تورهای هدفمند» و «از بین بردن سیستم‌های دفاع هوایی» جمهوری اسلامی نیز می‌تواند گزینه‌های مناسبی باشد.

تحلیلگران بر این باورند، پاسخ اسرائیل می‌تواند شامل حملات هوایی از طریق جت‌های جنگنده و همچنین عملیات‌های مخفیانه مشابه عملیات ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران باشد.

حمله موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به اسرائیل در فروردین ۱۴۰۳ با حمله بسیار محدود اسرائیل به باتری پدافند هوایی «اس-۳۰۰» در پایگاه نیروی هوایی ارتش در استان اصفهان پاسخ داده شد.

مقامات اسرائیلی گفتند که اینبار واکنش اسرائیل بسیار شدیدتر خواهد بود. در همین ارتباط کابینه امنیتی اسرائیل روز سه‌شنبه در یک پناهگاه دولتی زیرزمینی در داخل کوهی در نزدیکی اورشلیم تشکیل جلسه داد.

این نشست در حالی آغاز شد که اولین موج موشک‌های بالستیک ایران به سمت اسرائیل پرتاب شده بود.

یک مقام دفاعی اسرائیل به آکسیوس گفت که ده‌ها فروند موشک به سوی مقر موساد پرتاب شد اما هیچکدام به این محوطه اصابت نکرد. در واکنش به این حملات، بنیامین نتانياهو نخست وزیر اسرائیل گفت که رژیم «ایران امشب اشتباه بزرگی مرتکب شد و تاوان آن را پس خواهد پرداخت.»

دو مقام اسرائیلی گفتند که جلسه کابینه پس از چند ساعت با توافق در مورد پاسخ نظامی اسرائیل به پایان رسید، اما تصمیم روشنی در مورد اینکه این پاسخ چه خواهد بود گرفته نشد. یک مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت یکی از دلایلی که تصمیمی در جلسه کابینه گرفته نشد این است که مقامات اسرائیلی می‌خواهند با دولت بایدن مشورت کنند.

در شرایطی که اسرائیل قرار است به تنهایی علیه جمهوری اسلامی اقدام کند، به دلیل پیامدهای استراتژیک این وضعیت می‌خواهد برنامه‌های خود را با ایالات متحده هماهنگ کند. این مقام اسرائیلی گفت که حمله دیگری از سوی حکومت ایران در پاسخ به انتقام اسرائیل مستلزم همکاری دفاعی با فرماندهی مرکزی ایالات متحده، مهمات بیشتر برای نیروی هوایی اسرائیل و احتمالاً انواع دیگر پشتیبانی عملیاتی ایالات متحده است.

پرزیدنت بایدن روز سه‌شنبه یکم اکتبر ۲۰۲۴ گفت که ایالات متحده و اسرائیل درباره پاسخ به حمله‌ی جمهوری اسلامی ایران گفتگو می‌کنند و «باید دید» نتیجه آن چه خواهد بود. یک مقام آمریکایی گفت که در مذاکره بین دولت بایدن و دولت اسرائیل، ایالات متحده به صراحت اعلام کرد که از پاسخ اسرائیل حمایت می‌کند اما معتقد است که باید کنترل شده باشد.

خامنه‌ای پشت حزب‌الله را خالی کرد؟ هواداران نظام می‌گویند «اگر نزیم، سراغ خودمان می‌آیند!» ولی اگر هم بزنند، زودتر به سراغشان می‌روند!



تجمع هواداران نظام در مشهد با پوست‌های حسن نصرالله / هشتم مهرماه ۱۴۰۳

آن حتماً تصمیم‌گیری خواهد شد. محمدرضا عارف معاون پزشکیان نیز هشتم مهرماه ۱۴۰۳ در تماس تلفنی با مقامات لبنانی کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله را تسلیت گفت و از کشورهای اسلامی خواست «در حمایت از لبنان و فلسطین اقدام کنند!»

بخشی از طرفداران حزب‌الله معتقدند علی خامنه‌ای پشت حسن نصرالله را خالی کرده است همانطور که بعد از ترور اسماعیل هنیه نیز هیچ اقدامی از جانب جمهوری اسلامی صورت نگرفت.

در این میان اما پس از تأیید خبر مرگ حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان، خبرگزاری رویترز (شنبه هفتم مهرماه) به نقل از دو مقام منطقه‌ای ادعا کرد، «علی خامنه‌ای با تدابیر امنیتی شدید به مکان امنی منتقل شده است.» این یک پیام ضعف و مأیوس‌کننده برای طرفداران نظام بود.

برخی از مقامات ارشد نظامی اما فعلاً برای قانع کردن این هواداران، «انتقام» یا «واکنش» را به «موقعیت مناسب در آینده» حواله داده‌اند از جمله عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی که در پاسخ به پرسشی در باره زمان واکنش به خبرنگاران گفت: «منتظر باشید!» بدیهی است هرگونه اقدام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی علیه اسرائیل منوط به دستور خامنه‌ای به عنوان «فرمانده کل قوا» است.

در محافل سیاسی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بین طرفداران نظام بر سر دلیل عدم واکنش به اسرائیل جدال درگرفته است. بخشی از آنها که دچار توهم «اقتدار» هستند که البته ناشی از رجزخوانی و شعارهای توخالی مقامات رژیم است، انتظار دارند که جمهوری اسلامی به اسرائیل حمله کند.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران هشتم مهرماه ۱۴۰۳ در تیترو اول خود نوشت «سگ‌ها صهیونیست فقط با حمله

مورد اینکه جمهوری اسلامی چه خواهد کرد سکوت کرد. رسانه‌های داخلی تفسیر کردند که «فرض» یعنی واجب شرعی بوده و الزامی است اما بخشی از هواداران نظام می‌گویند تعلل در گرفتن انتقام، پیام ترس و عقب‌نشینی ارسال می‌کند.

عدم واکنش به ضربات اسرائیل با انتقاد شدید از سوی برخی مقامات و همچنین هواداران رژیم مواجه شده است. علی مطهری نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت، «تعلل در پاسخ به ترور اسماعیل هنیه در تهران» در حالی که دنیا منتظر پاسخ جمهوری اسلامی بود، باعث شد اسرائیل «جرات پیدا کند» که حسن نصرالله را هم ترور کند.

او همچنین افزود: «ما فریب آمریکا را خوردیم که پی در پی پیام فرستاد که نزدیک هفته دیگر آتش‌بس را برقرار می‌کنیم.»

مسعود پزشکیان هم گفته بود وعده آمریکا برای آتش‌بس در صورت پاسخ ندادن به ترور هنیه دروغ بود!

برخی شواهد نشان می‌دهد در دردهای بالا نیز بر سر واکنش به اسرائیل اختلاف نظر وجود دارد هرچند حسنعلی اخلاقی نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی ادعا می‌کند، «هیچ‌گونه اختلاف نظری بین مسئولان جمهوری اسلامی در زمینه انتقام از اسرائیل وجود ندارد.»

توپ در زمین خامنه‌ای است

در شرایطی که خامنه‌ای مقابله با اسرائیل را دست‌کم در پیام خود به سایر مسلمانان حواله داده است، مقاماتی در دولت پزشکیان توپ را به زمین علی خامنه‌ای انداخته و اشاره کرده‌اند که «دستور واکنش» در حیطه اختیارات او به عنوان فرمانده کل قواست.

محمدجواد ظریف معاون راهبردی مسعود پزشکیان درباره واکنش احتمالی جمهوری اسلامی در جمع خبرنگاران گفت، «واکنش در زمان مناسب و به انتخاب ایران» صورت خواهد گرفت. وی افزود: «در سطح رهبری و در سطح عالی

● خبرگزاری بلومبرگ دوشنبه ۳۰ سپتامبر (نهم مهرماه) به نقل از یک «منبع آگاه» نوشت شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه و عراق به کانال اصلی برای انتقال منابع حزب‌الله تبدیل خواهند شد.

● این منبع مدعی شد، جمهوری اسلامی سعی خواهد کرد هزاران نیرو را به مناطق مرزی لبنان و سوریه منتقل کند و در دو ماه گذشته چند هزار نیرو از عراق به سوریه رفته‌اند که نشان می‌دهد تهران برای تقویت بازدارندگی خود آماده شده است.

● علی خامنه‌ای که بعد از ترور اسماعیل هنیه با صراحت وعده «خونخواهی» و «انتقام» داده بود، در واکنش به کشته شدن حسن نصرالله هیچ اشاره‌ای به انتقام نکرد و آن را در واقع به لبنانی‌ها و «مسلمانان» حواله داد. او در واکنش به حملات مداوم اسرائیل به مواضع حزب‌الله در پیامی که هفتم مهرماه ۱۴۰۳ صادر شد گفت، بر همه مسلمانان «فرض است» که با امکانات خود در کنار حزب‌الله بایستند. رسانه‌های داخلی تفسیر کردند که «فرض» یعنی واجب شرعی بوده و الزامی است!

● محمدجواد ظریف معاون راهبردی مسعود پزشکیان گفته تصمیم در مورد واکنش به اسرائیل «در سطح رهبری» است.

● محمدرضا عارف معاون پزشکیان نیز هشتم مهرماه ۱۴۰۳ در تماس تلفنی با مقامات لبنانی کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله را تسلیت گفت و از کشورهای اسلامی خواست «در حمایت از لبنان و فلسطین اقدام کنند!»

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران هشتم مهرماه ۱۴۰۳ در تیترو اول خود نوشت «سگ‌ها صهیونیست فقط با حمله نظامی مهار می‌شود».

● خبرگزاری بلومبرگ دوشنبه ۳۰ سپتامبر (نهم مهرماه) به نقل از یک «منبع آگاه» نوشت شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه و عراق به کانال اصلی برای انتقال منابع حزب‌الله تبدیل خواهند شد.

این منبع مدعی شد، جمهوری اسلامی سعی خواهد کرد هزاران نیرو را به مناطق مرزی لبنان و سوریه منتقل کند و در دو ماه گذشته چند هزار نیرو از عراق به سوریه رفته‌اند که نشان می‌دهد تهران برای تقویت بازدارندگی خود آماده شده است.

در ایران به نظر می‌رسد در بالاترین رده‌های تصمیم‌گیری در مورد واکنش به کشته شدن حسن نصرالله و همراهان وی در مقر حزب‌الله در بیروت از جمله عباس نیلفروشان از فرماندهان ارشد «سپاه قدس» در لبنان تصمیم واحد وجود ندارد.

علی خامنه‌ای که بعد از ترور اسماعیل هنیه با صراحت وعده «خونخواهی» داده بود، در واکنش به کشته شدن حسن نصرالله هیچ اشاره‌ای به انتقام نکرد و آن را به خود لبنانی‌ها و «مسلمانان» حواله کرد! او در واکنش به حملات مداوم اسرائیل به مواضع حزب‌الله نیز در پیامی که هفتم مهرماه ۱۴۰۳ صادر شد گفت، بر همه مسلمانان «فرض است» که با امکانات خود در کنار حزب‌الله بایستند اما در

مذاکرات با لاوروف در نیویورک به امید احیای برجام با «فرمول عراقچی»!



دیدار عباس عراقچی و سرگئی لاوروف در نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۴

روسیه عملاً بعد از آغاز جنگ علیه اوکراین با باج‌خواهی از غربی‌ها مانع ادامه مذاکرات برجام شد. لاوروف اسفند ۱۴۰۰ رسماً «توافق اتمی» را به برداشته شدن بخشی از تحریم‌های روسیه و مسئله اوکراین گره زد و اعلام کرد، «ما ضمانت کتبی می‌خواهیم که تحریم‌ها [تحریم‌ها پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین] به هیچ شکل بر مناسبات اقتصادی و تجاری ما [با ایران] که ذیل برجام قید شده است اثر نگذارد!»

در شرایطی که جمهوری اسلامی برای خروج از انزوای بین‌المللی به دنبال گسترش روابط با روس‌ها اما در ایران شماری از چهره‌های سیاسی روسیه را متهم به خیانت می‌کنند. در همین ارتباط حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌های خود بارها گفته «برجام فدای روسیه و جنگ اوکراین شد.» با وجود وعده‌هایی که مقام‌های روسیه برای شراکت و همکاری به جمهوری اسلامی داده‌اند اما کمتر توانایی‌های خود را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته‌اند. سیستم بانکی روسیه خدمات بسیار محدودی به جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد، آنها از سرمایه‌گذاری در ایران خودداری می‌کنند و تسلیحات و تجهیزات مثل جنگنده‌های «سوخو۳۵»، هلی‌کوپترهای تهاجمی و هواپیماهای مسافربری را به ایران تحویل نمی‌دهند.

نه فقط در ارائه تجهیزات راهبردی بلکه روسیه در اجرای پروژه‌های عمرانی نیز که با جمهوری اسلامی قرارداد بسته کارشکنی می‌کند.

مجتبی یوسفی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی درمورد تعلل روس‌ها برای نهایی کردن قرارداد راه آهن رشت- آستارا گفته، پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر و استقرار دولت چهاردهم «طبیعی است که طرف سرمایه‌گذار، چه داخلی و چه خارجی منتظر این باشد که سیاست‌های دولت جدید را ببیند، بسنجد و ارزیابی کند.»

سرگئی لاوروف و عباس عراقچی وزرای خارجه روسیه و جمهوری اسلامی شنبه ۲۸ سپتامبر (هفتم مهرماه) در حاشیه هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با یکدیگر دیدار کردند.

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی طرفین در مورد مسائل فوری بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله وضعیت برجام، وضعیت قفقاز جنوبی و درگیری خاورمیانه تبادل نظر شد. بخشی از این گفتگوها درباره همکاری‌های «راهبردی» تهران و مسکو بود، آنهم در شرایطی که رهبران غرب به جمهوری اسلامی در مورد توقف ارسال تسلیحات به روسیه از جمله موشک‌های بالستیک اولتیماتوم داده‌اند اما حمایت‌های جمهوری اسلامی از روسیه همچنان ادامه دارد. برخی منابع نوشته‌اند لاوروف و عراقچی مسیر مشارکت راهبردی بین روسیه و ایران و تعهد به اجرای همه پروژه‌های مشترک را که قبلاً توافق شده تأیید کردند و آن را «غیرقابل تغییر» دانستند. همچنین گفته شد طرفین بر سر ادامه مذاکرات در بالاترین سطوح به توافق رسیدند و لاوروف از عراقچی برای سفر به روسیه دعوت کرده است.

روسیه به همراه ترکیه، کوبا و ونزوئلا از معدود کشورهایی هستند که کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله لبنان را محکوم کردند.

هیأت سیاسی همراه مسعود پزشکیان شامل محمدجواد ظریف و عباس عراقچی در جریان سفر به نیویورک تلاش کردند روزه‌هایی برای گفتگو با دولت‌های اروپایی و مقامات آمریکایی برای «احیای برجام» باز کنند.

منابع داخلی ادعا کردند «آمریکا پیام مهمی داده که سبب شد عراقچی چند روز بیشتر در نیویورک بماند.» همچنین ادعا شده عراقچی «فرمول جدید» دارد!

پزشکیان پس از بازگشت از نیویورک خبر داد که در جریان این سفرش، مقامات ایرانی درباره برجام با مقامات اروپایی گفتگو کرده‌اند و قرار شده وزرای خارجه جمهوری اسلامی و کشورهای اروپایی این موضوع را دوباره بررسی کنند اما

● سرگئی لاوروف و عباس عراقچی وزرای خارجه روسیه و جمهوری اسلامی شنبه ۲۸ سپتامبر (هفتم مهرماه) در حاشیه هفتاد و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با یکدیگر دیدار کردند.

● بخشی از گفتگوهای آنها درباره «برجام» و همچنین همکاری‌های «راهبردی» تهران و مسکو بود، آنهم در شرایطی که رهبران غرب به جمهوری اسلامی در مورد توقف ارسال تسلیحات به روسیه از جمله موشک‌های بالستیک اولتیماتوم داده‌اند اما حمایت‌های جمهوری اسلامی از روسیه همچنان ادامه دارد.

● هیأت سیاسی همراه مسعود پزشکیان شامل محمدجواد ظریف و عباس عراقچی در جریان سفر به نیویورک تلاش کردند روزه‌هایی برای گفتگو با دولت‌های اروپایی و مقامات آمریکایی برای «احیای برجام» باز کنند.

● پزشکیان پس از بازگشت از نیویورک خبر داد که در جریان این سفرش، مقامات ایرانی درباره برجام با مقامات اروپایی گفتگو کرده‌اند و قرار شد وزرای خارجه جمهوری اسلامی و کشورهای اروپایی این موضوع را دوباره بررسی کنند اما روسیه عملاً بعد از آغاز جنگ علیه اوکراین با باج‌خواهی از غربی‌ها مانع ادامه مذاکرات برجام شد.

● منابع داخلی ادعا کردند «آمریکا پیام مهمی داده که سبب شد عراقچی چند روز بیشتر در نیویورک بماند.» همچنین ادعا شده عراقچی «فرمول جدید» دارد!

➔ نظامی مهار می‌شود.

بسیاری از هواداران نظام هشدار می‌دهند اگر به کشته شدن نصرالله واکنش قاطع داده نشود آنها سراغ خودمان می‌آیند. محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از انفجار پیجرها و بیسیم‌های حزب‌الله گفته بود، شاید اسرائیل به ایران حمله کند هرچند که به نظر می‌رسد مقام‌های اسرائیلی بر این باورند قدرتمندترین ارتش مقابل جمهوری اسلامی مردم ایران هستند.

در این میان رسانه‌ها نقش زیادی در تحریک احساسات و تحریک هواداران نظام دارند از جمله با پخش خرافاتی مانند اینکه رهبر جمهوری اسلامی «انگشت زمان جنگ» به دست کرده و «علی شمخانی لباس رزم به تن کرده است!» علی شمخانی نیز با رجزخوانی به اسرائیل هشدار داده «شرارت‌ها سریع‌تر از تصور گریبان‌گیرتان می‌شود.»

علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه از «امت اسلامی» خواست برای انتقام خون نصرالله «جهاد» کنند! شمار زیادی از طلاب و آخوندهایی که بسیاری از آنها خدمت سربازی هم نرفته‌اند بطور نمایشی در فرودگاه جمع شدند تا به لبنان اعزام شوند!

مخالفان نظام اما می‌گویند علی خامنه‌ای به شدت ترسیده است. آنها بر این باورند که نظام نه از نظر اقتصادی و نه در زمینه تجهیزات نظامی قادر نیست وارد جنگ تمام‌عیار با اسرائیل شود. ضمن اینکه ورود به جنگ مستلزم مشروعیت در میان مردم است که جمهوری اسلامی فاقد آن است و رژیم ایران بیش از آنکه از اسرائیل بترسد، از مردم خود ایران وحشت دارد که بار دیگر آنهم در چنین وضعیتی علیه آن به خیابان‌ها بیایند.

پس از شکار حسن نصرالله در بیروت؛ اسرائیل هوایمای باری جمهوری اسلامی را از آسمان لبنان به تهران برگرداند



حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان

پدر شوهر زینب سلیمانی و جانشین احتمالی حسن نصرالله کیست؟

● بعد از اعلام رسمی کشته شدن حسن نصرالله در حمله هوایی اسرائیل به بیروت، حزب الله لبنان اکنون پس از ۳۲ سال با چالشی بزرگ برای انتخاب رهبر جدید مواجه است. این تصمیم نه تنها به تأیید اعضای حزب الله بلکه احتمالاً به همفکری ولی نعمت این گروه تروریستی یعنی جمهوری اسلامی هم نیاز دارد.

● به گزارش رسانه‌های داخلی ایران، برادر وی با نام عبدالله صفی‌الدین نیز نماینده حزب الله در ایران است.

● هاشم صفی‌الدین در سال ۲۰۱۷ توسط وزارت خارجه ایالات متحده به عنوان تروریست در لیست سیاه قرار گرفت.

● رویترز می‌نویسد، «روابط خانوادگی صفی‌الدین، شباهت ظاهری به نصرالله و جایگاه مذهبی او به عنوان یک سید، همه به نفع او عمل خواهند کرد».

- با وجود محرمانه بودن روند انتخاب رهبری در حزب الله، نقشی که صفی‌الدین در اداره امور روزمره این حزب ایفا کرده، علاوه بر شغلی مشابه با نصرالله، او را به محتمل‌ترین نامزد جانشینی او تبدیل کرده که البته به نظر نمی‌رسد سرنوشتی جز حسن نصرالله در انتظار او باشد.

بعد از اعلام رسمی کشته شدن حسن نصرالله در حمله هوایی اسرائیل به بیروت، حزب الله لبنان اکنون پس از ۳۲ سال با چالشی بزرگ برای انتخاب رهبر جدید مواجه است. این تصمیم نه تنها به تأیید اعضای حزب الله بلکه احتمالاً به همفکری ولی نعمت این گروه تروریستی یعنی جمهوری اسلامی هم نیاز دارد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که سیدهاشم صفی‌الدین از بستگان مادری حسن نصرالله و رئیس شورای اجرایی حزب الله، جانشین احتمالی او خواهد بود.

بعد از حمله به مقر حزب الله، گفته شد صفی‌الدین کشته شده اما خبرگزاری رویترز به نقل از منابع لبنانی خبر از زنده بودن او داد.

وی در دوران تحصیل در شهر قم تحت تأثیر اندیشه سیاسی مرتبط با نظریه «ولایت فقیه» روح‌الله خمینی قرار گرفت و یکی از حامیان سرسخت او شد. او از دهه ۸۰ میلادی بعد از تحصیل در نجف، به همراه حسن نصرالله و برادرش عبدالله صفی‌الدین، مدتی را در حوزه علمیه قم گذرانده است.

صفی‌الدین تا سال ۷۲ در ایران باقی ماند و در این سال به دعوت حسن نصرالله به لبنان بازگشت تا به عضویت مجلس شورای حزب الله درآید. برادرش عبدالله نیز در ایران ماند و به عنوان نماینده حزب الله در آن کشور فعالیت کرد.

پس از بازگشت به لبنان در سال ۷۲، هاشم صفی‌الدین پست‌های مختلفی را در حزب الله برعهده گرفت. او علاوه بر ریاست شورای اجرایی حزب، در سال ۷۳ به عنوان رئیس شورای جهاد و یکی از ۹ عضو شورای مشورتی حزب الله انتخاب شد. از سال ۸۶ نیز در مجمع عمومی این

بیروت را نیز هدف قرار خواهند داد. در همین ارتباط گزارش شده است که یک فروند هوایمای باری بوئینگ ۷۴۷ متعلق به شرکت «قشم فارس‌ایر» که ظهر شنبه هفتم مهرماه از تهران به لبنان پرواز کرده بود، اجازه فرود در فرودگاه بیروت پیدا نکرد و از آسمان عراق بازگشت.

شبکه «ام‌تی‌وی» خبر داد که اسرائیل فرکانس برج مراقبت فرودگاه بیروت را هک کرد و به خلبان این پرواز هشدار داد نباید فرود بیاید.

ساعاتی پس از تأیید خبر مرگ حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب الله لبنان، خبرگزاری رویترز (شنبه هفتم مهرماه) به نقل از دو مقام منطقه‌ای ادعا کرد، «علی‌خامنه‌ای با تدابیر امنیتی شدید به مکان امنی منتقل شده است.» این منابع گفتند که مقامات ایران در تماس دائمی با حزب الله لبنان و دیگر گروه‌های نیابتی برای تعیین گام بعدی هستند.

پس از انتشار خبر مرگ حسن نصرالله در حمله هوایی اسرائیل به مقر حزب الله در بیروت، شماری از هواداران نظام درخواست اعزام به لبنان برای جنگ با اسرائیل را مطرح کردند.

محمدحسن اختری که در گذشته معاون امور بین‌الملل دفتر علی‌خامنه‌ای بود و اکنون رئیس کمیته‌ای با عنوان «حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» است، عنوان کرده «همانطوری که نیروهای ما به سوریه رفتند، زمینه برای اعزام نیرو به جولان و جنوب لبنان فراهم می‌شود و مسئولان اجازه خواهند داد».

وی روز هفتم مهرماه در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان» ادعا کرده «در چند روز آینده ثبت نام برای اعزام نیروها به لبنان آغاز می‌شود».

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به رئیس پارلمان لبنان مدعی شد، «حزب الله پیروز قطعی این نبرد خواهد بود».

علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در یک پیام از اسرائیل به عنوان «سگ‌ها صهیونیستی» نام برد و نوشت: «سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان حزب الله سرفراز رقم خواهد زد!» وی اما اشاره‌ای به کشته شدن حسن نصرالله نکرده است.

این پیام‌ها در حالیست که طی هفته‌های اخیر بیشتر فرماندهان ارشد حزب الله کشته شده‌اند.

● ارتش اسرائیل روز شنبه ۲۸ سپتامبر (هفتم مهرماه) تأیید کرد که حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان در حمله هوایی جنگنده‌های نیروی هوایی به مقر این گروه تروریستی در بیروت کشته شده است.

● گزارش شده است که یک فروند هوایمای باری بوئینگ ۷۴۷ متعلق به شرکت «قشم فارس‌ایر» که ظهر شنبه هفتم مهرماه از تهران به لبنان پرواز کرده بود، اجازه فرود در فرودگاه بیروت پیدا نکرد و از آسمان عراق بازگشت.

● شبکه «ام‌تی‌وی» خبر داد که اسرائیل فرکانس برج مراقبت فرودگاه بیروت را هک کرد و به خلبان این پرواز هشدار داد نباید فرود بیاید.

● ساعاتی پس از تأیید خبر مرگ حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان، خبرگزاری رویترز (شنبه هفتم مهرماه) به نقل از دو مقام منطقه‌ای ادعا کرد، «علی‌خامنه‌ای با تدابیر امنیتی شدید به مکان امنی منتقل شده است».

● محمدحسن اختری که در گذشته معاون امور بین‌الملل دفتر علی‌خامنه‌ای بود و اکنون رئیس کمیته‌ای با عنوان «حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین» است، عنوان کرده «همانطوری که نیروهای ما به سوریه رفتند، زمینه برای اعزام نیرو به جولان و جنوب لبنان فراهم می‌شود و مسئولان اجازه خواهند داد».

ارتش اسرائیل روز شنبه ۲۸ سپتامبر (هفتم مهرماه) تأیید کرد که حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان در حمله هوایی جنگنده‌های نیروی هوایی به مقر این گروه تروریستی در بیروت کشته شده است.

حمله به مقر مرکزی حزب الله به دستور بنیامین نتانیاهو پس از سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک صورت گرفت. منابع وابسته به واحد اطلاعات ارتش اسرائیل مخفیگاه نصرالله را شناسایی کرده و با بمب‌های سنگرشکن هدف قرار دادند.

با وجود فشارهای بین‌المللی به نتانیاهو برای آتش‌بس موقت، وی در جریان این سخنرانی تأکید کرد «با تمام قدرت به حمله علیه حزب الله ادامه خواهیم داد و تا زمانی که به همه اهداف خود دست یابیم که مهمترین آن، بازگشت ساکنان شمال اسرائیل به خانه‌هایشان است، دست از کار نخواهیم کشید».

در این میان، فرماندهان ارتش اسرائیل گفته بودند جمهوری اسلامی منتظر فرصت برای ارسال تسلیحات به لبنان است. آنها تهدید کرده بودند در صورت لزوم فرودگاه

منابع سوری گزارش دادند که از آن مناطق صدای چند انفجار به گوش رسید. برخی منابع گزارش دادند این حمله توسط جنگنده‌های آمریکایی صورت گرفته است اما برخی دیگر اسرائیل را عامل این حمله دانستند.

خبرگزاری‌های داخلی ایران به نقل از منابع محلی سوریه اعلام کردند که ۱۸ عراقی در حمله هوایی نیروهای ائتلاف به منطقه البوکمال در مرز عراق و سوریه کشته شده‌اند؛ این منابع مدعی شدند حملات از جانب اسرائیل بوده است. همچنین شبکه خبری «الحدث» به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن گزارش داد در این حمله دست‌کم ۱۲ عضو سپاه کشته شدند.

به نظر می‌رسد که در این حملات چندین پایگاه مرتبط با سپاه و شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در مرز عراق و سوریه هدف قرار گرفته‌اند.

پایگاه‌های «سپاه قدس» و نیابتی‌ها پس از آن مورد حمله قرار گرفت که نیروهای مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق یک پهپاد انتحاری به سمت پایگاه آمریکا در میدان گازی کونیکو (در شمال دیرالزور) فرستادند. از حوالی این پایگاه صدای انفجار شنیده شد اما مشخص نیست در آسمان منهدم شد یا به زمین اصابت کرد.

چند کشته در حمله هوایی به پایگاه‌های «سپاه قدس» در عراق و سوریه

● حمله هوایی سنگین به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله در منطقه ابوکمال سوریه (دیرالزور) شنبه شب ۲۸ سپتامبر (هفتم مهرماه) چندین کشته و زخمی برجای گذاشت.

● خبرگزاری‌های داخلی ایران به نقل از منابع محلی سوریه اعلام کردند که ۱۸ عراقی در حمله هوایی نیروهای ائتلاف به منطقه البوکمال در مرز عراق و سوریه کشته شده‌اند؛ این منابع مدعی شدند حملات از جانب اسرائیل

→ گروه به عنوان جانشین حسن نصرالله معرفی شد. همچنین از سال ۸۸ به عنوان فرمانده نظامی حزب‌الله در جنوب لبنان فعالیت می‌کند.

نسبت فامیلی با سلیمانی

براساس گزارش منابع داخلی صفی‌الدین، پدر شوهر زینب سلیمانی، دختر قاسم سلیمانی، نیز هست. زینب مغنیه،



شیخ هاشم صفی‌الدین

خواهر عماد مغنیه در اوایل تیرماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی تصویری در اینستاگرام خود منتشر کرد که طبق آن، از ازدواج زینب سلیمانی با پسر سیدهاشم صفی‌الدین، خبر می‌داد.

قاسم سلیمانی چشم و چراغ جمهوری اسلامی بود که در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا به دستور او حوالی فرودگاه بغداد کشته شد.

به گزارش رسانه‌های داخلی ایران، برادر وی با نام عبدالله صفی‌الدین نیز نماینده حزب‌الله در ایران است.

هاشم صفی‌الدین در سال ۲۰۱۷ توسط وزارت خارجه ایالات متحده به عنوان تروریست در لیست سپاه قرار گرفت.

او در سال ۲۰۱۷ در پاسخ به فشارهای آمریکا به حزب‌الله اعلام کرد: «این دولت دیوانه و نابسامان ایالات متحده به ریاست ترامپ نمی‌تواند به مقاومت آسیب برساند». او تأکید کرد که چنین اقداماتی تنها عزم حزب‌الله را تقویت می‌کند. صفی‌الدین در ماه ژوئن، پس از کشته شدن یکی دیگر از فرماندهان حزب‌الله، تهدید به تشدید تنش علیه اسرائیل کرد و در مراسم تشییع جنازه آن فرمانده اعلام نمود: «بگذار دشمن خود را برای گریه و زاری آماده کند».

سخنرانی‌های علنی صفی‌الدین اغلب بیانگر موضع ستیزه‌جویانه حزب‌الله و همسویی آن با آرمان فلسطینی است. وی اخیراً در مراسمی در ضاحیه، پایگاه حزب‌الله در حومه جنوبی بیروت، با مبارزان فلسطینی ابراز همبستگی کرد و گفت: «تاریخ ما، تفنگ‌هایمان و راکت‌های ما با شما است».

رویتز می‌نویسد، «روابط خانوادگی صفی‌الدین، شباهت ظاهری به نصرالله و جایگاه مذهبی او به عنوان یک سید، همه به نفع او عمل خواهند کرد».

با وجود محرمانه بودن روند انتخاب رهبری در حزب‌الله، نقشی که صفی‌الدین در اداره امور روزمره این حزب ایفا کرده، علاوه بر شغلی مشابه با نصرالله، او را به محتمل‌ترین نامزد جانشینی او تبدیل کرده که البته به نظر نمی‌رسد سرنوشتی جز حسن نصرالله در انتظار او باشد.



تصویر نه چندان واضح مناسب به حمله هوایی به پایگاه‌های سپاه در سوریه که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد

چند منبع گزارش دادند که تعداد زیادی موشک به سمت پایگاه «کونیکو» پرتاب شد که انفجاری سنگینی به همراه داشت. شبکه «TRT» ترکیه ویدیویی از انفجارها در این پایگاه را منتشر کرد.

حمله گروه‌های نیابتی به پایگاه آمریکا در سوریه ساعاتی پس از اعلام رسمی خبر مرگ حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان در حمله هوایی اسرائیل به مقر این گروه تروریستی در بیروت صورت گرفت.

در این حمله علاوه بر نصرالله و شماری از محافظانش، تعدادی از نیروهای سپاه پاسداران از حمله عباس نیلفروشان فرمانده اردش «سپاه قدس» در لبنان نیز کشته شدند. منابع غیررسمی گزارش دادند تعداد دیگری از نیروهای ایرانی سپاه نیز در آن ساختمان حضور داشتند اما هویت یا تعداد آنها مشخص نیست.

منابع منطقه‌ای همچنین گزارش دادند حوثی‌های یمن علاوه بر پرتاب یک موشک به اسرائیل به چند کشتی و ناوهای آمریکا در دریای سرخ نیز موشک و پهپاد پرتاب کردند که در آسمان رهگیری و منهدم شدند.

بوده است.

● همچنین شبکه خبری «الحدث» به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن گزارش داد در این حمله دست‌کم ۱۲ عضو سپاه کشته شدند.

● پایگاه‌های «سپاه قدس» و نیابتی‌ها پس از آن مورد حمله قرار گرفت که نیروهای مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق یک پهپاد انتحاری به سمت پایگاه آمریکا در میدان گازی کونیکو (در شمال دیرالزور) فرستادند. از حوالی این پایگاه صدای انفجار شنیده شد اما مشخص نیست در آسمان منهدم شد یا به زمین اصابت کرد.

● چند منبع گزارش دادند که تعداد زیادی موشک به سمت پایگاه «کونیکو» پرتاب شد که انفجاری سنگینی به همراه داشت. شبکه «TRT» ترکیه ویدیویی از انفجارها در این پایگاه را منتشر کرد.

حمله هوایی سنگین به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله در منطقه ابوکمال سوریه (دیرالزور) شنبه شب ۲۸ سپتامبر (هفتم مهرماه) چندین کشته و زخمی برجای گذاشت.

بلاتکلیفی ۳۰ پناهجوی ایرانی پشت درهای بسته برای ورود به آمریکا



پناهجویان در ترکیه / عکس آرشیوی

ترکیه باید وکیل بگیرند تا جریان پرونده پناهجو را به عقب بیاورند، وکیل هم مدعی است از دست او کاری بر نمی آید و فقط می تواند زمان بخرد.»

به گفته این پناهجوی سیاسی، «در این میان، حدود ۳۰ پناهجو که دوران خدمت سربازی خود را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپری کرده اند از حدود سه سال پیش در ترکیه بلاتکلیف هستند. همه کارهای اداری پرونده آنها برای ورود به آمریکا انجام شده، بیشتر آنها حتی مراحل «ای سی ام سی» یک و دو و مدیکال را طی کرده اند، برخی هم چندین بار به مدیکال رفته اند در حالی که مدیکال هر شش ماه منقضی می شود، اما جالب اینجاست که کشور آمریکا هم آنها را پذیرفته اما اداره مهاجرت ترکیه به راحتی می تواند این افراد را دیپورت کند.»

او اضافه می کند: «از سوی دیگر مرکز پاسخگو «ای سی ام سی» مرکز بازرسان مجدد پناهندگان اعلام کرده که باید از آمریکا دستور بیاید و فعلا در پروسه اداری است، اما این پروسه اداری نزدیک سه سال است که طول کشیده در حالی که مدیکال آنها سوخته و باید دوباره به مدیکال بروند. شرایط چنان برای این پناهجویان دشوار شده که یکی از این افراد نزدیک یک هفته است که از یک شهر دیگر خود را به مقابل ساختمان «آی سی ام سی» در استانبول رسانده و دست به تحصن و اعتصاب غذا زده است، این فرد در شرایطی که آمریکا او را پذیرفته است برگه دیپورت از اداره مهاجرت ترکیه دریافت کرده است.»

او در ادامه به یک پناهجوی ایرانی اشاره کرد که از طریق مادرش که از افسران سپاه پاسداران است، کارهایش انجام شد و در دوره اواما بعد از سه سال از ترکیه به کانادا رفت. وی با انتقاد از اینکه چرا این افراد با هویت های جعلی از طریق بورسیه تحصیلی یا سرمایه گذاری خانوادگی یا گروهی به راحتی خود را به آمریکا یا کانادا می رسانند، تاکید

از سوی دیگر برخلاف اروپا که تا مشخص شدن وضعیت پرونده، پناهجویان از کمک هزینه و محلی برای زندگی برخوردارند، پناهجویان ساکن ترکیه هیچ کمک هزینه ای از اداره پناهجویان دریافت نمی کنند.

در این میان، بیشتر پناهجویان ایرانی ساکن ترکیه از حدود چندین سال پیش در این کشور بطور بلاتکلیف روزها را به شب می رانند.

نیمه یک پناهجوی ایرانی ساکن ترکیه است که از ۱۰ سال پیش در ترکیه بسر می برد. او می گوید هر روز صبح بلاتکلیف از خواب بیدار می شویم در حالی که نمی دانیم فردا قرار است چه اتفاقی بیفتد.

او توضیح می دهد: «ما باید ماهی یکبار برای امضا یا اثر انگشت به دفتر پلیس شهر محل سکونت خود مراجعه کنیم. حالا اگر پناهجویی به هر دلیلی برای امضا یا اثر انگشت دیر مراجعه کند یا فراموش کند به دفتر پلیس برود، اداره مهاجرت، به دنبال پیدا کردن یک مشکل قضایی در پرونده فرد است تا او را از ترکیه اخراج کند.»

او در ادامه می گوید: «امضای پلیس اگر ۳ بار انجام نشود پرونده پناهجو حالا هرچه باشد به صورت خودکار بسته می شود و پس از مراجعه به پلیس، بازداشت و معمولا به کمپ دیپورت نزدیک مرز ایران فرستاده می شود.»

نیمه اضافه می کند: «اگر اجازه کار می دادند، می توانستیم زندگی بهتری داشته باشیم ولی پناهجویان با ترس و در خفا کار می کنند و در صورت شناسایی، آنها را به کمپ منتقل می کنند و این در حالیست که در حال حاضر دیپورت کردن پناهجویان در ترکیه به شدت بیشتر از گذشته در حال انجام است و این مسئله راهی شده برای درآمدزایی برخی افراد، چون اگر هر پناهجویی به مشکلی بر بخورد باید حتما وکیل بگیرد، در شرایطی که پناهجویان، فاقد حمایت مالی هستند و درآمدی ندارند، ولی با این شرایط اقتصادی و تورم

● رقم دقیقی از تعداد پناهجویان ایرانی ساکن در ترکیه در دست نیست اما این افراد، نه تنها اجازه کار و کسب درآمد ندارند بلکه از داشتن بیمه خدمات درمانی نیز محروم هستند.

● برخلاف اروپا که تا مشخص شدن وضعیت پرونده، پناهجویان از کمک هزینه و محلی برای زندگی برخوردارند، پناهجویان ساکن ترکیه هیچ کمک هزینه ای از اداره پناهجویان دریافت نمی کنند.

● نیمه یک پناهجوی ایرانی ساکن ترکیه است که از ۱۰ سال پیش در ترکیه بسر می برد. او می گوید هر روز صبح بلاتکلیف از خواب بیدار می شویم در حالی که نمی دانیم فردا قرار است چه اتفاقی بیفتد.

● «حدود ۳۰ پناهجو که دوران خدمت سربازی خود را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپری کرده اند از حدود سه سال پیش در ترکیه بلاتکلیف هستند. همه کارهای اداری پرونده آنها برای ورود به آمریکا انجام شده و پذیرفته نیز شده اند! دوران خدمت سربازی این افراد مربوط به ۱۲-۱۰ یا ۲۰ سال پیش بوده و اضافه شدن سپاه به لیست گروه های تروریستی از سوی آمریکا مربوط به سال ۲۰۱۹ است.»

● «شرایط چنان برای این پناهجویان دشوار شده که یکی از این افراد نزدیک یک هفته است که از یک شهر دیگر خود را به مقابل ساختمان «آی سی ام سی» در استانبول رسانده و دست به تحصن و اعتصاب غذا زده است، این فرد در شرایطی که آمریکا او را پذیرفته است برگه دیپورت از اداره مهاجرت ترکیه دریافت کرده است.»

● نیمه به یک پناهجوی ایرانی اشاره کرد که از طریق مادرش که از افسران سپاه پاسداران است، کارهایش انجام شد و در دوره اواما بعد از سه سال از ترکیه به کانادا رفت. وی با انتقاد از اینکه چرا این افراد با هویت های جعلی از طریق بورسیه تحصیلی یا سرمایه گذاری خانوادگی یا گروهی به راحتی خود را به آمریکا یا کانادا می رسانند.

فیروزه نوردستروم- رقم دقیقی از تعداد پناهجویان ایرانی ساکن در ترکیه در دست نیست اما این افراد، نه تنها اجازه کار و کسب درآمد ندارند بلکه از داشتن بیمه خدمات درمانی نیز محروم هستند. بیمه خدمات درمانی تنها از راه بیمه خصوصی و پرداخت اولیه تمام مخارج درمان امکان پذیر است که برای اغلب پناهنده ها ممکن نیست.

آنها هنگامی که برای پرداخت هزینه های زندگی مجبور به انجام «کار سیاه» هستند، در صورت افشا شدن، بار اول، مجبور به پرداخت جریمه های سنگین می شوند اما در بار دوم، آنها را به کمپ پناهجویان منتقل می کنند و مجبورند تا حدود شش ماه در آنجا بمانند. سپس با توجه به وضعیت پرونده شان دو امکان وجود دارد: یا آزاد می شوند و یا دیپورت و از ترکیه اخراج می گردند.

فرد پناهنده برای جلوگیری از اخراج و دیپورت تنها یک راه در پیش دارد: باید از وکیل کمک بگیرد و از طریق قانونی اقدام کند آنچه در حالی که برای هر وکیل می بایست بین ۱۵ تا ۳۰ هزار لیر بپردازد. در هیچکدام از این زمینه ها سازمان ملل کمکی به پناهجویان نمی کند و به گفته آنها مسئولان مربوطه فقط می گویند که کاری از دستشان بر نمی آید.

هشدار وزیر خارجه آلمان به عباس عراقچی در مورد ارسال تسلیحات از ایران به روسیه



دیدار بربوک و عراقچی در نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۴

همزمان پنی وانگ وزیر خارجه استرالیا نیز تصویری از دیدار خود با عراقچی منتشر کرد و گفت که او نگرانی‌هایی را درباره «حقوق بشر و همکاری نظامی ایران و روسیه» با وزیر خارجه جمهوری اسلامی مطرح کرده است.

این فشارها در حالیست که جمهوری اسلامی ارسال تسلیحات برای روسیه را انکار می‌کند هرچند برخی از مقامات حکومت آن را تأیید کرده‌اند.

احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» که ۱۷ شهریورماه منتشر شد، تأیید کرد که جمهوری اسلامی به روسیه موشک و پهپاد ارائه می‌دهد و بجای آن مواد خوراکی از جمله سویا و ذرت می‌گیرد!

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در جریان سفر به لندن ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریورماه) در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه بریتانیا تأیید کرد که جمهوری اسلامی موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد به روسیه ارسال کرده است. ایالات متحده و سه قدرت اروپایی به تلافی ارسال موشک از ایران به روسیه تحریم‌هایی را علیه چندین مقام و نهاد جمهوری اسلامی اعمال کردند که یکی از آنها تحریم شرکت هواپیمایی «ایران ایر» است.

بلینکن همچنین سوم مهرماه در نشست شورای امنیت گفت برای پایان دادن به جنگ روسیه علیه اوکراین، جامعه بین‌المللی باید از حمایت‌های نظامی کشورهایی همچون ایران و کره شمالی از روسیه جلوگیری کند.

وی توضیح داد، «جمهوری اسلامی از سال ۲۰۲۲ در حال ارائه پهپاد به روسیه است و یک کارخانه تولید پهپاد در روسیه ساخته است. تنها چند هفته پیش، تهران صدها موشک بالستیک کوتاه‌برد به روسیه فرستاد. جمهوری اسلامی همچنین در داخل ایران نظامیان روسیه را برای کار کردن با این سلاح‌ها آموزش داده است.»

● آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، روز ۲۷ سپتامبر (بامداد ششم مهرماه به وقت ایران) به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین هشدار داد.

● بربوک که برخورد سرد او با عراقچی در این دیدار مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته، گفته است رژیم «ایران باید تمام حمایت‌های خود از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین را متوقف کند و به صادرات موشک‌های بالستیک و پهپادها به روسیه پایان دهد.»

● بخشی از صحبت‌های بربوک و عراقچی مربوط به افزایش تنش‌ها در خاورمیانه از جمله جنگ در لبنان بود. وزارت خارجه آلمان گزارش داد که در این دیدار از نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و وضعیت شهروندان آلمانی زندانی در ایران نیز صحبت شد.

آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، روز ۲۷ سپتامبر (بامداد ششم مهرماه به وقت ایران) به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین هشدار داد.

بربوک که برخورد سرد او با عراقچی در این دیدار مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته، گفته است رژیم «ایران باید تمام حمایت‌های خود از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین را متوقف کند و به صادرات موشک‌های بالستیک و پهپادها به روسیه پایان دهد.»

بخشی از صحبت‌های بربوک و عراقچی مربوط به افزایش تنش‌ها در خاورمیانه از جمله جنگ در لبنان بود. وزارت خارجه آلمان گزارش داد که در این دیدار از نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و وضعیت شهروندان آلمانی زندانی در ایران نیز صحبت شد.

➔ کرد: «بسیاری از این اختلاسگران، همگی کارت عضویت سپاه را دارند.»

این در حالیست که به گفته نیما دوران خدمت سربازی این افراد مربوط به ۱۲-۱۰ یا ۲۰ سال پیش بوده و اضافه شدن سپاه به لیست گروه‌های تروریستی از سوی آمریکا مربوط به سال ۲۰۱۹ است.

در این شرایط به گفته یک پناهجوی دیگر ساکن ترکیه بسیاری از پناهجویان ایرانی از ترکیه خود را به ونزوئلا و از آنجا به برزیل و از آن کشور از طریق مرز مکزیک خود را به آمریکا رسانده‌اند و در حال حاضر در آمریکا مشغول به کار هستند؛ در حالی که پناهجویان ساکن ترکیه با وجود پذیرش برای رفتن به آمریکا و انجام مراحل قانونی از ۱۰ سال پیش بلاتکلیف‌اند.

بسیاری از این پناهجویان با این تناقض درگیر هستند که همه کارهای اداری رفتن آنها به آمریکا انجام شده اما با وجود این اداره مهاجرت ترکیه ادعا می‌کند که این پناهجویان هیچ مدرکی ندارند و رد شده‌اند، آنها هم فقط مجبورند با پرداخت هزینه‌های بالا از یک وکیل در ترکیه کمک بگیرند تا مثلاً شش ماه تا یک سال زمان بخرند تا کار رفتن آنها به آمریکا انجام شود.

به گفته برخی از پناهجویان در این گروه ۳۰ نفری بلاتکلیف، چند تن از پناهجویان ساکن در ترکیه با وجود سابقه مشابه خدمت کردن در سپاه، به تازگی پس از انجام مراحل قانونی به آمریکا رفته‌اند.

آنها معتقدند یک هماهنگی بین سازمان ملل و ترکیه وجود دارد تا از تعداد پناهجویان ایرانی ساکن ترکیه کاسته شود. در حالی که برخی از آنها نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به عقب برگردند، به ناچار، مجبورند خطرات مسیر دریایی را به جان بخرند و به سمت یونان بروند و از مسیر جنگلی یونان خود را به یک شهر برسانند.

به گفته این پناهجویان در یونان هم برای آنها تله گذاشته‌اند؛ یک عده را اجیر کرده‌اند تا در جنگل‌های مسیر پناهجویان کمین کرده تا آنان را خفت و بعد لخت کنند و بعد بدون پول و وسیله نزدیک مرز ترکیه رهاشان کنند. در این میان وقتی تعداد دیپورت و اخراج زیاد می‌شود، بازار «گیم» (عبور غیرقانونی زمینی و دریایی از مرز) داغ می‌شود.

یکی از این پناهجویان در این زمینه به اصطلاح «خودانداز» اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «کار خودانداز این است که نقشه راه را با استفاده از گوگل مپ به دست می‌آورد تا از راه دریا خود را به ساحل یونان برساند و از آنجا از طریق مسیر هوایی و بیشتر مسیر زمینی مسیر خود را به سمت غرب اروپا که معمولاً آلمان و هلند است ادامه بدهد.»

به گفته وی، اگر در یونان این فرد یا افراد خودانداز توسط نیروهای وابسته به پلیس آن کشور دستگیر یا خفت شوند، به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفته و بازداشت می‌شوند. البته این نیروها زنان را کتک نمی‌زنند ولی چه زن و چه مرد را به اصطلاح «لخت» کرده و پول و گوشی آنان را برده و آنها را همانجا رها می‌کنند.

خیلی‌ها حتی آنهایی که بچه دارند ترجیح داده‌اند از ترکیه به گرجستان بروند تا از طریق روسیه به اروپا برسند. خیلی‌ها در طول مسیر از بین می‌روند یا قاچاقچی آنها را رها می‌کند. بعضی‌ها با مبالغ زیاد سوار قایق می‌شوند تا به یونان بروند یا امیدوارند که مستقیم به ایتالیا برسند. آنها می‌دانند شاید هرگز به مقصد نرسند و جزو آنهایی باشند که خبر غرق شدنشان در دریاها منتشر می‌شود؛ اما ماندن در ترکیه هم یعنی مرگ تدریجی.

خط قرمز جدید: حمایت از گروه‌های تروریستی! حالا خامنه‌ای به سمت قتلگاه خویش می‌رود یا اردوغان؟!



آیا فاصله جغرافیایی می‌تواند از آنها در برابر اقدامات تلافی‌جویانه اسرائیل حفاظت کند یا نه، ممکن است قیس خزعلی، رهبر عصائب اهل الحق یا مقتدی صدر، روحانی افراطی شیعیان عراق، به زودی همچون دوست‌شان نصرالله خود را در تیررس حملات ببینند. اقدامات اسرائیل نیز طبق قوانین بین‌المللی قانونی خواهد بود. با اینکه بسیاری از دیپلمات‌ها و فعالان حقوق بشر همواره بر ممنوعیت و پرهیز از ترور تأکید دارند اما قوانین حقوقی بسیار پیچیده‌تر و روادارانه‌تر اجرا می‌شوند. به لحاظ دیپلماتیک، اکنون زمان مناسبی برای اسرائیل است که کارزار خود را برای از بین بردن حامیان تروریسم آغاز کند. اسرائیل هر کاری که انجام دهد، در هر حال در معرض انتقادات ایالات متحده، اروپا و سازمان ملل متحد قرار خواهد داشت؛ بنابراین ممکن است بجای مگس‌کش از پمپ سنگ‌شکن استفاده کند.

رهبران اسرائیل همچنین ممکن است به این ارزیابی رسیده باشند که در حالی که جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا محدودیتی برای اسرائیل قائل نیست، دولت کاملاً هریس ممکن است سعی در محدود ساختن توانایی بازدارندگی یا اقدامات تلافی‌جویانه اسرائیل داشته باشد. بنابراین اسرائیل تا قبل از ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ از انگیزه لازم برای از بین بردن در حد امکان هرگونه تهدیدی که ممکن است با آن مواجه شود، برخوردار است. حق با خامنه‌ای و لاریجانی است؛ خطوط قرمزی که دهه‌ها بر این مناقشات حاکم بود از بین رفته‌اند. اکنون اما سوال این است که آیا اربابان ترور در منطقه، خامنه‌ای، اردوغان یا هر فرد دیگری، می‌دانند که به سمت قتلگاه می‌روند؟

شاید خط قرمز جدید باید این باشد: هرگونه حمایت از گروه‌های تروریستی با واکنشی فراتر از قدر تحمل حامیان آن مواجه خواهد شد.

*منبع: میدلیست فروم

*نویسنده: مایکل رویین

*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده

قادر به رأی دادن خواهند بود نادیده می‌گیرد. با توجه به اینکه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سطح غنی‌سازی اورانیوم پمپ‌های هیروشیما و ناکازاکی فراتر رفته است، اسرائیل احساس می‌کند که با تهدید علیه موجودیت خود مواجه است. تعریفی که سیاست‌گذاران آمریکایی درباره دستیابی جمهوری اسلامی به پمپ هسته‌ای ارائه داده‌اند شامل ۲۰ کیلوگرم اورانیوم با درصد غنی‌سازی شده ۹۰ درصد است اما زمانی که پای تمایل به نسل‌کشی مردم اسرائیل به میان می‌آید، حاکمیت جمهوری اسلامی فرصت را از دست نمی‌دهد.

اگر حذف نصرالله موجب بروز سردرگمی‌هایی در حزب‌الله شده و فرماندهی و کنترل آن را مختل کرده است، حذف خامنه‌ای چه می‌تواند بکند؟

هدف قرار دادن خامنه‌ای توسط اسرائیل قانونی خواهد بود؛ طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اوست که فرمانده کل قوا شامل ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. رژیم در حال حاضر آماده مرگ خامنه‌ای است، اما اگر اسرائیل هم‌زمان مجتبی خامنه‌ای و دیگر نامزدهای احتمالی جانشینی وی مانند محسن اراکی و علیرضا اعرافی را حذف کند، ابراهیم رئیسی هم که پیشتر بر اثر سقوط هلیکوپتر کشته شد، احتمالاً رژیم با خلاء رهبری مواجه شود که قادر به پر کردن آن نخواهد بود. در واقع، حاکمیت جمهوری اسلامی احتمالی این قضیه را بالا می‌داند. گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که آنها خامنه‌ای را به مکان امنی منتقل کرده‌اند. در این میان، علی خامنه‌ای تنها رهبر جهان نیست که باید نگران باشد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز حمایت از حماس را پرند خود می‌داند. رهبران حماس آشکارا از دفتیشان در استانبول حملاتی را طراحی می‌کنند. اردوغان به گمان خود به دلیل عضویت در ناتو از مصونیت برخوردار است. اما اگر او ابتدا چه مستقیم چه نیابتی به اسرائیل حمله کند، ماده پنجم ناتو اعمال نشده و معلوم هم نیست که مصون از تروری باشد که کسی مسئولیت آن را نخواهد پذیرفت. رهبران عراق نیز باید این سوال را از خود پرسند که

● به لحاظ دیپلماتیک، اکنون زمان مناسبی برای اسرائیل است که کارزار خود را برای از بین بردن حامیان تروریسم آغاز کند. اسرائیل هر کاری که انجام دهد، در هر حال در معرض انتقادات ایالات متحده، اروپا و سازمان ملل متحد قرار خواهد داشت؛ بنابراین ممکن است بجای مگس‌کش از پمپ سنگ‌شکن استفاده کند.

● اگر حذف نصرالله موجب بروز سردرگمی‌هایی در حزب‌الله شده و فرماندهی و کنترل آن را مختل کرده است، حذف خامنه‌ای چه می‌تواند بکند؟ هدف قرار دادن خامنه‌ای توسط اسرائیل قانونی خواهد بود؛ طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اوست که فرمانده کل قوا شامل ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

مایکل رویین - در پی حمله هوایی اسرائیل به مقر فرماندهی حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، علی لاریجانی رئیس‌پیشین مجلس شورای اسلامی و از مشاوران نزدیک علی خامنه‌ای به اسرائیل هشدار داد که اسرائیل از تمام خطوط قرمز جمهوری اسلامی عبور کرده است. اگر طبقه حاکم جمهوری اسلامی نگاهی به عملکرد خود می‌انداخت، می‌توانست ببیند که ترور هدفمند رهبران تروریسم توسط اسرائیل نتیجه ناگزیر و مستقیم عبور جمهوری اسلامی از خطوط قرمز اسرائیل است.

در طول دهه‌ها، جمهوری اسلامی از بسیاری از خطوط قرمز عبور کرد که می‌بایست به ترور رهبران ارشد تروریسم منجر شود. اگر ایالات متحده به توصیه جیمز آس لیون، دیپلمات این کشور در دولت کارتر، گوش فرا داده و تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران در سال ۱۹۷۹ را با حمله نظامی پاسخ می‌داد، ممکن بود که رهبران جمهوری اسلامی در اقدامات تروریستی آینده خود تجدید نظر کنند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نیروهای نیابتی حزب‌الله خود نه تنها درباره گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در لبنان بلکه نسبت به بمباران سفارت آمریکا در بیروت و یا پایگاه تفنگداران دریایی در بیروت، آنها را ناچار به پرداخت بهای بسیار بالایی خواهد کرد.

بدون شک بمباران سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس و بعداً مرکز فرهنگی یهودیان و همچنین حمله و یا اقدام به حمله علیه سفارتخانه‌های اسرائیل در هند، تایلند، قبرس، جمهوری آذربایجان و گرجستان نیز عبور از خط قرمزها بوده است.

قطعا زمانی که لاریجانی بدون در نظر گرفتن حمایت و توانمندسازی حماس توسط جمهوری اسلامی که منجر به بزرگترین کشتار یهودیان بعد از هولوکاست در سال گذشته شد، از عبور از خط قرمزها سخن گفته، متوجه نکته اصلی ماجرا نشده است که نه تنها اسرائیل، بلکه هر کشور دیگری نیز بمباران روزانه خود توسط یک گروه مسلح را مصداق جنگ می‌داند. حال که همه خط قرمزها زیر پا گذاشته شده، این پرسش پیش می‌آید که آیا اسرائیل به کارزار نظامی خود برای حذف دائمی حامیان تروریسم که قصد جنگ مستقیم یا نیابتی علیه دولت یهود را دارند، ادامه خواهد داد؟

رهبر جمهوری اسلامی تمایل خود را برای از بین بردن اسرائیل پنهان نمی‌کند. مسعود پزشکیان نیز زمانی که به شیوه حيله‌گرانه‌تری از تمایل صرف جمهوری اسلامی به برگزاری رفراندوم برای تصمیم‌گیری در رابطه با آینده فلسطین و اسرائیل سخن می‌گوید این واقعیت را که تنها اعراب فلسطینی

مارکو روبیو سناتور جمهوریخواه: حذف حزب الله خدمت به بشریت است؛ مردم ایران هیچ شباهتی به رژیم حاکم ندارند



سناتور مارکو روبیو از حزب جمهوریخواه آمریکا

● مارکو روبیو سناتور آمریکایی از حزب جمهوریخواه و رئیس کمیته منتخب امور اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا، در مصاحبه با شبکه خبری «ان.بی.سی نیوز» در ارتباط با نحوه چگونگی واکنش احتمالی جمهوری اسلامی به کشته شدن حسن نصرالله توسط اسرائیل که می‌تواند به مناقشه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل دامن بزند توضیحاتی داده است.

● وی گفت: «شش هزار نفر از شهروندان اسرائیلی در شمال این کشور به خاطر تهدیدهای سازمانی که نصرالله رهبری آن را بر عهده داشته خانه‌های خود را ترک کرده و در هتل‌ها در تل‌آویو اقامت داشته و بچه‌های آنها از طریق کلاس‌های آنلاین تحصیل می‌کنند چرا که حزب الله از سلاح‌های ضد تانک و راکت‌های دوربرد به زیرساخت‌های این مناطق حمله کرده و مردم را ناچار به ترک منطقه کرده است. اسرائیل هیچ چاره دیگری جز دفاع از خود و حذف حزب الله و رهبران ارشد این سازمان تروریستی ندارد.»

● وی درباره منظور دونالد ترامپ در ارتباط با آمادگی بالقوه برای مذاکره با جمهوری اسلامی گفت: «اگر جمهوری اسلامی فردا بیاید بگوید که من دیگر نمی‌خواهم قدرت منطقه باشم و از توسعه برنامه اتمی و برخورداری از سلاح اتمی منصرف می‌شوم و دیگر از گروه‌های تروریستی حمایت نمی‌کنم و از کشتن شما صرف نظر می‌کنم- چیزی که همواره در پی آن بوده‌اند- بله، در اینصورت می‌توان به توافق بهتری فکر کرد.»

● «من می‌خواهم به نکته مهمی اشاره کنم که مردم ایران هیچ شباهتی به رژیم حاکم بر ایران ندارند. من کمتر کشوری را در سرتاسر جهان سراغ دارم که مردمان و رهبرانشان تا این حد با هم تفاوت داشته باشند.»

مارکو روبیو سناتور آمریکایی از حزب جمهوریخواه و رئیس کمیته منتخب امور اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا، در مصاحبه با شبکه خبری «ان.بی.سی نیوز» در ارتباط با نحوه چگونگی واکنش احتمالی جمهوری اسلامی به کشته شدن حسن نصرالله توسط اسرائیل که می‌تواند به مناقشه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل دامن بزند گفته است: «زمانی که حسن نصرالله زنده بود هم دامنه تنش‌ها و تهدیدها بسیار بالا بود. او فردی بود که به راحتی فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر می‌داد. اگر رهبری سازمانی را بر عهده داشته باشید که هدف مشخص و تعریف شده‌ی آن نابودی شما باشد، دیگر هیچ چاره‌ای جز اینکه او را دشمن خود بدانید ندارید. او فردی بود که سال‌های سال با استفاده از مپ‌های انتحاری منجر به کشته شدن افراد بی‌گناه شده و شهروندان یهودی را ربوده است.»

این سناتور آمریکایی افزود: «شش هزار نفر از شهروندان اسرائیلی در شمال این کشور به خاطر تهدیدهای سازمانی که نصرالله رهبری آن را بر عهده داشته خانه‌های خود را ترک کرده و در هتل‌ها در تل‌آویو اقامت داشته و بچه‌های آنها از طریق کلاس‌های آنلاین تحصیل می‌کنند چرا که حزب الله از سلاح‌های ضد تانک و راکت‌های دوربرد به زیرساخت‌های این مناطق حمله کرده و مردم را ناچار به ترک منطقه کرده است. کشوری که شش هزار نفر از شهروندانش ناچار به تخلیه شهر و خانه خود شده‌اند چه

می‌شوم و دیگر از گروه‌های تروریستی حمایت نمی‌کنم و از کشتن شما صرف نظر می‌کنم- چیزی که همواره در پی آن بوده‌اند- بله، در اینصورت می‌توان به توافق بهتری فکر کرد و بر روی آن کار کرد؛ که البته به عقیده من بعید است که آنها رویکردشان را تغییر دهند. این رویکرد خصمانه همواره موتور محرکه و هدف این رژیم بوده است. به نظر من این چیز است که منظور دونالد ترامپ بوده است.»

این سناتور جمهوریخواه در ادامه افزود که «من می‌خواهم به نکته مهمی اشاره کنم که مردم ایران هیچ شباهتی به رژیم حاکم بر ایران ندارند. من کمتر کشوری را در سرتاسر جهان سراغ دارم که مردمان و رهبرانشان تا این حد با هم تفاوت داشته باشند.»

مردم ایران به دنبال برتری هژمونیک در منطقه نبوده و خواهان حمایت از تروریسم نیستند. در حقیقت مردم داخل ایران بسیار تحت فشار بوده و همواره این سوال برایشان مطرح است که چرا پول‌های این کشور باید صرف شبه‌نظامیان شیعی و گسترش تروریسم و حزب الله و حماس و توسعه شبکه تروریسم در کرانه باختری شود؟ بنابراین این دنیای ایده‌آلی است که می‌خواهیم در آن زندگی کنیم و در صورتی که چنین فرصتی در اختیارمان قرار بگیرد چرا از آن استفاده نکنیم.»

مارکو روبیو در پایان تأکید کرد: «آنچه‌ای که برایمان غیرقابل تحمل است، برخورداری جمهوری اسلامی از منابع نامحدود برای گسترش تروریسم، ساخت سلاح اتمی و ساخت راکت‌ها و موشک‌های دوربرد است که همین امروز هم از آن برخوردار بوده و در طول چند سال گذشته توسعه نیز یافته و نه تنها تهدیدی برای اسرائیل بلکه تهدیدی برای منطقه و در نهایت ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود.»

باید بکنند؟ و این چیز است که حزب الله مسئول آن است. اسرائیل خواهان شش الی ده کیلومتر منطقه حائل میان مرز خود با حزب الله بوده تا این سازمان نتواند از این راکت‌های دوش‌پرتاب استفاده کرده و شهرها و ساکنان آنها را تهدید کند و مردم بتوانند به خانه‌های خود باز گردند. حزب الله از عقب‌نشینی خودداری می‌کند و این خودداری با پرتاب موشک همراه است. بنابراین اسرائیل هیچ چاره دیگری جز دفاع از خود و حذف حزب الله و رهبران ارشد این سازمان تروریستی ندارد.

مارکو روبیو با تأکید بر اینکه «به عقیده من حذف حزب الله خدمت به بشریت است» گفت: «جمهوری اسلامی همواره به دنبال ضربه زدن به اسرائیل بوده است و من گمان می‌کنم آنها حاضرند تا آخرین نفر باقیمانده از حزب الله و یا آخرین نیروی شبه‌نظامی شیعه به نبرد خود ادامه بدهند. در نهایت جمهوری اسلامی باید تصمیم خود را بگیرد. هدف آنها سلطه بر منطقه است. آنها می‌خواهند آمریکایی‌ها را از منطقه بیرون کرده و اسرائیل را نابود کنند. بنابراین قرار گرفتن جمهوری اسلامی در وضعیت دائمی دفاعی به نفع جهان، آمریکا و اسرائیل خواهد بود. جمهوری اسلامی باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد چه کند. اما به شما بگویم در صورتی که تصمیم به افزایش تنش داشته باشد، در وضعیت متزلزلی قرار خواهد گرفت.»

مارکو روبیو در ارتباط با مواضع رئیس جمهور سابق و نامزد کنونی انتخابات آمریکا، دونالد ترامپ، که با وجود خروج از برجام در دوران ریاست جمهوری‌اش، در روزهای گذشته از آمادگی بالقوه خود برای مذاکره با جمهوری اسلامی سخن گفته، توضیح داد که «مذاکره بستگی به جمهوری اسلامی دارد. ببینید، اگر جمهوری اسلامی فردا بیاید بگوید که من دیگر نمی‌خواهم قدرت منطقه باشم و از توسعه برنامه اتمی و برخورداری از سلاح اتمی منصرف

تنش در بازارهای داخلی در پی جنگ افروزی جمهوری اسلامی: افزایش قیمت‌ها در بازار طلا و ارز؛ ریزش نمادها در بازار بورس



وی افزوده «چنانچه شدت تنش‌ها افزایش یابد می‌توان انتظار داشت سهامداران و فعالان بازار سرمایه حتی با توجه به ارزندگی و پارامترهای بنیادی ترجیح دهند به عرصه این بازار پا نگذارند. در این‌گونه مواقع، میزان خروج پول از بازار سهام شدت می‌یابد؛ از دلایل این امر می‌توان به ترس سهامداران اشاره کرد.»

این در حالیست که بازار بورس ایران پیشتر نیز با مشکلاتی روبرو بود؛ مشکلاتی که از سوی حمید میرمعینی کارشناس بازار سرمایه مورد اشاره قرار گرفته است.

او در گفتگو با خبرگزاری «اپلنا» به مسائلی چون دخالت دولت در بازار سرمایه و زیان گسترده شرکت‌ها در پی قطع برق و گاز اشاره کرده و گفته «آنجایی که با کاهش تولید ناشی از قطعی برق و گاز سودآوری شرکت‌ها کاهش پیدا می‌کند، این افت سودآوری خود عامل اصلی کاهش قیمت سهام در بازار سرمایه محسوب می‌شود. وقتی انتظاری برای رشد سودآوری وجود نداشته باشد، شاهد تحولی در رشد قیمت سهام شرکت‌ها هم نخواهیم بود.»

این کارشناس توضیح داده که «تبعات کمبود انرژی و قطع گاز و برق در صنایع را می‌توان از جنبه‌های از دست دادن بازارهای خود، عدم اجرای تعهدات در موعد مقرر مورد بررسی قرار داد و شرکت‌ها و صنایع ناشی از ناترازی انرژی مشمول پرداخت خسارت‌هایی می‌شوند. شرکت‌ها نسبت به ظرفیت‌های تولید، هزینه‌های ثابتی دارند که این هزینه‌ها همیشه وجود دارند و کاهش میزان تولید ناشی از ناترازی‌ها باعث می‌شود آن هزینه‌های ثابت افزایش و به دنبال آن سودآوری شرکت‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کند.»

در چنین شرایطی حتی با فرض آرام شدن تنش‌های منطقه که جمهوری اسلامی عامل اصلی آن است، همانطور که کارشناسان اشاره می‌کنند باز هم تا حل شدن مشکلات اساسی که سبب بروز بحران در شرکت‌های بورسی می‌شود نمی‌توان به بهبود وضعیت بازار امیدوار بود.

در شرایطی که پیشتر و در موقعیت‌هایی که بازار ارز و طلا در واکنش به جنگ افروزی جمهوری اسلامی با افزایش قیمت‌ها روبرو می‌شد، خبرگزاری‌های دولتی این خبرها را انکار می‌کردند اما اینبار خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناچار شده به افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا اعتراف کند.

این خبرگزاری با اعلام خبر افزایش قیمت‌ها در این دو بازار از قول کارشناسان نوشته افزایش قیمت‌ها «موقتی و ناشی از افزایش هیجانات بازار است» و به مردم توصیه کرده که «اسیر هیجانات بازار» نشوند.

«تسنیم» افزوده که بارها گفته شده که در روزهای پرنوسان بازار ارز باید از خرید و فروش اجتناب کرد چراکه برنده اصلی بازار در این ایام سوداگرانی هستند که از نوسانات به نفع خود استفاده می‌کنند و کارشان نوسانگیری در همین ایام است.

بازار بورس نیز امروز چهارشنبه ۱۱ مهر با ریزش نمادهای مختلف آغاز بکار کرد. شاخص کل بورس در نخستین ساعات معاملات امروز با کاهش ۳۴۲۱ واحدی مواجه شد و به رقم دو میلیون و ۱۲۰ هزار و ۱۷۴ واحد رسید.

همچنین شاخص کل هم‌وزن که وضعیت عمومی سهام شرکت‌های کوچک‌تر را نشان می‌دهد، با کاهش ۲۲۳ واحدی به ۷۰۱ هزار و ۶۶۳ واحد رسید.

بر اساس گزارش‌ها حمله موشکی سپاه پاسداران به اسرائیل سبب تشدید بی‌اعتمادی در بازار سرمایه ایران شده و خروج پول حقیقی از این بازار سرعت گرفته است.

آراد پورکار کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» با اشاره به بحران میان جمهوری اسلامی و اسرائیل گفته همیشه «یکی از مهم‌ترین مواردی که فعالان بورس مورد بررسی قرار می‌دهند مباحث ریسک‌های سیستماتیک است؛ به‌ویژه زمانی که یک طرف این تنش‌ها پای ایران یا هم‌پیمانان در گرو قرار گیرد.»

● قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد ارز ایران در صبح چهارشنبه به ۶۱ هزار و ۸۵۰ تومان رسید.

- هر پوند بریتانیا ۸۱ هزار و ۹۸۰ تومان، هر یورو ۶۸ هزار و ۴۱۰ تومان، هر درهم ۱۶ هزار و ۷۶۰ تومان و هر لیر ترکیه ۱۸۱۰ تومان معامله شد.

● هر سکه کامل طلا به ۴۷ میلیون ۶۱۰ هزار تومان افزایش یافت. هر گرم طلا نیز ۳ میلیون و ۹۵۲ هزار و ۴۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد و هر مثقال طلا ۱۷ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان معامله شد.

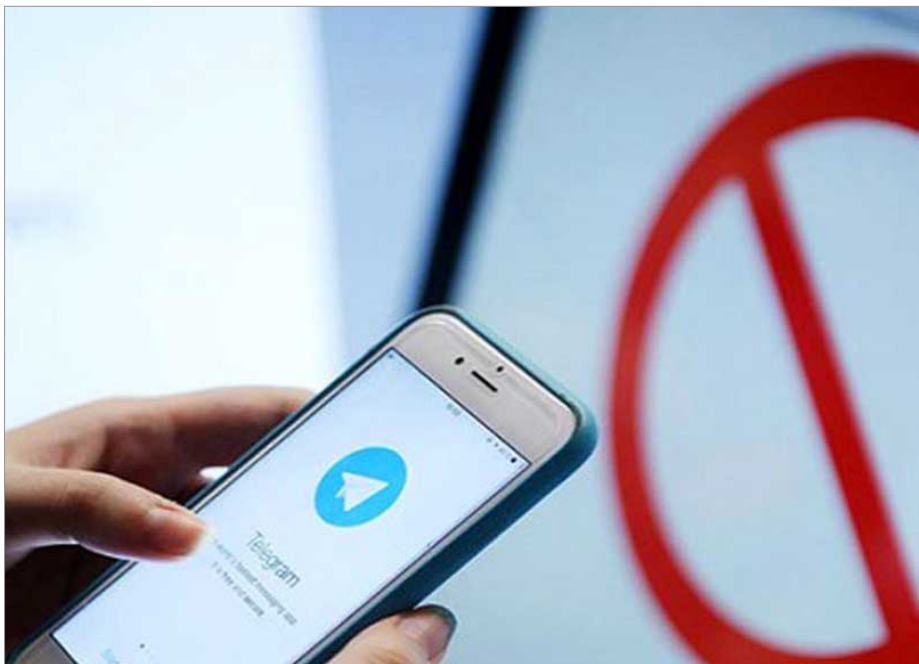
● شاخص کل بورس در نخستین ساعات معاملات امروز با کاهش ۳۴۲۱ واحدی مواجه شد و به رقم دو میلیون و ۱۲۰ هزار و ۱۷۴ واحد رسید.

یک روز پس از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل و با افزایش احتمال بالا گرفتن تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل بازارهای ارز و طلا و بورس با التهاب روبرو شده است.

قیمت‌ها در دو بازار طلا و ارز در روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳ با افزایش روبرو شد. قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد ارز ایران در صبح چهارشنبه به ۶۱ هزار و ۸۵۰ تومان رسید. این افزایش در شرایطی است که دولت تلاش کرده از افزایش قیمت دلار جلوگیری کند و طی هفته‌های گذشته قیمت این ارز در بازار آزاد در کانال ۵۸ هزار تومان باقی مانده بود. قیمت دیگر ارزها نیز در بازار افزایشی بود بطوری که هر پوند بریتانیا ۸۱ هزار و ۹۸۰ تومان، هر یورو ۶۸ هزار و ۴۱۰ تومان، هر درهم ۱۶ هزار و ۷۶۰ تومان و هر لیر ترکیه ۱۸۱۰ تومان معامله شد.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها روند صعودی را طی کرد و هر سکه کامل طلا به ۴۷ میلیون ۶۱۰ هزار تومان افزایش یافت. هر گرم طلا نیز ۳ میلیون و ۹۵۲ هزار و ۴۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد و هر مثقال طلا نیز ۱۷ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان معامله شد.

درخواست هواداران دولت برای رفع فیلتر روی هوا رفت؛ پزشکیان درخواست برخورد با فروشندگان فیلترشکن را صادر کرد!



● مسعود پزشکیان تأکید کرده که فعلاً نمی‌تواند زمان مشخصی را برای رفع فیلترینگ اعلام کند و البته بر لزوم اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبر جمهوری اسلامی در اینباره تأکید کرد.

● حامیان پزشکیان از امرداد امسال کارزاری با عنوان «مطالبه رفع فیلترینگ فوری اینترنت از دولت دکتر پزشکیان» را راه‌اندازی کردند که البته چندان مورد استقبال مردم قرار نگرفت و فقط ۵۲ هزار نفر آن را امضا کردند.

● پزشکیان در زمان تبلیغات انتخابات فایشی و در مناظره با سعید جلیلی کاندیدای اصولگرا گفته بود «باید کاری کنیم مردم در فضای مجازی راحت کار کنند و نمی‌توانید بگویید ما می‌خواهیم در یک قفس زندگی کنیم و ارتباطی با دنیا نداشته باشیم.»

در حالی که حامیان مسعود پزشکیان از زمان انتخابات فایشی تا کنون «رفع فیلترینگ» را به عنوان خواستی قابل پاسخگویی از سوی رئیس دولت چهاردهم مطرح کرده بودند، مسعود پزشکیان پس از اولین جلسه شورای عالی فضای مجازی در دولت چهاردهم اعلام کرد فعلاً از رفع فیلترینگ خبری نیست و دستور داد با فروشندگان فیلترشکن برخورد شود.

نخستین جلسه شورای عالی فضای مجازی در دولت چهاردهم، عصر سه‌شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ به ریاست مسعود پزشکیان برگزار شد. رئیس دولت چهاردهم در این نشست تأکید کرد در رابطه با اینترنت دولت چهاردهم به دنبال اجرای قانون است و حتماً قانون را اجرا خواهد کرد. او همچنین به موضوع فروش فیلترشکن اشاره کرد و قیمت بالای فیلترشکن در ایران را به افراد «سودجو» نسبت داد و گفت برخی با فیلترشکن فروشی پول‌های میلیاردی کسب می‌کنند که این برای کشورمان خوب نیست. او همچنین دستور داد تا فروش فیلترشکن‌ها «به شکل دقیق و جدی مورد رسیدگی قرار گرفته و تصمیم مقتضی در این مورد و بطور کلی زمینه‌های رواج چنین کسب و کاری اتخاذ شود.»

پزشکیان همچنین خواستار تنظیم گزارشی درباره «وضع موجود و اولویت‌های اجرایی را براساس منابع موجود و با همکاری دستگاه‌ها و سازمان‌ها مرتبط» از سوی مرکز ملی فضای مجازی شد.

مسعود پزشکیان تأکید کرد که فعلاً نمی‌تواند زمان مشخصی را برای رفع فیلترینگ اعلام کند و البته بر لزوم اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبر جمهوری اسلامی در اینباره تأکید کرد.

به بیان دیگر او آب پاکی را روی دست حامیانش ریخت که بخشی تصور می‌کردند او می‌خواهد در زمینه رفع فیلترینگ اقدامی انجام دهد و بخشی دیگر با «وعده‌فروشی» در رابطه با رفع فیلترینگ تلاش داشتند توجه مردم را به پزشکیان و دولت او جلب کنند!

یک روز پیش از برگزاری نشست شورای عالی فضای مجازی وبسایت «خبرآنلاین» از رسانه‌های حامی پزشکیان در مطلبی به این نشست نوشته بود «جلسه فردای شورای عالی مجازی با حضور وزرای تازه‌نفس دولت چهاردهم برگزار می‌شود و باید دید که آیا اولین جلسه شورای عالی

فضای مجازی دستاورد چشمگیری در پاسخ به مطالبات فناوریانه مردم خواهد داشت یا خیر.»

در ادامه این مطلب آمده بود که رفع محدودیت‌های اینترنتی و تجدید نظر اساسی در سیاست‌های فیلترینگ، همواره یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم در سال‌های اخیر بوده است؛ گفتنی است که جدیدترین نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نیز حاکی از شکست فیلترینگ در کشور و ترجیح پلتفرم‌های خارجی به ایرانی با وجود گذشت نزدیک به ۶ سال از فیلترینگ تلگرام و گذشت ۲ سال از فیلترینگ گسترده اینستاگرام، واتساپ و سایر پلتفرم‌های خارجی است.

حامیان پزشکیان حتی از امرداد امسال کارزاری با عنوان «مطالبه رفع فیلترینگ فوری اینترنت از دولت دکتر پزشکیان» را راه‌اندازی کردند که البته چندان مورد استقبال مردم قرار نگرفت و فقط ۵۲ هزار نفر آن را امضا کردند.

در متن این کارزار آمده بود که «ما امضاکندگانی این کارزار صریحاً از جناب‌عالی می‌خواهیم تا مطابق وعده‌های انتخاباتی خود سیاست منفعلانه، مخرب و بی‌حاصل فیلترینگ اینترنت را با قید فوریت تغییر داده و دستور رفع فیلتر پلتفرم‌های پرکاربرد بین‌المللی از جمله گوگل‌پلی، اینستاگرام، تلگرام، یوتیوب، توئیتر، فیس‌بوک، واتساپ، توویچ و... را صادر فرمایید.»

در بخش دیگری از متن کارزار آمده بود که «شما به عنوان رئیس جمهور، رئیس شورای عالی فضای مجازی، رئیس شورای عالی امنیت ملی، و دولت جناب‌عالی با داشتن ۶ کرسی از ۱۲ کرسی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (کمپته فیلترینگ) و تعیین ریاست شورای امنیت کشور اختیارات کافی برای تصمیم به بازگرداندن حق دسترسی آزاد شهروندان ایران به اینترنت را دارید و با ارائه‌ای محکم می‌توانید درهای قفس فیلترینگ را باز کنید.»

به نظر می‌رسد حامیان پزشکیان تصور نمی‌کردند رئیس

دولت حتی درباره اینترنت نیز پیرو رهبر و اجرای قانونی باشد که سانسور هر چه بیشتر اینترنت را رقم زده است! این در حالیست که پزشکیان در زمان تبلیغات انتخابات فایشی و در مناظره با سعید جلیلی کاندیدای اصولگرا گفته بود «باید کاری کنیم مردم در فضای مجازی راحت کار کنند و نمی‌توانید بگویید ما می‌خواهیم در یک قفس زندگی کنیم و ارتباطی با دنیا نداشته باشیم.»

پزشکیان همچنین در نخستین نشست مطبوعاتی خود به عنوان رئیس دولت چهاردهم که چندی پیش در جمع خبرنگاران برگزار شد مدعی شده بود که «حذف چارچوب‌های فیلترینگ در دستور کار است.»

او گفته بود تلاش می‌کند هر چه سریع‌تر این موضوع به نتیجه برسد و افزوده بود که «درباره‌ی موضوع فیلترینگ برنامه‌ای در حال نوشتن است تا از طریق آن چهارچوب‌هایی که وجود دارد را از بین ببریم. موضوع فضای مجازی در دستور کار قرار دارد و برای جمع‌بندی در شورای امنیت هم صحبت خواهیم کرد و پیگیریم که آن را اجرایی کنیم.»

ستار هاشمی وزیر ارتباطات دولت چهاردهم نیز از «نگاه فعال» برای رفع فیلترینگ خبر داده و گفته بود که «باید درباره وضعیت فیلترینگ اجماع‌سازی و توافق‌سازی انجام دهیم تا راهکار مناسب را به لایه سیاستگذاری ارائه دهیم. این نکته‌ای است که باید کاملاً منطبق با نگاهی اقتناعی، اصولی و کارشناسی و فارغ از فضای هیجانی دنبال شود.»

وزیر ارتباطات افزوده بود که «می‌دانیم که روش‌های فعلی پاسخگوی نیاز حکمرانی فضای مجازی نیست، اما به عنوان مجری سیاست‌ها مکلفیم که بازخوردها را جمع‌بندی کنیم و در قالب یک کار کارشناسی دقیق و قابل دفاع به لایه سیاستگذاری ارائه دهیم و امیدواریم گشایش‌هایی ایجاد شود.»

هشدار امنیتی آمریکا به اسرائیل:

جمهوری اسلامی آماده حمله موشکی علیه اسرائیل می‌شود



لانچر متحرک موشک‌های بالستیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● سه روز پس از کشته شدن حسن نصرالله، منابع آمریکایی سه‌شنبه اول اکتبر ۱۴۰۳ (۱۰ مهرماه) به مقامات اسرائیلی گزارش دادند که جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای حمله موشکی به اسرائیل است.

● به گزارش آکسیوس یک مقام کاخ سفید می‌گوید: «ما فعالانه برای دفاع از اسرائیل مقابل این حمله اعلام آمادگی می‌کنیم و حمله نظامی مستقیم ایران علیه اسرائیل عواقب شدیدی برای حکومت ایران به همراه خواهد داشت.»

● سخنگوی فارسی‌زبان وزارت دفاع اسرائیل با تأیید دریافت هشدار از آمریکا اعلام کرد: «در حال حاضر، ما هیچ تهدید هوایی را که از ایران شلیک شده باشد شناسایی نمی‌کنیم اما پدافند و جنگنده‌های ما در آمادگی کامل برای حمله و دفاع می‌باشیم.»

● روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از سه مقام اسرائیلی گزارش داد که هدف حمله جدید جمهوری اسلامی احتمالاً سه پایگاه هوایی نظامی و همچنین یک ستاد اطلاعاتی در شمال تل‌آویو خواهد بود که بعداً ظهر سه‌شنبه تخلیه شد.

● ساعاتی پیش از اعلام خبر هشدار آمریکا به اسرائیل در مورد احتمال حمله موشکی از ایران، شرکت هواپیمایی «لوفت هانزا» در بیانیه‌ای اعلام کرد که پروازهای خود از مبدأ و به مقصد تهران، تل‌آویو و بیروت را به دلیل افزایش درگیری‌های نظامی در خاورمیانه، تعلیق کرده است.

منابع آمریکایی سه‌شنبه اول اکتبر ۱۴۰۳ (۱۰ مهرماه) به مقامات اسرائیلی گزارش دادند که جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای حمله موشکی علیه اسرائیل است.

به گفته یک مقام ارشد کاخ سفید، ایالات متحده

پیام ظریف به ترامپ:

«ما کسی را برای ترور شما نفرستاده‌ایم!»



مصاحبه ظریف با با این برمر، نویسنده و بنیانگذار Gzero Media

پیشین و به آشوب کشاندن آمریکا را به ما اطلاع داده‌اند. با آن که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، حملات سایبری به کارزار انتخاباتی ترامپ و تلاش برای ارائه اطلاعات مسروقه به کارزار بایدن را تأیید کرده‌اند اما عملاً ارتباطی بین دو تلاش برای ترور ترامپ در جریان کارزارهای انتخاباتی او توسط رژیم ایران به اثبات نرسیده است. با این حال با توجه به تهدید جمهوری اسلامی برای کشتن ترامپ و سایر مقامات سابق آمریکایی پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده «سپاه قدس» در عراق، مقامات اطلاعاتی و امنیتی آمریکا نگران توطئه ترور آنها توسط «عوامل اجیر شده تهران» هستند.

شماری از فرماندهان سپاه و برخی از چهره‌های سیاسی در ایران بارها مقامات سابق آمریکا را تهدید به قتل کرده‌اند. یکی از آنها امیرعلی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ششم اسفند ۱۴۰۱ در یک مصاحبه تلویزیونی درباره نحوه انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی گفته بود «کشتن سربازان عین‌الاسد هدف ما نبود. ما دنبال این هستیم که انشاءالله ترامپ و پمپئو را بکشیم.» ترامپ در ماه‌های منتهی به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دست کم به دو سوء قصد مواجه شد، بار نخست در ماه ژوئیه (اواخر تیرماه) در جریان تجمع انتخاباتی در شهر باتلر ایالت پنسیلوانیا که با خوش شانس زنده ماند اما گوش وی زخمی شد و بار دوم سپتامبر (اواخر شهریور) در باشگاه گلف در «پام‌بیچ» که مأموران سرویس مخفی مظنون را بازداشت کردند.

همچنین وزارت دادگستری ایالات متحده ششم اوت (۱۶ مرداد) در بیانیه‌ای اعلام کرد یک تبعه پاکستانی «مرتبط با ایران» را به اتهام توطئه برای قتل سیاستمداران آمریکایی از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا دستگیر کرده است. این فرد «آصف مرچانت» ۴۶ ساله در ماه ژوئن سال ۲۰۲۴ به منظور ملاقات با عواملی که احتمالاً برای انجام این قتل‌ها استخدام کرده بود به نیویورک سفر می‌کند. این فرد مبلغ ۵ هزار دلار نیز به عنوان پیش‌پرداخت به آنان داده بود. وزارت خارجه جمهوری اسلامی هرگونه ارتباط با این فرد را تکذیب کرد.

● محمدجواد ظریف معاون راهبردی مسعود پزشکیان با رد دخالت جمهوری اسلامی در سوء قصد علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده و نامزد جمهوریخواهان عنوان کرد که، «ممکن است هکرهای ایرانی در حمله سایبری به کارزار ترامپ دخالت داشته باشند.»

محمدجواد ظریف معاون راهبردی مسعود پزشکیان با رد دخالت جمهوری اسلامی در سوء قصد علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده و نامزد جمهوریخواهان عنوان کرد که، «ممکن است هکرهای ایرانی در حمله سایبری به کارزار ترامپ دخالت داشته باشند.»

ظریف روز پنجشنبه ۲۶ سپتامبر (پنجم مهرماه) در مصاحبه با این برمر، نویسنده و بنیانگذار Gzero Media گفت: «ما هرگز کسی را برای کشتن دیگران نفرستاده‌ایم، به نظرم این یک ترفند انتخاباتی است.»

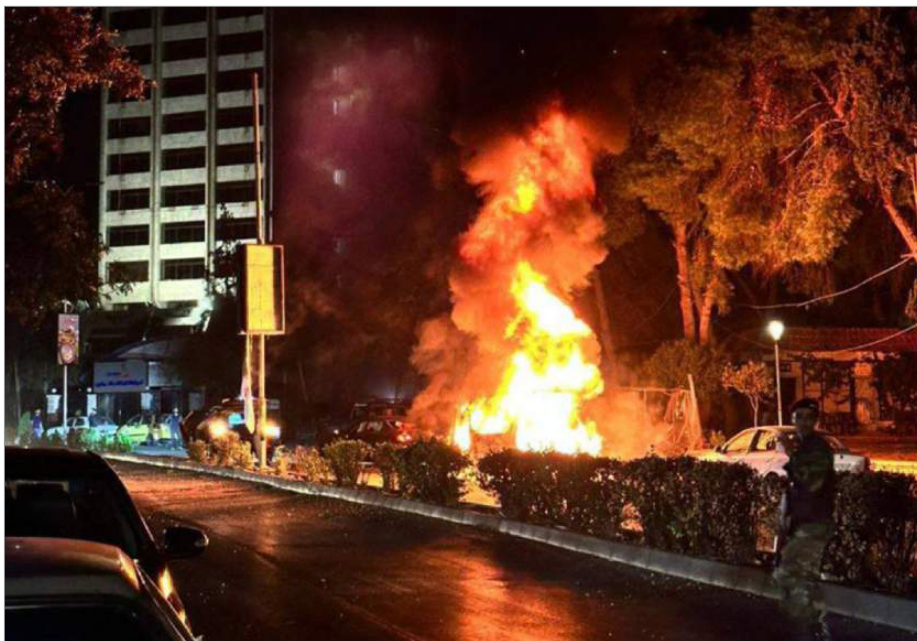
او افزود: «دولت ایران هیچ کدام از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را به یکدیگر ترجیح نمی‌دهد و در این انتخابات دخالت و نفوذی نداشته است.»

وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی همچنین عنوان کرد، «ایران هیچ تلاشی برای هک کردن شبکه رایانه‌ای کارزار انتخاباتی ترامپ انجام نداده است» اما در حال این موضوع را تکذیب هم نکرد که هکرهای ایرانی ممکن است در چنین فعالیت‌هایی دخالت کرده باشند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق و نامزد فعلی انتخابات آمریکا، حکومت ایران را متهم به توطئه برای ترور خود کرد. او در گردهمایی هوادارانش در کارولینای شمالی خطاب به جو بایدن رئیس‌جمهور گفت، «اگر من جای بایدن بودم به کشوری که من را مورد تهدید قرار داده یعنی ایران هشدار می‌دادم که اگر اقدامی برای ترور من انجام دهد ما شهرهای بزرگ و کشور شما را نابود می‌کنیم.»

رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا می‌گویند به کارزار انتخاباتی ترامپ درباره تهدیدهای موجود علیه او هشدار داده‌اند. استفان چانگ، سخنگوی کارزار انتخاباتی ترامپ می‌گوید: «مقامات سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده تهدیدات جدی و واقعی و بطور مشخص برای ترور رئیس‌جمهور

حمله هوایی به یک ساختمان و ماشین نزدیک سفارت جمهوری اسلامی در دمشق



انفجار یک ماشین در نزدیک سفارت جمهوری اسلامی در دمشق / ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳

همچنین گزارش شد که فرودگاه دمشق نیز هدف حمله هوایی جنگنده‌های اسرائیل قرار گرفته است. ادعا شد در این حملات سه نفر کشته و ۹ نفر زخمی شدند که یکی از آنها صفا احمد مجری زن تلویزیون سوریه است.

شبکه الجزیره گزارش داد اسرائیل در حملات اخیر دست کم چهار مرتبه دمشق و حومه آن را بمباران کرده است. یک روز پیش از این حملات، گزارش شد که ماهر اسد برادر بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه در حمله هوایی اسرائیل کشته شده است. منابع سوری اما این خبر را تکذیب کردند. وی فرمانده لشکر چهارم ارتش سوریه است و ارتباط قوی با حزب الله لبنان دارد.

اسرائیل در حالی اهدافی مرتبط با جمهوری اسلامی و حزب الله را در دمشق هدف قرار داده است که در دو جبهه دیگر در شمال و جنوب با گروه‌های تروریستی حزب الله و حماس در جنگ است.

ساعاتی پیش از حملات هوایی به دمشق، گزارش شد که نیروهای پیاده نظام ارتش اسرائیل وارد مناطق جنوبی لبنان شده‌اند.

در سوریه موج تازه‌ای از درگیری میان اسرائیل و آمریکا با «سپاه قدس» و شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی بعد از کشته شدن حسن نصرالله به راه افتاده است. پایگاه‌های آمریکایی در سوریه هدف حملات موشکی نیابتی‌ها قرار گرفته‌اند و به تلافی آن آمریکا پایگاه‌های «سپاه قدس» و حزب الله را هدف قرار داد.

یادآوری می‌شود که ساختمان مجاور سفارت جمهوری اسلامی در دمشق ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳ هدف حمله هوایی اسرائیل قرار گرفت. در این حمله چندین سپاهی از جمله محمدرضا زاهدی و محمد هادی حاج رحیمی دو فرمانده ارشد «سپاه قدس» کشته شدند.

● در دمشق بامداد سه‌شنبه اول اکتبر (۱۰ مهرماه) در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی در منطقه المزه صدای انفجار شنیده شد.

● شبکه «اسکای نیوز» عربی گزارش داد که شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در دمشق هدف حملات هوایی قرار گرفته‌اند.

● منابع سوری گزارش دادند یک ماشین و یک واحد آپارتمان از سوی اسرائیل توسط ریزپرنده‌ها هدف قرار گرفت. برخی منابع نیز گزارش دادند این حملات با موشک‌های کروز هوشمند صورت گرفته است. هنوز مشخص نیست که آیا این اهداف ارتباطی با ساختمان سفارت جمهوری اسلامی در دمشق دارند یا نه.

● همچنین گزارش شد که فرودگاه دمشق نیز هدف حمله هوایی جنگنده‌های اسرائیل قرار گرفته است.

● ادعا شده است که در این حملات سه نفر کشته و ۹ نفر زخمی شدند که یکی از آنها صفا احمد مجری زن تلویزیون سوریه است.

در دمشق بامداد سه‌شنبه اول اکتبر (۱۰ مهرماه) در نزدیکی سفارت جمهوری اسلامی در منطقه المزه صدای انفجار شنیده شد.

شبکه «اسکای نیوز» عربی گزارش داد که شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در دمشق هدف حملات هوایی قرار گرفته‌اند.

منابع سوری گزارش دادند یک ماشین و یک واحد آپارتمان از سوی اسرائیل توسط ریزپرنده‌ها هدف قرار گرفت. برخی منابع نیز گزارش دادند این حملات با موشک‌های کروز هوشمند صورت گرفته است. هنوز مشخص نیست که آیا این اهداف ارتباطی با ساختمان سفارت جمهوری اسلامی در دمشق دارند یا نه.

→ شواهدی را شناسایی کرده که نشان می‌دهد حکومت ایران برای حمله با موشک‌های بالستیک به اسرائیل آماده می‌شود.

به گزارش آکسیوس یک مقام کاخ سفید در این باره می‌گوید: «ما فعلا نه برای دفاع از اسرائیل مقابل این حمله اعلام آمادگی می‌کنیم و حمله نظامی مستقیم ایران علیه اسرائیل عواقب شدیدی برای حکومت ایران به همراه خواهد داشت.»

یک مقام ارشد اسرائیلی نیز گفته «آخرین اطلاعات این است که این حمله در چند ساعت آینده انجام خواهد شد.» بنیامین نتانیاها نخست وزیر اسرائیل در پیامی ویدیویی اعلام کرد «ما در اوج کارزار علیه محور شرارت حکومت ایران هستیم.»

سه روز پس از کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب الله در حمله هوایی اسرائیل به جنوب بیروت، فشارها به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح رژیم برای «انتقام» از اسرائیل افزایش پیدا کرده است.

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مسئولان نظام هشدار داده‌اند. موسی موسوی نماینده شهر لامرد در مجلس شورای اسلامی، نهم مهرماه گفت، «معادله جنگ بسیار روشن است؛ نزنیم، می‌خوریم!» همچنین احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس نیز با رجزخوانی درباره اینکه «نتیجه خون حسن نصرالله نابودی رژیم اسرائیل است» پرسید «مردم در کوچه و خیابان می‌پرسند خونخواهی هنیه چه شد؟!»

سخنگوی فارسی‌زبان وزارت دفاع اسرائیل در ارتباط با این هشدار اعلام کرد: «مدتی پیش، شرکای ما در ایالات متحده به ما اطلاع دادند که تحرکاتی را از ایران برای شلیک موشک به سوی کشور اسرائیل در آینده‌ای نزدیک شناسایی کرده‌اند. در حال حاضر، ما هیچ تهدید هوایی را که از ایران شلیک شده باشد شناسایی نمی‌کنیم اما پدافند و جنگنده‌های ما در آمادگی کامل برای حمله و دفاع می‌باشیم.»

پیش از این لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در تماس تلفنی با یوآو گالاتت وزیر دفاع اسرائیل با حمایت از عملیات نظامی این کشور در جنوب لبنان برای «برچیدن زیرساخت‌های حمله در امتداد مرز» اعلام کرد: «در صورتی که [رژیم] ایران حمله‌ی نظامی مستقیم به اسرائیل را انتخاب کند، این امر پیامدهای جدی برایش به همراه خواهد داشت.»

ساعاتی پیش از اعلام خبر هشدار آمریکا به اسرائیل در مورد احتمال حمله موشکی از ایران، شرکت هواپیمایی «لوفت هانزا» در بیانیه‌ای اعلام کرد که پروازهای خود از مبدأ و به مقصد تهران، تل‌آویو و بیروت را به دلیل احتمال افزایش درگیری‌های نظامی در خاورمیانه، تعلیق کرده است. در این بیانیه آمده پروازهای تهران تا ۲۳ مهر، بیروت تا ۱۰ آذر و تل‌آویو تا ۱۰ آبان متوقف خواهند بود.

نگرانی‌ها از وقوع یک درگیری علاوه بر پیامدهای روحی و روانی برای مردم ایران، بطور مشخص بر بازارهای مالی تأثیر منفی گذاشته که افزایش نرخ دلار و یورو، افزایش قیمت سکه و سقوط بازار بورس از جمله آنهاست. اینهمه علاوه بر تحریم‌های اقتصادی بطور مستقیم بر معیشت مردم تأثیرات منفی می‌گذارد.

روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از سه مقام اسرائیلی گزارش داد که حمله احتمالی ایران به اسرائیل شامل پرتاب پهپادهای انتحاری و موشک است. این سه مقام می‌گویند که هدف حمله جدید جمهوری اسلامی سه پایگاه هوایی نظامی و همچنین یک ستاد اطلاعاتی در شمال تل‌آویو خواهد بود که بعد از ظهر سه‌شنبه تخلیه شد.

رویترز: «حسن نصرالله در دسترس نیست!» کفن پوشان در تهران برای سلامتی رهبر حزب الله دعا می کنند!



در شرایطی که هنوز سرنوشت نصرالله مشخص نیست، شهرداری تهران شبانه برای او و زنده بودن حزب الله بنر زد!

کرد که با تمام قوا از «مقاومت» حمایت می کنیم. منابع اسرائیلی گزارش دادند که دستور حمله به مقر حزب الله را بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور از نیویورک صادر کرد. او برای سخترانی در مجمع عمومی سازمان ملل به آمریکا رفته بود.

جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که او نیز به نیویورک سفر کرده است در جمع خبرنگاران گفت: «اقدامی که انجام می دهیم، فشار دیپلماتیک برای رسیدن به آتش بس است اما به نظر می رسد کسی نمی تواند نتانیاهو را نه در غزه و نه در کرانه باختری متوقف کند.» بولر یکی از مخالفان سیاست های دولت اسرائیل و همچنین مخالف سرسخت قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان های تروریستی اروپاست. مقامات اسرائیل اعلام کردند با آتش بس مخالفانند زیرا فرصتی خواهد بود تا حکومت ایران مهمات و سلاح به لبنان ارسال کند. اسرائیل ساعاتی بعد از هدف قرار گرفتن مقر نصرالله، مرحله دوم حملات به مواضع حزب الله در بیروت و سایر نقاط را آغاز کرد.

محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران و از اعضای فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام یک هفته پیش از این در واکنش به کشته شدن شماری از فرماندهان ارشد حزب الله گفته بود «عمق نیروی انسانی حزب الله تا ۱۰۰ سال آینده تمام شدنی نیست». او در واکنش به احتمال کشته شدن نصرالله در «ایکس» نوشت: «باند جنایتکار و نژادپرست نتانیاهو با محکوم کردن متوقف نمی شود و پس از لبنان، به دمشق و بعد از آن به بغداد و اگر طعم خونریزی مست شان کند حتی شاید به ایران حمله کند.»

کشته شدن نصرالله بعد از ترور هنیه می تواند بزرگترین موفقیت اسرائیل بعد از عملیات «هفت اکبر» باشد هرچند هنوز سرنوشت رهبر این گروه تروریستی که توسط جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۳ تأسیس شد، مشخص نیست.

شهروندان عادی خواسته شده بود از مراکز و اماکن متعلق به حزب الله فاصله بگیرند.

ادعا شده است که در حملات روز جمعه ششم مهرماه شماری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله عباس نیلفروشان (فرمانده نیروهای سپاه در لبنان) نیز کشته شده اند. روزنامه «کیهان» چاپ تهران می نویسد در مورد کشته شدن او خبرهایی منتشر شده اما این خبرها هنوز بطور رسمی تأیید نشده است.

ساعاتی پس از انتشار خبرهای احتمالی در مورد مرگ حسن نصرالله، شماری از طرفداران نظام کفن پوش با پرچم های حزب الله و فلسطین در میدان «فلسطین» (میدان کاخ) تهران تجمع کردند. خبرگزاری تسنیم گزارش داد این افراد «برای سلامتی فرماندهان مقاومت دعا کردند» و «برای اعزام به لبنان و دفاع از جبهه مقاومت» در مقابل اسرائیل اعلام آمادگی نمودند!

در مقابل اما ده ها نفر از شهروندان سوری مخالف رژیم بشار اسد از جمله در استان ادلب پس از انتشار خبر مرگ احتمالی نصرالله به رقص و پایکوبی پرداختند و شیرینی پخش کردند. در چند شهر اسرائیل از جمله در تل آویو هم مردم با شنیدن خبر کشته شدن نصرالله جشن گرفتند و آتش بازی به راه انداختند. همزمان پدافند هوایی این کشور نیز موشک هایی را که از لبنان به سمت اسرائیل پرتاب شده بود هدف قرار داده و خنثی می کرد.

بسیاری از مردم در لبنان و ایران نیز از شنیدن خبر مرگ نصرالله ابراز شادمانی کردند. گزارش شد در کرج مردم در پشت بام ها فشفشه روشن کردند و آتش بازی به راه انداختند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که هنوز در نیویورک بسر می برد هفتم مهرماه در نشست اضطراری شورای امنیت با محکوم کردن اقدام اسرائیل در لبنان اعلام

منابع امنیتی لبنان و همچنین برخی خبرگزاری های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله تسنیم اعلام کردند نصرالله و صفی الدین در سلامت هستند اما پایگاه خبری «معارفو» جمعه شب ششم مهرماه بر اساس برآورد ارتش اسرائیل گزارش داد که احتمالاً نصرالله کشته شده است.

رویترز به نقل از یک منبع نزدیک به حزب الله گزارش داد که در پی حملات ارتش اسرائیل به مقر اصلی حزب الله در جنوب بیروت، نصرالله در دسترس نیست.

ادعا شد در این حملات شماری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله عباس نیلفروشان (فرمانده نیروهای سپاه در لبنان) نیز کشته شدند. روزنامه «کیهان» چاپ تهران می نویسد در مورد کشته شدن او خبرهایی منتشر شده اما این خبرها هنوز بطور رسمی تأیید نشده اند. پس از حمله هوایی جنگنده های ارتش اسرائیل به مقر حزب الله در بیروت که جمعه شب ۲۷ سپتامبر (ششم مهرماه) صورت گرفت، گزارش هایی در مورد کشته شدن حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان و شماری دیگر از فرماندهان و رهبران این گروه از جمله هاشم صفی الدین معاون اجرایی این گروه تروریستی منتشر شد.

منابع امنیتی لبنان و همچنین برخی خبرگزاری های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله تسنیم اعلام کردند که نصرالله و صفی الدین در سلامت هستند اما پایگاه خبری «معارفو» جمعه شب ششم مهرماه بر اساس برآورد ارتش اسرائیل گزارش داد که احتمالاً نصرالله کشته شده است. رویترز به نقل از یک منبع نزدیک به حزب الله گزارش داد که در پی حملات ارتش اسرائیل به مقر اصلی حزب الله در جنوب بیروت، نصرالله در دسترس نیست.

در این میان گزارش شده است که به دستور علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی شبانه شورای عالی امنیت ملی جلسه برگزار کرده است. هواداران نظام به شدت در مورد اینکه هدف بعدی در ایران باشد نگران شده و در هراس بسر می برند. حمله به مخفیگاه حسن نصرالله بر اساس گزارش «واحد اطلاعات ارتش» اسرائیل صورت گرفت. در واقع محلی که او در آن حضور داشته لو رفته است. اکنون با گذشت تقریباً ۱۵ ساعت از حمله دیروز هنوز خبری از وضعیت نصرالله در دست نیست و هیچ منبع رسمی کشته شدن یا زنده بودن او را تأیید نکرده است.

«کانال ۱۲» تلویزیون اسرائیل در گزارشی اعلام کرد برآورد این است که نصرالله در آن محل حضور داشته و شدت حملات به حدی بوده که کسی شانس زنده ماندن نداشته است.

برای هدف قرار دادن محل حضور نصرالله از مپ های سنگر شکن استفاده شده است. همچنین گفته شد او با شماری از فرماندهان میدانی حزب الله جلسه داشته است. برخی منابع نیز ادعا کرده اند که دختر او در این حملات کشته شده است.

بعد از عملیات مرگبار «هفت اکبر» اسرائیل اغلب برای هدف قرار دادن فرماندهان ارشد حزب الله و حماس از موشک های کروز هوشمند (دو زمانه) استفاده می کرده است. این موشک ها تلفات در مناطق مسکونی را به حداقل می رساند. اینبار اما از مپ های سنگر شکن استفاده شد که قدرت تخریبی بالایی دارد. پیش از این حملات از مردم و

ترس جمهوری اسلامی از سرنوشت خود؛ ضربات اسرائیل «اعتماد به نفس» را از حکومت ملایان گرفته است



نمایندگان مجلس شورای اسلامی بعد از کشته شدن نصرالله علیه اسرائیل شعار دادند / مهرماه ۱۴۰۳

ماه اخیر شاهد ضربه‌هایی به جبهه مقاومت بوده‌ایم اما پاسخ درخوری به رژیم منحوس صهیونیستی داده نشده است. مقامات ارشد دولت مسعود پزشکیان در واکنش به فشارهای داخلی برای انتقام از اسرائیل می‌گویند این تصمیمی در حیطه‌ی اختیارات رهبر جمهوری اسلامی است و البته آنهایی هم که حکومت را تشویق به «انتقام» می‌کنند می‌دانند که دستور نهایی با خامنه‌ای است اما رجز می‌خوانند و همگی طوری سخن می‌گویند که انگار از این موضوع مطلع نیستند!

بسیاری از تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی در نهایت مجبور است به ضرباتی که از اسرائیل می‌خورد واکنش نشان دهد وگرنه با ریزش در میان نیروهای هوادار خود که پایگاه اجتماعی ناچیز آن را تشکیل می‌دهند مواجه می‌شود.

محمد منان نماینده مجلس اسلامی در همین ارتباط می‌گوید: «ما هنوز شاهد حرکت مؤثری نیستیم و این باعث شده که اعتماد اجتماعی به نظام، هم در داخل کشور و هم در منطقه و در کشورهای جهان اسلام، ذره‌ذره آب بشود.»

عملیات پیچیده و حملات سنگین و اثرگذار اسرائیل علیه رهبران و گروه‌های نیابتی مورد حمایت جمهوری اسلامی، رجزخوانی‌های حساب شده مقامات اسرائیل که برعکس جمهوری اسلامی به حد کافی پشتوانه‌ی عملی داشته است، اعتماد به نفس را از ملایان و شخص خامنه‌ای گرفته است. او حتی در پیام تسلیت خود بعد از کشته شدن حسن نصرالله صحبتی از خونخواهی و انتقام نکرد و حمایت از حزب‌الله را به «همه مسلمانان» حواله داد. آنها فهمیده‌اند وقتی نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید بازوهای بلند اسرائیل به همه نقاط خاورمیانه می‌رسد یک واقعیت اثبات شده است. مهمتر از همه اینکه جمهوری اسلامی در داخل با بحران مشروعیت و اقتصاد ورشکسته روبروست که پیامدهای ورود به یک جنگ احتمالی مستقیم را مضاعف می‌کند.

دردناک علیه اسرائیل» انجام دهد، حتما تا حالا انجام داده بود، از مسئولان نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی خواست به «گستاخی» اسرائیل پاسخ قاطع بدهند. موسی موسوی نماینده شهر لامرد در مجلس شورای اسلامی، در نطق میان دستور گفت: «معادله جنگ بسیار روشن است؛ نزنیم، می‌خوریم!» اما شرایط به گونه‌ایست که اگر هم بزنند، حتی شدیدتر خواهند خورد! موسی موسوی پرسیده «اگر انتقام خون قاسم سلیمانی را گرفته بودیم، آیا باز هم دشمن، امروز جوخه ترور علیه ما تشکیل می‌داد؟» وی مقاماتی را که محتاطانه در مورد «تله جنگ» هشدار می‌دهند به باد انتقاد گرفته و می‌گوید: «سیاسیون تشکیک کرده و بهانه می‌آورند که نباید در تله جنگ بیفتیم! عجیب آنکه در حالی از تله جنگ سخن می‌گویند که ما درست در وسط جنگ هستیم.»

این درخواست‌ها برای پاسخ دادن به اسرائیل و انتقام گرفتن و اقدام عملی در حالیهست که می‌بایست همه اینها را خطاب به علی خامنه‌ای در نظر گرفت چرا که هرگونه اقدام نظامی توسط نیروهای مسلح برای انتقام از اسرائیل منوط به دستور علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا است. اما او اکنون متهم شده است که ترسیده و پشت گروه‌های نیابتی را خالی کرده است.

پاسخ درخوری به اسرائیل داده نشد

محمدمنان رئیس‌نماینده قم در مجلس شورای اسلامی نیز بدون توجه به اینکه فرمانده کل قوا خامنه‌ای است و او باید دستور اقدام و حمله بدهد، در تذکری عنوان کرد، «حدود دوماه از فرمان خامنه‌ای درباره خونخواهی اسماعیل هینه می‌گذرد اما آنطور که باید و شاید شاهد حرکت مؤثری از سوی مخاطبان این فرمان نیستیم!»

او تأکید کرد، «هربری چند سال پیش گفت اگر یکی بزنند، ده تا می‌خورند و بر این اساس باید نحوه برخورد ما با این رژیم اینگونه باشد نه اینکه به گونه‌ای عمل شود که در چند

● جمهوری اسلامی بعد از کشته شدن اسماعیل هینه رهبر حماس و حسن نصرالله رهبر حزب‌الله مهم‌ترین شرکا و نیابتی‌های خود در خاورمیانه از دست داده است. با اینهمه برخلاف وعده‌ها و رجزخوانی‌های رایج، فعلاً تمایلی به اقدام عملی برای گرفتن «انتقام» نشان نداده است.

● موسی موسوی نماینده شهر لامرد در مجلس شورای اسلامی، در نطق میان دستور گفت، «معادله جنگ بسیار روشن است؛ نزنیم، می‌خوریم!» اما شرایط به گونه‌ایست که اگر هم بزنند، شدیدتر خواهند خورد!

● احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس با رجزخوانی درباره اینکه «نتیجه خون حسن نصرالله نابودی رژیم اسرائیل است» گفت، «مردم در کوچه و خیابان می‌پرسند خونخواهی هینه چه شد؟!»

جمهوری اسلامی بعد از کشته شدن اسماعیل هینه رهبر حماس و حسن نصرالله رهبر حزب‌الله مهم‌ترین شرکا و نیابتی‌های خود در خاورمیانه از دست داده است. با اینهمه برخلاف وعده‌ها و رجزخوانی‌های رایج، فعلاً تمایلی به اقدام عملی برای گرفتن «انتقام» نشان نداده است. تأخیر در واکنش به اسرائیل که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان ناشی از ترس و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی پس از آن است، مورد انتقاد بسیاری از مقامات از جمله تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است.

برخی از آنان می‌گویند، اسرائیل با این اقدامات به دنبال کشاندن جمهوری اسلامی به یک درگیری است و نباید در این «تله جنگی» افتاد اما برخی دیگر می‌گویند عدم پاسخ مناسب اسرائیل را گستاخ‌تر کرده است. شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مسئولان کشوری و فرماندهان ارشد نظامی را برای گرفتن انتقام از اسرائیل بعد از کشته شدن اسماعیل هینه و حسن نصرالله زیر فشار قرار داده‌اند.

این نمایندگان در جریان نشست علنی مجلس که هشتم مهرماه ۱۴۰۳ برگزار شد، مستقیم و غیرمستقیم از نظام به دلیل «تعلل» در انتقام انتقاد کردند.

خونخواهی چه شد؟

احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس اسلامی با این رجزخوانی که «نتیجه خون حسن نصرالله نابودی رژیم اسرائیل است» گفت، «مردم در کوچه و خیابان می‌پرسند خونخواهی هینه چه شد؟» وی انتقام را در جهت «عزت و شرف ملی و دفاع از استقلال و هویت ملی» دانست و حتی مدعی شد: «مسئله خونخواهی هینه یک مطالبه ملی است!»

ترس پذیرفتنی نیست

اسماعیل حسینی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از شیراز در تذکری عنوان کرد، «وظیفه ما این است از گروهی که بتواند به منافع اسرائیل آسیب برساند حمایت حداکثری کنیم.» وی تأکید کرد «اظهاراتی از سر ضعف و ایجاد ترس از جنگ احتمالی پذیرفته نیست» و «هزینه‌ی سازش به مراتب از مقاومت بیشتر است.» این نماینده همچنین هشدار داد، «مبادا تحلیل‌های غلط و غیرواقع‌بینانه ما را از اقدامات مؤثر و دردناک علیه اسرائیل باز دارد یا مسئولان ارشد نظام را دچار تردید کند!»

این نماینده که گویا متوجه نیست که اگر جمهوری اسلامی می‌توانست بدون هراس از پیامدهای آن، اقدامات مؤثر و

مزایده اموال «کورش کمپانی» به ارزش ۴۰ میلیارد تومان



چه در خود آن کشور از طریق سفارت و سرکنسولگری ایران و چه در تهران. بین دستگاه دیپلماسی و قوه قضائیه همکاری مشترکی وجود دارد و در برنامه اقدامات ایران برای استرداد و بازگرداندن این مجرم به ایران وجود دارد و جزو برنامه‌های جاری دستگاه دیپلماسی است.»

او افزوده بود که «مدیرعامل شرکت کورش کمپانی به اتهام کلاهبرداری تحت تعقیب است و اموال منقول این شرکت در نقاط مختلف کشور مانند قایق‌هایی در جزیره کیش شناسایی و توقیف شده است.

این در حالیست که چند بار اعلام شده که مدیرعامل کورش کمپانی در دبی است. علی مجتهدزاده وکیل دادگستری نیز اردیبهشت امسال در شبکه «ایکس» نوشت: «در سفر به دبی و در کمال شگفتی متوجه شدم مالک کورش کمپانی آزادانه در امارات با اموال به یغما برده شده ملت در حال خوشگذرانی است!»

یکی از مهم‌ترین حاشیه‌های کلاهبرداری «کورش کمپانی» تبلیغات گسترده‌ای بود که سلبریتی‌ها از هنرمند تا ورزشکار به سود این شرکت انجام داده‌اند تا تعداد بیشتری ترغیب به پرداخت پول به شرکت به امید دریافت گوشی آیفون زیر قیمت شوند.

بخشی از مالباختگان نیز شکایتی از سلبریتی‌ها نیز به ثبت رساندند. بسیاری از مالباختگان این شرکت معتقدند مردم به خاطر تبلیغات سلبریتی‌ها و ورزشکاران، به «کورش کمپانی» اعتماد کرده و برای خرید آیفون ۲۰ میلیونی اقدام کردند. چند روز پس از ثبت شکایت از سوی شماری از مالباختگان اعلام شد تعدادی از سلبریتی‌ها احضار و وجوه دریافتی از سوی این شرکت برای تبلیغات را به دستگاه قضایی جمهوری اسلامی واریز کرده‌اند.

همچنین هفته آخر اسفندماه ۱۴۰۲ سردار حسین رحیمی رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا اعلام کرده بود که پنج نفر در ارتباط با این پرونده بازداشت شده‌اند و شناسایی و توقیف اموال امیرحسین شریفیان در ایران نیز ادامه دارد. با اینهمه توضیحات مالباختگان نشان می‌دهد این پرونده «اندر خم یک کوچه» باقی مانده است!

او از کشور مطرح شد چون بر اساس قوانین جمهوری اسلامی افراد مشمول خدمت سربازی و سرباز فراری‌ها نمی‌توانند برای دریافت گذرنامه اقدام کنند. به همین دلیل احتمال خروج غیرقانونی امیرحسین شریفیان مطرح شده بود.

سردار حسین رحیمی اما درباره دلایل جلوگیری از ممنوع‌الخروجی مدیر کورش کمپانی گفته بود که «ما از حدود سه ماه قبل اقداماتی را در این خصوص آغاز کردیم اما چون جرم مرتکب نشده بودند و شکایتی نیز نبود امکان ممنوع‌الخروجی هم فراهم نشد.»

سخنان رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا نشان می‌داد امیرحسین شریفیان پاسپورت داشته است. او توضیح نداده بود چطور امکان دارد یک سرباز فراری گذرنامه دریافت کند! مانند بسیاری از پرونده‌های مشابه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از ارائه اطلاعات درست از پرونده خودداری کرده و حتی اطلاعاتی ضدونقیض را منتشر کرده است. برای نمونه در حالی چند وقت پیش ادعا شد که مالک کورش کمپانی، یعنی امیرحسین شریفیان بازداشت شده، ویدئویی از او در حالیکه در یک استخر در خارج از ایران در حال خوشگذرانی است منتشر شد. بسیاری از مالباختگان «کورش کمپانی» نیز گفتند فرد دستگیر شده مالک و مدیرعامل شرکت نبوده بلکه پدر او بوده است که هیچ مسئولیتی در شرکت نداشته است!

سخنگوی قوه قضائیه مدعی شده پرونده به صورت ویژه در حال رسیدگی است و دادستان تهران نظارت کامل بر آن دارد. اکنون با گذشت بیش از هشت ماه از گشوده شدن این پرونده امیرحسین شریفیان هنوز بازداشت نشده است و در حال خرچ کردن پول‌های برداشته از جیب مردم است! وبسایت «میزان» امرداد امسال گزارش داد که «دستگاه قضایی همچنان از طریق مراجع بین‌المللی و اینترپل پیگیر دستگیری و بازگرداندن متهم اصلی پرونده به کشور است.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی خردادماه گذشته درباره استرداد متهم «کورش کمپانی» گفته بود: «اقدامات این وزارتخانه درباره این موضوع متنوع و متعدد بوده است؛ یادداشت‌ها، دیدارها و گفتگوها با مقامات کشور همسایه،

● مدیرعامل سازمان اموال تملیکی گفته اموال و دارایی‌های شرکت کورش کمپانی که شامل پنج دستگاه اتومبیل سواری گرانبیست است، برای پرداخت مطالبات مالباختگان به مزایده گذاشته می‌شود.

● این اموال شامل پنج دستگاه اتومبیل لوکس به ارزش پایه کارشناسی حدود ۴۰ میلیارد تومان هستند.

مزایده اموال «کورش کمپانی» شامل پنج اتومبیل لوکس به ارزش ۴۰ میلیارد تومان آغاز شده است. اموال فروخته شده در این مزایده به عنوان خسارت به مالباختگانی که با رویای خرید آیفون نصف قیمت، دارایی خود را به این شرکت کلاهبردار داده بودند تعلق خواهد گرفت.

عبدالمجید اجتهادی مدیرعامل سازمان اموال تملیکی با اعلام خبر مزایده اموال «کورش کمپانی» گفته اموال و دارایی‌های شرکت کورش کمپانی که شامل پنج دستگاه اتومبیل سواری گرانبیست است، برای پرداخت مطالبات مالباختگان به مزایده گذاشته می‌شود.

به گفته عبدالمجید اجتهادی این اموال از سوی مقام قضایی در اختیار سازمان اموال تملیکی قرار گرفته و به بالاترین قیمت در مزایده سراسری الکترونیکی فروخته می‌شود و عوائد آن با نظر مقام قضایی، به مالباختگان باز می‌گردد.

مدیرعامل سازمان یادآور شد: «۵ دستگاه خودرو و سایر اموال منقول به ارزش پایه کارشناسی حدود ۴۰ میلیارد تومان، به مزایده گذاشته شد.»

شرکت کورش کمپانی که در حوزه فروش موبایل فعالیت داشت، مدعی بود که گوشی موبایل آیفون را که بین ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان در بازار داد و ستد می‌شود را از طریق حذف واسطه‌ها به قیمت ۲۰ میلیون تومان به دست مصرف‌کننده می‌رساند. این شرکت با این ترغیب هزاران مشتری جذب کرد و با فراری شدن مدیرعامل آن یکی از بزرگترین کلاهبرداری‌های تاریخ ایران رقم خورد.

میزان کلاهبرداری کورش کمپانی بر اساس برآوردهای غیررسمی، حدود دو هزار میلیارد تومان تخمین زده شده است. با توجه به قیمت ۲۰ میلیون تومانی که از سوی این شرکت بابت هر دستگاه آیفون دریافت می‌شد و با توجه به اینکه بخشی از مشتری‌ها صرفاً مبلغی به عنوان پیش پرداخت را به حساب این شرکت واریز کرده بودند در نتیجه تعداد شرکت ده‌ها هزار نفر ارزیابی می‌شود.

این کلاهبرداری تاریخی اواخر سال گذشته خری شد و هزاران شهروند متوجه شدند مالشان بر باد رفته است. این در حالیست که تابستان امسال قوه قضائیه اعلام کرد که روند قضایی رسیدگی به پرونده «کثیرالشاک کورش کمپانی» با بیش از ۷ هزار شاکی از آبان ۱۴۰۲ در دستگاه قضایی آغاز شده و همچنان در حال پیگیری است!

این در حالیست که برخی از مالباختگان می‌گویند تا اواخر سال گذشته همچنان دفتر این شرکت دایر بوده است. مشخص نیست به چه دلیلی قوه قضائیه پیشتر درباره گشوده شدن پرونده کلاهبرداری برای این شرکت و یا متوقف کردن فعالیت آن اقدامی انجام نداده بود!

امیرحسین شریفیان مالک کورش کمپانی متولد ۱۳۷۵ و یک سرباز فراری است که بر اساس گزارش‌ها با ۱۸۰ روز غیبت اولیه اقدام به تکمیل دفترچه سربازی می‌کند اما از رفتن به سربازی خودداری کرده و از سال ۱۴۰۰ تا امروز سرباز فراری است. پس از انتشار گزارش‌هایی درباره «سرباز فراری» بودن امیرحسین شریفیان، پرسش‌هایی درباره خروج

تعطیلی برخی از بخش‌های بیمارستان‌های دولتی در پی کمبود پرستار

شورای اسلامی گفته در سال گذشته، ۱۵۹۰ پرستار در ایران به دلایلی همچون سقف حقوق پایین، اضافه کاری ناچیز و سختی کار، از شغل خود استعفا داده‌اند.

سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که تعداد استعفاهای و کناره‌گیری‌های پرستاران دو تا سه برابر بیشتر از مهاجرت‌های این قشر است. پرستاران سال هاست که نسبت به درآمد‌های ناچیز، شرایط دشوار شغلی، شیفت‌های طولانی و اضافه‌کاری اجباری اعتراض دارند.

احمد نجاتیان رئیس کل سازمان نظام پرستاری توضیح داده که «پرستاران بطور متوسط ۲۵ هزار تومان بابت هر ساعت اضافه کار دریافت می‌کنند، یکی دیگر از مشکلات نیز اضافه کار اجباری است که به پرستاران بعد از کامل شدن شیفت، ۸۰ ساعت اضافه کار اجباری داده می‌شود؛ این زحمات زیاد با پرداخت کم باعث نارضایتی پرستار شده که می‌تواند به اختلال در نظام سلامت منجر شود.»

احمد نجاتیان نیز تعطیلی برخی از بخش‌های بیمارستانی را در پی کمبود پرستار تأیید کرده و گفته که «در برخی استان‌ها بخش‌های بیمارستانی و اتاق عمل‌ها در حال تعطیل شدن هستند زیرا پرستاران به این نتیجه رسیده‌اند که به هر حال مجبور هستند در ساعات اضافه کاری اجباری حضور پیدا کنند.»

رئیس کل سازمان نظام پرستاری افزوده «پرستاران موظف شده‌اند که علاوه بر ساعات کار موظفی خود به سرکار بیایند اما اضافه کار اجباری بر اساس احکامی که از دیوان عدالت اداری دریافت کرده‌اند ممنوع است و قانون، اجازه اضافه کار اجباری دادن به پرستاران را نمی‌دهد.»

پرستاران و کادر درمان پزشکی در تاپستان گذشته با اعتصاب سراسری خواستار افزایش حقوق و دستمزد و همچنین پرداخت حقوق معوقه، لغو اضافه کار اجباری و بهبود شرایط کار خود شدند. این اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها که با حمایت اتحادیه‌های صنفی و نهادهای بین‌المللی از جمله شورای بین‌المللی پرستاران روبرو شد.

با گسترده شدن اعتصاب سراسری پرستاران و اختلال در فعالیت بیمارستان‌های دولتی، محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت دولت مسعود پزشکیان وعده حل مشکلات پرستاران داد. او در ابتدا اعلام کرده بود که «مشکل انباشت مطالبات جامعه پرستاری ظرف دو هفته آینده برطرف می‌شود» اما یک روز بعد از این وعده عقب‌نشینی کرد و گفت: «انتظارات مالی پرستاران را در حد توان کشور پیگیری می‌کنم.»

او با اینکه نخست وعده حل مشکلات طی «دو هفته» را داده بود، در اظهارت دیگری گفت «برای ارتقای جایگاه هویتی و حرفه‌ای پرستاران گفتگوهایی را با رئیس جمهور و اعضای دولت، آغاز کرده‌ام.»

در نهایت چند روز پس از وعده وزیر بهداشت برای پرداخت معوقات پرستاران، وزارت بهداشت رقم ناچیز یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به حساب پرستاران واریز کرد. این موضوع سبب شد موج دیگری از اعتراض پرستاران به راه بیافتد و پرستاران در چند شهر از جمله اصفهان، قم و کاشان تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

به نظر می‌رسد دلسردی و اعتراضات پرستاران که به اشکال مختلفی از مهاجرت و ترک کار تا تجمعات اعتراضی و اعتصابات ادامه دارد، در صورت بی‌تفاوتی وزارت بهداشت به تهدیدی جدی برای ساختار درمانی کشور تبدیل خواهد شد.



بستری است، اکثر کارهای رسیدگی به او را خودمان انجام می‌دهیم؛ حتی ساعت داروها را به پرستاران یادآوری می‌کنیم. در این بخش بیش از ۲۵ بیماری بستری‌اند و تنها سه پرستار و یک سرپرستار حضور دارند. شیفت شب که تنها دو پرستار دارد.» این شهروند افزوده که «واقعاً جان و سلامت بیماران اصلاً در اولویت نیست. بیماری که از اتاق عمل بیرون می‌آید بعد از به هوش آمدن باید تحت نظر باشد اما اینجا پرستارها نمی‌توانند به موقع به آنها رسیدگی کنند. بیماران از درد فریاد می‌زنند اما هیچ‌کس نیست به دادشان برسد. همراه بیمار بارها باید به ایستگاه پرستاری برود تا شاید کسی برای چک کردن وضعیت بیمار بیاید.»

احمد نجاتیان رئیس کل سازمان نظام پرستاری در جلسه دیدار مسئولان سازمان و اعضای شورای عالی نظام پرستاری نیز در نشست که روز گذشته با اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی برگزار شد به کمبود پرستار در ساختار درمانی کشور اشاره کرد و هشدار داد که «این وضعیت در آینده‌های بسیار نزدیک به بحران تبدیل خواهد شد.» او گفته که «سالانه در سازمان نظام پرستاری دو هزار گواهی گوداستندینگ (گواهی صلاحیت حرفه‌ای برای مهاجرت) برای پرستارانی صادر می‌کنیم که بهترین پرستاران کشور هستند، پرستارانی که خواستار خدمت در خارج از پرستاری، هم‌اکنون در دامپارک دو هزار پرستار ایرانی در حال ارائه خدمت هستند.»

جدا از پرستارانی که مهاجرت می‌کنند شمار زیادی از پرستاران نیز دیگر حاضر به اشتغال در ساختار درمانی کشور نیستند حتی اگر مهاجرت نکنند. احمد نجاتیان در این‌باره گفته «سازمان تأمین اجتماعی گزارش داده که با ترک خدمت زیادی در جامعه پرستاری مواجه است. همچنین در برخی از استان‌ها بخش‌های بیمارستانی و اتاق عمل‌ها در حال تعطیل شدن هستند زیرا پرستاران به این نتیجه رسیده‌اند که به هر حال مجبورند در ساعات اضافه‌کاری اجباری حضور پیدا کنند.»

سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس

● دیوان عدالت اداری اضافه‌کاری اجباری پرستاران را غیرقانونی اعلام کرده و حالا در برخی بیمارستان‌های دولتی کمبود پرستار با حذف اضافه‌کاری اجباری نمایان‌تر شده و بعضی از بخش‌ها را به تعطیلی کشانده است.

● رئیس کل سازمان نظام پرستاری: «پرستاران بطور متوسط ۲۵ هزار تومان بابت هر ساعت اضافه کار دریافت می‌کنند، یکی دیگر از مشکلات نیز اضافه کار اجباری است که به پرستاران بعد از کامل شدن شیفت، ۸۰ ساعت اضافه کار اجباری داده می‌شود.»

در حالی که موج گسترده‌ای از استعفا و مهاجرت پرستاران از ایران از مدت‌ها پیش شکل گرفته، اکنون گزارش‌ها از کمبود شدید نیروی پرستار در بیمارستان‌های دولتی و حتی تعطیلی برخی بخش‌های بیمارستانی منتشر شده است.

وبسایت «تجارت نیوز» گزارش داده که با رأی دیوان عدالت اداری و حذف اضافه‌کاری اجباری پرستاران بیمارستان‌های علوم پزشکی به دلیل کمبود نیروی پرستار مجبور به تعطیل کردن بخش‌های مختلف بیمارستان شده‌اند.

اشاره این گزارش به رأی دیوان عدالت اداری است که در پاسخ به تجدیدنظرخواهی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به رای اولیه صادره از سوی دیوان عدالت صادر شد. بر اساس این رأی اضافه‌کاری اجباری برای پرستاران که به روالی عادی در بیمارستان‌های دولتی تبدیل شده و اگر پرستاران زیر بار آن نمی‌رفتند با تهدید اخراج روبرو می‌شدند، غیرقانونی اعلام شد. با این‌همه اکنون به گزارش «تجارت نیوز» کمبود پرستار پس از این رأی بیش از پیش نمایان شده و برخی بخش‌های بیمارستان‌های دولتی را به تعطیلی کشانده است. موضوعی که به نوشته «تجارت نیوز» این روزها تبعات آن کم‌وبیش نمود پیدا کرده و باعث سرگردانی بیماران شده و در صورت تداوم می‌تواند سیستم سلامت کشور را دچار بحران جدی کند.

ناهد علوی یکی از مراجعان به بیمارستان فیروزگر، درباره نبود پرستار در بیمارستان به «تجارت نیوز» گفته که «روز گذشته خواهرم را با دستور پزشک از بیمارستان البرز کرج به تهران و بیمارستان هاشمی‌نژاد بردیم. اما آنها به بهانه خالی نبودن تخت از پذیرش سر باز زدند و ما را به بیمارستان میلاد فرستادند، آنجا هم با همین بهانه بیمار را بستری نکردند و گفتند باید به بیمارستان لیاقتی نژاد مراجعه کنید. اما آنجا هم با جواب منفی مواجه شدیم این در حالی بود که خواهرم به دلیل بالا رفتن کراتین خون و از کار افتادن کلیه‌ها با نارسایی قلبی و آب آوردن ریه مواجه شده بود و باید خیلی سریع تحت معالجه قرار می‌گرفت.»

او ادامه می‌دهد: «در نهایت توانستیم او را در بیمارستان فیروزگر بستری کنیم. اما اینکه بیماری با این شرایط از هشت صبح تا هفت شب سرگردان باشد و از این بیمارستان به آن بیمارستان فرستاده شود در هیچ جای دنیا وضعیت نرمالی نیست. سوال اینجاست که اگر در این رفت و برگشت‌ها خواهرم به کما می‌رفت یا وضعیت بدتری پیدا می‌کرد چه کسی جوابگو بود؟»

به گفته این همراه بیمار، «در بیمارستان فیروزگر به ما گفتند مشکل کمبود تخت نیست مشکل کمبود شدید پرستار است و اگر هم بیمارانتان را بستری می‌کردند در نهایت پرستاری برای رسیدگی به او نبود، این مساله هم می‌توانست به قیمت جان بیمارانتان تمام شود.»

فیروزه متقی که مادرش در بیمارستان بستری است نیز به «تجارت نیوز» گفته «مادرم سه روز است که در بیمارستان

ناترازی عمیق انرژی در ایران؛ آغاز قطع گاز از نخستین روزهای پاییز و تداوم قطع برق

حالی که با ۱۰ تا ۱۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای اصلاح زیرساخت‌های میادین گازی کشور، می‌توان از هدررفت حدود ۱۲۵ میلیون مترمکعب گاز در میادین گازی کشور جلوگیری کرد!

آرش نجفی همچنین به نیروگاه‌های حرارتی تولید برق اشاره کرده و گفته به اجبار در اوج مصرف گاز در حدود ۱۸ میلیارد دلار در این نیروگاه‌ها از سوخت مایع استفاده می‌شود؛ هم این سوخت، سوخت پاک نیست و هم اینکه می‌توان با تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر، بخشی از فشار تولید برق را از روی دوش نیروگاه‌های حرارتی برداشت و روی دوش نیروگاه‌های خورشیدی و بادی گذاشت.

در چرخه باطلی که بی‌توجهی جمهوری اسلامی به توسعه صنایع گاز و برق و سرمایه‌گذاری بر انرژی تجدیدپذیر ایجاد کرده نه تنها کمبود شدید گاز و برق را به همراه داشته بلکه به عاملی بحران‌زا در حوزه محیط زیست تبدیل شده است. در همین رابطه شینا انصاری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست دولت چهاردهم گفته «ناترازی انرژی باعث می‌شود ناگزیر شویم در بعضی از نیروگاه‌ها که در شهرها مستقر هستند، از سوخت‌های سنگین و مازوت استفاده کنیم. تبعات آن برای سلامت شهروندان خطرناک است و موجب آلودگی هوا و در بعضی از شهرهای بزرگ باعث مشکلات اجتماعی می‌شود.»

هاشم اورعی استاد دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) نیز درباره چرخه معیوبی که به دلیل بحران «تولید» انرژی در ایران ایجاد شده توضیح داده که «وقتی نیروگاه‌ها با کمبود گاز مواجه می‌شوند بلافاصله برق نداریم و باید به سمت سوخت جایگزین یعنی گازوئیل و مازوت برویم. گازوئیل هم که به اندازه کافی نداریم و تقریباً همه میزان تولید ۱۱۰ میلیون لیتر گازوئیل برابر مصرف آن است یعنی عملاً گازوئیل نداریم و اگر قرار است گازوئیل را به نیروگاه‌ها ارسال کنیم یا باید تردد کامیون‌ها متوقف شود که سیستم توزیع بهم می‌ریزد و یا باید از ذخایر استراتژیک برداشت کنیم. در مورد مازوت هم مشکل حمل و نقل و هم مشکل آلاینده‌ها را داریم بنابراین جایگزینی گاز با سوخت مایع روشی است که نباید روی آن حساب باز کنیم.»

هاشم اورعی افزوده که «در تابستان برق را تامین نمی‌کنیم و صنعت را متوقف می‌کنیم و زمستان هم گاز نداریم، بطوری که طی نامه‌ای که ۲ ماه گذشته به برخی صنایع ارسال شده از ابتدای آبان امکان تامین گاز را ندارند یعنی کارخانجات تابستان برق و زمستان گاز ندارند و تولید را متوقف می‌کنیم و در این شرایط صحبت از رشد اقتصادی می‌کنیم و این فراتر از شوخی است.»

ایران سومین تولیدکننده گاز طبیعی در دنیاست اما سال‌هاست کمبود گاز برای مصرف داخلی مشکلات زیادی را ایجاد کرده است. کاهش رشد تولید گاز طبیعی در کشور به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری کافی در طرح‌های توسعه میادین جدید و نگرانی میادین قبلی به ویژه پارس جنوبی رخ داده است. بر اساس گزارش اتاق ایران، این روند حتی می‌تواند تا آنجا پیش رود که در سال ۱۴۲۰ ایران تنها توانایی تامین یک سوم از گاز طبیعی مورد نیاز کشور را داشته باشد و در این صورت، باید روزانه باید معادل یک میلیارد مترمکعب گاز طبیعی وارد کند.



و آبان، نتوان مصرف سوخت مایع به‌ویژه نفت‌گاز را در نیروگاه‌ها صفر کرد و تمرکز بر ذخیره‌سازی انجام نشود، به طور قطع زمستان سختی برای تولید پایدار برق نیروگاه‌ها خواهد بود.»

ساناز جعفرزاده همچنین از افزایش دو برابر مازوت‌سوزی در سال جاری نسبت به سال گذشته خبر داده بود. موضوعی که پیش از این از سوی مهدی یزدانجو معاون محیط زیست انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی نیز مورد اشاره قرار گرفته بود. مهدی یزدانجو گفته بود که «از ابتدای سال جاری تا پایان تیر ماه، ۲۹۵ میلیون لیتر سوخت مازوت سوزانده شده است، و این آمار بیانگر مصرف دوبرابری این سوخت تا به الان نسبت به سال گذشته است.»

میزان کمبود گاز در سال‌های گذشته روند افزایشی در فصول سرد سال داشته که نشان می‌دهد دولت برای جبران کمبود گاز و افزایش تولید هیچ اقدام موثری انجام نداده است.

امسال نیز پیش‌بینی شده کمبود گاز در ماه‌های سرد زمستان تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب نیز افزایش پیدا کند. آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، معتقد است که درباره گاز و برق سخن گفتن از «ناترازی» را باید فراموش کرد و از «کمبود» صحبت کرد.

به گفته آرش نجفی مشکل این است که طی سال‌های گذشته اقدامی برای رفع ناترازی‌های برق و گاز انجام ندادیم و الان دیگر بحث «ناترازی‌گاز» مطرح نیست، و ما دچار «کمبود» گاز هستیم. در مورد برق نیز چنین است و ما در برق «کمبود» داریم و دیگر «ناترازی» مطرح نیست.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران افزوده که در کمبود گاز، مشکل این است که منازل، مراکز آموزشی و اماکن با استفاده از وسایل گازسوز نامناسب، گرما تولید می‌کنند و اقدامی برای صرفه‌جویی و کاهش مصرف آنها صورت نمی‌گیرد. حداقل باید اقدامات کاهنده مصرف انجام شود.

به گفته او، باید بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در میادین گازی سرمایه‌گذاری صورت بگیرد تا این کمبودها جبران شود، در

● کارشناسان می‌گویند کمبود برق در فصل سرما نیز جبران نخواهد شد و در نتیجه بحران‌های ناشی از آن در نیمه دوم سال تداوم خواهد داشت.

● میزان کمبود گاز در سال‌های گذشته روند افزایشی در فصول سرد سال داشته که نشان می‌دهد دولت برای جبران کمبود گاز و افزایش تولید هیچ اقدام موثری انجام نداده است.

● رئیس سازمان حفاظت محیط زیست: ناترازی انرژی باعث می‌شود ناگزیر شویم از سوخت‌های سنگین و مازوت استفاده کنیم. تبعات آن برای سلامت شهروندان خطرناک است و موجب آلودگی هوا و در بعضی از شهرهای بزرگ باعث مشکلات اجتماعی می‌شود.

در نخستین روزهای مهرماه کمبود برق همچنان پابرجاست و زنگ خطر کمبود گاز نیز به صدا درآمده است. بر اساس گزارش‌ها در برخی شهرها قطع گاز بخش خانگی آغاز شده و چند نیروگاه تولید برق نیز به دلیل کمبود گاز، سوزاندن مازوت را آغاز کرده‌اند.

در شرایطی که شهروندان منتظر بودند تا با آغاز پاییز و خنک شدن هوا قطع پی در پی برق که در ماه‌های گذشته روند زندگی آنها را مختل کرده بود پایان بیابد، اما قطع برق همچنان در شهرهای مختلف کشور ادامه دارد. کارشناسان هم می‌گویند کمبود برق در فصل سرما نیز جبران نخواهد شد و در نتیجه بحران‌های ناشی از آن در نیمه دوم سال تداوم خواهد داشت. اینهمه در حالیست که در دومین هفته مهرماه آثار کمبود گاز نیز نمایان شده است.

بر اساس اعلام شرکت گاز استان اصفهان، روز سه‌شنبه سوم مهرماه در برخی از مناطق شهرهای اصفهان و «درچه» به علت تعمیرات، شبکه جریان گاز قطع شد و امروز روز سه‌شنبه دهم مهرماه نیز جریان گاز به علت تعمیرات در دو شهرستان «شهرضا» و «آران و بیدگل» اصفهان قطع شد. از سوی دیگر گزارش‌ها از آغاز مازوت‌سوزی در برخی نیروگاه‌های تولید برق و همچنین فراهم شدن مقدمات جیره‌بندی گاز بخش صنعت حکایت دارد.

حسن موسوی، سرپرست روابط عمومی شرکت ملی گاز، نیز استفاده از سوخت جایگزین به جای گاز به دلیل کمبود را تأیید کرده و گفته ««ظرفیت تولید گاز مشخص است و در طرف مقابل در زمستان، میزان مصرف از سمت مشترکان افزایش می‌یابد. میزان تولید و میزان درخواست مشترکان، برابری ندارد و همیشه اختلافی وجود دارد. برنامه شرکت ملی گاز این است که با اولویت‌بندی و مدیریت، گاز مبادی ذی‌ربط تأمین شود.»

سرپرست روابط عمومی شرکت ملی گاز درباره قطع گاز صنایع افزوده که «بر اساس قراردادی که با صنایع و مشترکان خاص بسته می‌شود، پنج ماه از سال یعنی همان فصول سرد سال باید از سوخت جایگزین استفاده کنند. این موضوع در قرارداد ذکر شده و سوخت جایگزین از طریق محدودیت گاز صنایع به صورت پایدار تأمین می‌شود. تأمین گاز شبکه خانگی، نانوائی‌ها و مشترکان خاص، اولویت شرکت ملی گاز ایران است و تلاش می‌شود که گاز این مشترکان قطع نشود.»

ساناز جعفرزاده، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و بهره‌برداری تولید شرکت برق حرارتی، نیز پیشتر در گفتگو با خبرنگاری «ایرنا» هشدار داده بود که «اگر تخصیص گاز به نیروگاه‌ها قبل از شروع پیک مصرف گاز رخ ندهد و در دو ماه مهر

سفره‌هایی که با گرانی فزاینده مواد خوراکی کوچک می‌شوند؛ آیا دولت چهاردهم به اهداف تورمی برنامه هفتم دست می‌یابد؟



● بیش از یک دهه تورم فزاینده در اقتصاد ایران سبب کوچک شدن طبقه متوسط و رانده شدن میلیون‌ها خانوار به زیر خط فقر شده است.

● مسعود پزشکیان مدعی شده دولت او بر اساس قانون هفتم توسعه تورم را کاهش خواهد داد؛ برنامه‌ای که هدف کمی آن در پایان برنامه برای نرخ تورم، رقم ۹/۵ درصد است.

● محمد تقی فیاضی کارشناس حوزه اقتصاد مالی و بودجه اما معتقد است کاهش تورم باید به زیر ۲۰ درصد برسد تا اثر آن بر زندگی مردم محسوس شود.

جزئیات آمار تورم شهریورماه نشان می‌دهد همچنان تورم مواد خوراکی فزاینده است و با توجه به درآمدهای نامتناسب با نرخ تورم در میان خانوارهای حقوق‌بگیر، سفره مردم در حال کوچکتر شدن است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم شهریورماه امسال نشان می‌دهد در گروه گوشت قرمز، سفید و فرآورده‌های آن‌ها، بیشترین افزایش قیمت در شهریور نسبت به ماه قبل مربوط به مرغ با ۵/۱ درصد و ماهی قزل آلا با ۱/۹ درصد بوده است.

در گروه نان و غلات نیز شیرینی خشک با ۱/۸ درصد و برنج خارجی با ۱/۳ درصد بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند.

تخم مرغ با ۵/۶ درصد و کره پاستوریزه با ۴/۵ درصد خیار با ۱۳/۵ درصد و هویج فرنگی با ۹/۸ درصد و قارچ با ۷/۹ درصد و رب گوجه فرنگی با ۳/۲ درصد از دیگر نمونه‌های مواد خوراکی بودند که با افزایش قیمت قابل توجهی روبرو شدند. بیش از یک دهه تورم فزاینده در اقتصاد ایران سبب کوچک شدن طبقه متوسط و رانده شدن میلیون‌ها خانوار به زیر خط فقر شده است.

مرکز آمار ایران با ارائه آماری اعلام کرده از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ قیمت برنج از حدود ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان به ۱۱۲ هزار تومان، گوشت گوسفندی از ۳۶ هزار تومان به بیش از ۵۹۰ هزار تومان و گوشت مرغ از کیلویی هفت هزار تومان به بیش از ۸۳ هزار تومان رسیده است.

در این فاصله زمانی یک لیتر شیر هم از دو هزار و ۶۰۰ تومان به بیش از ۳۲ هزار و ۸۰۰ تومان، هر کیلو تخم مرغ از شش هزار و ۴۰۰ تومان به ۶۲ هزار و ۲۰۰ تومان، هر کیلو قند از چهار هزار تومان به بیش از ۴۸ هزار تومان و هر کیلو چای خارجی از ۳۸ هزار تومان به بیش از ۴۶۹ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. در دوره ۱۰ ساله از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ میانگین مصرف شیر در ایران از حدود سه کیلو و ۱۰۰ گرم در ماه به حدود نصف آن کاهش پیدا کرد یا مصرف برنج از حدود سه کیلو و ۲۰۰ گرم به کمتر از دو کیلو و ۳۰۰ گرم رسید.

افزایش چند برابری قیمت‌ها در حالی که درآمدها با این نسبت افزایش پیدا نکرده، سبب کاهش قدرت خرید خانوار و کوچک شدن سفره‌ها شده است. سرانه بسیاری از اقلام خوراکی ضروری در ایران طی سال‌های گذشته با کاهش قابل توجهی روبرو شده و هشدار کارشناسان را در پی داشته است.

محمدرضا بنی‌طبا سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران نیز هفته گذشته اعلام کرد که صنایع لبنی بر اساس روال، سالی یکبار افزایش قیمت دارند. اگر قیمت

جدید شیر خام ابلاغ شود علاوه بر ۱۶ درصد ابتدایی، نرخ محصولات دوباره افزایش می‌یابد.

محمدرضا بنی‌طبا افزوده چند سالی است که بخشی از تولیدات کشور صادر می‌شود. این امر خوب است اما حجم مصرف داخل نسبت به نیازمندی، سلامت جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. در کشور سرانه مصرف به جای ۱۶۵ کیلو گرم که استاندارد مصرف لبنیات بر پایه شیر است در کشور ما به کمتر از ۷۰ کیلو گرم رسیده است.

سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران گفته اگر صادراتی هم رخ می‌دهد که ۸۰ درصد آن به کشورهای همسایه عراق، پاکستان و افغانستان است به نوعی از روی ناچاری بوده و کاهش قدرت خرید مردم چاره‌ای جز صادرات باقی نگذاشته است. اگر توان خرید داخل بهبود پیدا کند حتی محصولات با قیمت‌های بهتری صادر می‌شوند.

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، در مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری به‌دفعات در خصوص برنامه دولتش برای مهار تورم و سایر موضوعات اقتصادی، از قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت سخن گفت و بر اجرای این قانون در دولت تأکید داشت. قانونی که چهارم تیرماه امسال از سوی رئیس‌مجلس به سرپرست ریاست‌جمهوری سیزدهم برای اجرا ابلاغ شد و حالا روی میز دولت چهاردهم است. در فصل دوم این قانون با عنوان اصلاح نظام بانکی و مهار تورم به‌صراحت بیان شده است که هدف کمی در پایان برنامه برای نرخ تورم، رقم ۹/۵ درصد است؛ بنابراین دولت پزشکیان در جهت تحقق تورم تکریمی باید گام بردارد. این در شرایطی است که طبق قانون جدید بانک مرکزی، این بانک مسئول کنترل و مهار تورم است؛ بنابراین برنامه دولت در حوزه تورم، رسیدن به هدف تعیین شده در برنامه پنج‌ساله یعنی تورم تکریمی است.

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم، در مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری بارها درباره برنامه دولتش برای مهار تورم و سایر موضوعات اقتصادی، از قانون برنامه پنج‌ساله

هفتم حرف زد و مدعی شد دولت او با اجرای این قانون تورم را کاهش خواهد داد؛ قانونی که چهارم تیرماه امسال از سوی رئیس‌مجلس به سرپرست ریاست‌جمهوری سیزدهم برای اجرا ابلاغ شد و حالا روی میز دولت چهاردهم است.

در فصل دوم قانون هفتم توسعه با عنوان «اصلاح نظام بانکی و مهار تورم» آمده که هدف کمی آن در پایان برنامه برای نرخ تورم، رقم ۹/۵ درصد است؛ بنابراین دولت پزشکیان در جهت تحقق تورم تکریمی باید گام بردارد. این در شرایطی است که طبق قانون جدید بانک مرکزی، این بانک مسئول کنترل و مهار تورم است؛ بنابراین برنامه دولت در حوزه تورم، رسیدن به هدف تعیین شده در برنامه پنج ساله یعنی تورم تکریمی است.

اینهمه در حالیست که دولت پزشکیان نخستین ماه‌های فعالیت را با کسری بودجه‌ای که ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان عنوان شده آغاز کرده است. کسری بودجه امسال در صورت تداوم تحریم‌ها و عدم افزایش درآمدهای نفتی، بدون شک بر کسری بودجه سال آینده نیز موثر خواهد بود. در چنین شرایطی حتی به فرض آنکه دولت بتواند مدیریت قابل قبولی در حوزه اقتصاد داشته باشد، حرکت به سوی تک‌نرخ شدن تورم بعید به نظر می‌رسد.

محمد تقی فیاضی کارشناس حوزه اقتصاد مالی و بودجه اما معتقد است کاهش تورم باید به زیر ۲۰ درصد برسد تا اثر آن بر زندگی مردم محسوس شود: «تورم ۳۰ درصدی مشکلات مردم را حل نخواهد کرد و باید برای حل مطالبات عمومی تورم را به کانال کمتر از ۲۰ یا حتی ۱۰ درصدی سوق داد. ایران از گذشته با بحران تورم بالا مواجه بوده و میانگین ۵۰ ساله تورم کشور ۲۰ درصد است. با این همه در ۵ سال گذشته میانگین تورم اقتصاد ما به ۴۵ درصد رسید که خود بیانگر میزان کم‌رشدن فشارها به توده‌های مردم است. به همین دلیل کاهش تورم تا کانال ۳۰ درصدی تنها به این معناست که فشاری به سهمگینی دولت سیزدهم به مردم وارد نمی‌شود و سفره‌ها با سرعت گذشته کوچک نمی‌شوند.»

اصابت موشک سپاه به پایگاه هوایی «نواتیم»؛ واکنش اسرائیل «وضعیت میدان نبرد» را تعیین می کند



اصابت موشک سپاه به سقف یکی از سیلوهای پایگاه هوایی «نواتیم» اسرائیل

بود که اواخر فروردین ۱۴۰۳ تحت عنوان «وعده صادق» انجام شد. واکنش اسرائیل به اولین عملیات «وعده صادق» محدود بود و تنها یک باتری موشک‌های پدافندی در پایگاه نیروی هوایی در اصفهان هدف قرار گرفت. در دومین حمله جمهوری اسلامی علیه اسرائیل، چندین فروند از موشک‌های سپاه پاسداران، لحظاتی پس از پرتاب در آسمان منفجر شدند. چند فروند از آنها در خاک ایران فرود آمد و باعث آتش‌سوزی شد. برخی از آنها در بیابان‌های عراق و خیابان‌های اردن به زمین اصابت کردند و یکی از آنها نیز در کرانه باختری بر سر یک کارگر فلسطینی نگون‌بخت افتاد که جان سپرد.

توانایی بالستیک‌ها در حمل مواد آلوده و هسته‌ای

آمار بالای خطای این موشک‌ها سوژه خنده و کنایه کاربران در شبکه‌های اجتماعی شد. آنها از این موشک‌ها به عنوان «آبگرمکن» نام می‌بردند اما صرف نظر از تمسخر جمهوری اسلامی، این مسئله وقتی جدی می‌شود که این موشک‌ها قابلیت حمل مواد آلوده و کثیف و اورانیوم را داشته باشند. آنوقت اصابت آنها در بیابان‌ها نیز فاجعه‌بار خواهد بود.

اینهمه در حالیست که در گذشته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حمله به نیروگاه اتمی دیمونا در اسرائیل را شبیه‌سازی کرده است.

پروفسور مایکل کلارک کارشناس نظامی به «دیلی میل» می‌گوید که رژیم «ایران با این حمله موشکی به دنبال غلبه بر سیستم پدافندی اسرائیل بود، [این عملیات] ←

نیروی هوایی اسرائیل وارد نشده است. به گفته ارتش اسرائیل، این موشک به ساختمان‌های اداری و مناطق نگهداری در این پایگاه‌ها آسیب زده اما هیچ خسارتی به جت‌های جنگنده، پهپادها، سایر هواپیماها، مهمات یا زیرساخت‌های حیاتی وارد نشده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تلافی کشته شدن حسن نصرالله، سه‌شنبه شب ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳، بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ موشک بالستیک از چند پایگاه موشکی داخل ایران به سوی اسرائیل پرتاب کرد. منابع اسرائیلی می‌گویند اغلب موشک‌ها رهگیری و منهدم شدند اما سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در عملیات «وعده صادق ۲» در شرایطی که منطقه با پیشرفته‌ترین و پرجمع‌ترین سامانه‌های پدافندی محافظت می‌شد، ۹۰ درصد شلیک‌ها با موفقیت به اهداف اصابت کرد.

جان هیلی وزیر دفاع بریتانیا در بیانیه‌ای رسماً اعلام کرد «نیروهای ما در سرنگونی موشک‌هایی که به اسرائیل پرتاب شد مشارکت داشتند.» ارتش اردن نیز در عملیات رهگیری و انهدام موشک‌های سپاه مشارکت داشته است. علاوه بر اینها ارتش اسرائیل اعلام کرد ناوهای جنگی آمریکا در منطقه نیز در سرنگونی موشک‌ها همکاری داشتند.

هرچند موشک‌های سپاه پاسداران در مجموع فرودهای دقیقی نداشتند اما اصابت چندین فروند از آنها به خاک اسرائیل کافی بود تا هم فرماندهان سپاه پاسداران را ذوق‌زده کند و هم هشدار جدی برای اسرائیل باشد. بر اساس گزارش وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون)، عملیات موشکی اخیر جمهوری اسلامی دو برابر گسترده‌تر از عملیات قبلی

● بر اساس تصاویر ماهواره‌ای، یکی از موشک‌های سپاه پاسداران به سقف یک ساختمان در پایگاه هوایی «نواتیم» اسرائیل اصابت کرده است. نوواتیم آشیانه پیشرفته‌ترین هواپیماهای نیروی هوایی اسرائیل، از جمله جت‌های جنگنده رادارگریز F-35 است.

● هرچند موشک‌های سپاه در مجموع فرودهای دقیقی نداشتند اما اصابت چندین فروند از آنها به خاک اسرائیل کافی بود تا هم فرماندهان سپاه پاسداران را ذوق‌زده کند و هم هشدار جدی برای اسرائیل باشد.

● آمار بالای خطای این موشک‌ها سوژه خنده و کنایه کاربران در شبکه‌های اجتماعی شد. آنها از این موشک‌ها به عنوان «آبگرمکن» نام می‌بردند اما صرف نظر از تمسخر جمهوری اسلامی، این مسئله وقتی جدی می‌شود که این موشک‌ها قابلیت حمل مواد آلوده و کثیف و اورانیوم را داشته باشند. آنوقت اصابت آنها در بیابان‌ها نیز فاجعه‌بار خواهد بود.

● پروفسور مایکل کلارک کارشناس نظامی به «دیلی میل» می‌گوید که رژیم «ایران با این حمله موشکی به دنبال غلبه بر سیستم پدافندی اسرائیل بود، [این عملیات] یک گام بالاتر از آخرین حمله آنها در آوریل ۲۰۲۴ [فروردین] بود که بیش از ۳۰۰ موشک شلیک و تا حد زیادی دفع شد.»

● کلاهک موشک‌های بالستیک می‌تواند حاوی مواد منفجره معمولی یا مهمات بالقوه بیولوژیک، شیمیایی یا هسته‌ای باشد و در فواصل مختلف، با بُردهای مختلف به سمت اهداف پرتاب شوند.

● درگیری جمهوری اسلامی با اسرائیل یک جنگ بر اساس مدل‌های کلاسیک مثل جنگ هشت ساله با عراق نیست. جنگ آنها در ردیف «جنگ‌های ترکیبی/هیبریدی» دسته‌بندی می‌شود. در چنین جنگ‌هایی، تکنولوژی و قدرت نیروی هوایی، کیفیت متحدین و میزان حمایت آنها، مشروعیت اجتماعی، قدرت اقتصادی و سطح نفوذ تعیین‌کننده وضعیت میدان نبرد است که به هیچ مکانی محدود نیست.

حامد محمدی- تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد در موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل تأسیسات پایگاه هوایی «نواتیم» در جنوب اسرائیل هدف قرار گرفته است.

روزنامه «تایمز اسرائیل» پنجشنبه سوم اکتبر (۱۲ مهرماه) گزارش داد یکی از موشک‌ها به سقف یک ساختمان که گفته می‌شود انبار بوده اصابت کرده است.

این ساختمان نزدیک باند فرودگاه قرار دارد و فاصله زیادی با هواپیماهایی که در پایگاه مستقرند ندارد. در محل اصابت موشک یک حفره بزرگ ایجاد شده است.

در این گزارش آمده، ارتش اسرائیل به درخواست برای اظهار نظر درباره تصاویر ماهواره‌ای پاسخ نداد.

نوواتیم آشیانه پیشرفته‌ترین هواپیماهای نیروی هوایی اسرائیل، از جمله جت‌های جنگنده رادارگریز F-35 Light ning II ساخت ایالات متحده است.

ارتش اسرائیل روز چهارشنبه اذعان کرد که برخی از پایگاه‌های هوایی این کشور در حمله موشکی رژیم ایران مورد اصابت قرار گرفته‌اند، اما خسارات وارده «بی‌اثر» تلقی می‌شود، به این معنی که هیچ آسیبی به عملیات مستمر

مجید دیوانی عضو «سپاه قدس» در حمله هوایی اسرائیل به دمشق کشته شد



تصویری که گفته می‌شود مربوط به مجید دیوانی عضو سپاه قدس است

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن پیشتر گزارش داده بود که این ساختمان محل تردد اعضای سپاه و نیروهای حزب‌الله است. برخی منابع گفته بودند سه عضو سپاه در این حملات کشته و زخمی شده‌اند.

خبرگزاری «دانشجو» که عمدتاً خبرهای امنیتی را پوشش می‌دهد گزارش داد که مجید دیوانی «یکی از نیروهای فعال و مهم سپاه پاسداران» است که در مأموریت مستشاری در سوریه فعالیت می‌کرد. همین خبرگزاری نوشته «این حمله بخشی از سلسله حملات هوایی اخیر اسرائیل به سوریه است که با هدف تضعیف نیروهای محور مقاومت انجام شده است.»

در خبرها هیچ اشاره‌ای به درجه و مأموریت مجید دیوانی در سوریه نشده است.

مدتی است که اسرائیل طیف وسیعی از حملات را برای از بین بردن فرماندهان و تیم‌های وابسته به سپاه پاسداران در سوریه، عراق و لبنان به اجرا گذاشته است.

روزنامه «الشرق الاوسط» به نقل از یک منبع عراقی نوشت، اطلاعاتی در میان احزاب و گروه‌های چارچوب هماهنگی (گروه‌های شیعه نزدیک به سپاه) وجود دارد که نشان می‌دهد اسرائیل ۳۵ هدف در عراق را برای حمله شناسایی کرده که شامل رهبران سیاسی مهم و فرماندهان گروه‌های مسلح و شبه‌نظامی است.

بعد از کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله لبنان و عباس نیلفروشان از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در بیروت، موج جدیدی از حملات به پایگاه‌های شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه و لبنان آغاز شده است.

● منابع داخلی در ایران، پنجشنبه ۱۳ مهرماه تأیید کردند که یک عضو نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام «مجید دیوانی» در حمله هوایی اسرائیل به دمشق کشته شده است.

● این فرد که خبرگزاری‌های حکومتی می‌گویند «مستشار» بوده در حمله هوایی اسرائیل به یک ساختمان به ظاهر مسکونی در محله المزه دمشق کشته شده است. این ساختمان در حوالی کنسولگری جمهوری اسلامی قرار دارد. اسرائیل طی دو روز دو بار به اهدافی در این محله حمله کرد.

● سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن پیشتر گزارش داده بود که این ساختمان محل تردد اعضای سپاه و نیروهای حزب‌الله است. برخی منابع گفته بودند سه عضو سپاه در این حملات کشته و زخمی شده‌اند.

● خبرگزاری «دانشجو» که عمدتاً خبرهای امنیتی را پوشش می‌دهد گزارش داد که مجید دیوانی «یکی از نیروهای فعال و مهم سپاه پاسداران» است که در مأموریت مستشاری در سوریه فعالیت می‌کرد.

منابع داخلی در ایران، پنجشنبه ۱۳ مهرماه تأیید کردند که یک عضو نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام «مجید دیوانی» در حمله هوایی اسرائیل به دمشق کشته شده است. این فرد که خبرگزاری‌های حکومتی می‌گویند «مستشار» بوده در حمله هوایی اسرائیل به یک ساختمان به ظاهر مسکونی در محله المزه دمشق کشته شده است. این ساختمان در حوالی کنسولگری جمهوری اسلامی قرار دارد. اسرائیل طی دو روز دو بار به اهدافی در این محله حمله کرد.

➔ یک گام بالاتر از آخرین حمله آنها در آوریل ۲۰۲۴ [فروردین] بود که بیش از ۳۰۰ موشک شلیک شد و تا حد زیادی دفع شد.»

تعداد موشک‌هایی که در عملیات «وعده صادق ۲» به اسرائیل پرتاب شده کمتر از تعداد پرتابه‌هایی است که در عملیات «وعده صادق ۱» پرتاب شد اما تعداد موشک‌هایی که اینبار به زمین اصابت کرد بسیار بیشتر بود.

فابیان هینز کارشناس زرادخانه موشکی ایران در مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک مستقر در برلین بر اساس ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی از موشک‌پرانی جمهوری اسلامی منتشر شده چنین ارزیابی کرده است که در این حمله از انواع موشک‌های بالستیک سوخت جامد از جمله «حاج قاسم»، «خبرشکن» و «فتاح ۱» و نیز موشک‌هایی با پیشرفته‌های سوخت مایع احتمالاً «عماد»، «بدر» و «خرمشهر» استفاده شده است.

«دیلی میل» در این گزارش می‌نویسد: «موشک بالستیک در هنگام صعود اولیه هدایت‌شونده است اما در بیشتر مدت پرواز خود تحت گرانش (قوه جاذبه) مسیر سقوط آزاد را دنبال می‌کند. کلاهک آنها می‌تواند حاوی مواد منفجره معمولی یا مهمات بالقوه بیولوژیک، شیمیایی یا هسته‌ای باشد و در فواصل مختلف، با بُردهای مختلف به سمت اهداف پرتاب شوند.»

به گفته‌ی دفتر مدیر اطلاعات ملی آمریکا، حکومت ایران به بیشترین تعداد موشک بالستیک در خاورمیانه مجهز است.

در این میان، مقامات اسرائیل در حال بررسی نحوه پاسخ به حملات جمهوری اسلامی هستند. در منابع مختلف طیف گسترده‌ای از سناریوها و اماکنی مطرح شده که احتمال دارد هدف قرار بگیرند؛ از پالایشگاه‌های نفتی و نیروگاه‌ها گرفته تا تأسیسات اتمی و نظامی و حتی ترور مقامات.

درگیری جمهوری اسلامی با اسرائیل یک جنگ بر اساس مدل‌های کلاسیک مثل جنگ هشت ساله با عراق نیست. جنگ آنها در ردیف «جنگ‌های ترکیبی/ هیبریدی» دسته‌بندی می‌شود. در چنین جنگ‌هایی، تکنولوژی و قدرت نیروی هوایی، کیفیت متحدین و میزان حمایت آنها، مشروعیت اجتماعی، قدرت اقتصادی و سطح نفوذ تعیین‌کننده‌ی وضعیت میدان نبرد است که به هیچ مکانی محدود نیست.

در چنین وضعیتی دست جمهوری اسلامی در مقابل اسرائیل چندان باز نیست اما حکومت ایران چندان پایبند به اصول انسانی جنگ نیست و برای دفاع از خود ممکن است از هر ابزاری حتی «سپر انسانی» استفاده کند.

اکنون اقدام متقابل اسرائیل در پاسخ به «وعده صادق ۲» که می‌تواند شامل هدف قرار دادن مراکز استراتژیک داخل ایران باشد، اگر به حد کافی بازدارندگی ایجاد نکند، دست جمهوری اسلامی را برای اقدامات خطرناک‌تر باز می‌گذارد. حتی برخی تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که گام بعدی تهران شاید روغایی از سلاح اتمی با «مب‌های کثیف» باشد.

با همه اینها اما مقام‌های اسرائیل همچنان در پیام‌های خود صحبت از جنگ نمی‌کنند. آنها مدل‌هایی را مطرح می‌کنند که اساس آن ضربات دقیق به اهداف استراتژیک است. به نظر می‌رسد مکمل برنامه‌های راهبردی اسرائیل در مقابل حکومت ایران، تقویت انگیزه‌ی مردم برای سرنوینی جمهوری اسلامی است. رهبران اسرائیل از جمله بنیامین نتانیاهو در هفته‌های اخیر بارها در پیام‌های خود تأکید کرده‌اند که در کنار مبارزات و خواست مردم ایران برای آزادی ایستاده‌اند.

پاییز آمد اما قطع برق بخش خانگی در همه ایران ادامه دارد



پارکینگ و... تنها بخشی از مشکلات این روزهای مردم با قطع پی‌درپی برق در پاییز است.

این گزارش افزوده با قطع برق به ویژه در واحدهای مسکونی آپارتمانی آب هم قطع شده و به کلی مردم را از زندگی ساقط می‌کند و در موارد متعددی مشاهده شده است که قطع برق، قطع اینترنت را هم در بر داشته و کسب‌وکارهای اینترنتی را هم از کار انداخته است.

شهروندان می‌گویند به برنامه‌ی قطع برق اعلام شده در شهرهای مختلف هم قابل اعتماد نیست و در بسیاری موارد قطع برق در ساعاتی غیر از ساعات اعلام شده در این برنامه یا به مدت طولانی‌تر اتفاق می‌افتد. آنها می‌گویند سال تحصیلی آغاز شده است و حالا دانش‌آموزان باید مانند سال‌های دور جنگ عراق و ایران زیر چراغ برساتی و شمع درس بخوانند. برخی از مقامات و علمای دینی نیز نگران اعتراضات مردم در پی قطع برق هستند. در همین رابطه آیت‌الله محمدجواد علوی طباطبایی بروجردی در ویدئویی که از سخنان او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده با اعتراض به قطع برق گفته «این خسارتی که الان قطعی برق دارد به کارخانجات می‌زند، محاسبه کردید چقدر می‌شود؟ با این مبلغ می‌شد چندین نیروگاه ساخت.»

او افزوده که «مملکت ما در بیشتر ایام سال آفتابی است، با این صفحات خورشیدی الان عربستان و جاهای دیگر سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده‌اند ما هم می‌توانیم این کار را بکنیم. پول ندارید؟ امکانی فراهم کنید مردم بیایند.» این مرجع تقلید شیعه افزوده «من وظیفه خودم می‌دانم این حرف‌ها را بزنم. سرفه‌های مردم خالی است، مردم مشکل دارند. بعد از ۴۳ سال دیگر فرصت آزمون و خطا نداریم، کار با تخصص و کاردانی پیش می‌رود نه با ادعا و آمار دروغ!»

اکبر فرج‌نیا مدیرعامل شرکت توزیع برق تبریز به خبرگزاری «فارس» گفته «با وجود گذر از پیک تابستان و سرد شدن هوا، به دلیل مشکلات فنی در نیروگاه‌ها همچنین برنامه‌ریزی برای تعمیرات سالانه از ابتدای مهرماه با کمبود برق مواجه هستیم.»

مدیر عامل شرکت توزیع برق تبریز افزوده که «با

در شهر گراش در جنوب استان فارس نیز از بعد از ظهر دیروز، پنجشنبه پنجم مهرماه برق برای مدتی طولانی در نیمی از محلات شهر قطع شد. رییس اداره برق گراش غروب پنجشنبه اعلام کرده که «نیمی از شهر به علت قطع یکی از ترانس‌های ایستگاه گراش توسط برق منطقه‌ای قطع شده است. او همچنین قطع برق شهرک فرهنگیان را نیز به خرابی یکی از تجهیزات شبکه ارتباط داد.

ویدئویی نیز در شبکه‌های اجتماعی از اعتراض یک شهروند در شهرستان زابل منتشر شده که روز پنجشنبه پنجم مهرماه با حضور مقابل شرکت توزیع برق این شهرستان به قطع مکرر برق اعتراض کرده و خطاب به مقامات جمهوری اسلامی گفته «آن پهلوی بود که سد را شکست، چرا هیچ مسئولی عرضه نداره حقایق ما را از افغانستان بگیرد؟»

اشاره این شهروند به گرفت حقایق هیرمند از افغانستان توسط محمدرضا شاه پهلوی بود. این زن معترض همچنین گفت: «بیایید ما را برید خاک کنید؛ زندگی را برای ما جهنم کرده‌اید؛ بخچال و تلویزیون ما سوخت.»

سوخت لوازم الکترونیک شهروندان به دلیل قطع مکرر برق توسط زهرا سعیدی نماینده مبارکه در مجلس شورای اسلامی نیز به اعتراض او در صحن علنی منجر شد. او گفته «در یک روز چهار بار برق مبارکه قطع شده است. بخچال خانه ما سوخته و سه و نیم میلیون تومان هزینه تعمیر آن شده است. آن بازنشسته از کجا سه و نیم میلیون بدهد بخچالش را تعمیر کند؟ مردم از کجا ۲۰ میلیون بدهند بخچال بخرند؟»

خبرگزاری «فارس» نیز در گزارشی از اعتراضات و ناراضیاتی شهروندان در تبریز از قطع مکرر برق نوشته و تأکید کرده وضعیت این روزهای تبریز تقریباً مشابه روزهای مشقت‌بار تابستان و قطع پی در پی برق در آن روزهاست.

در این گزارش آمده که «پیامک‌های پی در پی قطعی برق که عمدتاً در ساعاتی از شب هم اتفاق می‌افتد باعث گلایه‌مندی و ناراضیاتی شدید مردم شده، چرا که با قطعی برق زندگی مردم به‌ویژه در شهرها دچار مشکل می‌شود.»

«فارس» نوشته آسیب به وسایل الکترونیکی، اختلال در کسب‌وکارها، گیر کردن داخل آسانسور، گیر کردن خودرو در

آسیب به وسایل الکترونیکی، اختلال در کسب‌وکارها، گیر کردن داخل آسانسور، گیر کردن خودرو در پارکینگ و... تنها بخشی از مشکلات این روزهای مردم با قطع پی‌درپی برق در پاییز است.

شهروندان می‌گویند به برنامه‌ی قطع برق اعلام شده در شهرهای مختلف هم قابل اعتماد نیست و در بسیاری موارد قطع برق در ساعاتی غیر از ساعات اعلام شده در این برنامه یا به مدت طولانی‌تر اتفاق می‌افتد.

ناترازی برق اکنون به ۲۰ هزار مگاوات رسیده و سال دیگر به بیش از ۲۶ هزار مگاوات می‌رسد یعنی بیشتر از یک چهارم حجم مصرف در کشور!

روابط عمومی شرکت برق شهرستان لارستان اعلام کرده خاموشی‌های پراکنده چند روز اخیر به دلیل از مدار خارج شدن چند نیروگاه عظیم تولید برق در کشور بوده که طبق وعده وزیر تا پایان این هفته تعمیرات آنها انجام و به مدار تولید باز خواهند گشت.

با وجود پایان فصل تابستان و اوج گرما در ایران اما برق بخش خانگی همچنان در شهرهای مختلف با قطع پی‌درپی روبروست و سبب شکایت و ناراضیاتی شهروندان شده است. پیشتر برخی کارشناسان هشدار داده بودند که کمبود برق حتی با وجود خنک شدن هوا نیز ادامه پیدا خواهد کرد و جبران ناترازی برق در کوتاه‌مدت امکانپذیر نخواهد بود.

در روزهای گذشته گزارش‌های زیادی از شهرهای مختلف ایران درباره قطع پی‌درپی برق و اعتراض شهروندان منتشر شده است. تداوم قطع برق شامل چند شهر یا یکی دو استان نیست و در استان‌های مختلف کلانشهرهایی چون تبریز در استان آذربایجان شرقی تا شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان سبب اعتراض شهروندان شده است.

روابط عمومی اداره برق لارستان در استان فارس پس از قطع طولانی‌مدت و پی‌درپی برق در این شهرستان اعلام کرد «پیرو مذاکره صورت گرفته با وزیر نیرو، خاموشی‌های پراکنده چند روز اخیر به دلیل از مدار خارج شدن چند نیروگاه عظیم تولید برق در کشور بوده که طبق وعده وزیر تا پایان این هفته تعمیرات آنها انجام و به مدار تولید باز خواهند گشت.»

طرح ناکام احیای دریاچه ارومیه؛ بودجه کلانی که مشخص نیست کجا و چطور هزینه شد!



عیسی کلانتری با تأکید بر اینکه در دولت ابراهیم رئیسی کاری برای دریاچه ارومیه انجام نشد گفته «حداقل در سه سال گذشته باید ۱۰۰۰ میلیارد تومان پول می‌دادند که فقط ۲۰۰ میلیارد تومان می‌دادند. الان طبق برنامه باید احیای دریاچه تمام می‌شد و آب در آن سرازیر می‌شد. نه تنها حقایق را ندادند، بلکه اقداماتی که باید انجام می‌شد، کنار گذاشته شد. سردهنه‌سازی نشده و کشاورزی توسعه یافته، در واقع اصلاً برنامه‌ها اجرا نشده است.»

اگر برنامه‌ها اجرا می‌شد باید دریاچه بالای ۳ هزار کیلومتر مربع وسعت داشت و بیش از ۴ میلیارد متر مکعب آب در آن بود. وقتی برنامه‌ها اجرا نشود، آب بخار می‌شود. سالانه حدود یک متر از سطح آب دریاچه بخار می‌شود و سه‌دهم متر هم بارش داریم یعنی ۷۰ سانتیمتر از عمق دریاچه در سال، منفی می‌شود و باید جبران شود. وقتی جبران نشود، دریاچه خشک می‌شود. یعنی کاری نکردند.»

مهدی اسماعیلی بیدهدنی عضو هیئت علمی دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران اما معتقد است بطور کلی فعالیت ستاد ملی احیای دریاچه ارومیه با ابهاماتی روبرو بوده است. او گفته «تشکیل ستاد ملی برای احیای این دریاچه اقدامی بسیار مثبت بود، اما علی‌رغم اطلاق عنوان ملی به این ستاد، اقدام ملی شکل نگرفت.»

او همچنین معتقد است جزئیات هزینه‌ها و محل صرف آن‌ها از سوی ستاد احیای دریاچه ارومیه ارائه نشد: «مقدار قابل توجهی بودجه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در اختیار این ستاد قرار گرفت، اما گزارشی از جزئیات هزینه‌ها و محل صرف آن‌ها ارائه داده نشد و ما هرگز نفهمیدیم این پروژه‌ها با چه مبالغی به چه افرادی واگذار شده است. این نیز یکی دیگر از آسیب‌های کار علمی است؛ زیرا کار علمی همواره نیاز به ارزیابی، اصلاح و بازنگری دارد.»

این استاد دانشگاه توضیح داده که یکی از مهمترین تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه، شکل‌گیری یک کانون ریزگرد نمکی در کشور است که نه تنها آثار سوء آن به شهرهای هم‌جوار و استان‌های دورتر می‌رسد، بلکه

● عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در دولت روحانی مدعی شده که طرح احیای دریاچه ارومیه در دولت رئیسی و به دلیل عدم تخصیص کامل بودجه شکست خورده است.

● مهدی اسماعیلی بیدهدنی استاد دانشگاه گفته مقدار قابل توجهی بودجه در دولت حسن روحانی در اختیار این ستاد قرار گرفت، اما گزارشی از جزئیات و محل هزینه‌ها آنها ارائه داده نشده و مشخص نشده است که پروژه‌ها با چه مبالغی به چه افرادی واگذار شده است!

● برنامه احیای دریاچه ارومیه در سال ۱۳۹۲ و در دولت اول روحانی آغاز شد که هدف آن بازگرداندن دریاچه ارومیه به سطح اکولوژیک هدف ۱۲۷۴/۱ متر تا سال ۱۴۰۵ و شامل چندین پروژه آبرسانی به این دریاچه در اقصای مختلف بود.

● روند خشک شدن دریاچه ارومیه از ابتدای تابستان ۱۴۰۳ شدت گرفت و در شهریور ۱۴۰۳ بطور کامل خشک شد.

رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست در دولت حسن روحانی ادعا کرده که در دولت ابراهیم رئیسی هیچ اقدامی برای احیای دریاچه ارومیه صورت نگرفته است. یک استاد دانشگاه اما عملکرد اجرایی و مالی ستاد ملی برای احیای دریاچه ارومیه را که در دولت روحانی تشکیل شد بطور کلی مبهم دانسته است.

عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در دولت دوم حسن روحانی و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» درباره اینکه چطور با وجود برنامه احیا، تابستان امسال این دریاچه خشک شد، از برنامه‌ای که او دبیر ستاد اجرایی آن است دفاع کرده و گفته «برنامه را اجرا نکردند. آن را رها کردند. اعتباراتی را که سازمان برنامه و بودجه در ۳ سال گذشته باید به دریاچه می‌داد، پرداخت نکرد، در واقع کمتر از یک دهم آنچه باید اعتبارات می‌دادند، تخصیص دادند.»

توجه به اینکه فعالیت صنایع از ابتدای مهرماه به روال عادی بازگشته و خاموشی در شهرک‌های صنعتی منتفی شده است، از این‌رو فشار بر سایر شبکه‌ها توزیع شده و منجر به قطعی برق در زمان اورهال هستیم.»
نویید فهم زاده کارشناس حوزه انرژی درباره ادامه قطع برق در روزهای گذشته گفته: «مدیران برق مناطق مختلف کشور برای توجیه بی‌برقی‌ها، به استدلال‌هایی حفظ منابع آب و تعمیر نیروگاه‌ها پناه می‌برند. این در حالیست که آب دقیقاً بر اساس برنامه‌های ارائه شده توسط مردم به مصرف رسیده و تعمیر واحدهای نیروگاهی از ۱۵ مهرماه آغاز می‌شود. این به آن معناست که واحدهای نیروگاهی خارج از مدار همچنان مورد تعمیرات اساسی قرار نگرفته اند. بنابراین در شهریورماه ۳۰۰۰ مگاوات ظرفیت نیروگاه حرارتی در کشور ما از مدار خارج شد. خروج این واحدهای تولید برق از مدار باعث شد در شهریور یک میلیون مگاوات ساعت برق کمتری نسبت به مرداد تولید شود. در نتیجه این استدلال‌ها به هیچ عنوان دلایل منطقی و قابل‌پذیرشی برای توجیه بی‌برقی در سطح کشور نیستند.»

او افزوده که «میزان مصرف برق و دما از سه جهت به یکدیگر مرتبط هستند. هر اندازه دما بیشتر شود، اولاً در بخش تولید برق، راندمان نیروگاه‌های برق کاهش می‌یابد؛ دوماً در طول شبکه انتقال برق میزان هدررفت برق افزایش می‌یابد و این باعث از دست دادن برق در بخش انتقال می‌شود؛ سوماً در بخش مصرف برق نیز به دلیل استفاده از وسایل سرمایشی توسط مردم با فزونی مصرف مواجه می‌شویم. در هر سه مورد دما در جهت تضعیف تولید، توزیع و انتقال برق عمل می‌کند.»

پیشتر نیز برخی کارشناسان به تداوم کمبود برق در پاییز و زمستان امسال و تشدید آن در ماه‌های آینده اشاره کرده بودند. بر اساس گزارش‌ها، ناترازی برق اکنون به ۲۰ هزار مگاوات رسیده و سال دیگر به بیش از ۲۶ هزار مگاوات می‌رسد یعنی بیشتر از یک‌چهارم حجم مصرف در کشور!

محمد دانای معنوی عضو کمیسیون مهندسی سیستم‌های سندیکی شرکت‌های تولیدکننده برق در گفتگو با روزنامه «پیام ما» گفته «وضعیت انرژی کشور در شرایط اورژانسی است. کمبود گاز در تابستان داشتیم، اما اکنون کمبود گاز به تابستان هم سرایت کرده و اکنون نیروگاه‌های «رجایی»، نیروگاه «منتظر قائم» و نیروگاه بندرعباس، همه مازوت سوزاندند. ما با یک چرخه طرف هستیم؛ وقتی گاز نداریم و آب پشت سدها خالی است، صحبت از نیروگاه سیکل ترکیبی برای عبور از بحران انرژی، خنده‌دار است.»

او با اشاره به اینکه مشکل ناترازی برق در کشور، مسئله‌ای نیست که بتوان طی یک سال یا دو سال آن را حل کرد و رفع این مشکل نیاز به برنامه‌ریزی دقیق ده‌ساله دارد گفته «راندمان متوسط نیروگاه‌های حرارتی ما حدود ۳۹ درصد است و این در حالیست که تکنولوژی‌های جدید در دنیا، راندمانی بالاتر از ۶۲ را تأمین می‌کنند. متوسط زمان ساخت یک نیروگاه سیکل ترکیبی با ظرفیت ۵۰۰ مگاوات، بین ۳۶ الی ۴۲ ماه است. پس اگر همین الان با فرض تأمین نقدینگی لازم برای ساخت ۲۰ هزار مگاوات اقدام کنیم (حدود ۱۵ میلیارد یورو) و فرض کنیم هیچ توسعه‌ای هم نداشته باشیم (در حال حاضر سالی ۷ درصد افزایش نیاز حداقلی داریم)، عملاً ما ۴ یا ۵ سال دیگر، این ناترازی سال ۱۴۰۳ را نخواهیم داشت؛ آیا این میسر است؟»

علی نیکبخت رئیس هیئت مدیره انجمن صنعتی نیروگاه‌های کشور نیز به تازگی اعلام کرده که در صورت ادامه روند فعلی و عدم چاره‌اندیشی، میزان ناترازی برق در تابستان ۱۴۰۴ حداقل ۲۶ هزار مگاوات خواهد بود.

می‌تواند تبعات فراملی نیز داشته باشد. این کانون ریزگرد نمکی در صورت شکل‌گیری، هم زمین‌های زراعی و باغات را به نابودی خواهد کشاند و اقتصاد آن منطقه را فلج خواهد کرد و هم با ایجاد بیماری‌های گسترده، موجب تحمیل هزینه‌هایی گزاف به سیستم بهداشت کشور خواهد شد.

مهدی اسماعیلی بیدهندهی همچنی درباره سرنوشت این دریاچه گفته «آینده دریاچه را دو عامل طبیعی و انسانی تعیین می‌کنند؛ عملکرد طبیعت به طول دوره خشکسالی و میزان ورود به فضای ترسالی وابسته است. تمامی اکوسیستم‌های آبی اعم از رودخانه، تالاب و دریاچه در فصل گرما با افزایش تبخیر و کاهش نزولات جوی، کاهش را در منبع آب خود تجربه می‌کنند. شدت کاهش این ذخایر آبی بسته به محل قرارگیری آن اکوسیستم و میزان تأثیری که از گرمای هوا می‌گیرد، متفاوت است. دریاچه ارومیه نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما متأسفانه به دلیل کاهش منابع آب ورودی به این دریاچه و تغذیه نشدن آن در طول سال و عدم پرداخت حقایق آن به‌میزان کافی، شدت تأثیرپذیری این دریاچه از فصل گرم سال به‌مراتب از آنچه باید، بیشتر است.»

این استان دانشگاه تأکید کرده «آثار سوء تخریب محیط زیست در میان مدت و بلندمدت خود را نشان می‌دهد و از همین رو در خصوص دریاچه ارومیه باید گفت که هنوز سیلی طبیعت به گوش ما نخورده که از درد آن آگاه شویم و اقدام مؤثری انجام دهیم.»

برنامه احیای دریاچه ارومیه در سال ۱۳۹۲ و در دولت اول روحانی آغاز شد که هدف آن بازگرداندن دریاچه ارومیه به سطح اکولوژیک هدف ۱۲۷۴/۱ متر تا سال ۱۴۰۵ و شامل چندین پروژه آبرسانی به این دریاچه در افق‌های مختلف بود.

این اهداف نه تنها در دولت ابراهیم رئیسی، که حتی در دولت حسن روحانی و با وجود تبلیغات گسترده‌ای که بر روی طرح احیا صورت گرفت و بودجه هفتگی که برای آن هدر رفت، تحقق پیدا نکرد.

مهدی زارع استاد دانشگاه و رئیس شاخه زمین‌شناسی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم ماه گذشته در یادداشتی در اینباره نوشت «به نظر می‌رسد که اولویت‌های مرتبط با دریاچه ارومیه در دهه گذشته تغییر چندانی نکرده و همچنان همان مباحث ۱۰ سال قبل در اولویت باشد. هم‌اکنون نیز یکی از دانشجویان دکترای نگارنده مشغول پژوهش بر روی تغییرات دینامیکی دریاچه ارومیه در دهه‌های اخیر است.»

مهدی زارع در این یادداشت از خشک شدن دوباره دریاچه ارومیه خبر داده و نوشته بود دریاچه ارومیه در بهار ۱۴۰۳ به صورت فصلی و با بارندگی نسبتاً خوب اواخر ۱۰۴۲ و ابتدای ۱۴۰۳ به صورت فصلی بخشی از آن در حدود یک میلیارد مترمکعب آبگیری شد ولی مجدداً از ابتدای تابستان ۱۴۰۳ روند خشک شدن آن شدت گرفت و مجدداً در شهریور ۱۴۰۳ بطور کامل خشک شد.

مهدی زارع تأکید کرده تصاویر جدید از دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که تا ۱۷ شهریور ۱۴۰۳ بخش‌های شمالی و جنوبی دریاچه ارومیه خشک شده و با پوشش نمکی سفید رنگی در تصاویر ماهواره‌ای دیده می‌شود.

خشک شدن چشمگیر دریاچه ارومیه خطر توفان گرد و غبار را برای ۵ میلیون نفر از ساکنان حوضه دریاچه تشدید کرده و باعث کاهش شدید فراوانی میگوهای آب نمک آرمیا و فلامینگوها و فعالیت‌های کشاورزی و گردشگری

شده است. خشک شدن شدید دریاچه باعث ادغام چهار جزیره جنوبی با هم و تشکیل پل‌های خشکی شده که زندگی پستانداران ساکن در جزیره‌های سابق - از جمله آهو ایرانی و گوسفند وحشی ارمنی - را تهدید می‌کند. دریاچه ارومیه بیش از ۹۰ درصد آب ورودی خود را از رودخانه‌های جنوبی دریافت می‌کند که عمدتاً با سدها تنظیم می‌شوند.

مرکز تحقیقات سنجش از دور دانشگاه صنعتی «شریف» آذرماه سال گذشته در گزارشی با عنوان «آنالیز ترانز، سطح و حجم دریاچه ارومیه با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای» تصاویری از تغییرات سطح آب دریاچه ارومیه از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۴۰۲ منتشر کرد.

این تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌داد که در طول یک سال منتهی به آذر ۱۴۰۲ آب این دریاچه حدود ۸۰ درصد خشک شده و حالا فقط چهار درصد از سطح آب دریاچه باقی مانده است. این تصاویر تکانهنده بیانگر مرگ بزرگترین دریاچه ایران و ششمین دریاچه آب شور جهان بود.

همچنین آخرین نتایج رصد وضعیت دریاچه ارومیه نشان می‌داد که طی ۲۵ سال گذشته و از سال ۱۳۷۷ تا کنون، به میزان ۹۷ درصد از سطح آب دریاچه ارومیه کاسته شده است.

این گزارش تأکید کرده بود «اگرچه بررسی‌های دقیق کارشناسی با اجماع محققین حوزه‌های مختلف دانش بر این باور بودند که تحقق احیای دوباره دریاچه ارومیه در یک بازه زمانی ۱۰ ساله امکان‌پذیر است، لکن به دلیل نبود امکان تأمین کامل و به موقع اعتبارات دولتی جهت پروژه‌های مورد نیاز از یک سو و نارسایی‌های ساختاری در دستگاه‌های مجری- بطور اخص وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست- برنامه با تأخیری سه ساله مواجه شد.»

مرکز تحقیقات سنجش از دور دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) نوشته بود که «نگرانی عمده در موضوع فعالیت برای احیای دریاچه ارومیه معطوف به این است که روند اقدامات انجام شده، همواره سیر به جلو ندارد و تغییر در مدیران عالی و مدیران میانی به تغییر در پارادایم فکری منجر شده و در نتیجه رویکردهای چندگانه و عمدتاً غیرعلمی و فرافکنانه اتخاذ می‌گردد. امری که جز به تعویق افتادن امر احیای دریاچه ارومیه، به تبعات گسترده بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی منجر شده و به سرمایه‌سوزی اجتماعی در افکار عمومی منتهی می‌گردد. نکته دیگر آن است که در ایران، موضوع خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها منحصراً به دریاچه ارومیه نیست. در چند دهه گذشته، شادگان، هورالعظیم، بختگان، تشک، پریشان، هامون، جازموریان، گاوخونی و ده‌ها دریاچه و تالاب دیگر در نقاط مختلف کشور با چالشی مشابه مواجه بوده و هستند.»

به عقیده کارشناسان این مرکز تحقیقات دانشگاهی «آنچه دریاچه ارومیه را در میان آنها به یک موضوع با اولویت بسیار بالا تبدیل می‌کند دو موضوع است؛ وسعت بسیار زیاد دریاچه ارومیه که مساحتی بالغ بر ۵۷۰ کیلومتر مربع در محدوده پارک ملی تقریباً برابر با وسعت استان البرز است که بستر خشک‌شده آن را به یک کانون بسیار بزرگ تولید گرد و غبار در محدوده شمال غرب تبدیل می‌کند و همچنین، نمکی بودن بستر خشک شده دریاچه ارومیه که خسارات بهداشتی، صنعتی، اجتماعی و اقتصادی متعاقب بروز توفان‌های گرد و غبار برخاسته از آن را تشدید کرده و غیرقابل جبران می‌کند.»

ادامه تراژدی معدن‌جو؛ از سنسوری که فقط برای بازرسان روشن می‌شد تا پرداخت هزینه حمل پیکر قربانیان از جیب بازماندگان

● وزیر کار: علی‌الحساب ۲۰۰ میلیون تومان به حساب دادستانی واریز شده که به خانواده‌های جانباختگان پرداخت خواهد شد. کارگران بیمه حوادث بودند و به هر خانواده بیش از یک میلیارد تومان پرداخت خواهد شد.

● مسعود بادین عضو هیئت مدیره «بیمه آسیا» گفته پس از اعلام گزارش‌های رسمی مراجع انتظامی و کارشناسان می‌توان درباره تخصیص و پرداخت خسارت از سوی «بیمه آسیا» تصمیم گرفت.

با گذشت یک هفته از حادثه انفجار در معدن زغال سنگ معدن‌جو، خانواده‌های کارگران جانباخته از عدم توجه مسئولان و ناچار شدن به پرداخت هزینه‌هایی تا ۲۰ میلیون تومان برای انتقال پیکر عزیزان‌شان گلایه دارند. وزیر کار جمهوری اسلامی اما مدعی شده که به هر یک از کارگران جانباخته رقمی بیش از یک میلیارد تومان پرداخت خواهد شد.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز شنبه ششم مهرماه ۱۴۰۳ اعلام کرد که این حادثه یکی از حوادث بزرگ معدنی در کشور به شمار می‌رود و دارای گستردگی جغرافیایی است زیرا کارگران شاغل در معدن از نقاط مختلف کشور بودند.

وی افزوده که «علی‌الحساب ۲۰۰ میلیون تومان به حساب دادستانی واریز شده که به خانواده‌های جانباختگان پرداخت خواهد شد. کارگران بیمه حوادث بودند و به هر خانواده بیش از یک میلیارد تومان پرداخت خواهد شد.»

احمد میدری در حالی که «بیمه حوادث» کارگران اشاره کرده که مسعود بادین عضو هیئت مدیره «بیمه آسیا» که شرکت طرف قرارداد معدن زغال سنگ «معدن‌جو» بوده گفته پس از اعلام گزارش‌های رسمی مراجع انتظامی و کارشناسان می‌توان درباره تخصیص و پرداخت خسارت از سوی «بیمه آسیا» تصمیم گرفت.

وزیر کار جمهوری اسلامی در سخنان خود افزوده «ما دو مسئله باید را از هم جدا کنیم، یکی خطاهای فردی یا قصورات فردی و دیگری خطاهای سیاستی و فرایندی که در حال تکرار است. در خصوص قصورات فردی این حادثه تأکید داریم که کمیته حقیقت یاب تشکیل شود تا علت حادثه مشخص شود و این پدیده باید به خوبی مورد بررسی قرار بگیرد.»

او در نخستین ساعات پس از حادثه و در حالی که هنوز برآوردی از شمار جانباختگان صورت نگرفته بود به



→ حمایت از مدیران «خودی» معدن درآمد و تأکید کرد در «معدنچو» تخلفی صورت نگرفته و این رویداد «واقعا یک حادثه بوده است».

در این میان، با اینکه هنوز علت وقوع فاجعه «معدنچو» مشخص نشده است اما سعید قلی‌زاده ثالث نجاتگر و مسئول شیفت پایگاه‌های «هلال احمر» طبس که از ساعتی پس از حادثه آنجا حضور داشته درباره بروز این حادثه گفته بود «کارگران در عمق ۸۰۰ متری کار می‌کردند. فشار گاز زیر ۲ درصد و نرمال بوده است. کارگران در حال پیکور زدن بودند که در یک آن پشت زغال سنگ میدان گازی عمقی باز شد و به بیرون نشت کرد. در این لحظه که فشار گاز بین ۵ تا ۱۰ درصد شده بود، ناگهان جرقه‌ای باعث انفجار شده است، حال این جرقه از کجا بوده هنوز مشخص نیست».

از سوی دیگر خانواده‌های کارگران جانباخته نسبت به برخورد‌های مدیران معدن و مقامات دولتی انتقادهایی را مطرح کرده‌اند. بسیاری از آنها خبر انفجار در معدن را از صداوسیما حکومت شنیدند و حتی مسئولان معدن برای اطلاع‌رسانی به خانواده‌هایی که عزیزانشان زیر آوار مانده بود زحمتی به خود نداده بودند.

یکی از کسانی که دو عضو خانواده‌اش در انفجار معدن مفقود شده‌اند، از لحظات سختی گفته که ساعت اولیه پس از حادثه گذارنده بود: «آدمیم معدن گفتند بروید بیمارستان. رفتیم بیمارستان گفتند اینجا نیستند بروید پزشکی قانونی. رفتیم پزشکی قانونی گفتند اینجا هم نیستند حتما در تونلی هستند که هنوز باز نشده است!»

به گفته او «یکی از آنها شش سال است در معدن کار می‌کند، یکی ۲ سال، اما هیچکس به ما نگفت سر اینها چه بلایی آمده است. ما از تلویزیون شنیدیم که معدن ریخته. تماس گرفتیم نشد خبری بگیریم، برای همین خودمان آمدیم. حالا هم به ما گفتند منتظر باشید تا ببینیم تکلیف چه می‌شود.»

همچنین بعد از پیدا شدن یکی پس از دیگری پیکر بی‌جان کارگران نیز هیچ حمایت و همراهی با خانواده‌ها صورت نگرفت.

در حالی که بسیاری از کارگران ساکن شهرهای دیگری غیر از طبس بودند، وزیر کشور جمهوری اسلامی دستور داده بود که هزینه حمل پیکرها و کفن و دفن کارگران از سوی مدیریت معدن پرداخت شود. با اینهمه به خانواده‌ها گفته شد که بروید هزینه را پرداخت کنید و بعد «فاکتور» بیاورید تا تسویه حساب کنیم!

خانواده‌ها می‌گویند ۱۵ تا ۲۰ میلیون هزینه حمل پیکرها به شهرهای محل سکونت‌شان شده است.

کارگران زنده مانده از حادثه معدن که در لحظه وقوع حادثه در معدن نبودند گفته‌اند «دوربین صداوسیما آمد و گفت ما حرف بزنیم. دهان باز کردیم به ما گفتند نه این حرف‌ها را نزنید! پس ما چه بگوییم؟ ما هیچ امکاناتی نداریم. مثلا یک کیسه خودنجات که نوعی ماسک است به ما دادند که دیدیم همه خراب است».

کارگر دیگری به روزنامه‌نگار «شرق» گفته «برادرم را از زیر آوار بیرون آوردند. سه تا بچه قدونیم‌قد و یک تورا می‌دارد. اگر فقط نیم ساعت زودتر خبر می‌دادند تا کارگرها بیرون بیایند، او الان زنده بود. من به خانواده چه بگوییم؟ بگوییم چه اتفاقی افتاد؟ برای چقدر حقوق جانش تمام شد؟».

کارگر دیگری نیز به «شرق» گفته که «از امکاناتی که به ما می‌دهند، هفته‌ای سه ماسک معمولی است که هنگام سرماخوردگی می‌زنیم. البته آن‌هم بدون فیلترهایی که رویش نصب می‌شود. بعد باید لاشه همان را تحویل بدهیم تا ماسک جدید بدهند. ما تمام مدت گلویمان سیاه است و

داخلی منتشر شده محمد مجتهدزاده بر اثر عارضه مغزی در آی سی یو بیمارستان طبس بستری شد و بر اساس گفته دکتر محمد زاده رئیس بیمارستان طبس هنوز سطح هوشیاری وی پایدار نشده است!

جدا از انتشار خبر بستری شدن مدیر عامل شرکت «معدنچو»، برخی از هم‌صنفی‌های او نیز در حال زمینه‌سازی برای عدم مسئول دانستن این شرکت در حادثه مرگبار یکشنبه گذشته هستند.

در همین رابطه سعید صمدی دبیر انجمن زغال‌سنگ گفته مدعی شده «معدنچو» یکی از بهترین سیستم‌های ایمنی در میان معادن زغال سنگ را داشته و گفته «هر دقیقه ۴ هزار و ۵۰۰ مترمکعب هوا در این معدن تهویه می‌شد. ما دو مدل تهویه در معدن داریم؛ مدل دهشی و مدل مکشی. معدن پرورده طبس سیستم تهویه معدن مکشی داشت، در این حالت لوله مکش هوا در نزدیکی سینه کار قرار می‌گیرد و گردوغبار و گازهای موجود در سینه کار را به خارج هدایت می‌نماید.»

او افزوده «به علت محدودیت‌هایی که وجود دارد لوله تهویه را نمی‌توان خیلی نزدیک به جبهه کار قرار داد، نزدیکترین فاصله لوله تهویه بین ۱۲ تا ۱۵ متری سینه کار است به همین علت در این فاصله فضای راکدی بین انتهای لوله تهویه سینه کار استخراجی به وجود می‌آید که تمرکز گردوغبار در آن فوق‌العاده زیاد خواهد شد. برای حل این مشکل به‌وسیله یک ونتیلاتور دهشی و یک لوله کوتاه دیگر هوای تازه را به سینه کار انتقال می‌دهند، بر اثر این کار گردوغبار متراکم‌شده به دهانه ورودی لوله مکش وارد می‌شود و این روش به نام اورلاب معروف است.»

این در حالیست که علیرضا محبوب دبیرکل «خانه کارگر» که از فعالان کارگری حکومتی به شمار می‌رود در مراسم یادبود کارگران جانباخته گفته «سنسوری که باید در هر قسمت کار قرار داده می‌شد تا حادثه قبل از وقوع به اطلاع می‌رسید، قیمتی حدود ۳ هزار و ۵۰۰ تومان داشته است. سنسور بوده ولی به مأموران ایمنی برای اینکه مزاحمتی برای کار ایجاد نکنند، گفتند که سنسورها را خاموش کنید! وقتی بازرس می‌آمد، سنسورها را روشن می‌کردند!»

علیرضا محبوب همچنین گفته «وکیل خواهیم گرفت و شکایت خواهیم کرد. پای شکایت خود نیز خواهیم ایستاد. این شکایت از همه کسانی است که باید در این حوزه به موضوع دقت می‌کردند.»

سینه‌هایمان خس‌خس می‌کند.» یکی دیگر از کارگران هم گفته «شیفت ما تمام شده بود. معدن را گاز گرفته بود و ما گفتیم داخل نیاید، اینجا پر از گاز است ولی هیچکس گوش نداد. سرپرست گفته بود کار کنید. الان چه کسی جوابگوی این درد است؟»

پیشتر نیز گزارش‌هایی از شرایط دشوار کارگران معدن و عدم رعایت نکات ایمنی در آن منتشر شده بود. رئیس شورای اسلامی کار استان «خراسان رضوی» گفته بود این معدن حتی به سنسور گاز متان که یکی از نخستین ابزارهای ضروری برای معادن زغال سنگ است مجهز نبود.

زهرا سعیدی سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفته «این معدن حتی مجهز به آژیر خطر هم نبوده و یا آژیر خطر آن خراب بوده است و به همین دلیل دو کارشناس ایمنی معدن هم جان خود را از دست دادند.»

«کیهان لندن» در گزارشی درباره «معدنچو» نوشته که آنچه در «معدنچو» رخ داده گونه فعالیت مافیاهایی است که در بدنه‌ی حکومت از رانت و ساختار «خودی» و «غیرخودی» بهره می‌برند و به سادگی قوانین الکن را نیز دور می‌زنند. «شرکت سهامی خاص معدنچو» یکی از شرکت‌های خصوصی بزرگ و قدیمی ایران بود که در سال ۱۳۴۵ و در حکومت پهلوی تأسیس شد. این شرکت مانند صدها کسب و کار موفق بخش خصوصی بعد از انقلاب تباه ۵۷ غصب شد و در اختیار دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۷۱ و در دولت اکبر هاشمی رفسنجانی این شرکت در روندی عجیب و پرابهام به چند نفر «واگذار» شد که همگی سابقه فعالیت در دولت را داشتند.

برای فونونه عزت‌الله قاسمی رئیس هیئت مدیره «شرکت سهامی خاص معدنچو» مدیرعامل یا جزو ساختار مدیریتی بسیاری از شرکت‌های صنعتی و تولیدی مصادره شده پس از انقلاب از جمله «پارس الکترونیک»، «کارتن البرز»، «کفش بلا»، «سیمان سپاهان»، «کشت و صنعت کارون» و «صنایع مس ایران» بوده است.

محمد مجتهدزاده مدیرعامل شرکت «معدنچو» نیز پیش از چهار سال، از بدو تأسیس «انجمن زغال سنگ ایران» تا سال ۱۴۰۱ ریاست آن را به عهده داشت. چنین سمتی مانند سوابق عزت‌الله قاسمی گویای روابط تنگاتنگ با دولت و دیگر نهادهای حکومتی است. بر اساس خبری که روز شنبه هفتم مهرماه در رسانه‌های

یک رویداد هولناک؛ دختر تندرست را ۱۷ سال در میان معلولان ذهنی نگهداری کردند!



از جمله در مرکز نگهداری «کوثر» اهواز و مرکز «فاطمه الزهرا» جهرم منتشر شده بود.

«کمپین معلولان» نیمه امرداد امسال با انتشار ویدئوی خشونت یکی از کارکنان مرکز نگهداری از معلولان کم توان ذهنی «نیلوفر آبی» علیه معلولان نوشته بود که کتک زدن معلولان در این مرکز به امری عادی تبدیل شده، به گونه‌ای که چند روز پیش دست علیرضا حیدریان، یکی از معلولان بستری هنگام بستن به تخت در اثر شدت ضربات شکست و قبل‌تر از او پای محمودجواد کاشانی از دیگر معلولان این مرکز به همین شکل آسیب دید اما مدیر مرکز حاضر به اعزام هیچکدام از آنها به مراکز درمانی نشد.

«کمپین معلولان» همچنین اعلام کرده بود که «غذاهایی که در این مرکز برای مددجویان تهیه می‌شود دون شأن انسانی مددجویان است و جا دارد نهادهای نظارتی سری به انبار، آشپزخانه و یخچال‌های این مرکز بزنند تا ببینند چگونه خوراکی‌های گندیده، تاریخ مصرف گذشته و مضر به دلیل ارزان بودن به خورد معلولان داده می‌شود.»

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی «کمپین معلولان» وضعیت پوشینه کردن معلولان در مراکز بدترین شرایط ممکن را دارد. مراکز در بسیاری از مواقع به جای پوشینه از پارچه‌های کهنه و مشما استفاده می‌کنند تا هزینه‌هایشان را کاهش دهند.

دادگستری استان بوشهر در واکنش به ویدئوی منتشر شده درباره مرکز «نیلوفر آبی» مدعی شد «فیلم منتشرشده در فضای مجازی مربوط به مرداد سال گذشته است. فردی که در فیلم منتشرشده اقدام به ضرب و شتم معلولان کرده است همان زمان از مرکز اخراج شده است.»

این در حالیست که «کمپین معلولان» اعلام کرده بود فرد ضارب تا هشت روز پیش از انتشار ویدئو همچنان در این مرکز مشغول به فعالیت بوده است.

سال‌ها بر سر این دختر آمده «شکنجه» بوده گفته «این دختر بارها در سنین نوجوانی اقداماتی از جمله خودکشی، خودزنی، فرار از مدرسه و حمله به مراقبان با چاقو داشته، تا شاید به این شکل بتواند اعتراض خود را به این بی‌عدالتی نشان دهد.»

بهرروز مروتی گفته مسئولیت چنین فاجعه‌ای متوجه مسئولانی از جمله مسئولان بهزیستی استان فارس است: «در این ماجرا، نام‌های مهمی از مسئولان بهزیستی استان فارس مطرح است که به دلیل عدم انجام وظایف قانونی خود، نقش اصلی در بروز این فاجعه را داشته‌اند. این افراد در دوره مدیریت‌شان علیرغم اطلاع از موضوع، هیچ اقدامی برای ترخیص این دختر از مرکز معلولان و انتقال او به محیط مناسب صورت نداده‌اند.»

او همچنین این سوالات را مطرح کرده که اکنون که جزئیات این ماجرای تکان‌دهنده آشکار شده، سوال این است که آیا مقامات قضایی و مدیران ارشد بهزیستی با این تخلفات و اهمال‌کاری‌های فاحش برخورد خواهند کرد؟ آیا پاسخگوی تباهی سرنوشت دختری خواهند بود که قربانی بی‌کفایتی سیستم شده است؟ آیا مواردی از این دست در سایر نقاط کشور وجود دارد که بهزیستی از آن مطلع نیست و یا مطلع است اما مانند همین مورد حاضر نیست برای آنها قدمی بردارد؟

تا کنون گزارش‌های زیادی از بروز تخلفات در سازمان بهزیستی منتشر شده است. از جمله در امرداد امسال ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد یکی از کارکنان مرکز نگهداری از معلولان کم‌توان ذهنی «نیلوفر آبی» در شهر بوشهر معلولان را مورد خشونت و ضرب و جرح قرار می‌داد.

پیش از آن نیز گزارش‌هایی درباره رفتارهای خشونت‌آمیز و آزار جسمی معلولان در مراکز دیگر وابسته به بهزیستی

● بهروز مروتی مدیر «کمپین معلولان» گفته دختری تندرست که به دلیل نداشتن سرپرست سال‌ها پیش به بهزیستی سپرده شده بود، از ۳ سالگی به مدت ۱۷ سال در مرکز خیریه «نرجس» در میان معلولان ذهنی نگهداری شده است..

● با وجود تأیید دوباره عدم معلولیت این دختر در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۴۰۱ توسط کمیسیون پزشکی، همچنان هیچ اقدامی از سوی مسئولان بهزیستی برای انتقال وی به مراکز امور اجتماعی مناسب صورت نگرفته است.

● این دختر بارها در سنین نوجوانی اقداماتی از جمله خودکشی، خودزنی، فرار از مدرسه و حمله به مراقبان با چاقو داشته، تا شاید به این شکل بتواند اعتراض خود را به این بی‌عدالتی نشان دهد.

● بر اساس ویدئویی که امرداد امسال منتشر شد، یکی از کارکنان مرکز نگهداری معلولان کم‌توان ذهنی «نیلوفر آبی» در شهر بوشهر معلولان را مورد خشونت و ضرب و جرح قرار می‌داد.

● پیش از آن نیز گزارش‌هایی درباره رفتارهای خشونت‌آمیز و آزار جسمی معلولان در مراکز دیگر وابسته به بهزیستی از جمله در مرکز نگهداری «کوثر» اهواز و مرکز «فاطمه الزهرا» جهرم منتشر شده بود.

مدیر «کمپین معلولان» با اعلام خبری تکان‌دهنده گفته یک دختر بچه تندرست که به دلیل نداشتن سرپرست سال‌ها پیش به بهزیستی سپرده شده بود، از ۳ سالگی به مدت ۱۷ سال در یک مرکز نگهداری معلولان ذهنی نگهداری شده است.

بهرروز مروتی مدیر «کمپین معلولان» گفته اسنادی که به کمپین معلولان رسیده و صحت آنها تأیید شده نشان می‌دهد دختری تندرست که به دلیل نداشتن سرپرست سال‌ها پیش به بهزیستی سپرده شده بود از ۳ سالگی به مدت ۱۷ سال در مرکز خیریه «نرجس» در میان معلولان ذهنی نگهداری شده است.

او توضیح داده که «این مددجو که «فاطمه ع. ج. ح.» نام دارد و بطور کاملا اتفاقی شناسایی شده، متولد آبان ۱۳۸۳ است. او از شش ماهی در شیرخوارگاه «علی‌اصغر» نگهداری می‌شد و در سال ۱۳۸۷ بدون هیچ‌گونه معلولیت به مرکز نگهداری خیریه نرجس شیراز سپرده شده و این دختر جوان اکنون در کلاس یازدهم رشته کامپیوتر تحصیل می‌کند.

مدیر «کمپین معلولان» تأکید کرده که «با وجود تأیید دوباره عدم معلولیت این دختر در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۴۰۱ توسط کمیسیون پزشکی، همچنان هیچ اقدامی از سوی مسئولان بهزیستی برای انتقال وی به مراکز امور اجتماعی مناسب صورت نگرفته است.»

او همچنین گفته نگهداری این دختر تندرست در میان معلولان ذهنی جنایت در حق این دختر و تأکیدی بر اوج بی‌کفایتی بهزیستی است.

بر اساس توضیحات بهروز مروتی این دختر بی‌گناه که می‌توانست سال‌ها پیش به خانواده‌ای سپرده شده و زندگی عادی داشته باشد، به دلیل کوتاهی مسئولان، مجبور به زندگی در میان معلولان ذهنی شده است.

مدیر «کمپین معلولان» با اشاره به اینکه آنچه در این

تداوم حاشیه‌های آثارفروشی غیرقانونی در موزه‌ها؛ یک نقاش می‌گوید «می‌دانم با تابلوهای من چه کرده‌اند!»

فرهنگی و هنری که هیئت مدیره شهرداری هم نمی‌تواند مصوبه‌ای برای انتقال اموال دولتی به موسسات خصوصی داشته باشد. چرا که اموال شهرداری عمومی بوده و فروش آنها تنها از طریق مزایده عمومی امکان‌پذیر است. پول حاصل از فروش هم باید مستقیماً به خزانه شهرداری واریز شود.»

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد دستبرد شهرداری تهران به آثار هنری و موزه‌های تنها به ۳۰ تابلوی نقاشی موزه «امام علی» ختم نشده و در این تخلف ابعاد گسترده‌تری دارد. رسول جعفریان استاد دانشگاه تهران به تازگی در شبکه «ایکس» نوشته «امروز تعدادی کتاب با مهر کتابخانه آیت‌الله طالقانی را در بازار کهنه کتاب دیدم. گویا از خانه آن مرحوم که کتابخانه شده و دست شهرداری است. چطور این کتاب‌ها به این بازار راه یافته است؟ آیا کسی توضیحی دارد؟»

نمونه‌های زیادی وجود دارد که آثار تاریخی و هنری ایران از سوی عوامل داخلی به «سرقت» رفته و مشتری‌های «خارجی» نیز آنها را خریداری کرده و بسیاری از این آثار اکنون سر از موزه‌های معتبر جهان درآورده‌اند.

در همین ارتباط، بیش از یک سال پیش نیز خبر مفقود شدن ۴۸ تخته فرش نفیس ساختمان حافظیه کاخ‌موزه سعدآباد منتشر شد. این فرش‌های نفیس بافت مشهد و اصفهان بودند و ارزش مالی تنها ۱۰ تخته آن‌ها معادل ۱۲۷ میلیارد تومان برآورد شده بود.

در حالی که برخی خبرگزاری‌ها مدعی شدند این فرش‌ها در سه سال منتهی به ۱۳۹۵ در دوران حسن روحانی گم شده‌اند اما خبرگزاری «ایبنا» تاریخ ناپدید شدن آن‌ها را به قبل از دولت روحانی نسبت داد. اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه خردادامه امسال اعلام کرده بود شماری از ۴۸ قطعه فرش مفقود کاخ سعدآباد در نهاد ریاست جمهوری اسلامی و بقیه فرش‌ها نیز در دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور است. او سرقت این فرش‌ها را تکذیب کرده و گفته آنها «جایجا» شده‌اند. سخنگوی قوه قضاییه گفته بود از ۴۸ تخته فرش نفیس سعدآباد، ۱۶ تخته فرش در نهاد ریاست جمهوری پیدا شده و ۲۵ تخته دیگر از کشور خارج شده و در دفتر نمایندگی ایران در خارج کشور استفاده می‌شود.

سخنان سخنگوی قوه قضاییه از سوی محمدهادی عبادی معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی رئیس جمهوری اسلامی رد شد. محمدهادی عبادی گفته بود که «اطهارات اخیر سخنگوی قوه قضاییه با اطلاعات ما از پرونده متفاوت است.»

این مقام دولتی گفته بود «بر اساس اطلاعاتی که ما از پرونده داریم و پیگیری‌هایی که از قضات پرونده به صورت مداوم داشته‌ایم هنوز از سرنوشت ۴۸ تخته فرش مفقودی خبری در دسترس نیست.»

محمدهادی عبادی افزوده بود رسیدگی به پرونده مفقودی این فرش‌ها در «مرجع قضایی صالحه» در حال پیگیری است و «اسناد و مدارک مناسبی دال بر قطعیت مفقودی فرش‌ها و علم و عمد از سوی متهمان و مرتکبان آن به‌دست آمده است.»

عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی در دولت رئیسی، نیز تأکید کرده بود که سرقت این فرش‌ها مربوط به سال‌های ۹۴ و ۹۵ بوده و دستور بررسی این موضوع را صادر کرد؛ دستوری که با گذشت چند ماه نتیجه‌ای در بر نداشته است.



و هنوز به این موزه بازنگشته و معلوم نیست کجا هستند! گزارش‌ها در ابتدا نشان می‌داد این آثار از طریق یک موسسه هنری به دویی منتقل و ۱۴ عدد از آنها نیز در یک حراجی در این کشور فروخته شده است. گزارش دیگری اما نشان می‌داد تنها دو تابلو با قیمت واقعی فروخته شده و بقیه تابلوها به صورت صوری و با قیمت ناچیز معامله شده است. همچنین اعلام شده بود که تابلوهای صوری معامله شده اکنون در دست افرادی در شهرداری تهران و حوزه هنری است. با اینهمه آثار خارج شده از موزه همچنان قیمت‌گذاری شده و منتظر «مشتری» هستند. آثاری از عنایت‌الله نظری نوری، علی‌اکبر صادقی، هانیبال الخاص، آیدین آغداشلو، حسین محجوبی، صادق تبریزی، احمد وکیلی و چندین اثر از نقاشان دیگر اکنون در دویی هستند. در وبسایت ورلد آرت دویی World Art Dubai این آثار با قیمت‌های مختلفی در زیرمجموعه گالری «مہستان» به فروش گذاشته شده است. مثلاً اثری بدون عنوان از صادق تبریزی به قیمت ۲۰ هزار درهم معادل حدود پنج هزار و ۵۰۰ دلار قیمت‌گذاری شده است. مهرداد باقری رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نیز هفته گذشته در صحن شورای اسلامی شهر و در توضیح سرنوشت تابلوها اعلام کرد که ۲ اثر از تابلوهای موزه «امام علی» خواهان داشته و فروخته شده و هزینه آن برای خرید آثار جدید صرف خواهد شد. او تأکید کرده بود که آثار خارج شده از موزه ارزش موزه‌ای نداشته‌اند اما دارای ارزش هنری هستند. از سوی دیگر روشن شده که سازمان فرهنگی و هنرش شهرداری تهران موسسه‌ای خصوصی را با استفاده از نیروهای «خودی» تأسیس کرده تا بتواند ساز و کاری برای فروش آثار هنری موزه «امام علی» ایجاد کند. موضوعی که قانونی بودن آن زیر سوال رفته است!

یک کارشناس حقوقی فعال در شهرداری تهران در اینبار به روزنامه «سازندگی» گفته که «نه تنها هیئت مدیره سازمان

فرح اصولی یکی از هنرمندانی است که آثارش در موزه «امام علی» بوده و می‌گوید: «اطلاعی از سرنوشت آثارم ندارم و واقعا در این مورد نگران هستم. این اتفاق از نظر من ترسناک است.»

ماه‌ها پیش خبر مفقود شدن ۴۸ تخته فرش نفیس ساختمان حافظیه کاخ‌موزه سعدآباد منتشر شد و با وجود تشکیل پرونده قضایی همچنان از سرنوشت این فرش‌ها خبری در دست نیست!

با گذشت سه هفته از رسانه‌های شدن پدیده عجیب فروش غیرقانونی آثار هنری از سوی موزه «امام علی» وابسته به شهرداری تهران، یکی از هنرمندانی که سه اثر او از چند سال پیش در موزه بوده می‌گوید تابلوهایش ناپدید شده و نمی‌داند با آثار او چه کرده‌اند. فروش آثار نگهداری شده در موزه‌ها تنها محدود به تابلوهای نقاشی نیست و از فرش تا کتاب را شامل می‌شود.

فرح اصولی یکی از هنرمندانی است که سه اثر او از چندین سال پیش در این موزه بوده‌اند و الان از سرنوشت‌شان خبری نیست. او در گفتگو با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته آثارش در موزه نیستند اما نام این آثار در میان ۳۰ اثری که به تازگی اعلام شده از موزه خارج شده‌اند هم نیست!

او که سه اثر خود با نام‌های «مه و خورشید»، «آدم حوا در بهشت» و «اخراج آدم و حوا از بهشت» گفته «اسم من هنوز بین کسانی که آثارشان به فروش رفته، اعلام نشده است و نمی‌دانم با تابلوهای من چه کرده‌اند و چون کسی را هم در بین کارکنان جدید این موزه نمی‌شناسم، نتوانسته‌ام اطلاعات بیشتری بگیرم.»

او تأکید کرده که «این اتفاق از نظر من ترسناک است. اطلاعی از سرنوشت آثارم ندارم و واقعا در این مورد نگران هستم.» بر اساس توضیحات فرح اصولی، بسیاری از هنرمندان معاصر آثار خود را با قیمتی بسیار ناچیز به موزه‌های می‌فروشند. او درباره علت این اقدام توضیح می‌دهد که «وقتی موزه‌ها اثر یا آثاری از ما می‌خواهد با اینکه تخفیف زیادی از هنرمند می‌گیرند اما با کمال میل آثارمان را به آنان می‌فروشیم، چون آثار در موزه ماندگار می‌شوند. معمولاً آثار هنری در موزه‌ها خوب نگهداری می‌شوند و کارهایمان را به جایی می‌دهیم که خیالمان از بابت مانایی‌شان راحت است و اعتباری برای هر دو طرف است.»

او همچنین گفته که «درواقع به موزه‌ها اعتماد می‌کنیم و حتی وقتی کالکتورهای خوب کارمان را می‌خواهند به آن راحتی و شیوه‌ای که راحت اثر را به موزه می‌دهیم به آنان نمی‌دهیم چون ممکن است کالکتور روزی کار را بفروشند یا با کار دیگری تعویض کند در نتیجه آن احساس امنیت در فروش کار به موزه را به دیگران نداریم.»

این نقاش گفته خواسته هنرمندانی که آثارشان در این موزه بوده، شفاف‌سازی کامل و اعلام اسامی ۳۰ هنرمند و تصویر آثارشان است تا بدانیم کدام کارها فروخته شده است. ماجرای ناپدید شدن ۳۰ اثر از موزه «امام علی» حدود سه هفته پیش از سوی ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران مطرح شد. او ۲۵ شهریورماه در تذکری به شهرداری تهران اعلام کرده بود که ۳۰ تابلوی ارزشمند از موزه «امام علی» که متعلق به شهرداری تهران است چند ماه قبل از محل این موزه و به بهانه برگزاری یک نمایشگاه خارج شده

مستأجران چگونه از تهران فراری شدند؟



خصوصی‌ترین لحظات زندگی‌شان را با دیگران به اشتراک بگذارند. نتیجه؟ کاهش حس مالکیت و اعتماد به نفس، و گسترش احساس بی‌پناهی در برابر وضعیت اقتصادی‌ای که هیچ پایانی برای آن متصور نیست. این تغییرات اجتماعی، به نوعی تخریب آرام و مداوم بافت خانواده است.

در ادامه آمده بود که حالا دیگر خانه، آن فضای گرم و خصوصی که سرپناهی برای استراحت و بازسازی روحی بود، نیست، بلکه تبدیل به محیطی شده که در آن، هر روز باید خود را برای تطبیق با دیگران و تحمل شرایط آماده کرد. در بلندمدت، این تحولات می‌تواند به نوعی از فروپاشی اجتماعی منجر شود، جایی که افراد نه تنها از فضای خصوصی خود، بلکه از امنیت و آرامش ذهنی‌شان نیز محروم می‌شوند. دولت‌های جمهوری اسلامی در حالی سال‌هاست با طرح‌های ناکارآمد و پوچ تلاش دارند مشکل بازار مسکن را حل کنند که همچنان «مسکن» گره کوری در اقتصاد ایران و البته کابوسی برای خانوارهای مستأجر است. مهدی پازوکی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی معتقد است تا زمانی که رانت و سفته بازی هست، مشکل مسکن تهران حل نمی‌شود. این اقتصاددان توضیح داده که «تعاونی‌های مسکن در کشور ما نه تنها باعث تعدیل توزیع درآمد نشده اند، بلکه تعاونی‌های مسکن، خود، عامل نابرابری شده اند. اکثر تعاونی‌های مسکن به محلی برای توزیع رانت تبدیل شده اند. این تعاونی‌ها که ریالی به دولت مالیات نمی‌دهند، تبدیل به مراکز بساز و بفروشی شده اند. آن‌ها همچنین از امکانات ویژه تعاونی‌ها از جمله زمین‌های ارزان، استفاده می‌کنند. یکی از راهکارهای مهم دولت برای حل این مشکلات، رسیدن به ثبات اقتصادی است که همین ثبات اقتصادی می‌تواند تورم را کنترل کند، در نهایت با کنترل تورم می‌توانیم مشکلات مسکن را هم حل کنیم»

او همچنین افزوده که تعاونی‌های مسکن بدون پرداخت مالیات در حال توزیع رانت هستند. این شیوه، سراسر اشکال است. اگر بتوانیم در اقتصاد ایران، مانع از رانت شویم و سلامت اقتصادی را به کشور برگردانیم، بسیاری از مشکلات را پشت سر خواهیم گذاشت. تعاونی‌ها، نابرابری را افزایش می‌دهند.

است. به گفته هادی سرخوش، بیشتر کارگران با دستمزدهای پایین دیگر توان اجاره خانه در شهر تهران را ندارند و به شهرهای اطراف تهران مهاجرت کرده‌اند، اما در این شهرها نیز با توجه به افزایش حجم تقاضا، اجاره خانه گران و در برخی موارد با توجه به کاهش توان مالی، کارگران اقدام به مهاجرت به سایر شهرها کرده‌اند.

او افزوده «می‌دانیم دولت با چه انگیزه‌ای حق مسکن کارگران را ماهی ۹۰۰ هزار تومان در نظر گرفته است، اما در نهایت چنین اقداماتی باعث کوچ کارگران به سمت سایر شهرها می‌شود که این موضوع می‌تواند تبعات سنگینی برای صنعت و بخش تولید و خدمات شهرهای بزرگ به همراه داشته باشد.»

نقل مکان به شهرهای اطراف برای آن دسته از افرادی که همچنان محل کارشان تهران است مشکلات جدیدی ایجاد می‌کند. افزایش هزینه رفت‌وآمد و البته هدر رفتن ساعت‌ها زمان در هر روز برای رفت‌وآمد، بسیاری از خانوارها به همین دلیل تصمیم گرفته‌اند در تهران بمانند اما از آنجا که درآمد آنها برای اجاره یک واحد مسکونی کفایت نمی‌کند به اسکان اشتراکی در یک خانه و یا اجاره زیرزمین یا پشت‌بام روی آورده‌اند. بر اساس گزارش‌ها سکونت در خانه‌های اشتراکی بیش از آنکه یک انتخاب باشد، یک ضرورت و اجبار است چرا که مستأجران کم‌درآمد ساکن تهران هیچ راهکار دیگری ندارند که بتوان گفت سکونت اشتراکی «انتخاب» آنهاست!

کارشناسان اما نسبت به عوارض این شیوه از همخانگی میان خانواده‌ها هشدار می‌دهند؛ از نداشتن حریم خصوصی تا زندگی شبانه‌روزی فرزندان این خانوارها با یکدیگر و... پیشتر وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به ابعاد پنهان همخانه شدن خانوارها با یکدیگر پرداخته و نوشته بود خانه اشتراکی دیگر فقط یک سقف نیست، بلکه نمادی است از از دست رفتن رویاهای خانوادگی و استقلال فردی. در گذشته، داشتن خانه به‌عنوان یک هدف اجتماعی، نماد موفقیت و استقرار بود، اما امروز، همین مفهوم در حال فروپاشی است. خانواده‌ها به جای تلاش برای خرید خانه یا حتی اجاره یک واحد مستقل، باید خود را با کمترین‌ها تطبیق دهند و حتی

● سکونت در خانه‌های اشتراکی بیش از آنکه یک انتخاب باشد، یک ضرورت و اجبار است چرا که مستأجران کم‌درآمد ساکن تهران هیچ راهکار دیگری ندارند که بتوان گفت سکونت اشتراکی «انتخاب» آنهاست!

● بیشتر کارگران با دستمزدهای پایین دیگر توان اجاره خانه در شهر تهران را ندارند و به شهرهای اطراف مهاجرت کرده‌اند، اما در این شهرها نیز با توجه به افزایش حجم تقاضا، اجاره خانه گران شده است.

رویای دست‌نیافتنی خرید مسکن در تهران برای اقشار کم‌درآمد و حداقلی‌بگیر، در کنار تورم فزاینده اجاره‌بهای مسکن موجی از کوچ مستأجران از پایتخت را رقم زده است. یک خانوار ساکن تهران با رقم حداقل دستمزد و در حالی که همین امروز تورم در بازار مسکن «صفر» شود باید ۱۵۴ سال پس‌انداز کند تا شاید بتواند یک آپارتمان کوچک بخرد. افزایش قیمت مسکن بر افزایش اجاره‌بها نیز اثر داشته و تورم اجاره در برخی مناطق به بیش از ۱۰۰ درصد در یک سال رسیده است. اینهمه مستأجران را دسته دسته از پایتخت فراری می‌دهد.

خربرگزاری «ایسنا» در گزارشی با اشاره به موج گسترده مهاجرت مستأجران تهرانی از پایتخت، شهری که در آن به دنیا آمده و بزرگ شده و بخشی از هویت‌شان شده، نوشته که «ترک شهر زادگاه وقتی با میل و رغبت باشد، «مهاجرت» است؛ اما اگر اجبار باشد، شهروندان از دیارشان «اخراج» شده‌اند.» در این گزارش آمده که به استناد مرکز آمار ایران، یک زوج مستأجر و حداقل‌بگیر ساکن تهران ۱۵۲ سال باید انتظار بکشند تا شاید بتوانند در صورت ثابت بودن قیمت مسکن، آپارتمانی کوچک خریداری کنند.

آمارهای جدید بانک مرکزی نیز نشان از افزایش قیمت مسکن در ماه‌های گذشته دارد بطوری که در امرداد امسال میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در تهران به ۸۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده که نسبت به امرداد پارسل نزدیک به ۱۷ درصد افزایش داشته است. در حالی که وزارت کار حداقل حقوق ماهانه را ۷ میلیون و ششصد هزار تومان اعلام کرده است، به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی و گرانی مسکن در تهران، شهروندان را مجبور به خروج از تهران و سکونت در شهرهای دیگر می‌کند در همین زمان، مدت انتظار خرید خانه اول در سایر نقاط شهری کشور، ۵۹ سال است که نشان از مساعد بودن شرایط مسکن شهرستان‌ها نسبت به تهران است. این در حالیست که میزان دستمزدها در تمامی کشور، برابر است؛ بنابراین قدرت خرید مردم در سایر شهرها بیشتر است. شهروندان تهرانی باید شهری که زادگاه، هویت و بخشی از وجودشان است را به علت «گرانی» ترک کنند. در آنسو اما گزارش‌ها از افزایش پرسرعت قیمت مسکن و اجاره‌بها در شهرهای اطراف تهران حکایت دارد. در همین رابطه هادی سرخوش کارشناس بازار مسکن در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» به وضعیت گرانی اجاره مسکن در همین شهرهای اطراف تهران اشاره کرده و گفته «امسال نیز همانند سال‌های گذشته بازار مسکن در یک تب گرانی به سر می‌برد.»

این کارشناس مسکن تأکید کرده که تابستان ۱۴۰۳ تمام شد و شاهد رکود در بازار اجاره مسکن بودیم. هر چند تعداد زیادی از مستأجران به سمت شهرهای اطراف تهران کوچ کرده‌اند، اما هنوز تهران مملو از مستأجر است و این به معنای ضرورت ایجاد بسترهای لازم برای تأمین نیاز این عده

سیاست‌های ناکارآمد حکومت چگونه جوانان را از بازار کار فراری می‌دهد؟

دستمزدها را به طور عادلانه افزایش نداد بطوریکه رقم تعیین شده همچنان برابر با یک سوم رقم خط فقر در تهران و کلانشهرها است!

علی رضایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی دی‌ماه سال گذشته با تأیید عدم تمایل نیروی کار به استخدام گفته بود: «خالی شدن برخی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و حتی ادارات از نیروهای کاربلد، حاصل تورم عجیب و غریب و افزایش اندک حقوق این افراد و گرایش آنها به مشاغل کاذب است. به معنای واقعی کلمه فضای تولید خالی از کارگر شده است.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده بود که حقوق و دستمزد باید براساس واقعیت‌های جامعه باشد، در غیر این صورت، اگر کارگر و کارمند، انگیزه کافی نداشته باشند، موجب نارضایتی شده و باعث می‌شود که شخص به کارش دل نبندد و به مشاغل کاذب برگردد.

فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی سالهاست زندگی اقشار حقوق‌بگیر از جمله کارگران را با بحران روبرو کرده و این اقشار در تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی نیز ناکام هستند. فعالان کارگری می‌گویند دستمزد کارگران در بهترین حالت کفاف یک هفته تا ۱۰ روز زندگی ماهانه‌ی آنها را می‌دهد و در دو سوم ماه این خانواده‌ها برای تأمین حداقل خوراک نیز به بن‌بست می‌خورند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تازگی در گزارشی اعلام کرده نرخ فقر متوسط کشور در سال ۹۶ حول و حوش ۲۰ درصد بود اما در پایان سال ۱۴۰۰ این نرخ به بالای ۳۰ درصد رسیده است. کارشناسان اقتصادی اما معتقدند ۶۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند؛ یعنی رقمی بیش از ۵۰ میلیون نفر! با وجود اختلاف آمارهای اعلام شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تحلیل بسیاری از کارشناسان اقتصادی، اما این مرکز حتی درباره نرخ فقر بالای ۳۰ درصد جمعیت کشور هشدار داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی کردند با توجه به روند رو به رشد نرخ تورم، جمعیت بیشتری از کشور به زیر خط فقر سقوط کنند، این اتفاق بیش از همه طبقه متوسط کشور را تهدید می‌کند. این مرکز همچنین در گزارش خود بر ضرورت اتخاذ سیاست‌های اجتماعی متناسب با وضعیت مذکور جهت فقرزدایی از اقشار محروم جامعه و اتخاذ سیاست‌های لازم برای جلوگیری از سقوط دهک‌های میانی به وضعیت زیر خط فقر تأکید کرده است.

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت چهاردهم به تازگی اعلام کرده که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

وزیر کار دولت پزشکیان افزوده «کسانی که دچار فقر شدید هستند عمدتاً افراد بیکار هستند. در حالی که اغلب کسانی که به فقر مطلق دچارند، شغل و درآمد دارند، اما درآمد آنها کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. بر اساس داده‌های مرکز آمار، نرخ فقر شدید در کل ایران حدود ۶ درصد با جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر بود و برنامه‌هایی ریخته و منابعی داده شد که بتوانیم این را از بین ببریم.»

این در حالیست که فرشاد مومنی اقتصاددان اصلاح‌طلب با استناد به آمارهای مرکز آمار ایران اعلام کرده که ۸۹ درصد فقرا از شاغلین سابق و امروز هستند. او گفته «این عدد تکان دهنده است! یعنی بیکار نیستند ولی شغل‌هایی دارند که از نظر بازدهی درآمدی، قادر به تکافوی حداقل نیازهای اساسی‌شان نیست.»



حقوق بالا می‌گیرند ولی عده‌ای دیگر که اکثریت را شامل می‌شوند حقوق و دستمزد چندانی ندارند.»

مشکل بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی در کشور برای تأمین نیروی کار و عدم استقبال از آگهی‌های استخدام به ویژه در حوزه کارگری سبب شد تا این موضوع در بیستمین گردهمایی اعضای کمیسیون «بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید» اتاق بازرگانی تهران که در نیمه شهریور امسال برگزار شد نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

در این نشست آرمان خالقی نایب رئیس کمیسیون «بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید» اتاق بازرگانی تهران، ضمن عجیب توصیف کردن این وضعیت آن را به یک پارادوکس شبیه دانست و گفت: «در شرایطی که بیکاری شدید به نظر می‌رسد، اما تمایلی به کار وجود ندارد و این خلاف انتظار عرفی است.»

او با اشاره به اینکه مسئله اصلی مربوط به مشاغل صنعتی است توضیح داد: «یک دلیل عمده، فاصله مراکز صنعتی با شهرها بیان می‌شود چرا که حداقل دستمزد اجازه پرداخت هزینه حمل‌ونقل را نمی‌دهد. با این حال در شهرهایی که مسیر این‌گونه نیست و فاصله‌ها نزدیک است، نیز همین مشکل وجود دارد. حتی در برخی مناطق صنعتی، اقامتگاه هم فراهم شد، اما باز هم پاسخگو نیست. پس باید به عوامل دیگری نیز باید دقت کرد. برای مثال بحث آموزش کارگر با چالش مواجه شده است. بعضی شرکت‌ها تبدیل به آموزشگاه باقی شرکت‌ها شده‌اند، به ویژه در شرکت‌های پخش که بررسی کردیم این معضل به شکل جدی وجود دارد.»

نایب رئیس کمیسیون «بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع تولید» اتاق بازرگانی تأکید کرده بود که «ما از طرف تحت فشار هستیم؛ از یک‌سو نمی‌توانیم ماشین‌آلات تکنولوژیک وارد کنیم که جوانان تحصیل‌کرده جذب کار شوند؛ از طرف دیگر هم نمی‌توانیم بیش از این مزد بیشتر پرداخت کنیم.» در حالیکه نبود متقاضی برای آگهی‌های استخدام یک سال پیش نیز مورد تأیید و تأکید مقامات حکومتی قرار گرفته بود اما وزارت کار اسفندماه گذشته در تعیین رقم حداقل دستمزد که مبنای پرداخت حقوق کارگران است،

● هزینه زندگی کارگران به دلیل حقوق و دستمزد پایین با درآمدهایشان هیچ همخوانی ندارد به همین دلیل نیروهای جوان مایل نیستند وارد فضای کسب و کار در بخش‌های مولد شوند.

● فرشاد مومنی اقتصاددان اصلاح‌طلب با بیان اینکه ۸۹ درصد فقرا از شاغلین سابق و امروز هستند، گفته «این عدد تکان دهنده است! یعنی بیکار نیستند ولی شغل‌هایی دارند که از نظر بازدهی درآمدی، قادر به تکافوی حداقل نیازهای اساسی‌شان نیست.»

در حالی که نرخ بیکاری در ایران بیانگر نبود فرصت شغلی برای بسیاری از جویندگان کار است در آنسو مدت‌هاست گزارش‌هایی با محتوای «کار هست اما کارگر نیست» منتشر می‌شود. بخش قابل توجهی از افراد در سن کار که نیاز به درآمد هم دارند از اشتغال ناامید و سرخورده هستند.

کارشناسان کار می‌گویند هزینه زندگی کارگران به دلیل حقوق و دستمزد پایین با درآمدهایشان هیچ همخوانی ندارد به همین دلیل نیروهای جوان مایل نیستند وارد فضای کسب و کار در بخش‌های مولد شوند.

فرامرزی توفیقی فعال کارگری در گفتگو با وبسایت «رکنا» در توضیح پدیده همزمانی بیکاری و نبود نیروی کار گفته «جوان در بدو ورود به یک بنگاه اقتصادی هنگامی که رابطه کارگر و کارفرمایی را نمی‌بیند و نمی‌تواند امنیت و حداقل‌های زندگی خود را تأمین یا امیدی برای دریافت به موقع حقوق خود نداشته باشد و از سوی دیگر کارفرما به دنبال الزاماتی است که بتواند کارگری ساده را با حداقل حقوق جذب کند به این نتیجه می‌رسد که «بیکار همونم که راحت ترم.»

این فعال کارگری توضیح داده که «بر همین اساس وقتی بستر مناسب و فرایند قانونی وجود ندارد و از سوی دیگر حمایتی از سمت قانون و مجری آن صورت نمی‌گیرد این روند ادامه دارد.»

او تأکید کرده که «باید توجه داشت این اتفاق چه برای کارفرما که می‌خواهد بر حسب اعتماد جذب کارگر داشته کند و چه برای کارگری که به دنبال آینده‌ای روشن است؛ تاریک و بی نتیجه است چرا که ما به دنبال اجرای قانون نیستیم.» فرامرزی توفیقی «گسبختگی و ناهنجاری اجتماعی ناشی از رابطه میان کارگر و کارفرما، حدود دو سال است در ایران آغاز شده و می‌بایست در انتظار عواقب وحشتناک آن باشیم. امروزه علاوه بر مهاجرت‌های خارجی مهاجرت‌های درون کشور نیز افزایش پیدا کرده‌اند. جمعیت استان‌های یزد، اصفهان، همدان و... رو به کاهش و جمعیت استان‌های شمالی رو به افزایش است به این دلیل که این استان‌ها دارای مزارع و باغات زیادی بوده و مردم این استان‌ها با فکر به سود و خوشحالی این زمین‌ها را می‌فروشند. در حالی که این موضوع یکی از نتایج گسستگی اجتماعی است که نتیجه آن شکل‌گیری فاصله طبقاتی وحشتناک است.»

حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار نیز معتقد است که تداوم افزایش ۲۰ تا ۳۰ یا ۳۵ درصدی حقوق و دستمزد‌ها در مقابل نرخ بالای تورم و گرانی‌ها در بازار رویکردی اشتباه است که هر ساله تکرار می‌شود و چون تورم کاهشی نمی‌شود این روند خیلی بر بهبود معیشت تأثیری نمی‌گذارد. حمید حاج اسماعیلی تأکید کرده که «پرداخت‌های نابرابر در برخی مشاغل باعث می‌شود که حقوق برخی‌ها نادیده گرفته شود به همین دلیل اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت برای اجرا مورد توجه است، چرا که الان برخی‌ها

«چقدر آزادی در سرنوشت و انتخاب ما مهم است...»

۲۰۱۶ زمانی که با پیام سیستانی شاعر و نویسنده اهل سیستان در نروژ آشنا شدم، جرأت پیدا کردم تا به آرزویی که سالها در درونم آن را مخفی کرده بودم و برایم محال بود فکر کنم. پیام سیستانی شاعر و محقق است که روی ادبیات و گویش سیستانی بسیار کار کرده است. او استعداد صدا و درست ادا کردن کلمات اصیل سیستانی را در من دید و مرا تشویق کرد، و اینگونه اولین جرقه‌های حرفه‌ای برای یک پروژه بزرگ شکل گرفت و من شروع کردم به خواندن و در واقع متمرکز و جدی شدن برای خواندن.

اولین آلبوم ما با پروژه زنان سیستان با آهنگسازی بابک امیرمبشر با دو هدف اصلی شکل گرفت: یکی شنیدن صدای زنان آن منطقه و دوم زنده نگاه داشتن این زبان کهن. این زبان رفته رفته دارد از بین می‌رود و یا بیشتر با واژه‌های فارسی پر شده است. من در کارهایی که انتخاب کردم و می‌خوانم کاملا وفادار به آن زبان هستم و تمام کلمات کاملا

نمایشگاه نقاشی من با نام «افروdit، الهه زیبایی» در خانه هنرمندان ایران با موضوع محدودیت زنان برگزار شد. اینکه می‌گویم وحشتناک است! وقتی در جامعه بسته و زیر سانسور زندگی می‌کنید خود به خود خودتان را سانسور می‌کنید و این در شما نهادینه می‌شود. من هم همین کار را می‌کردم. با وجود خودسانسوری دوتا از تابلوهای مرا در آن نمایشگاه پایین آوردند، چون از نظر آنها شئون اسلامی در آن رعایت نشده بود. از آنجا بود که مسئله زنانگی و بدن زنان برای من بسیار مهم شد. متوجه شدم زن و بدن آن برای حکومت یک تابو و وحشت است. پس فهمیدم که در مسیر درستی قدم گذاشته‌ام.

هورا میرشکاری می‌گوید: زمانی که به فرانسه رسیدم یادم می‌آید اولین بار که باد پاها و موهای مرا لمس کرد به همسرم گفتم که چقدر زیباست! چرا این تجربه را در گذشته نباید می‌داشتم! لمس باد در موهایم یک شعر بود

● هورا میرشکاری متولد زابل، نقاش، مجسمه‌ساز و خواننده است. او از شهری حرف می‌زند که زنان در آن زیر سایه مذهب، سنت و مردسالاری سقف آرزوهایشان محدود شده است.

● «از کودکی دلم می‌خواست آواز بخوانم. صدای زنان در ایران ممنوع است. در جایی هم که من در آن به دنیا آمدم محدودیت‌ها فراتر است. آنجا زنان حتی با صدای بلند حرف نمی‌زنند. شما از کودکی یاد می‌گیرید با صدای پایین صحبت کنید. روزی را به یاد دارم که در مراسم سوگواری مادرم ناخودآگاه شروع کردم به خواندن در بین زنان فامیل؛ بی‌درنگ دستور از اتاق مردانه رسید که صدایم را بپزم. من صدایم را بریدم و سوگواری من برای مادرم نیمه‌تمام ماند تا زمانی که آزاد شدم.»

کتابیون حلاجان - مردم سیستان یکی از اقوام ایرانی هستند که در شرق و جنوب شرقی فلات ایران زندگی می‌کنند. سیستان دارای تمدنی بسیار کهن است. زبان مردم این منطقه فارسی و گویش آنها سیستانی است. در شاهنامه فردوسی از سیستان به نام زابلستان نام برده شده که زادگاه رستم قهرمان است.

هورا میرشکاری متولد زابل، نقاش، مجسمه‌ساز و خواننده است. او از شهری حرف می‌زند که زنان در آن زیر سایه مذهب، سنت و مردسالاری سقف آرزوهایشان محدود شده است.

هورا میرشکاری تحصیلات خود را در رشته نقاشی به پایان رسانده و با تمام محدودیت‌هایی که زیر پوشش چادر و نگاه خانواده داشته توانسته تحصیلات خود را به پایان برساند. او در سال ۲۰۱۶ به فرانسه مهاجرت کرد و ساکن شهر پاریس شد. این هنرمند اولین زن از منطقه سیستان (زابل) است که به روی صحنه رفته و آواز می‌خواند.

وی در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: سیستان هم‌مرز با افغانستان است و البته نیمی از آن در افغانستان است. تمام محدودیت‌هایی که برای زنان در افغانستان وجود دارد در سیستان نیز پابرجاست. سیستان منطقه‌ای بسیار مذهبی و مردسالار است که وضعیت زنان آنجا در سکوت کامل است. من در خانواده‌ای بسیار مذهبی به دنیا آمده و بزرگ شدم. در رشته ریاضی دیپلم گرفتم و در دانشگاه در رشته نقاشی تحصیل کردم. علاقه من به هنر و موسیقی بی‌حد بود اما می‌دانستم که راه سختی در پیش دارم.

نام مرا می‌توانید «محدودیت» بگذارید. امید به رهایی داشتم اما می‌دانستم که راحت و بی‌هزینه نخواهد بود. هورا میرشکاری ادامه می‌دهد: از آنجایی که من علاقمند بودم که هنر در بستر رویا مرا می‌برد به جایی که دوست داشتم و از محدودیت‌ها بیرون می‌زدم. قدم گذاشتن در این مسیر برای من به معنی استقلال و رسیدن به آزادی بود. هنر مرا از ایستادن و نظاره کردن بیرون می‌برد. دردهای مادرم و خواهرانم در من فریاد می‌شد.

در ۱۳ سالگی، به خاطر دو چاک کوچک کنار مانتویی که به تن داشتم از ترس برادرم چنان دویدم که در گل و لای به زمین خوردم. زمانی که به خانه رسیدم تصمیم گرفته شده بود! گفتند «دختر قدش بلند شده و برایش چادر بدوزید.» همان روز برای من چادر دوختند و من همان روز زیبایی‌ام را از دست دادم. از سرتا پای من سیاه شد. این هنرمند درباره فعالیت خود ادامه می‌دهد: اولین



هورا میرشکاری در فستیوال فرهنگی شهر اسلو با موضوع سیستان

سیستانی هستند، ادای درست این کلمات در ریتم‌ها و اوزان فارسی نمی‌گنجد، به خاطر همین است که قضاوت در مورد آنها نباید با معیار و خط‌کش‌های اوزان موسیقی فارسی صورت بگیرد.

من به سهم خودم تلاش می‌کنم تا این فرهنگ و این زبان از بین نرود و خوانندگی یکی از ابزارهای قدرتمند هنری است که می‌تواند فرهنگ را زنده نگاه دارد. همانگونه که تمدن کهن بیش از ۲۰۰۰ ساله شهر سوخته روزگاری سر بیرون آورد از دل خاک، ریشه‌های زبان و فرهنگ ما هم مفید شود برای تمدن ایران‌زمین.

در اشعار پیام سیستانی شیوایی این زبان شفاهی خوب بیان شده است، بدون تکیه بر اوزان زبان فارسی و همینطور از سمبل‌های آن جغرافیا بسیار استفاده شده مانند خورشید و یا بادهای ۱۲۰ روزه که از دریاچه هامون می‌آید و بجای باد خاک را وارد خانه‌های مردم می‌کند. شاید در چند سال آینده به خاطر شرایط جغرافیایی منطقه، سیستان در خاک مدفون شود و تنها همین آلبوم‌ها و اینگونه کارهای فرهنگی و هنری از آن فرهنگ و از آن زبان بماند. شرایط آب و هوایی، مذهب همه و همه در شکل گرفتن محدودیت‌های آن منطقه نقش داشته است. مردم در فقر هستند. ←

برای من. یک سال در جدال گذشت تا من باور کردم که آزادم و شروع کردم به کار کردن بدون خودسانسوری. در فرانسه تجربه زندگی در کنار هنرمندان از ملیت‌های مختلف برای من مثل یک دانشگاه دوباره بود. من کی هستم؟ این سوالی بود که از خودم می‌پرسیدم و خودم را از نو پیدا کردم اینبار بدون سانسور و در آزادی. همیشه به هنر چیدمان Installation Art و مجسمه‌سازی علاقمند بودم اما هیچگاه فکر نمی‌کردم که در ایران می‌توانم برجستگی بدن را بسازم. چقدر آزادی در سرنوشت و انتخاب ما مهم است.

از کودکی دلم می‌خواست آواز بخوانم. صدای زنان در ایران ممنوع است. در جایی هم که من در آن به دنیا آمدم محدودیت‌ها فراتر است. آنجا زنان حتی با صدای بلند حرف نمی‌زنند. شما از کودکی یاد می‌گیرید با صدای پایین صحبت کنید. روزی را به یاد دارم که در مراسم سوگواری مادرم ناخودآگاه شروع کردم به خواندن در بین زنان فامیل؛ بی‌درنگ دستور از اتاق مردانه رسید که صدایم را بپزم. من صدایم را بریدم و سوگواری من برای مادرم نیمه‌تمام ماند تا زمانی که آزاد شدم.

هورا میرشکاری سپس چنین توضیح می‌دهد: در سال

دائی جان ناپلئون در لندن



از انقلاب ۵۷ از آن ساخته شده است، کار ساده‌ای نیست، ولی داریوش رضوانی و مسعود رهنما، البته با همکاری دیگر عوامل این نمایش، توانستند با موفقیت این کار را انجام دهند. احمد رأفت در حاشیه این نمایش در لندن با داریوش رضوانی گفتگویی انجام داده است.

لندن در روزهای ۲۴ و ۲۵ شهریور میزبان دائی جان ناپلئون بود. داریوش رضوانی نمایش کمدی «عمارت دائی جان ناپلئون» را با الهام از رمان مشهور ایرج پزشکزاد با مسعود رهنما، هنرمند سرشناس ایرانی در نقش «دائی جان» روی صحنه برد. روی صحنه بردن رمانی که برای چند نسل از ایرانیان خاطره‌انگیز است و سریالی بسیار موفق در سال‌های قبل

کشاورزی و دامداری نیست. به خاطر خشکسالی مردم همه چیز را از دست داده‌اند و ما شاهد مرگ تدریجی سیستان هستیم. خشکسالی دوم با آمدن طالبان در افغانستان بیشتر شد زیرا آنها مرزها را بستند و دیگر آب را وارد هیرمند نمی‌کنند. مردم سیستان دچار مشکلات تنفسی و ریوی هستند. مادر من از سرطان ریه درگذشت و پدرم سال‌ها با مشکلات ریه دست و پنجه نرم می‌کرد و هر دو به سادگی از دنیا رفتند. من به عنوان یک هنرمند وظیفه دارم صدای آن منطقه باشم تا زیر خاک مدفون نشود. هورا میرشکاری در پایان اضافه می‌کند: زمانی که صدای آزادیخواهی مردم ایران در جنبش مهسا امینی به گوش دنیا رسید، دختران جوان این جسارت را به من نیز دادند و در من بیداری جدیدی متولد شد و دید من به زندگی تغییر کرد. من آن زمان در آزادی کامل روی صحنه می‌خواندم، اما با این جنبش مفهوم آزادی را بیشتر مزه کردم و خودم را در آغوش گرفتم و صدایم از من فراتر رفت. در این جنبش، ایرانیان در ایران آزادی را فریاد زدند، وقتی شما طعم شیرین آزادی را می‌چشید دیگر هیچ چیز به عقب بر نمی‌گردد. وقتی محدودیت‌ها را می‌شکنید اتفاقی مهیب می‌افتد. ما آزاد به دنیا آمده‌ایم و هیچکس نمی‌تواند این حق را با زور و اجبار از ما بگیرد. ممکن است مدتی، اما دوام نخواهد داشت و زنجیرها روزی پاره خواهد شد. زمانی که حتی یک پرنده از قفس آزاد شود، پرواز کردن را به دیگر پرنده‌ها یادآور خواهد شد و آنها هم روزی آسمان را در آغوش خواهند کشید.

کنفرانس «نقش محوری زنان در آینده ایران» در بارسلونا برگزار شد



کنفرانس حضور داشتند. در این کنفرانس نمایندگان احزاب سیاسی چون فهیمه ایلغمی از حزب مشروطه ایران (لیبرال-دمکرات)، نرگس اسکندری شهردار فرانکفورت و زندانی سیاسی سابق، شهلا انتصاری از امضاکندگان نامه برکناری علی خامنه‌ای نیز رشته سخن را به دست گرفتند. شهلا شفیق نویسنده ایرانی-فرانسوی که اخیراً نشان «شایستگی ملی» فرانسه را دریافت کرده است نیز یکی دیگر از سخنرانان این کنفرانس بود.

احمد رأفت با ناهید حسینی یکی از برگزارکنندگان این کنفرانس و از اعضای مؤسس «شبکه استقلال و برابری پایدار زنان» گفتگویی انجام داده است.

«شبکه استقلال و برابری پایدار زنان» ۲۴ شهریور در شهر بارسلونا سومین کنفرانس سالانه خود را با عنوان «نقش محوری زنان در آینده ایران» برگزار کرد. در این نشست که با پیام نرگس محمدی فعال سیاسی و برنده جایزه نوبل صلح از زندان اوین آغاز به کار کرد، پیامی ویدیویی از صدیقه وسمقی، دین‌پژوهی که به دلیل عدم رعایت اجباری به زندان محکوم شده ولی به دلیل مشکلات جدی بینائی در مرخصی استعلاجی بسر می‌برد، نیز پخش شد. برخی از خانواده‌های دادخواه چون شعله پاکروان، ماریا محمودی و عظمت اژدری و چند تن از آسیب‌دیدگان جسمی چون ارسطور پاسپار و کوثر افتخاری نیز در این

رنگ‌های سنتی و چهره‌های سنت‌شکن



اینبار مهمان نشست اندیشه، هنر و ادب در لندن، سهیلا سخنوری هنرمند شناخته شده ایرانی- بریتانیایی بود. کتابون شاهنده استاد تاریخ هنر دانشگاه «سواس» که در این نشست میزبان سهیلا سخنوری بود، در رابطه با چهره‌های سنت‌شکن زن در سال‌های قبل از انقلاب ۵۷ صحبت کرد. سهیلا سخنوری در آبان ۱۴۰۱ با ۲۸ پرتزه از زنان هنرمند و نویسنده سال‌های قبل از انقلاب در مرکز فرهنگی باریکن توانست توجه منتقدین و بازدیدکنندگان را جلب کند. پرتزه‌هایی که با استفاده از رنگ‌های غیرصنعتی که این هنرمند با الهام از تکنیک‌های کهنه و با استفاده از مواد طبیعی ساخته است رنگ آمیزی شده‌اند. احمد رأفت در حاشیه این نشست با سهیلا سخنوری گفتگویی انجام داده است.

نمایش لباس‌های محلی افغانستان در لندن



ویدئو

و رنگارنگی هستند. لباس‌هایی که با روی کار آمدن طالبان دیگر در خیابان‌ها دیده نمی‌شود. احمد رأفت گزارشی از این نمایشگاه در گفتگو با فرشته وفا و رحیم میثاق، دو تن از برگزارکنندگان آن، تهیه کرده است.

«انجمن افغانستانی‌های لندن» با هدف بزرگداشت از میراث فرهنگی و سنت‌های ملی، نمایشی از لباس‌های محلی این کشور را در لندن برگزار کرد. در افغانستان اقوام و گروه‌های اتنیکی زیادی در کنار هم زندگی می‌کنند و هرکدام دارای سنت‌های خود و به ویژه لباس‌های متفاوت

پیری معکوس ممکن است؟

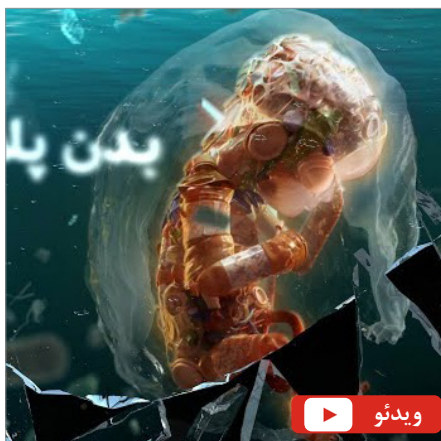


ویدئو

معکوس شدن پیری با تغییر در سبک زندگی و رژیم غذایی ظاهراً ممکن است. اما در میان جانوران این فقط آدمیزاد نیست که ممکن است بطور بالقوه توانایی معکوس کردن سن بیولوژیک خود را داشته باشد.

گروهی از زنان در آمریکا تنها در ۸ هفته سن بیولوژیک خود را بطور متوسط ۵ سال کاهش دادند. شش زن بین ۴۶ تا ۶۵ سال تحت یک برنامه هشت هفته‌ای قرار گرفتند که شامل تغییر در رژیم غذایی، خواب و ورزش بود. آنها همچنین از تکنیک‌های آرامش، مکمل‌های پروبیوتیک و آنتی‌اکسیدان استفاده کردند. مطابق این پژوهش که مارس ۲۰۲۳ در مجله Aging منتشر شد، آزمایش‌های خون، کاهش سن بیولوژیک را حداکثر تا ۱۱ سال نشان داد. سن بیولوژیک می‌تواند با سن تقویمی تفاوت داشته باشد. سن تقویمی به زمانی گفته می‌شود که فرد زندگی کرده است. در حالی که سن بیولوژیک به این معناست که سلول‌های بدن فرد چند ساله هستند. این پژوهش نشان می‌دهد

بدن پلاستیکی ما



ویدئو

مغز ما امروز حاوی ۹۹/۵ درصد مغز و بقیه از پلاستیک است!

یک پژوهش تازه که سپتامبر ۲۰۲۴ در مجله «نیچر» منتشر شد نشان می‌دهد بیش از ۳۶۰۰ ماده شیمیایی طی فرآیند تولید، پردازش، بسته‌بندی و ذخیره مواد غذایی در جهان به بدن ما وارد می‌شود که برخی از آنها ممکن است بطور جدی سلامتی را به خطر بیندازند.

گزارش‌ها از نفوذ مواد پلاستیکی ریز به بدن نگران‌کننده هستند. بر اساس تحقیقی که موسسه بهداشت آمریکا در مه ۲۰۲۴ منتشر کرد، نمونه‌های جمع‌آوری شده از مغز انسان در کالبدشکافی در اوایل ۲۰۲۴، حاوی قطعات ریزپلاستیک بیشتری نسبت به نمونه‌های جمع‌آوری شده هشت سال قبل بوده‌اند. دکتر Matthew Campen سرپرست تیم تحقیق می‌گوید این بدان معناست که

افزایش تقاضای

بازنشتگی پیش از

موعد و تشدید بحران

در تأمین اجتماعی

● آمار بازنشستگان پیش از موعد از ۱۴ درصد در سال ۹۱ به ۵۲ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ رسیده است.

● افزایش شمار بازنشستگان با توجه به روند افزایش جمعیت سالمند در ایران و در مقابل، کاهش جمعیت جوان سبب می‌شود طی سال‌های آینده سبب ناترازی در صندوق‌های بازنشستگی می‌شود. این در حالیست که در یک ساختار عادی سیاسی و اقتصادی، برای خارج شدن از چرخه‌ی بازار کار و بازنشستگی پیش از موعد شرایط ویژه از جمله بیماری وجود دارد.

مدیرکل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده آمار بازنشستگان پیش از موعد از ۱۴ درصد در سال ۹۱ به ۵۲ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ رسیده است. ریشه تمایل نیروی کار به بازنشستگی پیش از موعد به ناکارآمدی ساختار بازار کار باز می‌گردد و صندوق تأمین اجتماعی را با بحران روبرو می‌کند.

محمدرضا رخشانی مقدم مدیرکل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی گفته نرخ بازنشستگی پیش از موعد در سال‌های اخیر روند صعودی داشته، به گونه‌ای که از سال ۱۳۹۹ تعداد بازنشستگان پیش از موعد از بازنشستگان عادی پیشی گرفته است.

به گفته این مقام سازمان تأمین اجتماعی، آمار بازنشستگان پیش از موعد از ۱۴ درصد در سال ۹۱ به ۵۲ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ رسیده است که آماري تکان‌دهنده محسوب می‌شود. مدیرکل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی افزوده مجموع تعداد بازنشستگان کل کشور در پایان سال ۱۴۰۱ معادل ۲ میلیون ۶۲۳ هزار و ۲۸۷ نفر بود که از این تعداد ۵۵۰ هزار و ۴۵۰ نفر بازنشسته پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور بودند و در مجموع حدود ۲۱ درصد از مجموع بازنشستگان را تشکیل می‌دهند.

محمدرضا رخشانی مقدم با تأکید بر اینکه سن بازنشستگی در مواردی به حدود چهل سال و کمتر رسیده و گاهی نیروی کار در اوج تجربه، مهارت و تخصص از بازار کار خارج می‌شود، گفته که «سن بازنشستگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های پارامتریک در محاسبات بیمه‌ای، در بسیاری از کشورها متناسب با سن امید زندگی افزایش یافته است.» وی افزوده که «در ایران به رغم افزایش امید به زندگی، سن بازنشستگی که‌ماکان بدون تغییر باقی مانده و حتی به دلیل تصویب قوانین بازنشستگی پیش از موعد از جمله قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، سن بازنشستگی موثر هم کاهش یافته است.»

افزایش شمار بازنشستگان با توجه به روند افزایش جمعیت سالمند در ایران و در مقابل، کاهش جمعیت جوان سبب می‌شود طی سال‌های آینده منابع دریافتی و ارقام پرداختی صندوق‌های بازنشستگی و سازمان تأمین اجتماعی دچار ناترازی شود و این صندوق‌ها بیش از آنکه منابع ورودی داشته باشند، برای پرداخت مستمری و حقوق

➔ بازنشستگی هزینه کند.

در آنسو اما ساختار معیوب بازار کار سبب تمایل نیروی کار برای اعلام بازنشستگی و خروج زودتر از این بازار شده است. برخی به دلیل بی‌اعتمادی به صندوق‌های بازنشستگی و با هدف پرداخت کمتر حق بیمه، اقدام به بازنشستگی پیش از موعد می‌کنند تا ولو رقمی کمتر اما سال‌های بیشتری از مستمری استفاده کنند. برخی نیز با اعلام بازنشستگی به مشاغل آزاد و حتی کاذب می‌پردازند و بدین ترتیب در کنار درآمد حاصل از این مشاغل، رقم مستمری بازنشستگی خود را نیز دریافت می‌کنند. این در حالیست که در یک ساختار عادی سیاسی و اقتصادی، برای خارج شدن از چرخه‌ی بازار کار و بازنشستگی پیش از موعد شرایط ویژه از جمله بیماری وجود دارد.

از سوی دیگر دولت و کارفرمایان نیز با اخراج کارگران با سابقه در آخرین سال‌های منتهی به بازنشستگی سبب می‌شوند رقم دریافتی حقوق بازنشستگی آنها به شکل قابل توجهی کاهش یابد. برخی از شاغلان ترجیح می‌دهند پیش از آنکه در دو سه سال باقیمانده تا بازنشستگی، اخراج شوند خودشان اقدام به بازنشستگی پیش از موعد کنند.

خرگزاری «ایلنا» امرداد امسال در گزارشی به اخراج کارگران پیش از بازنشستگی پرداخته و نوشته بود که بدقابلی بیش از این نمی‌توان سراغ داشت که کارگری که ۲۸ سال تمام صاحب شغل و درآمد بوده و حقوق نسبتاً بالایی هم داشته، در دو سال آخر اشتغال، با تیغ تیز اخراج کارفرما آشنا شود. اخراج یا به زبان سرمایه‌داران حامی مقررات‌زدایی «تعدیل» [اخراج]، در دو سال آخر اشتغال کارگران سرنوشت آنها را عوض می‌کند و به ناکجا می‌کشاند.

اخراج کارگران در آستانه بازنشستگی بطور گسترده در جریان است و به پدیده‌ای نگران‌کننده برای جامعه کارگری ایران تبدیل شده است. حقوق بازنشستگی بر اساس میانگین حقوق ۲ سال آخر پیش از بازنشستگی محاسبه می‌شود و اگر کارگران در دو سال پایانی باقیمانده به بازنشستگی از بیمه بیکاری استفاده کنند، مقرری ناچیز بیکاری در محاسبه حقوق بازنشستگی نقش خواهد داشت و بنابراین مستمری دریافتی زمان بازنشستگی به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد.

خرگزاری «ایلنا» به نقل از یکی از کارگران نوشته این کارگر در سال‌های پایانی دهه ۹۰ مجتمع فولاد «قروه» که با تصمیم ناگهانی سهامداران اصلی تعطیل شد، کمی بیشتر از یک سال تا بازنشستگی راه داشت؛ اما کارگر متخصص کوره‌های ذوب که آن زمان بیشتر از دو برابر حداقل دستمزد، حقوق می‌گرفت، مجبور شد به بیمه بیکاری پناه برد. یکی دیگر از کارگران مجمع فولاد «قروه» به «ایلنا» گفته مجبور شده پولی را بطور صوری به یک کارفرمای دیگر بپردازد تا در چند ماه باقیمانده تا زمان بازنشستگی برایش حق بیمه بالاتر از حداقل رد کند؛ او تاکید می‌کند «پشتک وارو زدم و پول از جیب دادم تا توانستم با حقوقی تقریباً برابر با حقوق خودم بازنشست شوم...»

در ادامه گزارش «ایلنا» آمده مریم، زنی سرپرست خانوار که سال‌ها در یک شرکت تولیدی کار کرده، سرنوشت مشابهی دارد؛ او در نهایت نتوانسته حق خود را بگیرد و با بیمه بیکاری بازنشست شده: «شرکت ۶ ماه مانده به بازنشستگی ما اعلام انحلال کرد و ما را اخراج کرد؛ به در و دیوار زدیم، وکیل گرفتیم، شکوایتی به اداره کار نوشتیم اما هیچکدام افاقه نکرد؛ خلاصه کارفرما قوی‌تر بود... خیلی از ما با بیمه بیکاری بازنشست شدیم؛ در حقمان ظلم شد؛ سی سال کارگری کرده بودیم و شش ماه به پایان کار شرکت را منحل کردند، بعد از چند هفته وسط همان شرکت دیوار کشیدند و با نام دیگر کار را ادامه دادند؛ فقط ما در آتش



پیمانکارانی که سال‌ها قبل از مجموعه رفته‌اند و اقامه دعوا علیه آنها عملاً غیرممکن است؛ با این دستورالعمل ابلاغی، همه مسئولیت‌ها از کارفرمای مادر سلب شده و کارگران مانده‌اند و پیمانکارانی که هیچ مسئولیتی بر گردن نمی‌گیرند!

احسان سهرابی فعال کارگری نیز در اینبار به خرگزاری «ایلنا» گفته بود که «وزارت کار با این دستورالعمل ۹ خردادماه، تیر خلاص را بر پیکر کارگران پیمانکاری کشور شلیک کرد. این دستورالعمل پیمان‌دهنده را از هر مسئولیتی مبرا دانسته و کارگران را به مصیبتی جدید دچار ساخته است.»

این فعال کارگری در توضیح اینکه چرا کارگران امکان بازنشستگی پیش از موعد کارگران با این دستورالعمل وجود ندارد توضیح داده بود که «بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور مستلزم پرداخت ۴ درصد حق بیمه است و سازمان تامین اجتماعی فقط بعد از گرفتن این ۴ درصد با بازنشستگی کارگر موافقت می‌کند اما متأسفانه در این دستورالعمل، کارگران پیمانکاری حق مراجعه به دستگاه ناظر را ندارند.»

او افزوده بود که «برای مثال، کارگران شهرداری که در بخش خدمات شهری پیمانکاران مختلفی دارد، برای ۴ درصد فقط حق مراجعه به پیمانکار مربوطه را دارند یعنی یک پاکبان بعد از ۲۰ سال کار سخت که در این مدت ۲۰ تا پیمانکار عوض شده، حق مراجعه به شهرداری به عنوان کارفرمای مادر را ندارد؛ حالا این کارگر کجا باید دنبال پیمانکاران سابق بگردد؟ برخی از این پیمانکاران مدت‌هاست که فوت کرده‌اند و برخی دیگر مدتی‌ست که در دسترس نیستند.»

احسان سهرابی گفته بود «در چنین شرایطی ۴ درصد بازنشستگی پیش از موعد برای این کارگر پیمانکاری شهرداری که در مدت اشتغال با ۲۰ پیمانکار مختلف کار کرده، باید بین ۲۰ پیمانکار تقسیم شود و هر کدام بخشی از آن را بپردازند. کارگر این پیمانکاران را نمی‌تواند پیدا کند، خودش هم توان وصول این مبلغ سنگین را از جیب ندارد بنابراین محکوم است که سر کار ماند و به جای ۲۰ سال ۳۰ سال تمام کار کند تا بازنشست شود.»

به گفته این فعال کارگری، به جای ظلم به کارگری که در یک شغل سخت مشغول به کار است باید زیرساخت‌ها را درست کنند باید از سال اول به کارفرما تکلیف کنند که حق بیمه سخت و زیان‌آور را بپردازد.

سوختیم، بی هیچ جرمی... این زن کارگر تا آخر عمر باید با حقوقی بسازد که خیلی کمتر از استحقاقش هست؛ هیچکس هم به دوش نخواهد رسید.

خرگزاری «ایلنا» تأکید کرده «کارگران به امید بازنشستگی سال‌ها کار سخت را تحمل می‌کنند، سعی می‌کنند خود را پله به پله از نردبان شکسته‌ی پیشرفت بالا بکشند، اما فقدان تشکلهای مستقل و قدرتمند، رواج قراردادهای موقت و همه‌کاره بودن کارفرما در محیط کارگاه، کار را خراب می‌کند و امیدها را ناامید می‌سازد؛ غول اخراج همیشه در کمین است، حتی وقتی کمتر از یک سال تا بازنشستگی فاصله داری.»

اینهمه در حالیست که دولت همه توان خود را بکار گرفته تا از بازنشستگی پیش از موعد جلوگیری کند. خردادماه امسال وزارت کار دستورالعملی را ابلاغ کرد که بر اساس آن کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری در عمل امکان بازنشستگی پیش از موعد را ندارند. فعالان کارگری این دستورالعمل را «تیر خلاص را بر پیکر کارگران پیمانکاری کشور» ارزیابی کرده و به آن اعتراض کردند.

بر اساس این دستورالعمل همه مسئولیت کارگر شاغل در شرکت پیمانکاری بر عهده پیمانکار است و بدین ترتیب کارفرمای مادر هیچ مسئولیتی در قبال نیروی کار پیمانی ندارد. یکی از مهمترین عوارض این دستورالعمل این بود که کارگران در صورت اقدام برای بازنشستگی پیش از موعد باید هر یک از شرکت‌های پیمانکاری را که در طول سالیان سابقه کار، در آنها فعالیت کرده‌اند پیدا کرده و ۴ درصد حق بیمه به آنها پرداخت کنند در حالی که پیشتر برای پرداخت این حق بیمه به شرکت مادر مراجعه می‌کردند.

در متن این دستورالعمل آمده بود: «در رابطه سه سویه کار، رابطه کارگری و کارفرمایی بین کارگر و پیمانکار برقرار خواهد بود لذا در دعوی مطالبه چهار درصد حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور نیز در صورتی که رابطه سه سویه کار وجود داشته باشد، اقامه دعوا توسط خواهان (کارگر) باید علیه پیمانکار یا پیمانکاران در هر دوره از قرارداد کار و به سهم هر کدام صورت پذیرد...»

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی خرگزاری «ایلنا»، کارگری که در طول دوره اشتغال خود در یک کارگاه ثابت، با چندین پیمانکار مختلف قرارداد داشته، در زمان بازنشستگی پیش از موعد باید تا ابد معطل ماند چرا که پیدا کردن

چهار اسکادران جنگنده‌های آمریکا به خاورمیانه اعزام شدند

در پی حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳ اعلام کرد سه اسکادران دیگر شامل جنگنده‌های اف۱۵، اف۱۶- و اف۱۰- در حال حرکت به سوی منطقه هستند و یک اسکادران نیز به خاورمیانه رسیده است. جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا در واکنش به حمله موشکی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل گفته بود حمله ایران «فعال» نبوده اما در هر صورت ایالات متحده بطور کامل از اسرائیل دفاع می‌کند. ارتش و نهادهای امنیتی آمریکا در مقابله با موشک‌پرانی سپاه پاسداران با اسرائیل همکاری داشتند. آمریکا اعلام کرد از حق دفاع اسرائیل در پاسخ به حمله ایران حمایت می‌کند. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته از طریق سفارت سوئیس در تهران به آمریکا پیام دادیم که در درگیری میان اسرائیل و ایران دخالت نکند. برخی منابع به نقل از بایدن گزارش دادند که آمریکا از حمله به مراکز اتمی داخل ایران حمایت نمی‌کند.

استعفای ۱۵۹۰ پرستار در یک سال!

سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفته در سال گذشته، ۱۵۹۰ پرستار در ایران به دلایلی همچون سقف حقوق پایین، اضافه کاری ناچیز و سختی کار، از شغل خود استعفا داده‌اند. سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که تعداد استعفاهای و کناره‌گیری‌های پرستاران دو تا سه برابر بیشتر از مهاجرت‌های این قشر است.

مایکل نولز:

خوب خواهد شد کارتر آنقدر زنده بماند که بازگشت شاه را ببیند

مایکل نولز تحلیلگر معروف آمریکایی اول اکتبر ۲۰۲۴ به مناسبت ۱۰۰ سالگی تولد جیمی کارتر رئیس جمهوری سابق آمریکا در یک متن کوتاه در «ایکس» به اشاره به تحولات ایران



مایکل نولز:
خوب خواهد شد کارتر آنقدر زنده بماند که بازگشت شاه را ببیند

نوشت: «خیلی جالب خواهد بود اگر جیمی کارتر آنقدر زنده بماند که بازگشت شاه را ببیند.» بسیاری از تحلیلگران و مورخان جیمی کارتر را یکی از عوامل اصلی پشتیبانی از شورش‌ها منتهی به انقلاب ۵۷ می‌دانند. او خودش در یک مصاحبه گفته بود «من خمینی را برای ادامه حکومت بعد از شاه انتخاب کردم چون او به ما و کل غرب قول همکاری داد، قول داد بر سر قراردادهای نفتی بماند و همکاری کند.»

تعداد جانباختگان فاجعه‌ی معدن طبس به ۵۲ نفر رسید

استاندار «خراسان جنوبی» گفته در میان مصدومان سه نفر دچار مرگ مغزی شدند که اعضای پیکر یکی از این افراد پیشتر اهدا شده بود و اعضای دیگری از مصدومان اهل شهرستان فردوس نیز اهدا شد. حادثه انفجار ناشی از نشت گاز متان در معدن زغال سنگ «معدن‌جو» طبس حدود ساعت ۲۱ شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ رخ داد و کارگرانی که شمار آنها ۶۵ نفر اعلام شده در دو بلوک B و C معدن محبوس شدند. پس از این حادثه اطلاعاتی درباره این معدن منتشر شد که نشان می‌داد مدیران آن به رعایت نکات ایمنی کاملاً بی‌اعتنا بوده و این معدن ضروری‌ترین ابزار ایمنی از جمله سنسور کنترل گاز و آژیر خطر نیز نداشته است.

احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات نفتی یا اتمی جمهوری اسلامی!

روزنامه «وال استریت ژورنال» شامگاه سه‌شنبه دهم مهرماه ۱۴۰۳ به نقل از منابع عربی نوشت اسرائیل به مقامات جمهوری اسلامی پیام داده بطور مستقیم تأسیسات نفتی یا اتمی ایران را هدف قرار خواهد داد. «تانکر ترکرز» مرجع تخصصی ردیابی نفتکش‌ها با اشاره به حمله تلافی‌جویانه اسرائیل به تأسیسات نفتی ایران در تحلیلی می‌نویسد: «اگر اسرائیل تصمیم بگیرد با حمله به زیرساخت‌های نفتی ایران تلافی کند، منطقی‌ترین هدف پالایشگاه آبادان با ۱۱۱ سال قدمت در کرانه شط العرب است که مرز بین جنوب عراق و ایران را تشکیل می‌دهد. این پالایشگاه تقریباً یک چهارم از سوخت روزانه داخلی ایران را تأمین می‌کند.»

در این تحلیل همچنین آمده «در عین حال، حمله به بزرگترین پایانه صادرات نفت خام ایران (جزیره خارک) ایده خوبی نیست زیرا این خطر وجود دارد که قیمت نفت جهانی سه‌رقمی شود. در حالی که از کار انداختن پایانه‌های نفتی عمدتاً بلااستفاده ایران در جنوب کشور (در استان



احتمال حمله اسرائیل
به تأسیسات نفتی یا اتمی
جمهوری اسلامی!

هرمزگان و اطراف آن)، برنامه‌های ایران برای داشتن یک پلان B در صورت بستن تنگه هرمز را به تأخیر می‌اندازد.» در پایان مطلب آمده «بستن تنگه هرمز اما تنها بزرگترین مشتری ایران یعنی چین را ناراحت خواهد کرد. اگر چین نتواند از عربستان سعودی، عراق، کویت، قطر و بحرین نفت وارد کند، ایران با دردمس بزرگی مواجه خواهد شد. ایران در حال حاضر به اندازه عربستان سعودی به چین نفت صادر می‌کند.»

هشدار آژانس ایمنی هوانوردی اروپا در مورد خطرات پرواز از آسمان ایران

آژانس ایمنی هوانوردی اروپا روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳ به همه خطوط هوایی اروپایی توصیه کرده است که از پرواز در حریم هوایی ایران اجتناب کنند. در توصیه‌نامه این آژانس آمده است «با در نظر گرفتن حمله ایران به اسرائیل در اول اکتبر ۲۰۲۴ و اعلام تصمیم اسرائیل مبنی بر حمله تلافی‌جویانه» به خطوط هوایی توصیه می‌شود که از پرواز در همه ارتفاعات در آسمان ایران پرهیز کنند.»

محدودیت رستوران‌های ایران در ۵ روز عزای عمومی اجباری به خاطر کشته شدن نصرالله!

گزارش‌هایی از برخی شهروندان به دست کیهان لندن رسیده که نشان می‌دهد اداره نظارت بر اماکن عمومی در پی کشته شدن حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله و اعلام ۵ روز عزای عمومی اجباری توسط خامنه‌ای، فعالیت رستوران‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها محدودتر شده است. یکی از این شهروندان در تهران با اشاره به قطع موسیقی در این اماکن خدماتی گفت که رستوران‌ها عین ماه رمضان میز و صندلی‌های بیرون محوطه این مراکز را جمع کرده‌اند و فقط در داخل رستوران از مشتریان خود پذیرایی می‌کنند. یک خانم بلاگر نیز که برای انجام یک تبلیغ به رستورانی در پایتخت مراجعه کرده بود گفت که مدیر رستوران از او خواست که کار تبلیغ را به روز دیگری موکول کند چون امکان پخش موسیقی و ارائه سرویس به مشتریان در محوطه بیرون رستوران برای آنها وجود ندارد. این محدودیت‌ها در شرایطی اعمال می‌شود که به گفته این شهروندان، پلمب رستوران‌ها و مراکز خرید در تهران به بهانه «بی‌حجابی» نیز با شدت بیشتری اجرا می‌شود.

تهدید شهروندان ایرانی از سوی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در اطلاعیه‌ای علیه



تهدید شهروندان ایرانی
از سوی سازمان اطلاعات سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی

شهروندان ایرانی نوشته هر گونه فعالیت در حمایت از اسرائیل جرم است و با مجرمان قاطعانه برخورد می‌شود. در این اطلاعیه از مردم خواسته شده آدم‌فروشی کنند: «در صورت مشاهده هرگونه فعالیت در حمایت از دولت جعلی اسرائیل در فضای مجازی، در اسرع وقت اطلاعات و مشخصات صفحات مذکور و گردانندگان آنها را به بخش گزارش‌های مردمی سایت گرداب ارسال کنند.»

کشته شدن حسن نصرالله در لبنان

مهم‌تر از جان باختن بیش از ۵۰ کارگر در معدن طبس! این عکس که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان می‌دهد که مقامات و نهادهای مسئول محلی تصمیم گرفته‌اند تا پوستر بزرگی از حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب‌الله که در حمله اسرائیل به بیروت و در مقر و مخفیگاه خود کشته شد، بجای پوستر بیش از پنجاه معدنکاری نصب شود که شنبه ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۳ بر اثر انفجار در معدن زغال سنگ طبس کشته شدند.

اوکراین:

انبار موشک‌های ارسالی جمهوری اسلامی را در خاک روسیه هدف قرار دادیم

ستاد کل ارتش اوکراین هشتم مهرماه در بیانیه‌ای اعلام کرد، انباری که در آن موشک‌های ارسالی جمهوری اسلامی ذخیره شده بود، در نزدیکی روستای کوتلوبان واقع در منطقه ولگوگراد روسیه مورد هدف قرار گرفت. در این بیانیه آمده است که نیروهای اوکراین به انبار موشک‌ها و سلاح‌های توپخانه‌ای که در حال مدرن‌سازی بودند، حمله کردند. این انبار تحت حفاظت شدید سامانه‌های جنگ الکترونیک و هوایی قرار داشته است. ارتش اوکراین قبل از این حمله اعلام کرده بود که یک قطار حامل موشک‌های ایرانی به این انبار رسیده است.

فرونشست زمین در خیابان مولوی؛

اختلال ترافیکی و گیر کردن کامیون ۱۰ تنی در تهران

به گزارش خبرگزاری «رکنا»، بامداد روز یکشنبه هشتم مهرماه ۱۴۰۳، حادثه فرونشست زمین در خیابان مولوی موجب اختلال شدید ترافیکی و تردد در این منطقه شد. این فرونشست که در میدان «محمدیه» رخ داد، سبب گیر کردن چرخ‌های یک کامیون ۱۰ تنی در زمین شد و تلاش‌های اولیه



فرونشست زمین در خیابان مولوی؛
اختلال ترافیکی و گیر کردن
کامیون ۱۰ تنی در تهران

پاسخ قاطع داده شد!؛

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم پس از اینکه جمهوری اسلامی پول مملکت را در موشک‌هایی به سوی اسرائیل دود کرد، در شبکه «ایکس» که در ایران فیلتر و ممنوع است نوشت: «بر اساس حقوق مشروع و با هدف صلح و امنیت برای ایران و منطقه، پاسخ قاطع به تجاوزات رژیم صهیونیستی داده شد!» وی ادامه داد: «این اقدام در دفاع از منافع و اتباع ایرانی بود. نتایج‌ها بداند، ایران جنگ‌طلب نیست اما در برابر هر تهدیدی قاطعانه می‌ایستد. این تنها گوشه‌ای از توان ماست. با ایران وارد درگیری نشوید!»

«همشهری آنلاین» مصاحبه علی دایی را حذف کرد!

«مسئولان بجای اینکه به فکر مردم ایران باشند، به فکر غزه، لبنان و عراق‌اند!»

وبسایت «همشهری آنلاین» وابسته به شهرداری تهران، مصاحبه علی دایی را که در آن به دفاع از مردم ایران پرداخته بود از خروجی این رسانه حذف کرد.

دایی در این مصاحبه که هشتم مهرماه منتشر شد، گفته است مسئولان جمهوری اسلامی «بجای اینکه به فکر مردم ایران باشند، در فکر مسلمانان غزه و لبنان و عراق هستند.» وی در واکنش به بی‌توجهی مسئولان به خانواده کارگران کشته شده در معدن طبس نیز گفت: «می‌شود که با یک تسلیت به خانواده‌یشان همه چیز را فراموش کنیم! باید برویم کنار این خانواده‌ها باشیم. به آنها کمک کنیم. این هم وظیفه دولت و مسئولین است. نمی‌شود همش ما فکر جاهای دیگر بود.»

او افزود: «چطوری در این مدت همه مسئولین ما وقتی صحبت می‌کنند فکر مثلا مسلمانان غزه هستند و لبنان. یا عراق و کشورهای دیگر. اول باید به فکر مملکت خودمان باشیم. به فکر مردم خودمان باشیم. من از قدیم شنیدم یک ضرب‌المثلی را که می‌گویند چراغی که به خانه رواست به



«همشهری آنلاین» مصاحبه
علی دایی را حذف کرد!
«مسئولان بجای اینکه به فکر مردم ایران
باشند، به فکر غزه، لبنان و عراق‌اند!»

شرکت توانیر خطاب به مردم:

در مصرف گاز صرفه‌جویی کنید تا برق قطع نشود!

شرکت توانیر در اطلاعیه‌ای خطاب به مردم اعلام کرده که «با توجه به اینکه عمده برق کشور از طریق سوخت گاز در نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود، تلاش برای تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها توسط همکاران وزارت نفت در حال انجام است.»

حفظ روند کنونی برای تأمین برق مورد نیاز کشور نیازمند همکاری همه هموطنان و دقت در مصرف برق و گاز است تا روند تأمین انرژی کشور همچنان به صورت پایدار تداوم یابد. در حالی که مقامات دولتی پیشتر اعلام کرده بودند با خنک شدن هوا و کاهش مصرف برق، کمبود برق نیز مدیریت خواهد شد اما در روزهای گذشته مشخص شده این کمبود در فصل‌های پاییز و زمستان نیز تداوم خواهد داشت.

دولت تلاش می‌کند کمبود برق را مرتبط با «مصرف» نشان دهد اما مسئله اصلی ناتوانی در «تولید» کافی برق است که در پی سال‌ها بی‌تفاوتی به توسعه صنعت برق به مرحله بحرانی رسیده است.

سناتور لیندسی گراهام:

فوری از دولت بایدن می‌خواهم با هماهنگی اسرائیل پالایشگاه‌های نفت ایران را هدف قرار دهد

سناتور لیندسی گراهام در واکنش به حملات موشکی جمهوری اسلامی از خاک ایران علیه اسرائیل، در شبکه «ایکس» از جمله نوشته است: «این لحظه انتخاب جهان آزاد در مود ایران است.»

آیت‌الله و رژیم ایران نازی‌های مذهبی هستند که می‌خواهند کشور اسرائیل را نابود کنند. این حرف آنهاست نه من. آنها می‌خواهند برای اسلام ناب [محمدی] به



سناتور لیندسی گراهام:
فوری از دولت بایدن می‌خواهم با
هماهنگی اسرائیل پالایشگاه‌های
نفت ایران را هدف قرار دهد

ایالات متحده حمله کنند؛ باز هم حرف آنهاست، نه حرف من. این حمله موشکی به اسرائیل باید نقطه عطف باشد و من از دولت بایدن فوری می‌خواهم که واکنشی قاطع در هماهنگی با اسرائیل نشان داده و از پالایشگاه‌های نفت ایران شروع کند.

باید ضربه محکمی به پالایشگاه‌های نفت زده شود زیرا منبع رژیم برای انجام اقدامات تروریستی آن است.»

مسجد حرام است.»

علی دایی همچنین گفت: «ما باید اول و آخر مردم خودمان را دریابیم. امکانات رفاهی، امنیت اقتصادی، امنیت شغلی و خیلی امنیت‌ها است که من می‌توانم پشت سر هم بگویم، اینها را برای مردم خودمان فراهم کنیم که این اتفاقات [اشاره به انفجار مرگبار معدن زغال سنگ در طبس] نیفتد.»

برای خارج کردن این کامیون از محل ناکام ماند.

خطر فرونشست زمین در سطح شهر تهران، به ویژه در بخش‌های مرکزی و جنوبی، از جمله خیابان مولوی و حوالی منطقه بازار، به یکی از نگرانی‌های جدی تبدیل شده است. وزارت راه و شهرسازی بارها در اینبار هشدار داده و اعلام کرده که این پدیده می‌تواند بطور جدی بر امنیت ساخت و سازها و زیرساخت‌های شهری تأثیر بگذارد.



عکس هفته | زنان حامی جمهوری اسلامی و پاسدارانش

این زنان روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳ در تهران جمع شدند تا از موشک‌پرانی رژیم علیه اسرائیل حمایت کنند.